

# زنان

سال سوم • بهمن و اسفند ۷۲ • ۷۲ صفحه • ۸۰۰

۲  
• خانم  
چرا سیاه می پوشی

• در خانه گرم و کوچکی  
شورای کتاب کودکان

• زنان جشنوار  
سیرده

• پرسشنامه نظر خواه  
از خوانندگان





خواب خوش

# رویایی دست یافتنی

با محصولات رویا

شرکت رویا تولید و عرضه کننده :

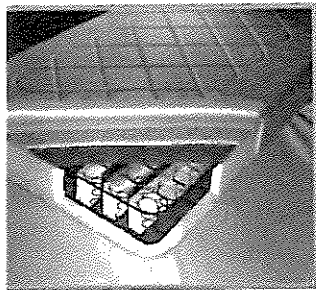
★ لحاف و سرویسهای ملحفه ★ تشکهای فنری و طبی در اندازههای مختلف

از بهترین و مرغوبترین مواد ، الیاف و پارچه



شرکت رویا  
Roya Corp.

تهران - میدان ونک - نبش خیابان برزیل - ساختمان فلاح - واحد شماره ۶ - تلفن : ۰۷۳۹ ۲۲۶ - فاکس : ۵۴۳۹ ۲۲۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان

سال سوم شماره ۲۲ بهمن و اسفند ۷۳



با امید کمال و رشد زنان  
حلول سال نو مبارک

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

گزارش و خبر	۲	خبر:
	۴	خانم، چرا سیاه می‌پوشید؟ با کوشش لیلی پورزند
ادبیات	۲۲	مهمان اشتباهی: لیلیانا هکر، ترجمه مزده دقیقی
	۲۶	درخانه گرم و کوچک شورای کتاب کودک:
	۳۵	صبحانه (شعر): مسعود احمدی
	۳۹	کوتاه، درباره کتابهای تازه:
هنر	۶۳	چی‌مه: قباد آذرایین
	۶۲	نقش هنر: سپیده خانبلوکی
	۵۰	زنان جشنواره سیزدهم: الهام خاکسار
	۶۱	چهره‌ها (۲) سیمایی از نقاشان معاصر ایران، عکسهای مریم زندی:
حقوق	۴۴	زنان از افتتاح حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری برای فرزندان خود محرومند چرا؟! مهرانگیز کار
علم	۱۸	این قدر چغلی نکن! لوسی امرسون مالیوان، ترجمه سهیلا پارسا
	۲۰	زنان در مصر: ترجمه ناهید فرخنده
	۳۶	مادر، چرا سرکار می‌روی؟! دایان هیلز، ترجمه الهه حاجتی
	۴۱	عقوت مجاری ادرار در زنان: استفان رای هافمن، ترجمه ندا سهیلی
	۴۸	کشفهای تازه درباره مغز زن و مرد: ترجمه علی اندیشه
	۶۴	چگونه بچه‌ها را به حرف بیاوریم؟ سندی شلتون، ترجمه افسون زمریدیان
	۶۸	دریغ از یک خواب راحت! کارولین جابز، ترجمه ثریا طالب‌زاده

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
- مدیر داخلی: رزا افتخاری
- طراح گرافیک: کوروش شبگرد
- امور مشترکین: شکوه اردلانی
- حرفه‌چینی کامپیوتر: معصومه رحیمی
- چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶
- چاپ متن: ممتاز، تلفن: ۳۱۱۸۰۳۲
- صحافی: شاهد
- روی جلد: کوروش شبگرد

- صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵
- تلفن: ۸۳۶۴۹۸
- فاکس: ۸۸۳۹۶۷۴
- شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:  
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان نو ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

# خبر

## برپایی سیزدهمین جشنواره فیلم فجر

سیزدهمین جشنواره فیلم فجر، از ۱۲ تا ۲۲ بهمن، با شرکت ۵۴ فیلم از سینمای ایران و نزدیک به ۲۰۰ فیلم از سینمای جهان، در دو بخش اصلی و جنبی برگزار شد.



در بخش اصلی، فیلمهای سینمای ایران به مسابقه گذاشته شد و بخش جنبی شامل عناوین جشنواره جشنواره‌ها، نمایشهای ویژه، فیلمسازان بزرگ و فیلمهای بزرگ، فیلمسازی در کشورهای مسلمان، سینمای ارمنستان و هنرهای دیگر، سینما و ادبیات چین و آلمان، ره‌آورد اصفهان، مروری بر آثار سرگمتی آیزنشتاین، (تئورسین روسی سینما)، بزرگداشت گنجی میزگوچی (فیلمساز نامدار ژاپنی) و برپایی نمایشگاههایی به مناسبت آغاز سده دوم سینما بود. میهمانان خارجی سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، تنی

چند از مدیران جشنواره‌های جهانی، نمایندگان دفاتر بخش فیلم، منتقدان و صاحب‌نظران سینمایی و سینماگران کشورهای مختلف بودند که تعدادی از آنان برای شرکت در سمینار «سینما در کشورهای اسلامی» در تهران حضور یافته بودند.

سینماهای آزادی، عصر جدید، آفریقا، کریستال، کانون، بهمن، ماندانا، شهر قصه، فلسطین، صحراء، سروش، فرهنگ، سپیده و فرهنگسرای خاوران و بهمن، محل نمایشهای فیلمهای جشنواره بود. سینما قدس به رسانه‌های گروهی، سینما فلسطین به دست‌اندرکاران سینمای ایران و سینماهای عصر جدید و سروش به میهمانان اختصاص داشت.

مراسم اختتامیه و اهدای جوایز به برگزیدگان جشنواره، بیست‌ویکم بهمن ماه، در تالار وحدت برگزار شد و داوران جشنواره سیزدهم، خسرو سینایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، محمد رحبی، ابراهیم فروزش و جواد شمقدری، طی بیانیه‌ای آرای خود را بدین شرح اعلام کردند:

● جایزه بهترین فیلم اول: دیپلم افتخار بهترین بازیگر خردسال به آیدا محمدخانی (بادکنک سفید)، دیپلم افتخار به کاظم بلوچی، رضا مقصدی و کسریم هاتفی برای فیلمنامه (کوچه و موزه)، سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به جعفر پناهی (بادکنک سفید).

● جایزه بهترین فیلم دوم: دیپلم افتخار به علیرضا رئیس‌یان (سفر)، سیمرغ بلورین به شهرام اسدی (درد واقعه).

● جایزه اجرای بهترین جلوه‌های ویژه: دیپلم افتخار به ولی‌الله خاکدان (کاکادو)، سیمرغ بلورین به محمدرضا شرف‌الدین (کیما).

● جایزه بهترین تدوین: سیمرغ بلورین به حسین زندباف (حمله به اچ ۳).

● جایزه بهترین صحنه‌آرایی: سیمرغ بلورین به مجید میرفخرایی (درد واقعه).

● جایزه بهترین صداگذاری: سیمرغ بلورین به بهروز شهامت (ساز و ستاره).

● جایزه بهترین صداپردازی: سیمرغ بلورین به بهروز معاویان و اصغر شاهرودی (کیما).

● جایزه بهترین چهره‌پردازی: سیمرغ بلورین به عبدالله اسکندری (آخرین بندر د درد واقعه).

● جایزه بهترین بازیگر نقش دوم زن: سیمرغ بلورین به گلاب آدینه (دوسری آبی).

● جایزه بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سیمرغ بلورین به علی مصفا (پری).

● جایزه بهترین سازنده موسیقی متن: سیمرغ بلورین به مجید انتظامی (درد واقعه).

● جایزه بهترین فیلمبرداری: سیمرغ بلورین به علیرضا زرین‌دست (پری).

● جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن: سیمرغ بلورین به مینا لاکانی (دبدار).

● جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد: دیپلم افتخار به محمدرضا داوودنژاد (خلع سلاح)، سیمرغ بلورین به خسرو شکیبایی (کیما).

● جایزه بهترین فیلمنامه: دیپلم افتخار به احمدرضا درویش (کیما)، سیمرغ بلورین به رخشان بنی‌اعتماد (دوسری آبی).

● جایزه بهترین کارگردانی: سیمرغ بلورین به داریوش مهرجویی (پری).

● جایزه بهترین فیلم: دیپلم افتخار به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (حمله به اچ ۳)، سیمرغ بلورین بهترین تهیه‌کننده به بنیاد سینمایی فارابی (درد واقعه)، که این جایزه را محمد حسین حقیقی، مدیر عامل بنیاد فارابی به علیرضا شجاع‌نوری بازیگر فیلم (درد واقعه) اهدا کرد.

● سیمرغ بلورین، جایزه ویژه هیأت داوران، به احمدرضا درویش (کیما) تعلق گرفت.

## تأسیس اولین دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی بانوان

اولین دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی برای زنان در دانشگاه الزهرا تأسیس می‌شود.

این دانشکده از سال تحصیلی آینده در دو رشته دبیری و آزاد در مقطع کارشناسی اقدام به پذیرش دانشجو می‌کند. از سال آینده ۶۰ دانشجو برای تحصیل در دوره‌های روزانه و شبانه این دانشکده پذیرفته خواهند شد.

پنج نفر از استادان زن با مدارک دکترای و کارشناسی ارشد به‌طور ثابت و ۱۰ نفر به صورت حق‌التدریسی در اولین سال تأسیس، در این دانشکده



تدریس می‌کنند.

یادآور می‌شود که طرح تأسیس دانشکده تربیت بدنی بانوان، ۱۹ آذر ماه سال جاری در شورای گسترش آموزشی عالی به تصویب رسید.

## ◀ برگزاری نمایشگاه برای حمایت از کودکان بی سرپرست

در بهمن‌ماه سال جاری نمایشگاهی از آثار نقاشان معاصر به جهت حمایت از کودکان بی سرپرست در گالری والی برگزار شد.

این آثار که همگی با تکنیک آبرنگ اجرا شده، به اهتمام استاد خرمی‌زاد و با شرکت ۲۱ نقاش زن و ۶ نقاش مرد که همه از شاگردان وی هستند، برگزار شد. عواید نمایشگاه به یکی از مراکز حمایت از کودکان بی سرپرست اختصاص داده شده است.

## ◀ فعالیتهای سیاسی زنان ژاپن رو به افزایش است

برخی از زنان ژاپنی اعتقاد دارند که هنوز مورد تبعیض واقع می‌شوند و عدالت میان زن و مرد رعایت نمی‌شود.

تلویزیون سی ان ان آمریکا ضمن اعلام این موضوع، خبر از تلاش زنان ژاپنی برای ورود گسترده‌تر به

عرصه سیاست داد.

در حال حاضر در پارلمان علیای ژاپن از ۲۵۲ عضو، ۳۸ نماینده زن هستند ولی از ۵۱۱ نفر عضو پارلمان سفلی این کشور، فقط ۱۴ نفر زن هستند. خانم مادوکا نماینده پارلمان به منظور ایجاد تحولاتی در جنبش سیاسی زنان، باشگاهی به نام «پنج‌جاء» را بنیانگذاری کرده است.

این نام بدین منظور انتخاب شده که ۵۰ درصد نمایندگان پارلمان ژاپن باید زن باشند. سازمانی در آمریکا به نام «فهرست امیلی»، الگویی برای تأمین‌کنندگان هزینه‌های این سازمان بوده است.

از سال ۱۹۸۵ جمع‌آوری پول برای زنان نامزد نمایندگی از حزب دمکرات هدف تدوین این فهرست بوده است.

خانم مادوکا که رهبری «حزب جدید» ژاپن را دارد، اوایل سال ۱۹۹۴ اولین مدرسه علوم سیاسی زنان را پایه‌ریزی کرد. این مدرسه در حال حاضر ۷۰ دانشجو دارد. هدف این مدرسه، آموزش سیاست به زنان است و آنان را به فعالیت سیاسی ترغیب می‌کند.

## ◀ «دیسکاوری» به فرماندهی یک زن به فضا پرتاب شد

برای اولین بار یک زن فرماندهی سفینه فضایی را به عهده گرفت.

فضاپیمای «دیسکاوری» از پایگاه کپ کاناورال در آمریکا به فضا پرتاب شد. این سفینه قرار است در فاصله ۱۰ متری ایستگاه فضایی

«میر» روسیه پرواز کند.

اهمیت پرتاب اخیر دیسکاوری بدان لحاظ است که پس از ۲۰ سال دو سفینه از آمریکا و روسیه در فضا با یکدیگر ملاقات می‌کنند. این مقدمه تعبیه ایستگاه فضایی بین‌المللی تا چند سال آینده است.

## ◀ نیم‌قرن پژوهش در بیابان

ماریا رایشه که یکی از معتبرترین کارشناسان باستان‌شناسی به حساب می‌آید، امسال نودمین سال تولد خود را جشن می‌گیرد.

ماریا رایشه، مهاجر آلمانی مقیم کشور پرو، طی مراسم جشن تولدش که یک هفته طول می‌کشد، کلید شهر را به عنوان قدردانی از زحمات علمی‌اش از سوی نمایندگان دولت و دانشگاه پرو دریافت می‌کند.

خانم رایشه در سالهای بحران اقتصادی جهان، اوایل دهه ۳۰ میلادی به پرو مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۴۱ در گوشه‌ای از یک بیابان وسیع، به طور اتفاقی شکل کنده‌کاری شده‌ی یک میمون را روی زمین می‌بیند و با کنجکاوای خطوط آن را تعقیب می‌کند. این تعقیب باعث می‌شود که بقیه نقوش کنده شده، متعلق به حیواناتی مثل ماهی و پرندگان استوایی، که در منطقه‌ای به وسعت ۵۰۰ کیلومتر مربع پراکنده بود، کشف شود. اکنون ۵۰ سال است که خانم رایشه روی این تصاویر و نقوش مشغول مطالعه و تحقیق است.

این تصاویر و نقوش را شبکه خطوط مدار مانند منحنی‌های حلزونی در خود گرفته‌اند، به طوری

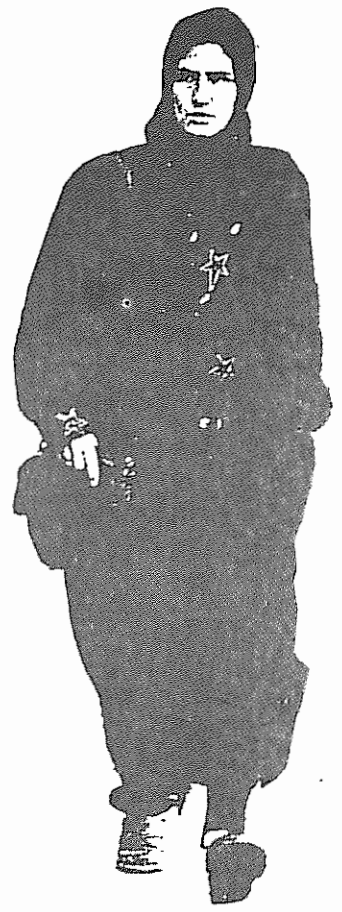
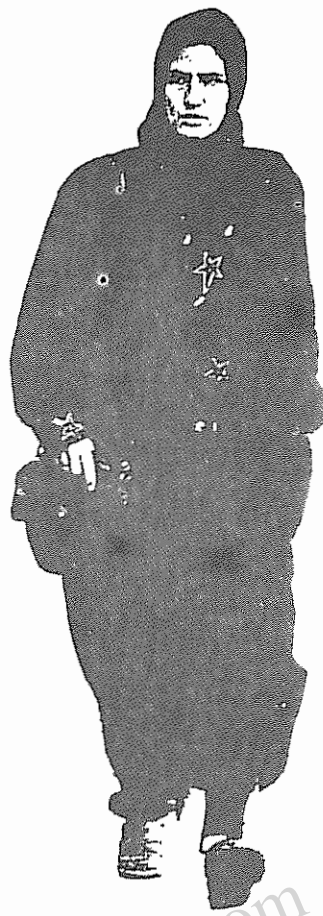
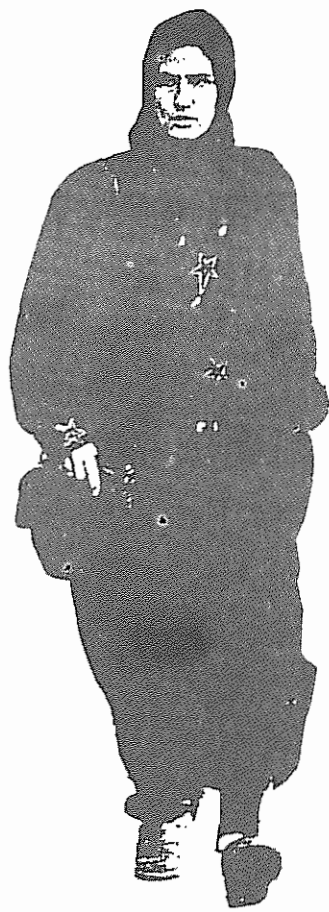
که نقشه صورفلکی و مدارهای گردش ستارگان را به یاد می‌آورند.

ستاره‌شناسان معتقدند که این تصاویر و خطوط، نوعی تقریب آسمانی را بیان می‌کنند که سرخپوستان ساکن این منطقه در دو هزار سال پیش، از روی آن زمانهای مناسب برای فعالیتهای کشاورزی مثل بذرافشانی و برداشت محصول و با برگزاری جشنها و مراسم نیایش را تعیین می‌کرده‌اند. دانشمندان از این مدارها و صور فلکی، همچنین پیام دادن به خدایان را که سرخپوستان هنگام درخواست باران و یا فراوانی محصول به آن متوسل می‌شده‌اند می‌فهمند. جالب اینکه وسعت منطقه‌ای که این نقوش در آنجا کنده شده، آن قدر زیاد است که از سطح زمین نمی‌توان سر و ته آن را به درستی تشخیص داد و متوجه شکل کلی آن شد و حتماً باید با هواپیما از ارتفاع بالا آن را دید تا مجموعه تصاویر، خود را نشان دهد و چیزی از آن فهمیده شود.

خانم رایشه در این ۵۰ سال بدون حمایت و کمک سازمان یا اداره‌ای، تمام نقوش این بیابان وسیع را اندازه‌گیری کرده، از روی طرحها کپی برداشته و اصول ساختاری مجموعه را پیدا نموده است. او در سال ۱۹۷۴ دولت پرو را وادار کرد که منطقه مربوطه را حفاظت شده اعلام کند.

البتّه تا امروز به تمام سؤالها درباره این نقوش و طرحها جواب داده نشده، ولی این مسأله خانم رایشه را زیاد ناراحت نمی‌کند. او می‌گوید: «با یافتن هر جوابی، پنج سؤال تازه پیدا می‌شود و این زندگی را جالب می‌کند.» ■





● اگر در جامعه آزادی انتخاب رنگ حاکم باشد، کسی به دنبال این نیست که چیز غیر متعارفی در دیگری پیدا کند.

● یکبار که با لباس سفید از خانه بیرون رفتم، به من گفتند که رنگ لباسم فجیع است.

# خانه

هیچ گفته‌ایم اگر در دنیا تنوع رنگ گسترش سیاهی، محیط غمبار

نبود، چه اتفاقات عجیب و ناگواری رخ می‌داد؟ اگر همه چیز سفید یا سیاه بود، چگونه اشیا و موجودات گوناگون را از یکدیگر باز می‌شناختیم؟ اگر رنگ نبود، روز و شب چگونه امکان ظهور و بروز می‌یافت؟ و از چه رو قلم آفرینش بر هر پدیده‌ای و موجودی رنگی زد و بر بعضی، چون آسمان و پرند و پاییز و گیاه و حتی چهره آدمی رنگها فشانند؟

اینک به گرد خویش نظر کنیم. چرا در محیط ما، شهر ما و پوشش ما از رنگهای روشن، خبر و اثری نیست؟ و چون نیست، حال ما چون است؟ چرا مردم بیشتر به سیاهی گرایده‌اند و بسیاری خود نمی‌دانند چرا؟! در آستانه بهار می‌رویم که از مردم، به ویژه از زنان بپرسیم چرا سیاه می‌پوشند.

تقریباً همه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که بین محیط و شخصیت تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. گرچه در تحلیل نهایی می‌توان انتخاب رنگ را به گرایشها، ارزشها و پس‌زمینه‌های تاریخی و فرهنگی افراد مربوط دانست، ولی به هر حال ساختهای اجتماعی، رفتار و گرایش مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما با انتخاب رنگهای تیره، محیطی غمبار و تیره می‌آفرینیم و این محیط غمبار و تیره ما را وامی‌دارد که رنگهای تیره انتخاب کنیم. ما محیط می‌آفرینیم و محیط ما را دوباره تکرار می‌کند.

● ببخشید، شغل شما چیست؟

○ خانه‌دار هستم.

● به نظر شما رنگ چه تأثیری در روحیه

افراد دارد؟

○ رنگ، حالات مختلف روحی افراد و تمایلات شخصی آنها را نمایان می‌کند.

● شما خودتان دوست دارید چه رنگی پوشید؟

○ مایل نیستم برای مانتو یا روسری از رنگ روشن استفاده کنم.

● چرا؟

○ فکر می‌کنم مناسب سنم نیست. البته فقط برای خودم دوست ندارم ولی از اینکه رنگ روشن را به تن دیگران ببینم شاد می‌شوم. متأسفانه استفاده از این رنگها در اجتماع خیلی کم شده‌است.

● فکر می‌کنید چرا این طور شده‌است؟

○ افراط در استفاده از هر چیز، نشانگر نوعی ناراحتی است و استفاده مداوم از رنگ تیره مثلاً مشکی در اجتماع هم نشان دهنده

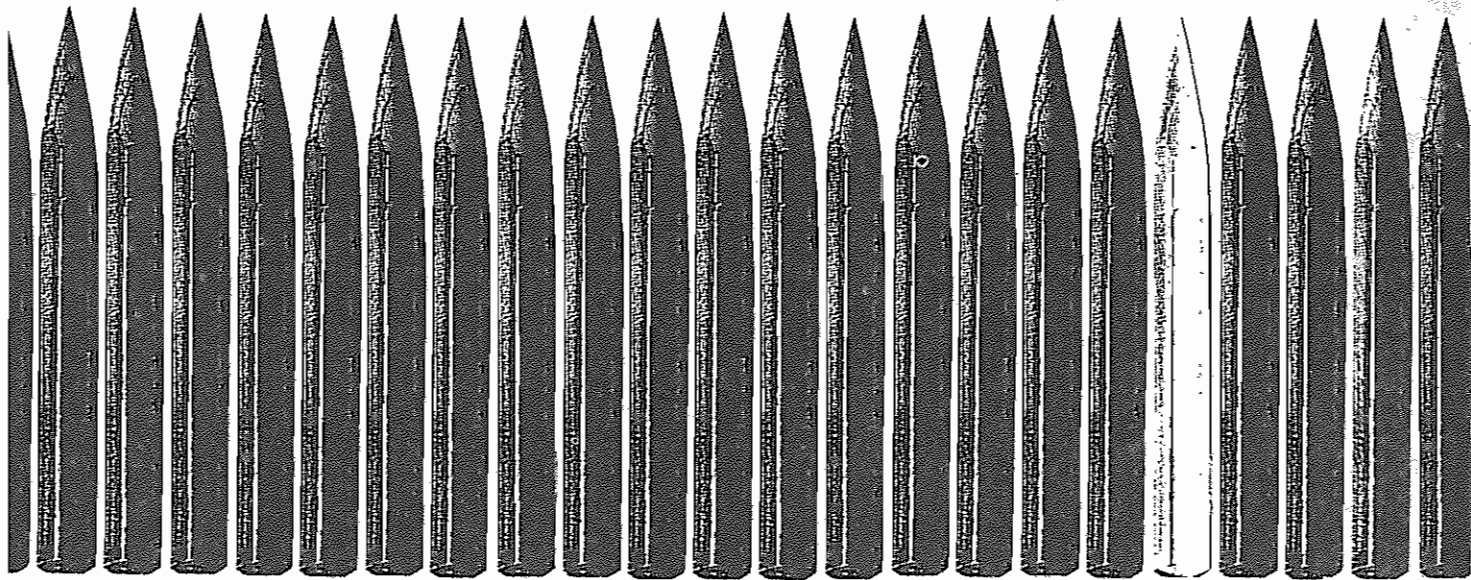




با کوشش لیلی پورزند

# چرا اسپاه می پوشید؟

- چه رنگی را بیشتر از همه دوست داری؟
  - قرمز.
  - توی خیابان هم قرمز می پوشی؟
  - بعضی وقتها.
  - احساس ناراحتی نمی کنی؟
  - اگر بینم بقیه هم می پوشند، نه خیلی ناراحت نمی شوم.
  - توی خیابان خیلیها قرمز می پوشند؟
  - بزرگترها کمتر ولی هم سن و سالهای من، خیلیها می پوشند.
  - اگر بزرگتر شوی، باز هم قرمز می پوشی؟
  - نه، سعی می کنم رنگهایی را بپوشم که توی چشم نمی زند.
  - فکر می کنی قرمز خیلی توی چشم
- می توانم بپرسم چرا مشکی پوشیده اید؟
  - در حال حاضر برای اینکه عزادارم.
  - ولی در مواقع عادی هم بیشتر از رنگ مشکی استفاده می کنم.
  - چرا؟
  - فکر می کنم رنگ خوبی است. این رنگ را دوست دارم.
  - عده ای معتقدند که استفاده گسترده از رنگ مشکی باعث شده که جامعه افسرده شود، نظر شما چیست؟
  - خوب این طبیعی است. چون به هر حال رنگ مشکی باعث افسردگی می شود.
- کسالت روحی جامعه است.
  - چرا مردم با این کسالت روحی خود مبارزه نمی کنند؟
  - نمی توانند، به خاطر قضاوت اجتماعی.
  - شما مذهبی هستید؟
  - بله، ولی فکر نمی کنم در مذهب ما ممنوعیتی در انتخاب رنگ وجود داشته باشد.
  - تنوع رنگ، خللی در اعتقادات افراد وارد نمی کند.
- بیخشد خانم چند سالتان است؟
  - ۴۴ سال.
  - تحصیلاتتان چیست؟
  - لیسانس دارم.
- دختر خانم چند سالت است؟
  - ۱۱ سال.



## ● دوست ندارم دخترم با پوشیدن لباس روشن در معرض نگاههای خاص مردم که با تعلیمات خاصی رشد کرده‌اند، قرار بگیرد.

○ عکاس هستم و ۳۰ ساله.  
● بلوز شما نارنجی است؛ همیشه رنگهای شاد می‌پوشید؟  
○ همیشه نه.  
● چه اوقاتی رنگ شاد می‌پوشید؟  
○ وقتی شادم شاد می‌پوشم و اگر غمگین باشم، مشکی می‌پوشم.  
● چرا سیاه را وقتی غمگین هستید می‌پوشید؟  
○ چون سیاه، نشانه تهی بودن است، در عین حال سنگین و شیک است. سیاهی یعنی



● چند سال دارید آقا؟  
○ اگر از راست به چپ بخوانید ۳۷ سال، و اگر از چپ به راست یعنی ۷۳ ساله‌ام.  
● شغلتان؟  
○ مشاغل مختلفی داشته‌ام اما تحصیلاتم در رشته برق است.  
● پیراهن روشنی پوشیده‌اید، همیشه از رنگهای شاد استفاده می‌کنید؟  
○ زندگی شاد است و هدف زندگی شاد بودن است و هر کس غیر از این فکر کند گمراه است و ما باید سعی کنیم او را هدایت کنیم.  
● نظر شما در مورد استفاده اکثر خانمها از رنگ سیاه چیست؟  
○ در فرهنگ ما که سیاه نشانه غم و مرگ و نماینده عزاست، این رنگ باعث اندوه و غم می‌شود.  
● فکر می‌کنید چرا اکثر خانمها سیاه می‌پوشند؟  
○ در حقیقت سیاه پوشیدن ما اشتباه است و هیچ ربطی هم به مذهب ندارد. هر کس بگوید رنگ لباس به مذهب مربوط است، من برای او اثبات می‌کنم که در اشتباه است. این رنگ پوشش به ضرر خانمها است. در بسیاری از موارد این رنگهای تیره باعث آلودگی است و سبب به وجود آمدن محیطی غیر بهداشتی می‌شود.  
\*

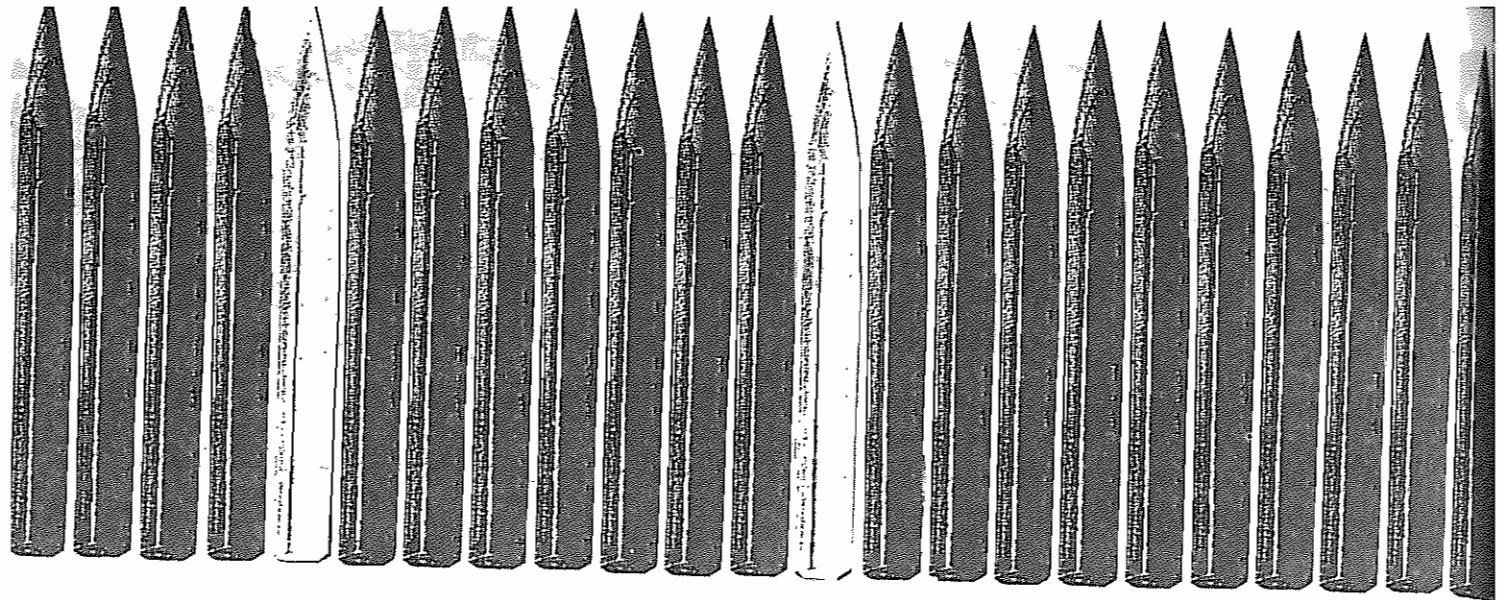
● آقا چند ساله‌اید و شغلتان چیست؟

می‌زند؟  
○ بله.  
● چرا؟  
○ چون بقیه بیشتر تیره می‌پوشند، قرمز بین لباسهای تیره توی چشم می‌زند.  
● اگر یک روز همه خانمها قرمز بپوشند و فقط چند نفر مشکی، کدامها بیشتر جلب توجه می‌کنند؟  
○ آنهایی که سیاه می‌پوشند.  
● دلت می‌خواهد در اجتماع بیشتر چه رنگهایی را ببینی؟  
○ رنگهای روشن، مثل سفید.  
● با دیدن این رنگها چه احساسی به تو دست می‌دهد؟

○ احساس شادی.  
● تا حالا به خارج از کشور رفتی؟  
○ بله، ژاپن.  
● آنجا چه طور بود؟  
○ همه جور لباسی می‌پوشیدند. همه رنگ، همه نوع.  
● در خیابانهای آنجا راحت‌تر بودی یا اینجا؟  
○ آنجا راحت‌تر بودم. چون آنجا هر رنگی می‌پوشیدم، جلب توجه نمی‌کرد ولی اینجا حتی رنگهای معمولی مثل زرد هم جلب توجه می‌کند.  
● آنجا حجاب داشتی؟  
○ بله، ما خانواده مذهبی هستیم ولی حتی حجابم هم آنجا جلب توجه کسی را نمی‌کرد.  
\*







## ● جامعه با تنوع رنگ را می توان به یک تابلوی نقاشی قشنگ تشبیه کرد.

- به جایی نرسیدن.
- به نظر شما این رنگ چه تأثیری در روان جامعه می گذارد؟
- در جامعه حالت افسردگی، خلاء و بوجی به وجود می آورد.
- شما وقتی زنی را با پوشش رنگ روشن می بینید چه استنباطی درباره او دارید؟
- حس می کنم شاد است. جامعه با تنوع رنگ را می توان به یک تابلوی نقاشی قشنگ تشبیه کرد.
- فکر نمی کنید رنگی پوشیدن دلیل سبکی است؟
- نه، به هیچ وجه.
- یعنی همان احترامی را که برای تیره پوشان قائلید، برای کسانی هم که روشن می پوشند، قائلید؟
- خوب در مورد رنگها نمی شود ارزشگذاری کرد. رنگهای روشن بیشتر جلب توجه می کنند، البته در جامعه ای که بیشتر افراد تیره می پوشند. بالعکس در جامعه ای که همه روشن بپوشند، سیاهپوشان انگشت نما می شوند.

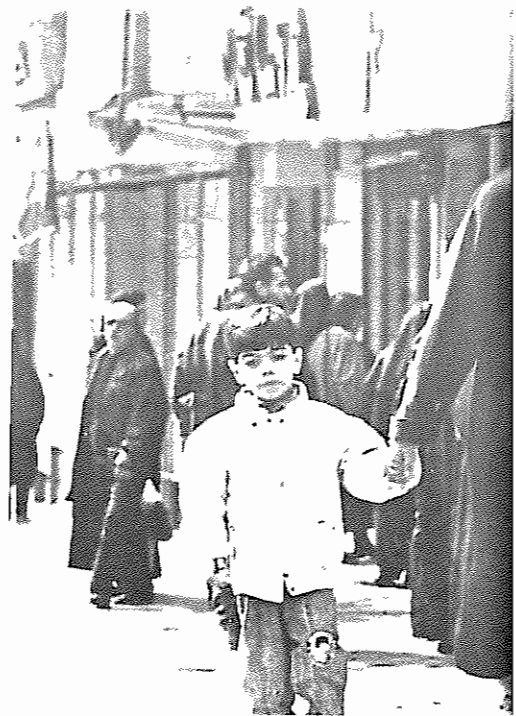
\*

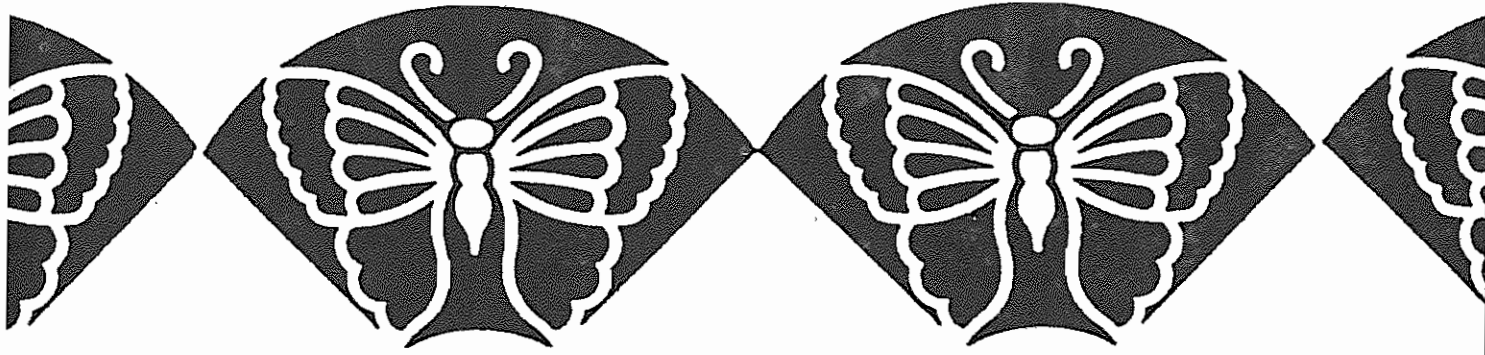
- نه دیگر، وقتی عموم مردم این رنگ را بپوشند، دیگر جلب توجه نمی کند.
- حالا اگر بین اینها، پنج نفر با پوشش مشکی در جامعه ظاهر شوند چه می شود؟
- معلوم است. آنها که مشکی پوشیده اند، بیشتر جلب توجه می کنند چون اقلیتند.
- با توجه به رشته تحصیلتان، فکر می کنید رنگها چه تأثیری در روان افراد دارند؟
- رنگهای شاد برای بینندگان جذابیت بیشتری دارند، با رنگ شاد انسان برداشت بهتری از زندگی پیدا می کند، رنگ تیره از نظر من رنگ فرم دارد، مثلاً در بعضی کشورها لباس مشخص برای ورود به محل کار، کت و شلوار یا کت و دامن سورمه ای است، مثل لباسهای کارگری. ولی در مواقع دیگر همه افراد از رنگهای روشن استفاده می کنند.

### تلقی ما از مذهب

باورهای مذهبی در همه ارکان جامعه ما به شدت رسوخ کرده و تصور غالب نیز این است که مذهب با غم آمیخته شده، کمتر شادی را برمیتابد، یا آن را مجاز نمی داند. حتی در بعضی محافل مذهبی سعی می کنند برای ابراز شادی، حتماً توجیهی بیاورند. چنین درکی از مذهب خود را به شیوه های گوناگون می نماید: خشکی چهره و روابط آدمها، پرهیز از تفریحات، اجتناب از نشاط و حتی خودداری از انتخاب رنگهای شاد.

- خانم شغلتان چیست؟
- گرافیست و معلم هستم.
- نظر شما در مورد رنگهای مرسوم در جامعه چیست؟
- فکر می کنم رنگهای مرسوم بیشتر رنگهای تیره است و بیشتر خانمها از آنها استفاده می کنند، انتخابش هم بیشتر از روی اجبار است، تا به قول معروف کمتر توی چشم بزند و جلب توجه نکند. طبیعتاً من هم وقتی می بینم همه افراد تیره پوشند، برای اینکه از آنها جدا نباشم مشکی می پوشم.
- شما فکر می کنید اگر روزی همه خانمها با لباس سفید از خانه خارج شوند چه اتفاقی می افتد؟
- فکر می کنم آن روز، روز خیلی خوبی است.
- آن روز هم سفید جلب توجه می کند؟





● هدف زندگی شاد بودن است و هر کس غیر از این فکر کند، گمراه است و ما باید او را هدایت کنیم.

روحیه مذهبی جامعه ما توأم و آمیخته با

غم است و معمولاً پرهیز از شادی را تجویز می‌کند. این طرز تلقی جامعه از مذهب به انتخاب رنگ لباس هم تسری یافته تا آنجا که انتخاب رنگ شاد در جامعه ما زنده تلقی می‌شود.

● ببخشید آقا، شغل شما چیست؟

○ پزشک هستم.

● نظر شما در مورد تنوع رنگ در

جامعه چیست؟

○ رنگ محرک مؤثری در زندگی است و باعث آرامش و نشاط می‌شود. رنگها یکی از عوامل درک زیبایی هستند، موجب تنوع زندگی می‌شوند، خستگی را از بین می‌برند و روان را شاد می‌کنند.

● راجع به اینکه خانمها بیشتر سیاه

می‌پوشند چه نظری دارید؟

○ قاعدتاً هر که هر چه دوست دارد باید بپوشد. باید از خود خانمها پرسید که چرا بیشتر مشکی می‌پوشند.

● شما اگر خانمی را با پوشش قرمز در

خیابان ببینید، چه استنباطی می‌کنید؟

○ با تعلیماتی که اکنون در جامعه داده می‌شود و همچنین با توجه به آنچه از کودکی در ذهن ما حک کرده‌اند، ممکن است بی‌جهت نسبت به اعتقادات و دیانت آن خانم شک کنم.

● شما دوست دارید که دخترتان مثلاً با

پوشش صورتی از خانه بیرون برود؟

○ نه، چون دوست ندارم در معرض نگاههای خاص مردم که با تعلیمات خاصی

رشد کرده‌اند قرار بگیرد.

● فکر می‌کنید چه موقع پوشیدن لباس

صورتی باعث به وجود آمدن نگاه خاص نمی‌شود؟

○ در صورتی که به مردم تعلیم داده شود که این رنگ مغایر اعتقادات نیست. در جوامعی که از ابتدا در انتخاب رنگها آزاد بوده‌اند، پوشیدن بدترین رنگها هم هیچ عیبی ندارد.

● منظورتان از بدترین رنگها چیست؟!

○ مثلاً شادترین رنگها.

● شادترین رنگها، بدترین رنگها هستند؟

○ از نقطه نظر اعتقادات عمومی، بله.

● خود شما بیشتر چه رنگی می‌پوشید؟

○ تیره، به دلیل سن و موقعیتم.

● پوشیدن رنگ روشن چه لطمه‌ای به موقعیت شما می‌زند؟

○ من همیشه عقیده داشته‌ام که لباس نباید

از نظر فرم یا رنگ، جلب توجه کند.

\*

● ببخشید آقا، می‌توانم پرسیم به نظر

شما چرا خانمها بیشتر سیاه می‌پوشند؟

○ سیاه رنگ اشرافی خیلی قدیمی است. که البته تغییر مفهوم پیدا کرده و اکنون سنت عمومی جامعه شده.

● شما خودتان وقتی خانمی را با لباس

روشن می‌بینید، چه استنباطی دارید؟

○ تا حالا فکر نکرده‌ام. اصلاً استنباط خاصی ندارم.

● شما قبول دارید خانمی که لباس تیره

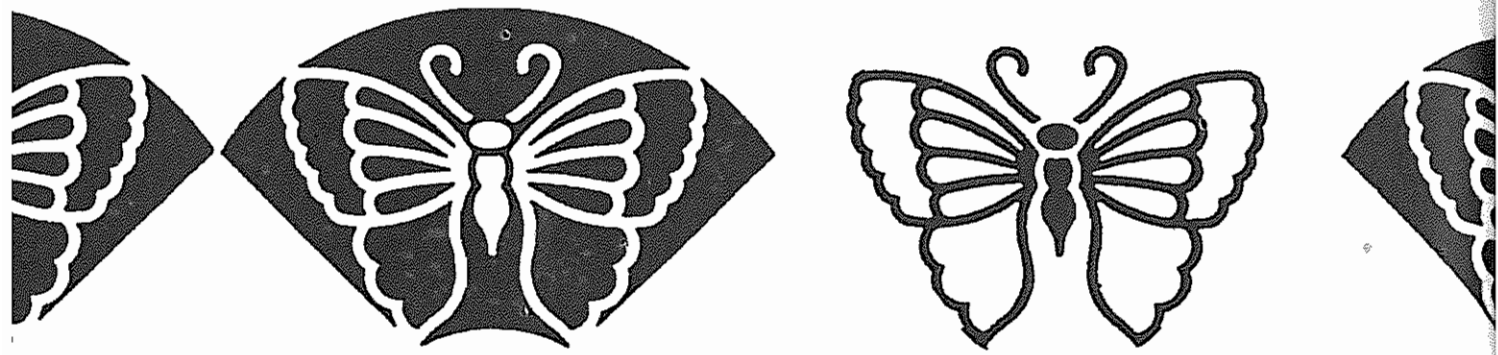
نمی‌پوشد، سنگین نیست؟

○ سنگینی و غیرسنگینی یک خانم به رنگ لباس ربط ندارد.

● پس به چه چیزی ربط دارد؟

○ به حرکات و رفتار او، به نوع لباس،





● سیاه، نشانهٔ تهی بودن است. سیاهی یعنی به جایی نرسیدن.

نه رنگ لباس. خاطره‌ای به ذهنم رسید: یک بار خانمی را در خیابان دیدم که روسری سفید، کفش سفید، لباس سفید، دستکش سفید، کیف سفید و عینک سفید داشت. گفتم واقعاً چه موجود عجیب و غریبی است.

● شما حج رفته‌اید؟

○ خیر.

● مراسم حج را که دیده‌اید؟

○ بله.

● خوب، راجع به آن مردها و زن‌ها که سراپا سفیدپوشند، چه نظری دارید؟

○ هیچی، من آن خاطره را بابت مزاح گفتم.

● خوب اگر یک روز صبح همهٔ خانمها با لباس سفید در جامعه ظاهر شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟

○ لباس سفید یا رنگ به تنهایی مهم نیست. البته بعضی رنگها در جامعهٔ ما رنگهای سبکی است. مثلاً اگر کسی سرتاپا قرمز بپوشد و بیاید توی جامعه، معلوم است که انگشت‌نما می‌شود.

● خوب اگر ذوق کسی قرمز را انتخاب کرد، آن شخص سبک است؟

○ نه، اما ذوق دیگران هم این است که بگویند او ذوق خیلی سبکی دارد.

● پس استنباط اجتماعی چنین است؟  
○ مگر قرار بود غیر از این چیز دیگری باشد؟

● خوب حالا اگر یک روز صبح همهٔ خانمها سفید بپوشند و پنج نفر مشکی، به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد؟

○ هیچ، پوشیده‌اند.

● استنباط اجتماعی در موردشان چیست؟

○ پنج نفر خانم لباس سفید بپوشند؟

● نه، همه سفید بپوشند و فقط پنج نفر

مشکی بپوشند.

○ خوب این از آن چیزهایی است که اصلاً اتفاق نمی‌افتد.

● فرض می‌کنیم اتفاق بیفتد، کدامشان غیرطبیعی به نظر می‌آیند؟

○ این مسأله هیچ گاه تحقق پیدا نخواهد کرد. با شرایط زمانی که در آن هستیم چنین حرکتی کلاً غیرطبیعی است.

● اصلاً به شرایط فعلی کاری نداریم. فرض کنید فردا صبح همهٔ زن‌ها سفید بپوشند و پنج نفر سیاه، کدام غیرعادی است؟

○ همه عادی‌اند. غیرطبیعی بودن نسبت به ذهنیت قبلی ما و نسبت به سنتهاست و طبیعتاً آن پنج نفر سیاهپوش غیرطبیعی‌اند.

\*

● خانم چند سال دارید و چه کار

می‌کنید؟

○ ۲۳ سالم و دانشجوی روان‌شناسی.

● زیر چادر هم مشکی پوشیده‌اید، چرا؟

○ دلیل خاصی ندارد. به نظرم پوشیدن مشکی، سنگینی زن را می‌رساند.

● شما نظرتان این است یا تلقی جامعه این طور است؟

○ جامعه این طور فکر می‌کند، خصوصاً در مورد خانمها.

● خودت این طور فکر نمی‌کنی؟

○ چرا خودم هم همین طور فکر می‌کنم.

● یعنی فکر می‌کنی اگر زنی رنگ روشن بپوشد، سنگین نیست؟

○ نه زیاد. البته نه اینکه همه مشکی بپوشند ولی رنگهای تیره بهتر است. مثلاً اگر کسی مانتوی سفید یا سبز تن کند و بیرون بیاید، خیلی خوب نیست و ممکن است روی



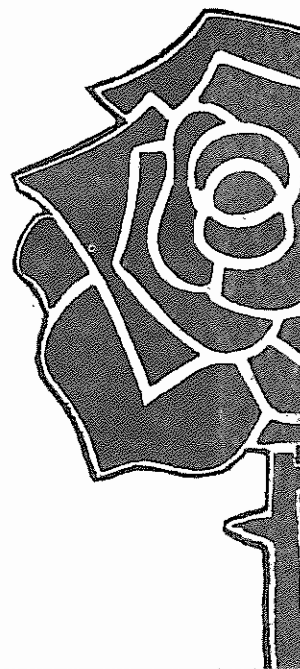
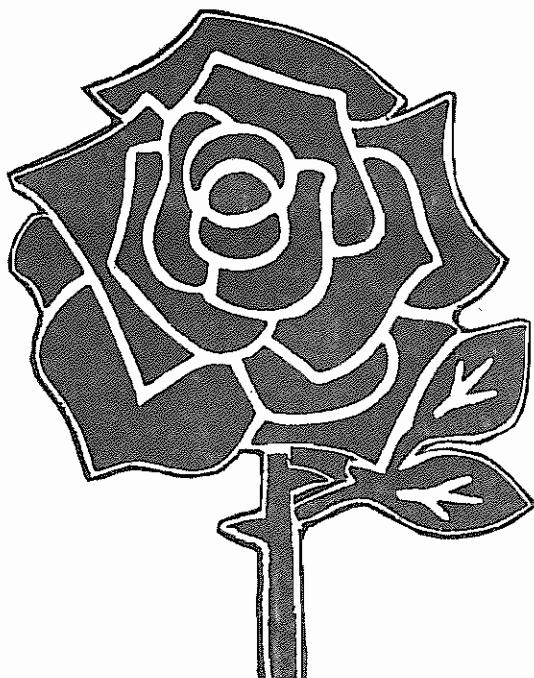
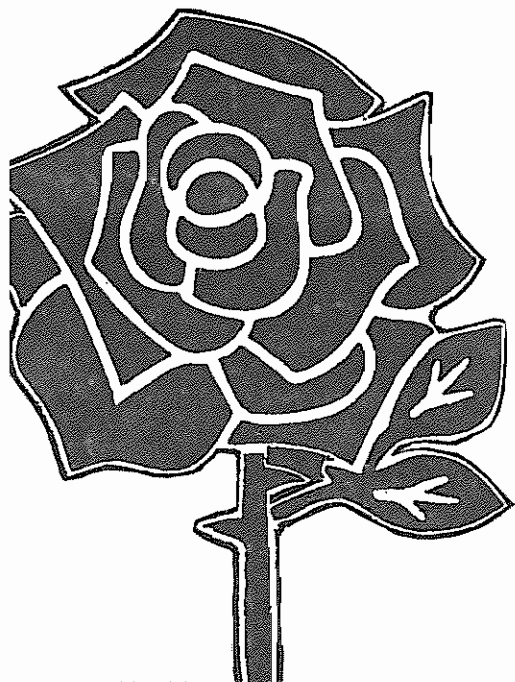
- علت سیاه پوشیدن عده‌ای، آلودگی هواست، چون لباس روشن زودتر کثیف می‌شود.
- مشکلی کثیف نمی‌شود یا ما آلودگی آن را نمی‌بینیم؟!



- اگر قرار باشد همه سفید بپوشند، حتماً به مناسبتی است.
- مگر الان که همه سیاه می‌پوشند، مناسبتی هست؟
- الان همه سیاه نمی‌پوشند، اکثراً سیاه می‌پوشند که آن هم به خاطر سنگینی است.
- خوب نگفتید اگر همه سفید بپوشند و پنج نفر سیاه، کدامشان غیرقابل قبول هستند؟
- نمی‌دانم. خیلی مشکل است. ولی شاید آن پنج نفر...
- چرا؟
- شاید آنها خودشان را جدای از اکثریت دانسته‌اند.
- پس مسأله رنگ نیست، عرف است؟

- به نظر من خیلی مسخره است.
- یعنی آن روز همه آدمها مسخره هستند؟
- اگر منظور شهر تهران است، این کار به این شهر نمی‌آید!
- به شهرهای دیگر می‌آید؟
- نه.
- حالا فرض کنید زمانی همه سفید بپوشند و پنج نفر سیاهپوش باشند، آن وقت نظرتان چیست؟
- نمی‌تواند مورد قبول باشد.
- کدامشان؟
- هیچ کدامشان.
- چرا؟

- چهره‌ ظاهری او تأثیر بگذارد.
- مگر در مراسم حج همه افراد سفیدپوش نیستند؟
- خوب بستگی دارد.
- به چه چیزی؟
- در این مراسم مردم از سراسر دنیا می‌آیند و رنگ سفید همبستگی آنها را می‌رساند.
- حالا اگر یک روز همه زنان تهران برای اتحاد و همبستگی سفید بپوشند، نظر شما چیست؟
- در رابطه با چه مسأله‌ای سفید بپوشند؟
- بدون هیچ مسأله‌ای، یک روز صبح همه خانها در تهران سفید بپوشند.



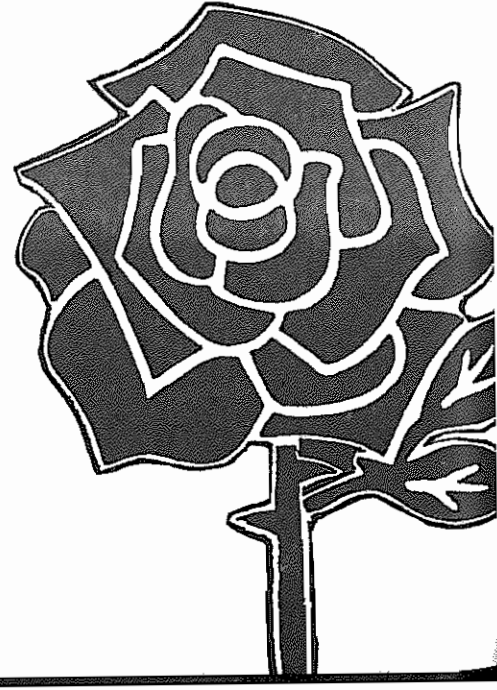
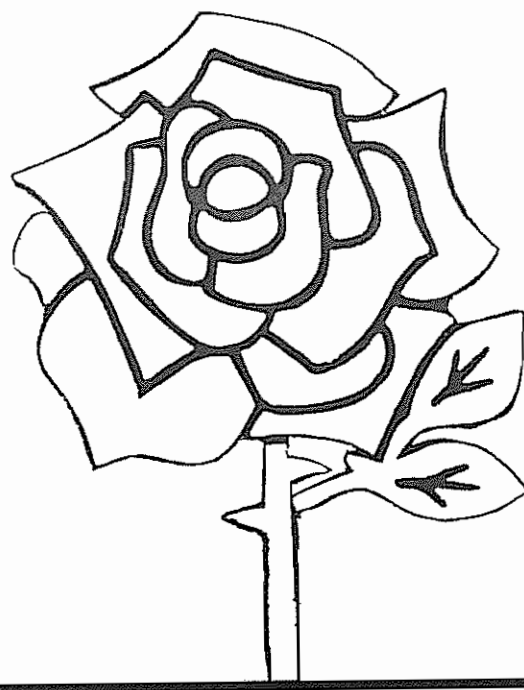
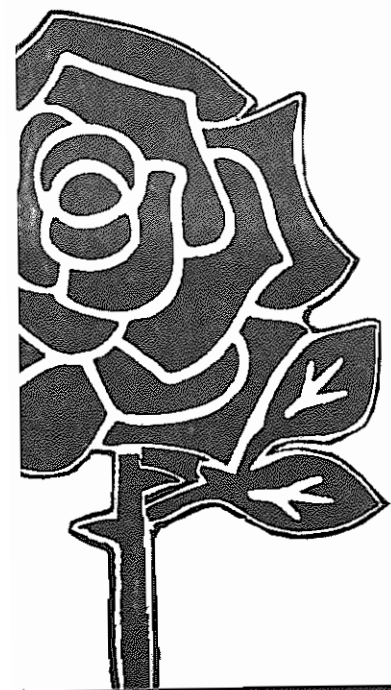


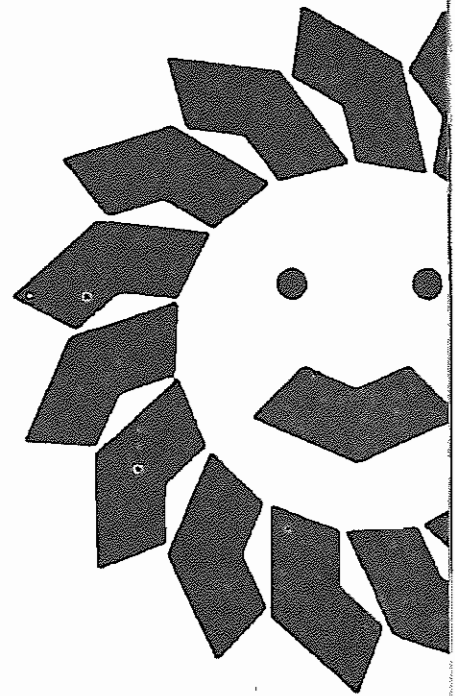
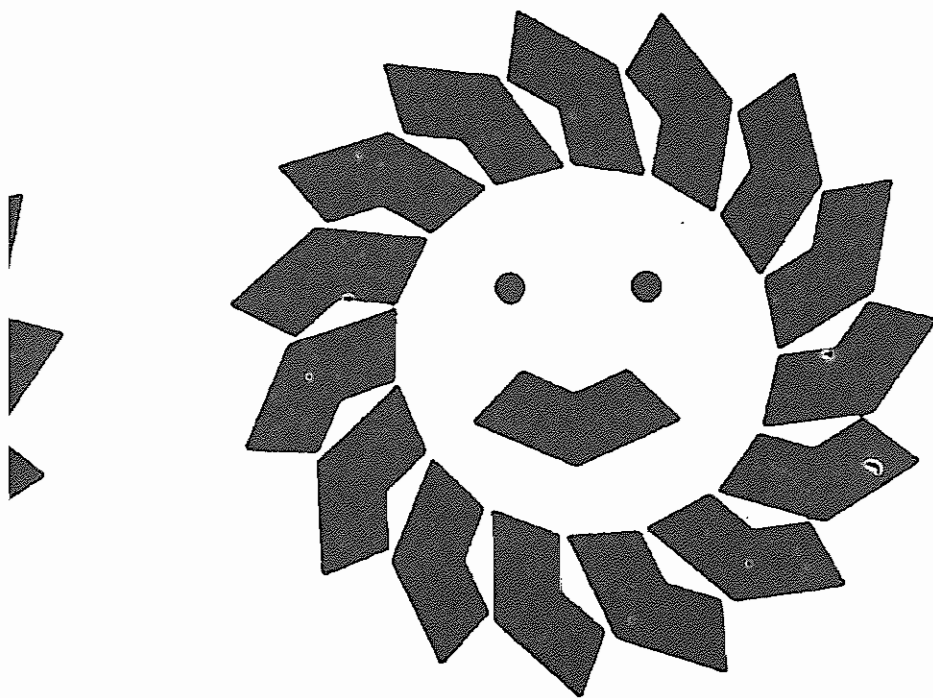
● شما معتقدید رنگ در روحیه افراد تأثیر دارد؟  
○ صدرصد، اگر مؤثر نبود که مردم مراسم عزا برای نشان دادن تأثر خود مشکمی نمی پوشیدند.

● شما جلف‌ترین رنگ را چه رنگی می‌دانید؟  
○ قرمز.  
● گل رز به نظر شما جلف است؟  
○ نه، چون گل رز خیلی هم ابهت دارد.  
● چرا خداوند این رنگها را در طبیعت آفریده؟  
○ بالاخره حتماً برای استفاده ما این رنگها را آفریده. ولی این مسأله ربطی به آن ندارد.  
● چرا ندارد؟  
○ چون وقتی آدم به قرمز نگاه می‌کند چندشش می‌شود. ولی خوب گل رز طراوات و زیبایی چشمگیری دارد.

○ بله.  
● این هنجار در جامعه ما چه اثری دارد؟  
○ خوب، اثر بدی دارد.  
● با اینکه عرف است؟  
○ بله.  
● لباس سیاه با اینکه عرف است چه اثری در جامعه دارد؟  
○ اگر اکثریت سیاه بپوشند، خوب اثر بدی دارد. چون روحیه افراد را کسل می‌کند. وجود انسان گرایش به زیبایی دارد من نمی‌گویم خانمها وقتی مشکمی نمی‌پوشند سنگین نیستند. خیلیها با پوشیدن رنگ روشن، خیلی هم وقار دارند.

○ بله، درست است.  
● حالا به نظر شما اگر همه زنهار به خاطر سنگین بودن، سیاه بپوشند چه تاثیری در روان اجتماع می‌گذارد؟  
○ من خودم با یک خانم خارجی برخورد داشتم از من پرسید خانمهای ایرانی وقتی دائماً مشکمی می‌پوشند روحشان کسل نمی‌شود؟ من جواب دادم نه. این بستگی به عرف جامعه دارد. مشکمی یک جلوه خاصی می‌بخشد.  
● حالا یک سوال دیگر، در مناطقی از ایران، زن نباید در حضور خانواده شوهر، بچه زیر دو سال را در آغوش بگیرد، این رسم هم در آن مناطق عرف است؟





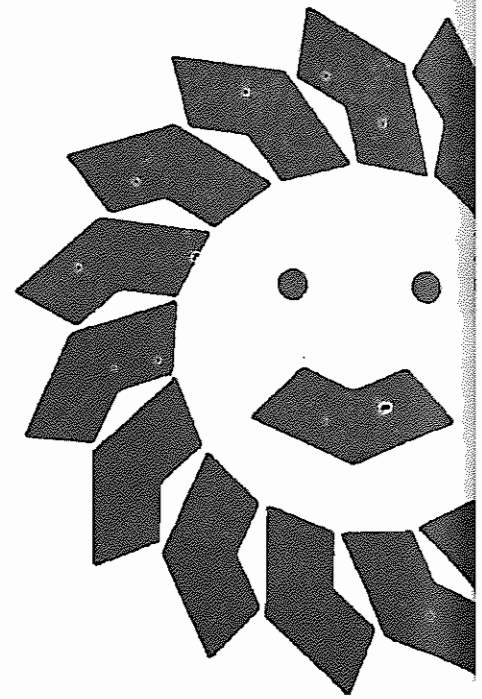
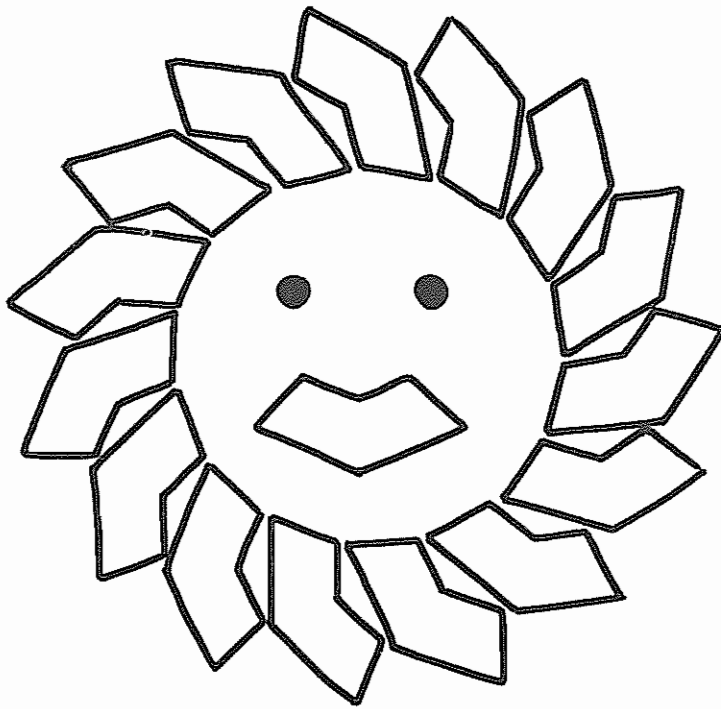
● افراط در استفاده از هر چیز، نشانگر نوعی ناراحتی است. استفاده مداوم از رنگ تیره در اجتماع هم نشان دهنده کسالت روحی جامعه است.

چون سنگینتر است.  
\*  
● آقا، چه کاره اید؟  
○ دانشجوی برق هستم.  
● چطور رنگ سبز پوشیده اید؟  
○ اصولاً رنگهای شاد را بیشتر می‌پسندم.  
چون به نظر خودم، این رنگها با رنگ پوستم بیشتر مطابقت دارند.  
● آیا تا به حال ترجیح داده اید که رنگ تیره‌ای برای لباس انتخاب کنید؟  
○ خیلی کم. مگر برای حضور در مراسم خاص.  
● در محیط دانشگاه هم، همین رنگها را می‌پوشید؟  
○ متأسفانه یا خوشبختانه بله.  
● برای انتخاب رنگها در دانشگاه ممنوعیت خاصی وجود ندارد؟  
○ شاید دانشگاه ما چندان سخت‌گیری نمی‌کند. البته ما هم رعایت می‌کنیم.  
● یعنی برای استفاده از رنگهای تیره در دانشگاهها بخشنامه خاصی وجود دارد؟  
○ بله. ولی شدت برخورد با این قضیه، بستگی به مسئولان هر دانشگاه دارد.  
● دانشجویان دختر هم به اندازه پسرها از رنگ روشن استفاده می‌کنند؟  
○ خوب، نه! تعداد خانمهایی که پوشش

هر جا را نگاه کند، مشکی ببیند خسته می‌شود.  
● فکر می‌کنی چرا مردم بیشتر مشکی می‌پوشند؟  
○ فکر می‌کنم به خاطر مقتضیات اجتماعی است، مثلاً در دانشگاه پوشیدن رنگ روشن قدغن است و در محیط کار هم خوب به طور ضمنی همه تأکید بر تیره پوشیدن دارند.  
● فکر نمی‌کنید خانمها با پوشیدن رنگ روشن جلف به نظر بیایند؟  
○ نه، رنگ که نشانه جلف بودن نیست. اگر کسی بخواهد سبک باشد، با پوشیدن رنگ تیره هم می‌تواند جلف باشد. رنگ روشن دلیل جلف بودن نیست.  
\*  
● آقا پسر شما چند سالتان است؟  
○ ۱۵ سال.  
● چه رنگی را بیشتر دوست دارید؟  
○ بیشتر مشکی و سرمه‌ای. کلاً رنگهای تیره.  
● چرا رنگهای تیره؟  
○ به نظر من پسر باید رنگ تیره بپوشد.  
● چرا؟  
○ این نظر من است. نمی‌دانم، شاید

● حالا اگر یک آدم خوشرو و ببا طراوت قرمز بپوشد، شما باز هم چندستان می‌شود؟  
○ نه!  
● گل سفید رنگ چه احساسی در شما به وجود می‌آورد؟  
○ سفید هم خوب است.  
● زنان هم اگر سفید بپوشند، خوب است؟  
○ ...  
● اگر کسی رنگ سفید بپوشد، جلوه‌اش از بین می‌رود؟  
○ نه، از بین نمی‌رود.  
\*  
● چند سال دارید؟  
○ ۲۶ سال.  
● مانتوی شما سبز است. این رنگ را دوست دارید؟  
○ بله.  
● چرا مشکی نمی‌پوشید؟  
○ از بس همه مشکی پوشیده‌اند، دیگر همه ما از مشکی بیزار شده‌ایم.  
● مگر مشکی رنگ بدی است؟  
○ رنگ بدی نیست ولی خوب وقتی آدم





● اگر فرهنگ استفاده از رنگ روشن در جامعه جا بیفتد و همه روشن بپوشند، در آن صورت پوشیدن رنگ تیره باعث جلب توجه می شود.

چيست؟  
 ○ ۵۰ سال و کارمند بازنشسته ام.  
 ● نظرتان در مورد پوشش تیره اکثر خانمها چيست؟  
 ○ رنگ لباس بايد به انتخاب شخص باشد. رنگ در هيچ آيين و مذهبي مورد بحث نبوده و در هيچ ديني گفته نشده استفاده از رنگي گناه دارد يا ثواب.  
 ● پس چرا الان بيشتري خانمها مشكي مي پوشند؟

○ اين فکر به افراد جامعه تزريق شده. به همين خاطر وقتي ما مي خواهيم لباس قرمزي بپوشيم مرد هستيم و احساس گناه مي كنيم.  
 ● شما اگر خودتان يك خانم با پوشش قرمز در خيابان ببينيد راجع به او چه فكري كنيد؟

○ نمي دانم چرا تصور مي شود زنان حتي در انتخاب رنگ هم بايد محدود و تحت فشار باشند تا مبدا جامعه مثل جنگل شود و مردها به خانمهايي كه روشن مي پوشند حمله ور شوند!

● شما در مورد مدل پوشش هم همين طور فكري مي كنيد؟

○ چون خوشبختانه من مسلمان و مذهبي هستم و آيين ما تاكيد بر پوشيدگي دارد، معتقد به پوشش منطقي هستم، چرا كه پوشيدگي

● حتي در مورد رنگ لباس؟  
 ○ بله. چون اگر رنگ لباس باعث جلب توجه ديگران شود، كوچكترين مشكلي كه براي يك مرد به وجود مي آيد، مسأله غيرت است.  
 ● مرحله دوم استدلال شما چيست؟!  
 ○ جامعه ما يك جامعه اسلامي است. به همين دليل بايد مسائلي در اين جمع رعايت شود.

● يعني در اسلام در انتخاب رنگها ممنوعيتي وجود دارد؟  
 ○ گمان نمي كنم در هيچ يك از احكام و روايات صحبتي از رنگ لباس شده باشد.  
 ● فرض كنيد روزي همه خانمها از پوشش سفيد استفاده كنند. در اين صورت چه احساسی خواهيد داشت؟  
 ○ فكر نمي كنم چنين امكاني باشد.

● در صورت صحت فرض ما، اگر تعداد كمي در اين ميان سپاه بپوشند، در مورد آنها چه تصوري خواهيد داشت؟

○ من اين فرض را قبول ندارم. به هر حال خواهي نشوي رسوا، هم رنگ جماعت شو.

\*  
 ● آقا شما چند سالتان است و شغلتان

روشن دارند محدود است. در ضمن چگونگي استفاده از رنگهاي تيره و روشن در مناطق بالا و پايين شهر متفاوت است.

● چه فرقي دارد؟  
 ○ در بالاي شهر بچهها به قول معروف تا پتر مي گردند تا پايين شهر.

● منظور شما اين است كه استفاده از رنگ روشن به قول خودتان نشانه تاپ بودن است؟

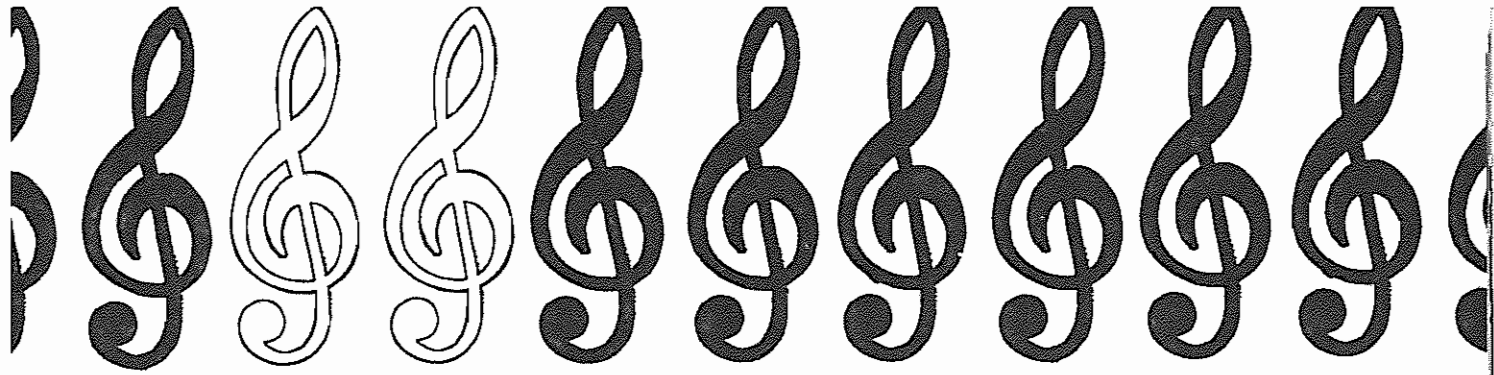
○ نه منظورم اين نيست. البته بچههاي هم سن من بيشتري دوست دارند تيبپ يك سره مشكي بزنند!

● چرا؟  
 ○ نمي دانم.  
 ● دخترها هم به اندازه پسرها در استفاده

از رنگ روشن آزادند؟  
 ○ نه.  
 ● چرا؟

○ در دو مرحله مي توان در اين مورد بحث كرد. اولاً جامعه آيراني جامعه اي مرد سالار است و حرف اول و آخر را مرد

مي زند. بنا بر اين هر مردى يا برادري به خواهرش اجازه نمي دهد با هر نوع لباس يا آرايشي در جامعه ظاهر شود.



متعادل برای همه انسانها لازم است.  
● اگر دختر شما به فرض با لباس رنگ سبز روشن از منزل خارج شود شما ابراز نا رضایتی می کنید؟

○ نه، ولی به خاطر همان چیزی که به مردم تزریق شده و به صورت عرف درآمده، ممکن است نگاههای مردم بر او چندان خوشایند نباشد، به این خاطر ممکن است کمی نگران باشم، نه به دلیل دیگری.

● حالا اگر روزی همه با پوشش سبز روشن از منزل خارج شوند، باز هم نگاههایی پرسشگرانه بر روی افراد سنگینی می کند؟

○ نه، ابدأ. در عرض یک روز همه چیز عادی می شود. چه بسا که بعد از مدت کوتاهی، پوشیدن رنگ تیره ناپسند محسوب شود.

● شما خودتان چه رنگی را بیشتر دوست دارید؟

○ به هر کسی یک رنگی می آید. این بستگی به رنگ پوست و قیافه افراد، دارد. هر کس با رنگهای خاصی زیبا می شود.

● شاید دلیل اینکه به خانمها گفته اند مشکی بپوشید این است که زیبایی آنها کمتر و حریم آنها بیشتر حفظ شود؟

○ یعنی چه؟ مگر زیبایی عیب دارد. خوب اگر این طور است بهتر است بگویند خانمها گرمیهای عجیب - غریب کنند یا شاخ روی سرشان بگذارند، تا همه از آنها فرار کنند. اگر رنگ عیبی داشت که خداوند این همه رنگهای متنوع و زیبا خلق نمی کرد. رنگهای شاد گلها و رنگهای گوناگون در طبیعت باعث شادی روح افراد می شود. ضمناً فکر نمی کنم مردهای جامعه ما آنقدر بی فرهنگ باشند که با پوشش رنگ روشن خانمها تهنیت بپوشند و یا تصور غلطی از آنها در ذهنشان بیاید. به نظر من هر چه محدودیت بیشتر باشد، مردم با هر چیز کوچک توجهشان جلب می شود. در حالی که اگر در جامعه ای آزادی کامل در مورد انتخاب رنگ حاکم باشد پس از مدتی دیگر کسی با پوشیدن رنگ

روشن اذیت نمی شود. چون دیگر کسی به دنبال این نیست که چیز غیر متعارفی در دیگری پیدا کند.

هیچ کس سیاه دوست ندارد، اما...

این فرض مسلم است که جامعه، جمع جبری افراد نیست. یعنی دو به اضافه دو در جامعه لزوماً چهار نمی شود، بلکه معمولاً بیشتر می شود و در موارد معدودی هم کمتر. یعنی وقتی من و تو و دیگری با یکدیگر ارتباط برقرار کردیم، این ارتباطات متقابل شبکه ای ایجاد می کند که نامش جامعه است و دیگر مستقل از روابطی که شکلش داده ایم، عمل می کند. ما تک تک اجزایش را چیده ایم ولی وقتی جان گرفت، همچون ارگانیکمی جاندار فعالیتی مستقل آغاز می کند و دیگر از خواسته های ما تبعیت نمی کند. بنابراین ممکن است تک تک افراد یک جامعه گرایشهای خاصی داشته باشند ولی جمع جبری این گرایشها لزوماً خودش را در ارزشها و هنجارهای جامعه منعکس نکند.

● ممکن است چند دقیقه ورزش را قطع کنید و به سوالات من جواب دهید؟  
○ خواهش می کنم.

● نظر شما در مورد رنگ لباس خانمها چیست؟

○ اگر یک مقدار از لباسهای رنگی استفاده کنند، دل مردم باز می شود.

● شما خودتان چرا مشکی پوشیده اید؟  
○ چون می بینم همه مشکی می پوشند من هم مشکی می پوشم.

● شما عقیده دارید رنگ در روحیه افراد تأثیر دارد؟  
○ صددرصد، اگر مؤثر نبود که مردم در مراسم عزا برای نشان دادن تأثیر خود مشکی نمی پوشیدند.

● چه رنگ مانتویی بیشتر تولید می کنید و

\*

خانمها کدام رنگ را بیشتر انتخاب می کنند؟  
○ ما معمولاً بیشتر سیاه تولید می کنیم. خانمها هم بیشتر سیاه می خرند.

● فکر می کنید چرا خانمها به رنگ سیاه بیشتر تمایل دارند؟

○ چون در هر شرایطی می توانند از آن استفاده کنند.

● کی چنین حرفی زده؟  
○ سؤال شما از محدوده خارج شده، دیگر نمی توانم به آن جواب دهم.

\*

● چند سالت است؟

○ ۶ سال.

● چه رنگی را خیلی دوست داری؟

○ سبز.

● مادرت بیشتر چه رنگی می پوشد؟

○ سیاه.

● تو دوست داری؟

○ یک کمی. ولی سفید هم دوست دارم.

● خوب چرا نمی گویی بپوشد؟

○ آخر مانتوی سفید که نیست. تازه

نمی تواند سفید بپوشد.

● چرا؟

○ خوب زشت است.

● چرا زشت است؟

○ آخر همه می دانند که زشت است!

\*

● ببخشید آقا، می توانم تحصیلات و

شغلتان را سؤال کنم؟

○ دکتری برق دارم و روزنامه نگارم.

● شما به عنوان یک مرد، وقتی خانمی

را با لباس رنگ روشن می بینید چه استنباطی

می کنید؟

○ من اصولاً فکر نمی کنم که خانمها باید

سیاه بپوشند، بنابراین وقتی خانمی را در لباس

غیر سیاه می بینم، برداشت خاصی نمی کنم

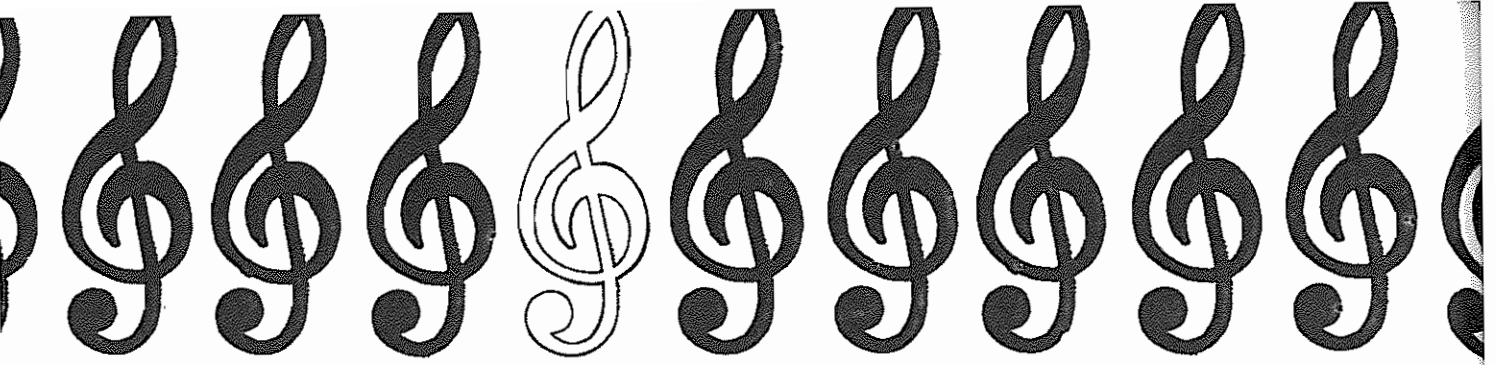
البته چون الان موارد استفاده از رنگهای تیره

زیاد است، شاید متوجه خانمی که لباس

روشن پوشیده بشوم ولی استنباط خاصی







است: اگر فایده رفتاری بر هزینه‌هایش فزونی داشته باشد، آن رفتار صورت می‌گیرد ولی اگر هزینه آن بالا باشد، معمولاً از آن اجتناب می‌شود. پیروی از این مدل بعضی مواقع آگاهانه صورت می‌گیرد و گاه حالت نهادی دارد. یعنی ما از طریق عادت، تربیت و یادگیری اجتماعی آموخته‌ایم که چه رفتارهایی هزینه‌گزافی دارد و چه رفتارهایی فواید بسیار. به نظر می‌آید در جامعه ما در حال حاضر هزینه‌های استفاده از رنگهای شاد بر فوایدش می‌چربد. بنابراین عموماً افراد ترجیح می‌دهند از رنگهای روشن و شاد استفاده نکنند.

### ● خانم، شغلتان چیست؟

○ کارشناس یکی از ادارات دولتی هستم.

● شما معمولاً خارج از منزل چه رنگ لباسی می‌پوشید؟

○ معمولاً رنگ تیره می‌پوشم.

### ● چرا؟

○ چون اگر رنگ دیگری بپوشم، نامأنوس است.

● برای خودتان نامأنوس است یا برای دیگران؟

○ هم برای خودم و هم برای دیگران.

● چون دیگران با حالت بدی به آدم نگاه می‌کنند و در اثر نگاه متعجب آنها، این رنگ برای خودم هم نامأنوس جلوه می‌کند و احساس می‌کنم رنگ ناجوری پوشیده‌ام و ترجیح می‌دهم از آن به بعد سیاه بپوشم.

● فکر می‌کنید چرا سیاه، رنگ مأنوسی است؟

○ علت عمده آن صدور همان بخشنامه‌های اداری است که در آنها بر پوشیدن رنگ تیره و بخصوص سیاه تأکید می‌شود.

● فکر نمی‌کنید علت تأکید بر تیره پوشیدن، جلوگیری از جلب توجه نسبت به خانمها باشد؟

○ اگر زنی بخواهد جلب توجه کند، با

● چرا رنگ دیگری نمی‌پوشید؟

○ چون از بین رنگهای مشخص شده مشکی و سرمه‌ای و قهوه‌ای، مشکی را بیشتر دوست دارم.

● ظاهراً شما با حجاب هستید؟

○ بله.

● فکر نمی‌کنید استفاده از رنگ روشن در مذهب خللی وارد کند؟

○ نه. به هیچ وجه. مذهب راهی است برای نزدیکی به خدا و پوشیدن لباسهای روشن مانعی در این راه نیست.

● فکر می‌کنید رنگ سیاه چه تأثیری در جامعه دارد؟

○ خیلی دلگیر است.

● فکر می‌کنید اگر یک روز همه سفید بپوشند چه اتفاقی می‌افتد؟

○ سفید رنگ آرامی است و بر خلاف مشکی که خستگی و غم و کسالت می‌آورد، باعث آرامش و نشاط می‌شود. البته وقتی همه سفید بپوشند، فرقی با وقتی که همه سیاه می‌پوشند، ندارد. ضمناً علت دیگری که برای تیره پوشیدن افراد سراغ دارم این است که هوا خیلی آلوده است و لباس روشن خیلی زودتر کثیف می‌شود.

● مشکی کثیف نمی‌شود یا ما آلودگی آن را نمی‌بینیم؟

○ البته که کثیف می‌شود ولی اگر کسی بخواهد کاملاً تمیز باشد باید هر روز لباسش را بشوید اما پوشیدن لباس مشکی، که آلودگی را کمتر نشان می‌دهد، برای بعضی افراد راحت‌تر است!

### پوشش رنگی، هزینه‌گزار

یکی از مدل‌های مطرح در جامعه‌شناسی برای توضیح رفتار اجتماعی مدل «هزینه و فایده» است که در جوامعی چون جامعه ما هم کاربرد تحلیلی دارد. بر اساس این مدل اشخاص معمولاً هزینه‌های یک رفتار را در یک کفه ترازو می‌گذارند و فایده‌های آن را در کفه دیگر و رفتار آنها حاصل این توازن

نخواهم کرد. خوشبختانه هنوز بعضی خانمها به استفاده از رنگهای روشن تمایل دارند. من شخصاً این رنگها را بیشتر می‌پسندم.

● فکر می‌کنید چرا خانمها بیشتر رنگ تیره می‌پوشند؟

○ فکر می‌کنم آنها بیشتر مجبورند تیره بپوشند. آنقدر دایماً به آنها گفته‌اند تیره بپوشید که دیگر چاره‌ای ندارند، بخصوص در ادارات دولتی که بخشنامه‌های کتبی درباره الزام به استفاده از رنگ تیره وجود دارد. من شکی ندارم که اگر نگرانی خانمها در مورد برداشت جامعه نسبت به رنگ لباسشان از بین برود، رنگهای متنوعتری انتخاب می‌کنند.

● نظرتان درباره تأثیر رنگهای تیره در روحیه جامعه چیست؟

○ از نظر علمی نمی‌دانم اما به طور کلی می‌بینم که همه اطرافیانم از اجبار در انتخاب رنگهای تیره ناراحت هستند و همه، پوشیدن لباسهای روشن یا به عبارتی، آزادی انتخاب رنگ را قدمی برای تساهل اجتماعی و آزادی و شادی بیشتر می‌دانند. من افراد زیادی را در مناصب مختلف و با اندیشه‌های گوناگون می‌شناسم که خواهان داشتن آزادی در انتخاب رنگ لباس هستند. گفته می‌شود که در مذهب ما مسأله چگونگی پوشش و رنگ تعیین شده است ولی آیا همه راهها برای تنوع شکل و رنگ پوشش در مذهب بسته است و آیا این موضوع آن قدر محدود است که همه آزادیهای فردی در انتخاب رنگ و چگونگی شکل پوشش از خانمها سلب می‌شود؟

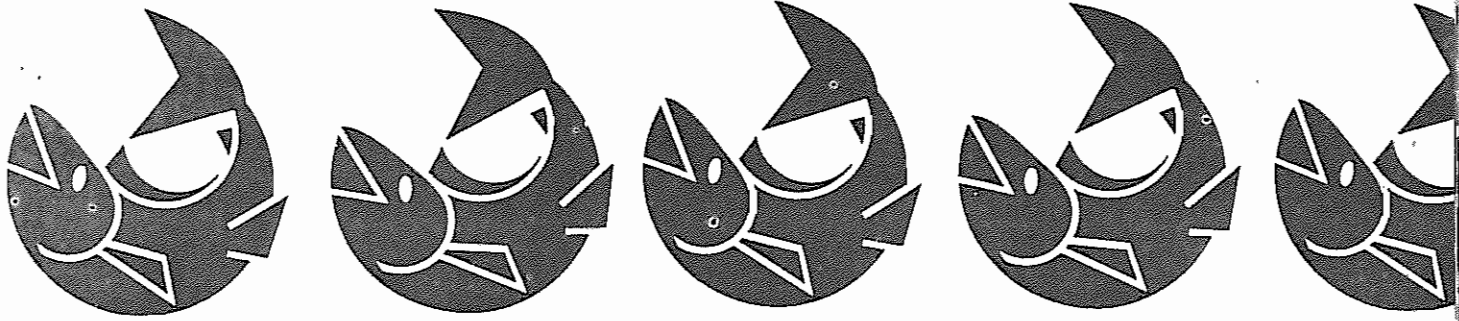
● به نظر شما در این مورد چه باید کرد؟

○ باید راه بحث و گفت‌وگو را در این زمینه باز کنیم. به مسائلی مثل رنگ لباس آنقدر تقدس ندهیم که دیگر اجازه ورود به بحث، از انسانهای دیگر با نظرات دیگر سلب شود.

\*

● خانم، چرا مشکی پوشیده‌اید؟

○ برای اینکه مجبورم. چه در دانشگاه و چه در محل کار.



پوشیدن رنگ تیره هم جلب توجه می‌کند.  
 ● همسر شما در مورد انتخاب رنگها چه نظری دارند؟  
 ○ اصولاً همان چیزی را که بیشتر عرف جامعه است، می‌پسندد.

\*  
 ● چند ساعت است؟  
 ○ ۱۴ ساله‌ام.

● وقتی از خانه خارج می‌شوی، بیشتر چه رنگی می‌پوشی؟  
 ○ مشکی.  
 ● چرا؟  
 ○ چون از رنگهای روشن ممکن است ایراد بگیرند.

● چه کسی ایراد می‌گیرد؟  
 ○ دیده‌ام که ایراد گرفته‌اند.  
 ● چه رنگی را بیشتر دوست داری؟  
 ○ قرمز.  
 ● فکر نمی‌کنی رنگ قرمز، جلب توجه می‌کند؟

○ اینجا اینطوری است چون مردم خیلی رنگها را نمی‌پوشند برای همین هم فکر می‌کنند قرمز پوشیدن خیلی بد است، اما رنگ قرمز واقعاً بد نیست.  
 ● از رنگهای تیره هم خوشتر می‌آید؟  
 ○ نه. چون غمگین می‌کند اما وقتی رنگ سفید می‌بینم، روحیه‌ام خیلی شاد می‌شود.

\*  
 ● چند سالتان است و شغلتان چیست؟  
 ○ ۲۹ ساله‌ام و شغلم آرایشگری است.  
 ● چطور لباس صورتی رنگ پوشیده‌اید؟  
 ○ رنگ شاد را دوست دارم. از طرفی به خاطر محیط کارم هم باید از رنگ شاد استفاده کنم.

● مگر رنگ لباس در محیط کار شما مؤثر است؟  
 ○ صددرصد.  
 ● چطور؟

○ رنگ شاد، در روحیه مشتریان ما اثر مطلوب می‌گذارد. البته رنگ شاد در روحیه همه مؤثر است ولی در اجتماع کسی

نمی‌تواند رنگ روشن پوشد.  
 ● چرا؟

○ ممکن است اذیت شوند.  
 ● چه کسی زنان را به خاطر استفاده از رنگ روشن اذیت می‌کند؟  
 ○ خوب دیگر هستند.  
 ● فکر می‌کنید چرا خانمها را به این دلیل اذیت می‌کنند؟

○ نمی‌دانم. شاید چون جلب توجه می‌کنند.  
 ● شما خودتان معتقدید که پوشیدن رنگ روشن برای خانمها صورت خوشی ندارد؟  
 ○ نه من چنین عقیده‌ای ندارم.  
 ● خودتان تا به حال با پوشش سفید رنگ از منزل بیرون رفته‌اید؟

○ بله.  
 ● مسئله‌ای برای شما پیش آمد؟  
 ○ دچار مشکل شدم.  
 ● به شما چه گفتند؟  
 ○ گفتند: «رنگ مانتوی شما فجیع است.»

● یعنی چه؟  
 ○ نمی‌دانم.  
 ● شما آرایش هم داشتید؟  
 ○ نه آرایش داشتم، نه حجابم ایرادی داشت چون من حجاب را قبول دارم. آنها فقط به رنگ مانتوی من ایراد گرفتند.  
 ● شما معنی «رنگ فجیع» را نپرسیدید؟  
 ○ نه.

● بعد از آن شما دوباره از این مانتو استفاده کردید؟  
 ○ بله، ولی وقتی با ماشین بودم یا شبها. من این مانتو را از همین جا، سر خیابان خریدم. نمی‌دانم اگر این رنگها اشکالی ندارد، پس چرا برای مردم در دسر درست می‌کنند. اگر هم اشکال دارد، پس چرا اجازه تولید و فروش آن را می‌دهند که مردم دچار مشکل بشوند؟

\*  
 ● دختر خانم چند ساعت است؟

○ ۱۶ سال.

● همیشه از رنگهای روشن استفاده می‌کنی؟

○ نه، معمولاً رنگهای تیره می‌پوشم.  
 ● چرا؟

○ این طوری جا افتاده.  
 ● کی جا انداخته؟

○ خوب مثلاً رنگ مانتوهای مدرسه، تیره است و بیرون از مدرسه هم با پوشیدن رنگ روشن برای ما مشکل به وجود می‌آید.  
 ● کی به شما ایراد می‌گیرد؟

○ ...  
 ● موردی هم برای مثال دارید؟  
 ○ بله. دوستم به دلیل پوشیدن مانتوی سفید مورد ایراد قرار گرفت.  
 ● روپوش مدرسه شما چه رنگی است؟  
 ○ سرمه‌ای.

● خانم شما دانشجو هستید؟  
 ○ بله

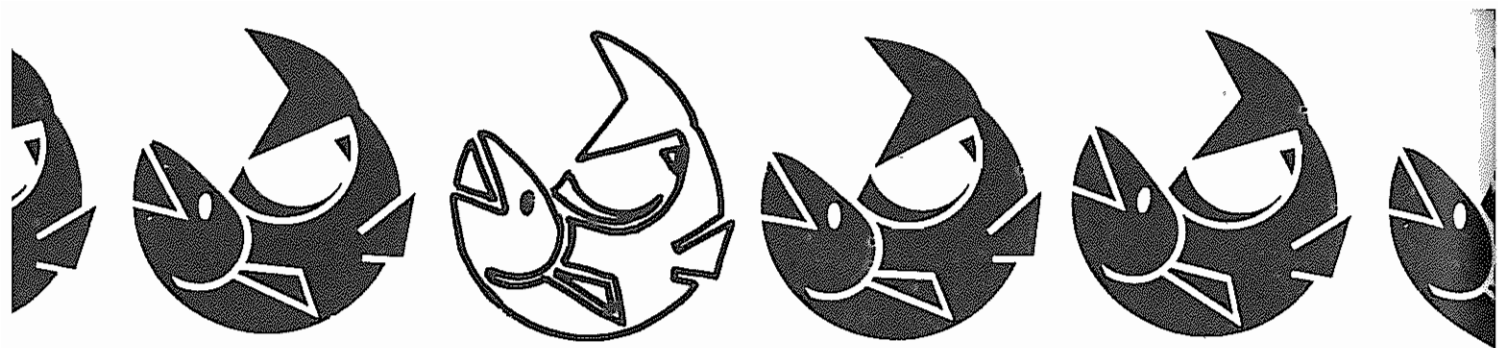
● چرا سراپا مشکی پوشیده‌اید؟  
 ○ رنگ دیگری نمی‌توانم بپوشم. به دو دلیل، یکی اینکه چاقم و دیگر اینکه نظام اجتماعی این عمل را نمی‌پسندد.

● یعنی اگر فرد دیگری بدون داشتن شرایط فیزیکی شما از رنگ روشن استفاده کند، مسأله‌ای نیست؟  
 ○ عملاً می‌بینیم که هست. مثلاً در دانشگاه.

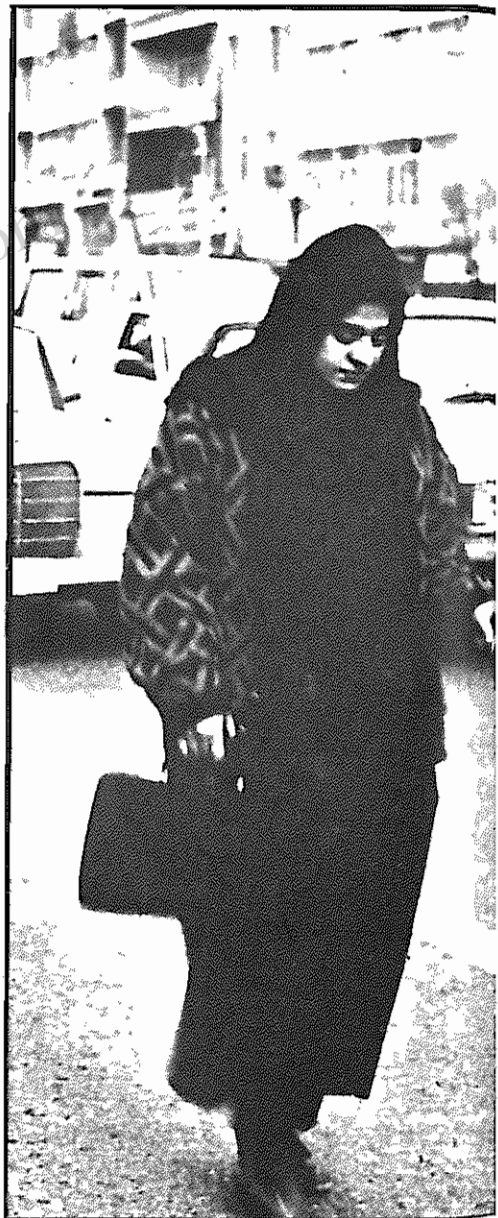
● چه کسی به این کار ایراد می‌گیرد؟  
 ○ افکار عمومی.  
 ● چه ایرادی می‌گیرند؟  
 ○ پسرها معمولاً طرز تفکرشان در مورد این دختر معلوم است. دخترها هم معتقدند که او با پوشیدن این رنگ، قصد جلب توجه آقایان را دارد. در حقیقت معیار قضاوت، حول این محور دور می‌زند.

● چه کسی این طرز تفکر را ایجاد کرده؟  
 ○ عوامل زیادی در این مسأله نقش





● چرا تصور می شود زنان در انتخاب رنگ هم باید محدود و تحت فشار دتا مبادا جامعه مثل جنگل شود و مردها به فانیهای که روشن می پوشند، حمله ور شوند.



دارند. در درجه اول، طرز تربیت دخترها و پسرها در خانواده هاست. دیگر اینکه در جامعه کنونی ما، تیره پوشیدن دلیل وقار قلمداد می شود، بنابراین دخترها سعی می کنند با استفاده از رنگ تیره و سنگین، این ارزش را بیشتر حفظ کنند.

● پوشش رنگ روشن، و قار و متانت را از دخترها سلب می کند؟

○ نه.

● اگر با مانوی سفید رنگ به دانشگاه بروید، چه می شود؟

○ متلک شنیدن از افراد غریبه در مورد استفاده از رنگهای روشن آن قدر آزاردهنده نیست. ولی شنیدن همان حرف از آقای که با هم، همکلاس هستیم، بسیار سنگین و ناگوار است.

● بخشنامه صریحی در مورد عدم استفاده از رنگ روشن در دانشگاه وجود دارد؟

○ بله.

● به چه دلیل آن را ممنوع کرده اند؟

○ نمی دانم.

● آقایان هم با محدودیتی در انتخاب رنگ مواجهند؟

○ نه.

● شما گرایشهای مذهبی دارید؟

○ بله. خیلی زیاد.

● فکر می کنید، استفاده از رنگ روشن، در مذهب افراد خللی وارد می کند؟

○ فکر نمی کنم، من در این مورد به روایتی برخورد کرده ام. فقط در مورد رنگ قرمز که مورد پسند شیطان است.

● پس هدف از آفرینش این رنگ چه بوده؟

○ استفاده ها متفاوت است. شاید این مسأله به خاطر این است که در مذهب ما شخصیت شمر همیشه با پوشش یک سره قرمز تصویر می شود. به نظر من، دین، در صدد تعیین محدوده رنگ لباسها نیست. این بر خلاف آزادی فردی است. من به شدت به

آزادی فردی اهمیت می دهم.

● آزادی فردی در مورد انتخاب رنگها

چه چیزی را ایجاب می کند؟

○ هر کس در انتخاب رنگ کاملاً آزاد باشد. ولی متأسفانه، ما زنها از هر نظر آن قدر تحت فشار بوده ایم که آزادی انتخاب رنگ را از حقوق خود نمی شناسیم. و هر کس راجع به نوع و رنگ پوشش ما نظری می دهد.

\*

● خانم، می توانم بپرسم چرا سرتاپا مشکی پوشیده اید؟

○ علت خاصی ندارد. شاید چون رنگ سنگینی است و در اجتماع نسبت به رنگهای دیگر پذیرفته شده تر است.

● چه کسی این ملاک پذیرش را تعیین کرده؟

○ فکر می کنم جامعه ای که ما هم عضوی از آن هستیم.

● شما با این رنگ موافقید؟

○ نه. در حقیقت من مجبور به پذیرش این مسأله هستم.

● خودتان چه رنگی را می پسندید؟

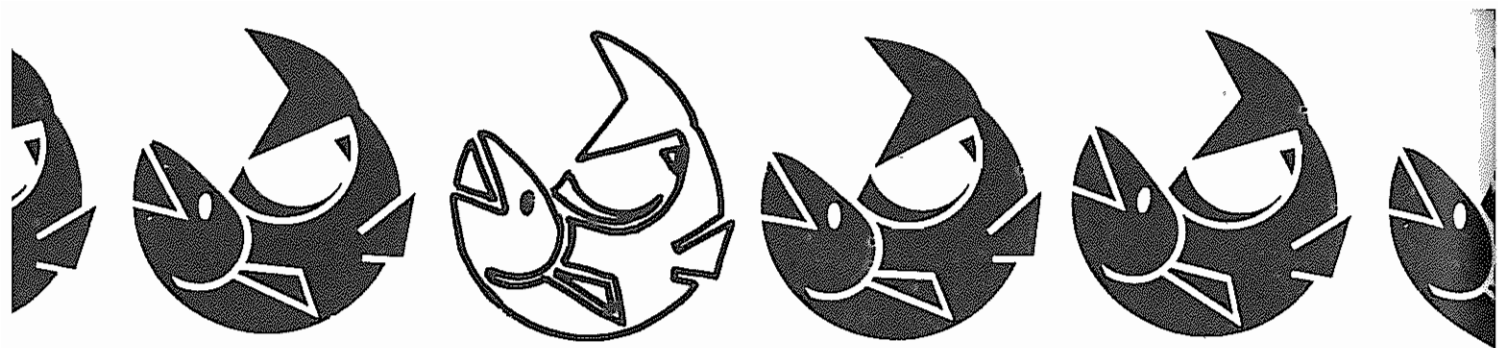
○ مسلماً رنگهای شاد و زنده. رنگهایی که در حالات روحی من تأثیر مثبت داشته باشد. قطعاً این رنگهای تیره، برای محیطهای کاری و آموزشی مناسب نیستند و باعث خستگی زودرس می شوند.

● فکر می کنید اگر اکثر خانمها سفید بپوشند، جامعه نمی پذیرد؟

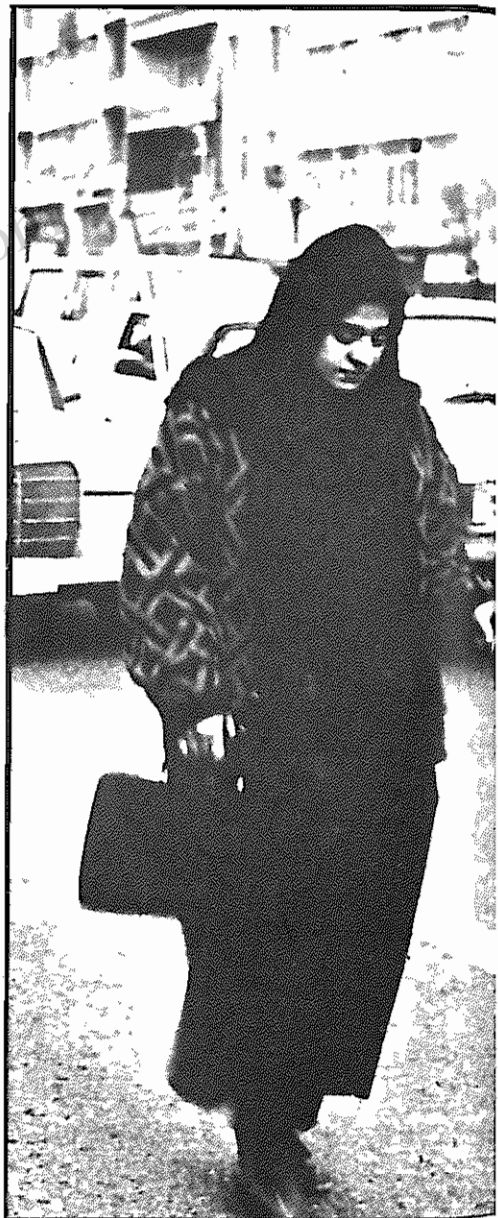
○ اگر روزی خانمها بتوانند سفید بپوشند قطعاً من هم خواهم پوشید.

● آن روز اگر بین این جمعیت، چند نفر سیاه بپوشند، فکر می کنید نظر جامعه چه خواهد بود؟

○ خوب غیرعادی به نظر خواهد آمد. اما به نظر من این رنگها نیستند که مشکل آفرینند بلکه این هنجارهای اجتماعی هستند که ایجاد مشکل می کنند.



● چرا تصور می شود زنان در انتخاب رنگ هم باید محدود و تحت فشار دتا مبادا جامعه مثل جنگل شود و مردها به فانمهایی که روشن می پوشند، حمله ور شوند.



دارند. در درجه اول، طرز تربیت دخترها و پسرها در خانواده هاست. دیگر اینکه در جامعه کنونی ما، تیره پوشیدن دلیل وقار قلمداد می شود، بنابراین دخترها سعی می کنند با استفاده از رنگ تیره و سنگین، این ارزش را بیشتر حفظ کنند.

● پوشش رنگ روشن، و قار و متانت را از دخترها سلب می کند؟

○ نه.

● اگر با مانوی سفید رنگ به دانشگاه بروید، چه می شود؟

○ متلک شنیدن از افراد غریبه در مورد استفاده از رنگهای روشن آن قدر آزاردهنده نیست. ولی شنیدن همان حرف از آقای که با هم، همکلاس هستیم، بسیار سنگین و ناگوار است.

● بخشنامه صریحی در مورد عدم استفاده از رنگ روشن در دانشگاه وجود دارد؟

○ بله

● به چه دلیل آن را ممنوع کرده اند؟

○ نمی دانم.

● آقایان هم با محدودیتی در انتخاب رنگ مواجهند؟

○ نه.

● شما گرایشهای مذهبی دارید؟

○ بله. خیلی زیاد.

● فکر می کنید، استفاده از رنگ روشن، در مذهب افراد خللی وارد می کند؟

○ فکر نمی کنم، من در این مورد به روایتی برخورد کرده ام. فقط در مورد رنگ قرمز که مورد پسند شیطان است.

● پس هدف از آفرینش این رنگ چه بوده؟

○ استفاده ها متفاوت است. شاید این مسأله به خاطر این است که در مذهب ما شخصیت شمر همیشه با پوشش یک سره قرمز تصویر می شود. به نظر من، دین، در صدد تعیین محدوده رنگ لباسها نیست. این بر خلاف آزادی فردی است. من به شدت به

آزادی فردی اهمیت می دهم.

● آزادی فردی در مورد انتخاب رنگها چه چیزی را ایجاب می کند؟

○ هر کس در انتخاب رنگ کاملاً آزاد باشد. ولی متأسفانه، ما زنها از هر نظر آن قدر تحت فشار بوده ایم که آزادی انتخاب رنگ را از حقوق خود نمی شناسیم. و هر کس راجع به نوع و رنگ پوشش ما نظری می دهد.

\*

● خانم، می توانم بپرسم چرا سرتاپا مشکی پوشیده اید؟

○ علت خاصی ندارد. شاید چون رنگ سنگینی است و در اجتماع نسبت به رنگهای دیگر پذیرفته شده تر است.

● چه کسی این ملاک پذیرش را تعیین کرده؟

○ فکر می کنم جامعه ای که ما هم عضوی از آن هستیم.

● شما با این رنگ موافقید؟

○ نه. در حقیقت من مجبور به پذیرش این مسأله هستم.

● خودتان چه رنگی را می پسندید؟

○ مسلماً رنگهای شاد و زنده. رنگهایی که در حالات روحی من تأثیر مثبت داشته باشد. قطعاً این رنگهای تیره، برای محیطهای کاری و آموزشی مناسب نیستند و باعث خستگی زودرس می شوند.

● فکر می کنید اگر اکثر خانمها سفید بپوشند، جامعه نمی پذیرد؟

○ اگر روزی خانمها بتوانند سفید بپوشند قطعاً من هم خواهم پوشید.

● آن روز اگر بین این جمعیت، چند نفر سیاه بپوشند، فکر می کنید نظر جامعه چه خواهد بود؟

○ خوب غیرعادی به نظر خواهد آمد. اما به نظر من این رنگها نیستند که مشکل آفرینند بلکه این هنجارهای اجتماعی هستند که ایجاد مشکل می کنند

● بچه‌ها تمام موارد نقض اصول همسالان را به بزرگترها گزارش می‌دهند. چون بزرگترها را محک اصلی برای تشخیص رفتار خوب و بد می‌دانند.

👉 سارای چهار ساله با زحمت از پله‌ها بالا آمد تا به من بگوید: «مادر، سامی داره قبل از شام چیپس می‌خوره.» سارا در مهدکودک هم وقتی بچه‌های دیگر بیشتر از زمان مقرر با یک اسباب‌بازی، بازی می‌کنند، گزارش می‌دهد.

مادر می‌داند که دخترک دوست دارد قواعد کاملاً اجرا شوند. او می‌گوید: «من اکثراً با او بحث نمی‌کنم چون از هر ۱۰ مورد، نه مورد حق با اوست.» ولی مادر نگران است که این عادت سارا در مورد چُغلی کردن از خواهر و دوستانش، در آینده نتایج چندان خوبی برای او نداشته باشد. 📌

بچه‌ها عموماً در دوران پیش از دبستان چُغلی می‌کنند یعنی درست زمانی که معنی قانون و قاعده را می‌فهمند و می‌دانند: «قبل از شام نباید هله‌هوله بخورند.» در این سن، خبرچینی آنان نشانه‌ای از رشد ذهنی و هوشی آنهاست اما به هر حال خبرچینی کار خوشایندی نیست. بچه‌ای که دائماً چُغلی می‌کند می‌تواند روابط دوستانه را بر هم زند و اعصاب شما و بزرگترهای دیگر را خرد

لوسی امرسون مالیوان  
ترجمه سهیلا پارسا

## این قدر چغلی نکن!

کند. پس چه باید کرد؟ بهترین کار این است که انگیزه او را از این کار دریا بید. به طور کلی چهار عامل اصلی بچه را به انجام این کار و می‌دارد که دوتای این عوامل بسیار مخرب هستند و بهتر است راه برخورد با هر یک را بدانید:

### ◀ خبر رسانی بی‌ضرر

اولین نوع خبرچینی، در سالهای پیش دبستانی و یا سالهای اول دبستان بروز می‌کند که باید با ملایمت و بردباری و به عنوان بخشی از فرآیند رشد کودک پذیرفته شود. کودکان در این سن کم‌کم رفتارهای اخلاقی را درک می‌کنند و می‌آموزند چه چیز درست و چه چیز نادرست است. چُغلی یکی از



● بچه خبرچین از نوع اطلاع رسان، باید مورد ستایش قرار گیرد چرا که عمل او ضامن سلامتی دیگران می‌شود.

راههایی است که آنان می‌توانند به ما بفهمانند که اصول را درک می‌کنند: «هلن روی گلها راه می‌رود»، «سام دستش را توی ظرف ماهیها می‌کند»، «ماری دوتا کلوچه خورده». بچه‌ها تمام موارد نقض اصول را به بزرگترها گزارش می‌دهند چون بزرگترها را محک اصلی برای تشخیص رفتار خوب و بد می‌دانند. آنها از والدین انتظار دارند وقتی رفتاری نادرست از کسی سر می‌زند، نادرستی آن را تأیید کنند و طوری با مجرم برخورد کنند که در آینده چنین رفتاری نداشته باشد.

مفهومی که از «خوبی» در ذهن بچه‌های خردسال وجود دارد با مفهوم عدالت در ارتباط است یعنی اگر کسی کار خلافی انجام دهد باید مجسّم گرفته و تنبیه شود. جنبه مثبت این مرحله این است که پیشرفت هوشی بچه را نشان می‌دهد. آنها برای نخستین بار هدف از برقراری قانون و قاعده و نیز تفاوت بین درست و نادرست را درک می‌کنند. زمانی که بچه بزرگتر می‌شود، بهتر است خیلی ساده اهمیت پیروی از قوانین را برایش مشخص کنید و بر اجرای صحیح و کامل این قوانین نظارت داشته باشید.

وقتی پسران می‌گویند که خواهرش روی مبل بالا و پایین می‌پرد، مطمئن باشید که قبلاً در مورد ممنوعیت پرش روی مبل و صندلی صحبتی کرده‌اید. شاید گفته‌اید که این بازی خطرناک است و مبل نیز خراب می‌شود. پس برای توبیخ خواهر خطاکار بگویید: «دفعه دیگر که از اتاق رد می‌شوم، نمی‌خواهم دوباره چنین صحنه‌ای را ببینم». سعی کنید دلیل رعایت نظم و قاعده را در حضور برادرش به او تذکر و توضیح دهید. کاری نکنید که بچه چغلی‌کننده از دیدن تنبیه خواهر یا برادرش خوشحال شود. اگر می‌خواهید دخترتان را تنبیه کنید او را به گوشه‌ای برده و به طور خصوصی با او صحبت کنید.

### خبر رسانی ضروری

دومین نوع خبرچینی که ضامن سلامتی کودک بوده و ضروری به نظر می‌رسد، زمانی است که مثلاً پسر خردسالتان نفس زنان به سوری شما آمده و می‌گوید: «ماری دارد کبریت بازی می‌کند». در این مواقع باید طفل اطلاع رسانی مورد ستایش قرار گیرد چرا که از سوختن خواهرش و یا ایجاد حریق در

خانه جلوگیری کرده‌است.

گاهی اوقات باید برای پیشگیری از برپایی یک جنجال حسابی به میانگیری بین کودکان برخیزید. پسر سه ساله‌تان پس از مشاجره با برادر پنج ساله‌اش به سراغ شما می‌آید و می‌گوید: «سامی مرا می‌زند». یا «سامی کتاب را به طرف من پرت کرد». در چنین مواردی بچه کوچکتر به حمایت شما نیاز دارد. پس ابتدا میانجی شده و از وخیمتر شدن اوضاع جلوگیری کنید، سپس او را راهنمایی کنید تا در آینده، خودش به تنهایی مشکلش را حل کند. به او بگویید خودش با برادرش آشتی کند و یا اصلاً از او کناره‌گیری نماید: «حرف بزن، وقتی ترا می‌زند، به او بگو دردت می‌آید. اگر هم نخواستی حرف بزنی از او دور شو. یا اگر دعوا سر توپ است، سعی کن توپ را به او هم بدهی». اگر بدون توجه بچه را از سر باز کنید و به او بگویید برگرد و خودت مسأله را حل کن، به او چسبزی نیاموخته‌اید و دور باطل آغاز می‌شود: مهاجمتر و گستاختر، مظلومتر را از میدان به در می‌کند و در نتیجه گستاخ، گستاختر می‌شود.

### خبر رسانی برای جلب توجه!

سومین عاملی که بچه را به چغلی وادار می‌کند، بسیار ساده است: جلب توجه کامل شما! زمانی هم که بفهمد با این روش می‌تواند توجه شما را جلب کند، دم به دقیقه، این ترند را به کار خواهد بست. اگر از صبح تا شب مدام شنیدید که: «سام غذایش را تمام نکرده». و یا «سارا بدون ژاکت رفته بیرون». مطمئن باشید که کودک می‌خواهد توجه شما را به خود جلب کند. بهتر است چغلیهایش را نادیده بگیرید و در مورد رفتارش با او صحبت کنید و برای این کار کاملاً جدی باشید. مثلاً بگویید: «من متوجه هستم که تو مدام می‌آیی و از خواهرت شکایت می‌کنی. دلیل این کارت چیست؟» اگر گفت: «او همیشه مرا اذیت می‌کند». نگویید او کوچکتر است و نمی‌فهمد. بلکه بگویید: «مثلاً چه کار می‌کنی؟» شاید مشکل جدی و اساسی وجود نداشته باشد. ولی او باید بداند که شما از رفتارش برای جلب توجه آگاهید. بگویید: «فکر می‌کنم می‌خواهی با گفتن اشتباهات خواهرت، توجه مرا جلب کنی. من هم وقتی بچه بودم همین کار را می‌کردم. اما بهتر است بیایی پیش من و بگویی من تنها هستم و حوصله‌ام سر رفته، و

از من بخواهی برایت کتاب بخوانم یا با تو حرف بزنم.»

شاید این هشدار را باشد برای شما که بدانید چند روز اخیر چندان با بچه‌ها نبوده‌اید؛ شاید کار اداری مشغولتان کرده است یا در فکر اوضاع مالی خانه بوده‌اید. اگر چنین بوده سعی کنید توجه بیشتری به بچه‌ها نشان دهید.

### خبر رسانی برای خراب کردن دیگران

بدترین صورت چغلی، وقتی است که کودک می‌خواهد از راه خراب کردن طفلی دیگر با او رقابت کند و خودش را بهتر از خواهر یا برادرش نشان دهد: «سارا به جای نوشتن مشقهایش دارد با تلفن حرف می‌زند». «سام رختخوابش را جمع نکرده». در این موارد کودک از لحن مخصوصی برای بیان مطلب استفاده می‌کند که غالباً حالت برتری طلبی دارد. مثل: «من که گفتم.»

معمولاً بچه‌های بزرگتر به این روش چغلی می‌کنند. حتی گاهی اوقات تخصص پیدا کرده و می‌دانند در چه موقع مچ خواهر یا برادر خطاکار را بگیرند و سریعاً به شما گزارش دهند. آنچه آنها می‌خواهند، به دردمس انداختن طفل خطاکار و تنبیه شدن اوست. ایجاد دردمس برای سایرین نوعی بازی است که به دقت طراحی شده تا در آخر پاداشی گرفته شود. مطمئن باشید اگر پاداش یا تحسینی در بین نباشد، این برنامه ادامه نخواهد یافت.

سعی کنید کودک را از عواقب کارش آگاه سازید تا بداند روابط دوستانه‌اش با دیگران در صورت تداوم این رفتار از بین خواهد رفت: برادر و خواهرش به او بی‌اعتماد می‌شوند و پس از مدتی در صدد تلافی برمی‌آیند. به او بگویید تا زمانی که شما به عنوان بزرگتر و مسئول، در خانه هستید حق ندارد مراقب کارهای سایرین باشد. او باید بداند که خانواده یک تیم یا گروه است که همه در آن باید هوای یکدیگر را داشته باشند.

در نهایت کودک کم‌کم متوجه می‌شود که چه موقع وقت خبررسانی است و چه موقع نباید خطاهای سایرین را به شما گزارش دهد. ■

# زنان در مصر



ترجمه ناهید فرخنده

## ● اصولاً حقوق زنان برای

سیاستمداران مرد بی اهمیت است و چندان عجیب نیست که فقط یک تا پنج درصد اعضای احزاب، زنان باشند و در سندیکاها و مشاغل نیز مردان در رأس قدرت قرار بگیرند.

## ● حنا شکوایی، رئیس بخش

زنان حزب کارگر: «همه زندگی ما به نوعی سیاسی است اما زنان، آگاهانه از آن دوری می جویند.

آنها بعد از ازدواج درگیر خانه و بچه می شوند و اصولاً حقوق زنان برای سیاستمداران مرد بی اهمیت است.»

تصویری که تا به حال از زنان عرب در کشورهای اروپایی ارائه شده، تصویر زنی در حرمسرا، در بند قیود دست و پاگیر، ناآگاه و در نهایت زنی است که می تواند زیبا بر قصد یا گسترش جنبشها و فعالیتهای زنان در غرب، نشریات و دیگر وسایل ارتباط جمعی سعی بر این دارند که تصویری واقعی از زن عرب جانشین این تصویر یک بعدی کند. ۱۱

نشریه «همبستگی زنان» که در اتریش منتشر می شود، یکی از مطالب خود را به وضعیت زنان مصری اختصاص داده است. سیلیا هاردیس، نویسنده مقاله، با ۲۸ زن مصری که در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی فعال هستند، گفتگو کرده و از میان آنها تنها چند نمونه را برای چاپ برگزیده است. مطلب زیر خلاصه ای از مقاله یاد شده است:

الفتن کامل، زنی مصری است که در ویلایی کم رفت و آمد در قاهره زندگی می کند. او در طول زندگی ۷۴ ساله اش وقایع زیادی را از سر گذرانده است و حوادث سیاسی بزرگی را چون افسول سلطنت، به قدرت رسیدن «ناصر» و مرگ او، مرگ «سادات» و به ریاست جمهوری رسیدن «حسینی مبارک» شاهد بوده و خود نیز در عرصه سیاست فعالیت داشته است. او در سال ۱۹۶۴ کاندیدای مجلس شد و این مسأله برای همگان تعجب آور و حیرت انگیز بود زیرا در آن زمان هیچ کس فعالیت سیاسی زنان را باور نداشت. با این حال او در مرحله اول انتخابات موفق شد و یکی از سه زنی بود که در مجلس کرسی به دست آورد و ۱۰ سال نیز این سمت را عهده دار بود.

در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷، مصر از جمله حکومت های نادری بود که در مجلس نماینده زن داشت. امروزه زنان مصر در مقایسه با همکاران مرد خود از دانش و درایت بیشتری برخوردارند و از خود قاطعیت بیشتری نشان می دهند. اما آنان از مسئله زنان و «فمینیسم» درک کمی دارند. مثلاً دکتر فوزیه عبدالستاد، نماینده مجلس

می‌گوید: «من علاقه‌ای به مسائل خاص زنان ندارم، باینکه به مسائل به طور کلی و همه جانبه نگاه کرده، به علاوه جمعیت زنان در مصر بسیار بهتر از وضعیت زنان در اروپاست. من هرگز به خاطر جنسیت خود تحت ستم نبوده‌ام»

البته نظر هیأت تحریریه نشریه «زن حامد» متفاوت است: «در اتاق نشیمن یک خانه در مرکز قاهره، چهار زن در کنار هم نشستند و در باره شماره جدید تنها نشریه فمینیستی قاهره صحبت می‌کنند. این نشریه از سال ۱۹۸۶ و با هفت گروه کوچکی از زنان فمینیست منتشر می‌شود. این زنان در دانشگاه یا یکدیگر آشنا شده‌اند. آنها مجمعی به نام «سازمان غیردولتی» تأسیس کرده‌اند که تنها روی مسائل زنان کار می‌کند. این گروه زنان که حدود ۵ هزار نفر هستند، از فعالیتهای علمی، بهداشتی و آموزشی زنان در مصر پشتیبانی می‌کنند. عده‌ای هم در سندیکاها، اجزای و گروهها فعالیت دارند. همه احزاب سیاسی نیز گروههای زنان دارند که مسأله زن را به طور واقعی و جدی مورد توجه قرار نمی‌دهند. البته این امر دلایل مختلفی دارد. حاشیوایی، رئیس بخش زنان حزب کارگر می‌گوید: «به طور کلی شرکت زنان در زندگی حزبی کم شده است. در واقع همه زندگی ما به نوعی سیاسی است اما زنان، آگاهانه از آن دوری می‌جویند زیرا از سیاست می‌هراسند. آنها بعد از ازدواج درگیر خانه و بچه می‌شوند و همه اینها در حالی است که اصولاً حقوق زنان برای سیاستمداران مرد بی‌اهمیت است و در این راستا چندان هم تعجب آور نیست که فقط یک تا پنج درصد اعضای احزاب، زنان باشند و در سندیکاها و صحنه اشتغال نیز مردان در رأس قدرت قرار بگیرند.»

ایمان دادود، یک زن سی ساله فعال مصری می‌گوید: «من فمینیست هستم اما نه از نوع غربی آن. مسائلی که زنان غربی به آن توجه دارند، با مسائل مورد نظر ما متفاوت است. همجنس‌گرایی و آزادی جنسی از موضوعاتی است که غرب زیاد به آن می‌پردازد اما تصویر و تعریف من از فمینیسم مصری چیز دیگری است. مسأله عمده ما،

برابری حقوق اجتماعی، حق مساوی در امر طلاق، احساس مسئولیت مساوی در مورد بچه‌ها، و جا انداختن این مسأله ساده است که یک زن می‌تواند باهوشتر از یک مرد باشد. آنچه مرا از زنان فمینیست غربی به خشم می‌آورد، این است که به زیربناهای فرهنگی و شرایط خاص زندگی ما احترام نمی‌گذارند. مثلاً آنها نمی‌توانند به ما بگویند که حجاب داشته باشیم یا نه. خود من زمانی که حجاب در میان زنان گسترش پیدا کرد، احساس ترس کردم اما بعد به این نتیجه رسیدم که من حق قضاوت ندارم.»

ایمان، تنها زنی نبود که با زنان فمینیست غربی مرزبندی مشخصی داشت. بیشتر زنانی که من با آنها صحبت کردم، درباره اینکه فمینیسم در سالهای ۹۰ در مصر چه می‌تواند و یا چه باید باشد، تعریفی مشخص داشتند. فرق چندانی نمی‌کند که زنان مصری در چه موقعیت اجتماعی قرار داشته باشند - سیاستمدار، فعال در امور اجتماعی، تحصیل کرده، مبارز حقوق زنان یا شاغل در ادارات، به هر حال آنها اغلب ازدواج می‌کنند، بچه‌دار می‌شوند و باید مسئولیت شغل، فعالیتهای سیاسی و خانواده را به تنهایی به دوش بکشند. ممکن است شوهر، برادر و یا پدر آنها در عرصه اجتماعی، حمایتشان کنند اما در انجام کارهای خانه، تنها هستند. در حقیقت آنان در عرصه اجتماعی تا حدی امکان فعالیت یافته‌اند اما همزمان در خانه مورد ستم قرار می‌گیرند. بیش از ۶۰ سال است که زنان در این کشور برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود مبارزه می‌کنند اما هنوز در سطح جهانی، سیاستی مردانه تسلط دارد که بر زندگی آنان هم سایه می‌افکند و آنچه که در حرکتیهای سیاسی و اجتماعی آنها مورد سؤال قرار می‌گیرد، قبل از هر چیز جنسیت آنهاست.

امروزه روشنفکران جامعه عرب در جستجوی طرحی برای پیشرفت جامعه و گسترش دموکراسی هستند. برای تدوین و اجرای این طرح و بنای چنین جامعه‌ای، شرکت جدی زنان در امور سیاسی و اجتماعی و رضایت آنان از شرایط زندگی خود شرطی ضروری و اساسی است ■

### ● ایمان دادود، زن سی ساله فعال

مصری: «من فمینیست هستم

اما نه از نوع غربی آن.

آنچه مرا از زنان فمینیست غربی

به خشم می‌آورد، این است که

به زیربناهای فرهنگی و شرایط خاص

زندگی ما احترام نمی‌گذارند.»

### ● فرق چندانی نمی‌کند که زنان

مصری در چه موقعیت اجتماعی قرار

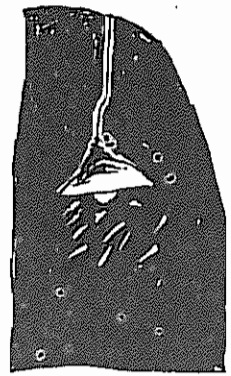
داشته باشند، به هر حال آنها پس

از ازدواج و بچه‌دار شدن باید

مسئولیت شغل، فعالیتهای سیاسی

و خانواده را به تنهایی به دوش بکشند.





# مهمان اشتباهی

روزارا پلکهایش را محکم به هم فشرد، خیال نداشت گریه کند. بعد فریاد زد: «بس است دیگر، تو اصلاً از دوستی چیزی نمی‌دانی!» او هر روز بعد از ظهر به خانه لوسیانا می‌رفت و در مدتی که مادرش خانه آنها را نظافت می‌کرد؛ او و لوسیانا، با هم تکالیف مدرسه‌شان را انجام می‌دادند، در آشپزخانه چای می‌خوردند و اسرارشان را به همدیگر می‌گفتند. روزارا همه چیز آن خانه بزرگ را دوست داشت؛ همین‌طور آدمهایی را که در آن زندگی می‌کردند.

می‌روم چون این بهترین مهمانی دنیاست، لوسیانا خودش این‌طور می‌گوید. قرار است یک شعبده‌باز بیاید که یک میمون دارد و کلی چیزهای دیگر.

مادر چرخید تا دخترش را خوب ببیند و آمرانه دستها را به کمر زد: «میمون؟ آن هم در جشن تولد؟ برو بابا، هر مزخرفی که می‌گویند باور می‌کنی؟»

روزارا خیلی ناراحت شد. فکر کرد مادرش خیلی بی‌انصاف است که دیگران را فقط به دلیل پولدار بودنشان، به دروغ‌گویی متهم می‌کند. روزارا هم البته دلش می‌خواست پولدار باشد. یعنی اگر روزی می‌توانست در یک قصر زیبا زندگی کند، دیگر مادر دوستش نداشت؟ خیلی غمگین شد. خیلی دلش می‌خواست به آن مهمانی برود.

تقریباً بدون اینکه لبهایش تکان بخورد، آهسته گفت: «اگر نروم، از غصه دق می‌کنم.»

و مطمئن نبود مادر صدایش را شنیده باشد اما صبح روز مهمانی، دید که مادرش لباس عیدش را آهار زده است. مادر بعد از ظهر موهای روزارا را شست و آنها را با سرکه سیب آب کشید تا نرم و براق شود. روزارا قبل از رفتن، خودش را خوب در آینه تماشا کرد و فکر کرد که با آن لباس سفید و موهای براق خیلی خوشگل شده‌است. سینیورا اینس هم توجهش جلب شد. همین که او را دید، گفت: «روزارا، امروز چه خوشگل شده‌ای!»

روزارا آهسته دستی به دامن آهار زده‌اش کشید و با گامهای راسخ وارد مهمانی شد. به لوسیانا سلام کرد و سراغ میمون را گرفت. لوسیانا قیافه مرموزی به خود گرفت و در گوش روزارا گفت: «توی آشپزخانه است اما به کسی نگو چون می‌خواهم غیرمنتظره باشد.»

روزارا می‌خواست مطمئن شود. آهسته وارد آشپزخانه شد و حیوان را دید: داخل قفسش غرق فکر و خیال بود. به اندازه‌ای مضحک بود که دخترک مدتی ایستاد و تماشایش کرد. بعد از آن هم مرتب، بدون اینکه کسی متوجه شود، می‌رفت و تماشایش می‌کرد. روزارا تنها بچه‌ای بود که اجازه داشت وارد آشپزخانه شود. سینیورا اینس گفته بود: «تو بیا، اما بقیه نه. آنها خیلی بازگوشند، ممکن است چیزی را بشکنند.» روزارا هیچ‌وقت چیزی نشکسته بود. وقتی پارچ

وقتی همسایه پهلویی را کشان‌کشان می‌برند، نوشتن کاری است تقریباً محال. در متجاوز از ده سالی که ژنرالها بر آرژانتین حکم می‌رانند، چندین نسل از نویسندگان آرژانتینی از بین رفت. با این حال در بجنوحه این سالهای هرج و مرج، نشریه ادبی ال آرژینتو نیکو، توانست با حفظ مضمون و محتوای خود، به طور معجزه‌آسایی دوام آورد. شعار این نشریه جمله‌ای از اسکاروایلد بود: «آدم باید همیشه کمی نامتحمّل باشد.»

این نشریه تحت نظارت آبلارده کاستیلو، نویسنده آرژانتینی بود، اما در واقع لیلیانا هکر، دبیر تحریریه نشریه، نیروی محرکه آن محسوب می‌شد.

وی با خولیو کورتازار - که به انتخاب خود به عنوان نویسنده یک جامعه شکنجه شده، در پاریس زندگی می‌کرد - سه صفحات این نشریه مجادله‌ای قلمی داشتند. کورتازار از موقعیت خود به عنوان نویسنده سیاسی در تبعید دفاع می‌کرد در حالی که لیلیانا هکر - همچون نیدین گوردیم در آفریقای جنوبی - معتقد بود: «برای اینکه صدایمان شنیده شود باید از داخل کشور فریاد بزنیم.» هکر اولین مجموعه داستان کوتاه خود را، به نام آنها که بوته سوزان را می‌نگریستند، در نوجوانی منتشر کرد. این مجموعه هنوز هم یکی از بهترین مجموعه‌های بعد از سالهای ۱۹۶۰ در آرژانتین تلقی می‌شود.

\*

دخترک همین که از راه رسید، یک راست به آشپزخانه رفت تا مطمئن شود که میمون آنجاست. حیوان آنجا بود: چه عالی! دلش نمی‌خواست بپذیرد که مادرش درست می‌گفته است. مادر با تمسخر گفته بود: «میمون، آن هم در جشن تولد؟ برو بابا، هر مزخرفی که می‌گویند باور می‌کنی!» دخترک فکر می‌کرد و عصبانی بود، نه به خاطر میمون، علتش فقط مهمانی بود.

مادر به او گفته بود: «دوست ندارم بروی. این مهمانی، مهمانی پولدارهاست.»

و دخترک که در مدرسه مذهبی درس می‌خواند، جواب داده بود: «پولدارها هم به بهشت می‌روند.»

مادر گفت: «به بهشت چه کار داری. مشکل تو این است که پایت را از گلیمت درازتر می‌کنی، دختر جان.»

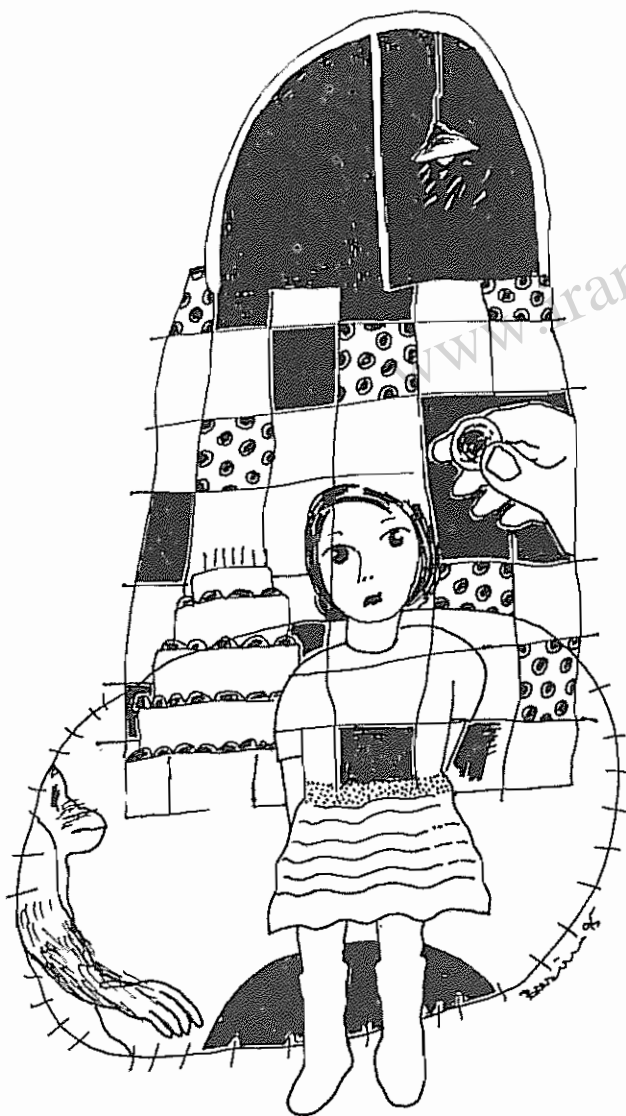
دختر لحن مادرش را نمی‌پسندید. هنوز نه سالش تمام نشده بود و یکی از بهترین شاگردهای کلاس بود.

گفت: «می‌روم چون دعوتم کرده‌اند و برای این دعوتم کرده‌اند که لوسیانا دوست من است، همین.»

مادرش غرولند کرد: «بله، دوست توست!» مکتی کرد و دست آخر گفت: «گوش کن روزارا، او دوست تو نیست. می‌دانی تو برای آنها چه هستی؟ دختر یک خدمتکار، همین.»

نبوده است.

اما قسمتهای خوب مهمانی هنوز مانده بود. بهترین قسمت، بعد از آنکه لوسیانا شمعها را فوت کرد شروع شد. اول نوبت کیک بود. سینیورا اینس از او خواسته بود که در دادن کیک به بچه‌ها کمکش کند، و روزارا از این کار خیلی لذت برده بود چون همه او را صدا می‌کردند و می‌گفتند: «به من! به من!» روزارا یاد داستانی افتاد که در آن ملکه‌ای، مرگ و زندگی زیردستانش را در اختیار داشت. همیشه دوست داشت این قدرت را داشته باشد، قدرت کنترل مرگ و زندگی. بزرگترین تکه‌های کیک را به لوسیانا و پسرها داد و به دختر پایبونی تکه‌ای چنان باریک داد که می‌شد از یک طرف آن، طرف دیگر را دید.



آب پرتقال را از آشپزخانه به اتاق نهارخوری برد، حتی یک قطره‌اش هم نریخت؛ و سینیورا اینس گفته بود: «مطمئن می‌توانی پارچ به این بزرگی را بیاوری؟» البته که می‌توانست. او که مثل بقیه، دست و پا چلفتی نبود، مثل آن دختر موبور که پایبونی به موهایش زده بود. آن دخترک به محض دیدن روزارا گفت: تو دیگر که هستی؟

روزارا جواب داد: «من یکی از دوستان لوسیانا هستم.»

دختر پایبونی گفت: «نه، تو دوست لوسیانا نیستی چون من دختر عمویم هستم و همه دوستان او را می‌شناسم اما تو را نمی‌شناسم.»

خوب، که چه؟ من با مادرم هر روز بعد از ظهر می‌آیم اینجا. ما مشق‌ایمان را با هم می‌نویسیم.

دختر با خنده پرسید: «تو و مادرت با هم مشق می‌نویسید؟»

روزارا خیلی جلدی جواب داد: «من و لوسیانا با هم مشق می‌نویسیم.»

دختر پایبونی شانه‌هایش را بالا انداخت: «اینکه دوستی نیست، مگر با هم می‌روید مدرسه؟»

روزارا گفت: «نه.»

دختر که دیگر صبرش لبریز شده بود، گفت: «پس از کجا او را می‌شناسی؟»

روزارا حرفهای مادرش را کاملاً به خاطر داشت. نفس عمیقی کشید: «من دختر یکی از کارمندها هستم.»

مادرش خیلی واضح گفته بود: «اگر کسی چیزی پرسید، می‌گویی دختر یکی از کارمندها هستی، همین.» در ضمن گفته بود که اضافه کند: «و خیلی هم افتخار می‌کنم.» اما روزارا فکر کرد که در عمرش، هرگز جرأت نخواهد کرد چنین حرفی را به زبان بیاورد.

دختر پایبونی گفت: «چه جور کارمندی؟ فروشنده مغازه؟»

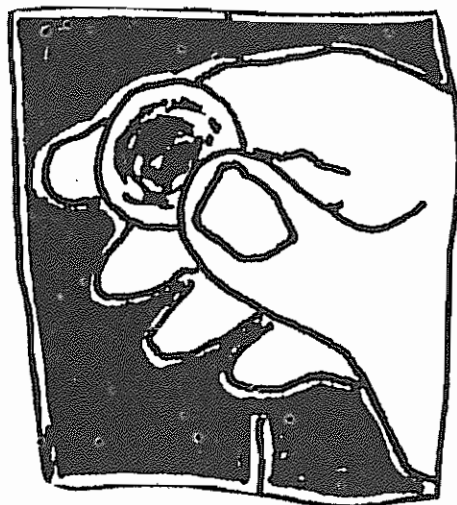
روزارا با عصبانیت گفت: «نه، مادر من در هیچ مغازه‌ای چیزی نمی‌فروشد، همین.»

دختر پایبونی گفت: «پس چه جور کارمندی است؟»

همان موقع سینیورا اینس سر رسید و ساکتشان کرد و از روزارا خواست که اگر اشکالی ندارد، در آماده کردن ساندویچهای سوسیس به او کمک کند چون او بهتر از بقیه با خانه آشناست.

روزارا به دختر پایبونی گفت: «دیدی؟! و وقتی کسی متوجه نبود، لگدی به ساق پای او زد.

به جز دخترک پایبونی، از بقیه خوشش می‌آمد. بیش از همه لوسیانا را با آن تاج طلایی جشن تولد دوست داشت و بعد از او پسرها را. روزارا در مسابقه دویدن با گونی برنده شد و در بازی گرگم به هوا، هیچ‌کس نمی‌توانست او را بگیرد. وقتی برای لال بازی به دو تیم تقسیم شدند، همه پسرها می‌خواستند روزارا را در تیم آنها باشد. روزارا احساس می‌کرد در تمام عمرش هرگز این قدر خوشحال



خیلی عجیب بود، روزارا تا آن موقع فکر می‌کرد از دست مادرش عصبانی است. تمام مدت در خیال خود به مادرش می‌گفت: «دیدی میمون دروغ نبود؟» اما حالا به قدری هیجان داشت که در عوض، همه چیز را درباره آن شعبده‌باز بی‌نظیر برای مادرش تعریف کرد. مادر تلنگری به سرش زد و گفت: «پس حالا دیگر کنتس هم شدیم!»

اما صورتش خندان بود.

حالا هر دو جلوی در ورودی ایستاده بودند. چون سینیورا اینس یک لحظه پیش با لبخند گفته بود:

- خواهش می‌کنم یک لحظه صبر کنید.

مادرش ناگهان نگران شد. از روزارا پرسید: «موضوع چیست؟» روزارا گفت: «چیزی نیست، فقط می‌خواهد به بچه‌هایی که می‌روند، هدیه‌ای بدهد، آنها را ببین.»

پسرک چاق و دختر بچه‌ای را با موهای دم‌موشی نشان داد که کنار مادرانشان منتظر ایستاده بودند؛ و درباره هدیه‌ها توضیح داد چون بچه‌های دیگر را موقع رفتن دیده بود.

سینیورا اینس موقع رفتن به دخترها یک دستبند می‌داد و به پسرها یک یو-یو. روزارا یو-یو را ترجیح می‌داد چون برق می‌زد اما چیزی به مادرش نگفت. شاید مادرش می‌گفت: «خوب کله‌پوک، چرا از او یو-یو نمی‌خواهی؟» مادرش این‌طوری بود دیگر. روزارا دوست نداشت توضیح دهد چقدر خجالت می‌کشد که با دیگران فرق داشته باشد. در عوض گفت: «من در مهمانی از همه بهتر بودم.»

دیگر چیزی نگفت چون سینیورا اینس با دو کیسه، یکی صورتی و یکی آبی، وارد راهرو شد.

اول سراغ پسرک چاق رفت، از کیسه آبی یک یو-یو به او داد و پسرک چاق، همراه مادرش رفت. بعد به طرف دخترک رفت و از کیسه صورتی دستبندی به او داد، و دخترک مودم‌موشی هم رفت.

بالاخره سراغ روزارا و مادرش آمد. لبخند کاملی به چهره داشت که روزارا خوشش آمد.

سینیورا اینس به او نگاه کرد، بعد به مادرش چیزی گفت که روزارا به خود بالید: «هرمینیا، چه دختر خوبی داری.»

روزارا یک لحظه فکر کرد که هر دو هدیه را به او خواهد داد: هم دستبند و هم یو-یو. او را. سینیورا اینس خم شد، انگار دنبال چیزی می‌گشت. روزارا هم خم شد و دستش را جلو برد؛ اما حرکتش را کامل نکرد:

سینیورا اینس داخل کیسه صورتی را نگشت. از کیسه آبی هم چیزی بیرون نیاورد. در عوض کیفش را زیرورو کرد. دو اسکناس در دستش بود.

آنها را جلو آورد و گفت: «این واقعاً حق توست. به خاطر کمک‌هایی که به من کردی، متشکرم عزیزم.»

روزارا احساس کرد دستش خشک شده و محکم به بدنش چسبیده، و بعد متوجه شد که دست مادرش روی شانه اوست. به طور غریزی خودش را به مادرش چسباند؛ همین، غیر از چشم‌هایش. در چشم‌های روزارا نگاهی سرد و نافذ بود که به چهره سینیورا اینس دوخته شده بود.

سینیورا اینس در حالی که دستش را دراز کرده بود، بی‌حرکت ایستاده بود. انگار جرأت نداشت دستش را عقب بکشد. انگار کوچکترین حرکتی آن توازن بی‌نهایت شکننده را بر هم می‌زد ■

بعد از یک، نوبت شعبده‌باز قبلند و استخوانی با آن شئل قرمزش رسید. یک شعبده‌باز واقعی: می‌توانست با فوت کردن، گره دستمالها را باز کند و از حلقه‌های بسته، زنجیر بسازد. می‌توانست بگوید کدام کارت را از دسته کارتها بیرون کشیده‌اند. میمون هم دستیارش بود، میمون را رفیق صدا می‌کرد. می‌گفت: «اینجا را ببین، رفیق. یک کارت را برگردان»، یا: «فرار نکن رفیق، حالا وقت کار است.»

حقیقتاً آخری، محشر بود. یکی از بچه‌ها باید میمون را بغل می‌کرد، و شعبده‌باز گفت که او را غیب می‌کند. همه فریاد زدند: «چه؟ بچه را؟» شعبده‌باز فریاد زد: «نه، میمون را!»

روزارا با خود اندیشید که واقعاً این بهترین مهمانی دنیا است.

شعبده‌باز از پسر بچه کوچک و چاقی خواست بیاید و به او کمک کند اما پسرک کوچک و چاق یکمرتبه ترسید و میمون را انداخت زمین. شعبده‌باز میمون را با دقت بلند کرد، چیزی در گوشش زمزمه کرد و میمون انگار فهمیده باشد، سر تکان داد.

شعبده‌باز به پسرک چاق گفت: «دوست من، نباید این قدر نامرد باشی.»

پسرک چاق گفت: «نامرد یعنی چه؟»

شعبده‌باز مثل اینکه بخواهد جاسوس بگیرد، دور و بر را نگاه کرد و گفت: «یعنی بزدل! برو بنشین.»

بعد به نکاتک چهره‌ها خیره شد. روزارا احساس می‌کرد قلبش می‌لرزد.

شعبده‌باز گفت: «تو، تو با آن چشم‌های اسپانیایی.» و همه دیدند که به او اشاره می‌کند.

روزارا نمی‌ترسید. نه از بغل کردن میمون، نه وقتی شعبده‌باز آن را غیب کرد، نه حتی آخر کار که شعبده‌باز شئل قرمزش را روی روزارا انداخت و چند کلمه جادویی بر زبان آورد و میمون که با خوشحالی جیغ و ویغ می‌کرد، دوباره در آغوش او ظاهر شد. بچه‌ها دیوانه‌وار دست زدند.

پیش از آنکه روزارا سر جایش بنشیند، شعبده‌باز گفت: «کنتس کوچولو، خیلی متشکرم.»

به قدری از این تمجید خوشش آمد که وقتی مادرش کمی بعد دنبالش آمد، اولین چیزی بود که برایش تعریف کرد: «من به شعبده‌باز کمک کردم و او به من گفت کنتس کوچولو، متشکرم.»



# عزیزان:

از آنجا که شناخت مخاطب و خواسته‌های او مهمترین بازوی حرکت‌های اجتماعی با اهداف فرهنگی است، «زنان» را با پرسشنامه‌ای برای سنجش نظرات خوانندگان همراه کردیم. پاسخها اما، چندان نبود که می‌باید و می‌شاید. گفتیم شاید ما را جدی نگرفته‌اید یا شاید درگیرها و روزمرگیهای زندگی، ما را از یادتان برده و شاید هم تمبر نیافته‌اید. خلاصه ذهن خود را به هر قضاوتی آلودیم، جز آنکه باور بیاوریم که زنان ما در مورد مسائل خویش جدی نیستند. حالا هم قلم برداشته‌ایم که بگوییم اگر دوستید، به مهری که در دل به «زنان» دارید کفایت نکنید و اگر دوستان نمی‌دارید، ما را از شنیدن نقدتان بی‌نیاز ندانید. به یاد داشته‌باشید هر برگ پرسشنامه که به سوی ما باز می‌آید، پیکی است، کوله بارش سازندگی.



۱۲- اگر بخواهید به طور کلی و با در نظر گرفتن معیارهای یک نشریهٔ خوب در زمینهٔ مسائل زنانه، نشریه‌ای بین صفر تا ۲۰ به زمانهٔ دهه‌ها، نسخهٔ ما چقدر است؟

۱۳- به کدام نشریهٔ خاص زنان در ایران، نشریه‌ای بیشتر از نشریهٔ «زنان» می‌دهید؟ (تصحیح می‌کنیم اگر اشتباه باشد تا ۳ مطلب برگزیده)

۱۴- به نظر شما روند کلی حرکت نشریه تا به حال چطور بوده است؟

۱۵- در شماره  پیروی کرده  روند نداشت داشته

۱۶- اگر شما به طور کلی بخواهید دیدگاه‌های نشریهٔ زنان را توصیف کنید، کدامیک از موارد زیر را انتخاب می‌کنید:

۱۷- دیدگاه‌های نشریهٔ زنان تلخ و پویا است  دیدگاه‌های نشریهٔ زنان واقع‌بینانه است

۱۸- دیدگاه‌های نشریهٔ زنان مثبت و امیدوارکننده است  نظری خادوم

۱۹- به نظر شما دیدگاه‌های نشریهٔ زنان نظام خانواده را:

۲۰- تقویت می‌کند  تصدیف می‌کند  تحت تأثیر قرار نمی‌دهد  در این زمینه نظری خادوم

۲۱- همسر شما در این مورد چه نظری دارد؟

۲۲- به نظر او نشریهٔ زنان، نظام خانواده را:

۲۳- تقویت می‌کند  تصدیف می‌کند  تحت تأثیر قرار نمی‌دهد  در این زمینه نظری خادوم  نس‌دام

۲۴- شما با کدامیک از جمله‌های زیر موافقت می‌کنید؟

۲۵- نشریهٔ زنان، نشریه‌ای ضد مرد است  نشریهٔ زنان، به زن و مرد به دیدهٔ مساوات می‌نگرد

۲۶- نشریهٔ زنان برای زنان حق بیشتری نسبت به مردان می‌طلبد  قوی‌ترین نشریهٔ ایران از نظر نظری خادوم

۲۷- به نظر شما «فلبیس» هوشی احتمالی است:  من اینجور  اینطوری  این‌جور نیست

۲۸- دفاع کسب حقوق و فرستادن مسافری برای زنان در حال مردان  رای صادره جهت وضع ستم بردان بر زنان

۲۹- ادب و نیکوکاری نظام اجتماعی مردسالارانه  جهت تحقیر برتری زنان بر مردان

۳۰- اعتراض هیچکدام از این سارات درست نیست  در این زمینه اظهار خادوم

۳۱- به نظر شما نشریهٔ زنان، نشریه‌ای کمبخت است؟

۳۲- تا حدی  خیر  می‌دانم

۳۳- به نظر شما کدامیک از این دو نظر درست است؟

۳۴- نه اگر انبیا می‌بستند دارند به سراج نشریهٔ زنان می‌آید  هر دو

۳۵- به نظر من نشریهٔ زنان را می‌خواند، گرایش‌های کمبختی پیدا می‌کند  نظری خادوم

۳۶- به نظر شما نشریهٔ زنان، نشریه‌ای است:

۳۷- کمبخت  سدهی  به چندان سدهی  کاملاً غیرسدهی  نظری خادوم

۳۸- اگر بخواهید رابطهٔ خود را با این دو مذهب توصیف کنید، کدام یک از جمله‌های زیر بیشتر و صفت حال شماست؟

۳۹- گرایش شد - سدهی دارم  من گرایش سدهی دارم

۴۰- من گرایش سدهی دارم  من اصلاً گرایش سدهی دارم

۴۱- به نظر شما نگاه قوت و صفت نشریهٔ زنان چیست؟ فقط پیشنهادتان را برای نحوهٔ کار نشریهٔ ما بنویسید.

۴۲- هر دو  در تمام  در تمام  در تمام

۴۳- در تمام  در تمام  در تمام

۴۴- در تمام  در تمام  در تمام

۴۵- در تمام  در تمام  در تمام

۴۶- در تمام  در تمام  در تمام

۴۷- در تمام  در تمام  در تمام

۴۸- در تمام  در تمام  در تمام

۴۹- در تمام  در تمام  در تمام

۵۰- در تمام  در تمام  در تمام

۵۱- در تمام  در تمام  در تمام

۵۲- در تمام  در تمام  در تمام

۵۳- در تمام  در تمام  در تمام

۵۴- در تمام  در تمام  در تمام

۵۵- در تمام  در تمام  در تمام

۵۶- در تمام  در تمام  در تمام

۵۷- در تمام  در تمام  در تمام

۵۸- در تمام  در تمام  در تمام

۵۹- در تمام  در تمام  در تمام

۶۰- در تمام  در تمام  در تمام

۶۱- در تمام  در تمام  در تمام

۶۲- در تمام  در تمام  در تمام

۶۳- در تمام  در تمام  در تمام

۶۴- در تمام  در تمام  در تمام

۶۵- در تمام  در تمام  در تمام

۶۶- در تمام  در تمام  در تمام

۶۷- در تمام  در تمام  در تمام

۶۸- در تمام  در تمام  در تمام

۶۹- در تمام  در تمام  در تمام

۷۰- در تمام  در تمام  در تمام

۷۱- در تمام  در تمام  در تمام

۷۲- در تمام  در تمام  در تمام

۷۳- در تمام  در تمام  در تمام

۷۴- در تمام  در تمام  در تمام

۷۵- در تمام  در تمام  در تمام

۷۶- در تمام  در تمام  در تمام

۷۷- در تمام  در تمام  در تمام

۷۸- در تمام  در تمام  در تمام

۷۹- در تمام  در تمام  در تمام

۸۰- در تمام  در تمام  در تمام

۸۱- در تمام  در تمام  در تمام

۸۲- در تمام  در تمام  در تمام

۸۳- در تمام  در تمام  در تمام

۸۴- در تمام  در تمام  در تمام

۸۵- در تمام  در تمام  در تمام

۸۶- در تمام  در تمام  در تمام

۸۷- در تمام  در تمام  در تمام

۸۸- در تمام  در تمام  در تمام

۸۹- در تمام  در تمام  در تمام

۹۰- در تمام  در تمام  در تمام

۹۱- در تمام  در تمام  در تمام

۹۲- در تمام  در تمام  در تمام

۹۳- در تمام  در تمام  در تمام

۹۴- در تمام  در تمام  در تمام

۹۵- در تمام  در تمام  در تمام

۹۶- در تمام  در تمام  در تمام

۹۷- در تمام  در تمام  در تمام

۹۸- در تمام  در تمام  در تمام

۹۹- در تمام  در تمام  در تمام

۱۰۰- در تمام  در تمام  در تمام

● فعالیت شورا بر سه اصل استوار بوده است: همیشه با مشورت و نظر جمع عمل کردن، مستقل بودن، و خودیاری و خودگردانی.

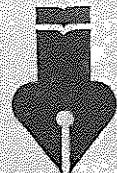
# در خانه گرم و صمیمی

● به خانه گرم و صمیمی شورای کتاب کودک آمده‌ایم. خانه‌ای کوچک که آذین دیوارهایش، ادب است و هنر؛ و تا بخواهی در آن عشق روییده است؛ و هم از این عشق است که فرهنگ به بار می‌نشیند. با زنان شورا به گفت‌وگویی دوستانه می‌نشینیم. درها گشوده است، شما نیز به درون آید: ❧

● خانم مافی، شما و خانم میرهادی از بنیانگذاران شورا بوده‌اید. ابتدا بفرمایید که انگیزه تشکیل شورای کتاب کودک از اساس چه بوده است؟

معصومه مافی: ما از سال ۳۲ کنار فرهنگی خود را شروع کردیم: تدریس در مدرسه و بعد گرفتن امتیاز برای مدرسه فرهاد و مدرسه مهران. انگیزه ما، طرح ادبیات کودکان و نوجوانان به طور خاص بود. در آن زمان کتابهای بچه‌ها، خلاصه می‌شد به همان «آقا موشه و خاله سوسکه» و این قبیل چیزها؛ و اصلاً چیزی به نام ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران وجود نداشت. برای دستیابی به تجربه‌های کشورهای دیگر هم، عضو «دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان» شدیم. بعد کم‌کم شورای کتاب کودک شکل گرفت و در دی ماه ۱۳۴۱ اساسنامه آن تهیه شد. جمع ما متشکل از معلمان، نویسندگان، هنرمندان و ناشرانی بود که می‌خواستند برای بچه‌ها کار کنند.

● خانم میرهادی اگر شما هم در مورد تاریخچه شورا صحبتی دارید، بفرمایید: توران میرهادی: شورا از بدو فعالیتش همیشه بر سه اصل تکیه داشته است: اصل اول تبعیت تمام و کمال از اساسنامه است. شاید کمتر سازمانی در ایران در تشکیل مجمع عمومی و انجام انتخابات تا این حد نظم و ترتیب را رعایت کرده باشد. سعی ما



● بیشتر هزینه‌های شورا و همچنین کتابها و حتی مکان آن از سوی داوطلبانی که به کار و خط مشی شورا اعتقاد دارند، تأمین می‌شود.

# شورای کتاب‌سایب‌کودی



همیشه بر آن بوده که کاملاً بر اساس سیستم شورایی عمل کنیم، همیشه با مشورت و همیشه با نظر جمع. اصل دوم استقلال شورا است. شورا هرگز به هیچ سازمان و گروهی یا هیچ گرایش و سیاستی در این مملکت وابستگی نداشته و صرفاً برای بچه‌ها کار کرده است. و اصل سوم هم، اصل خودیاری و خودگردانی است. شورا از همان ابتدا کارش را به صورت سازمان داوطلبی شروع کرده و تصمیم هم دارد که همچنان به صورت یک سازمان داوطلب به کارش ادامه دهد، یعنی در حقیقت شورا از نظر مالی هم به جایی وابستگی ندارد.

● شورا بیشتر در چه زمینه‌هایی فعالیت می‌کند؟

معصومه مافی: یکی از کارهایی که ما از همان سال ۴۱ شروع کردیم، بررسی انتشارات کودکان و نوجوانان در سطح کشور است. گروه «بررسی کتابهای کودکان و نوجوانان» تمام این کتابها را مورد بررسی قرار می‌دهد و آنها را از نظر سنی و موضوعی، طبقه‌بندی و فهرست می‌کند. کار دیگر شورا برگزاری جلساتی است که در آن افراد متخصص در زمینه تألیف، ترجمه و تصویرگری گرد هم جمع می‌شوند و هر بار درباره موضوع خاصی که مربوط به ادبیات کودکان و نوجوانان است به بحث و تبادل نظر می‌نشینند. از دیگر کارهای شورا، ارائه گزارش شورا است که به صورت یک جزوه کوچک منتشر می‌شود. در این جزوه فهرست کتابها، گزارش گروه بررسی، مقالاتی که به درد نویسندگان، کودکان و نوجوانان، معلمان، مربیان، پدر و مادران می‌خورد چاپ می‌شود. شورا برای هماهنگی با دفتر بین‌المللی، هر سال یک نشانه کتاب [جوق الف] که حاوی پیام روز جهانی کتاب کودک است تهیه می‌کند. در ضمن شورا بهترین

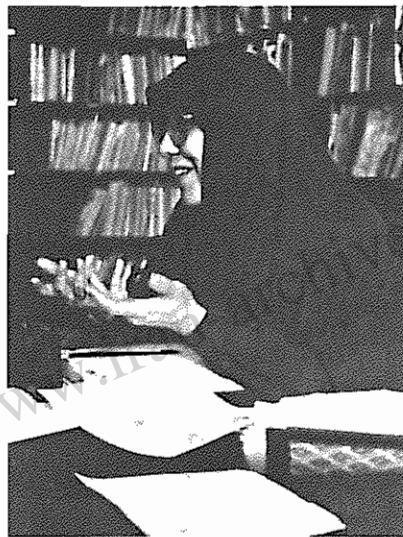
سمعی و بصری نیز نگهداری می‌شود. ما مجموعه کاملی از مجله برجسته بین‌المللی «بوک پرد» در اینجا داریم که بسیار هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در کتابخانه تحقیقاتی شورا هرگز هیچ کتابداری با دریافت وجه مقرر ماهانه، کار انجام نداده‌است. در اینجا کار به صورت داوطلبانه انجام می‌شود: دوستانی می‌آیند، که مایلند کار کتابداری یاد بگیرند، ما به آنها کار یاد می‌دهیم، ماحصل یادگیری‌شان می‌رود درون قفسه. بعد به ما تعهد اخلاقی می‌دهند که تا برایشان کار پیدا نکرده‌ایم تا یکی - دو ماه به ما در کار کتابخانه یاری رسانند.

● آیا افراد می‌توانند از کتابخانه شورا، کتاب به امانت بگیرند؟

معصومه مافی: ما قبلاً سرویس امانت داشتیم ولی الان متأسفانه به دلیل دست اول بودن منابع و کثرت مراجعین، این سرویس را تعطیل کرده‌ایم ولی افراد می‌توانند از منابعی که می‌خواهند کپی بگیرند یا ساعتهای متمادی اینجا بنشینند و مطالعه کنند. بسیاری افراد برای تهیه پایان نامه‌های تحصیلی خود در حوزه ادبیات کودکان از امکانات این کتابخانه استفاده می‌کنند. حتی اگر این افراد به مطالبی هم احتیاج داشته باشند که در شورا موجود نباشد، سعی می‌کنیم از کتابخانه‌های دیگر برایشان تهیه کنیم و در اختیارشان قرار دهیم.

● شنیدیم که شورا در کار تأسیس کتابخانه برای بچه‌های مستقر در



● خانم عماد، شما مسئول کتابخانه تحقیقاتی شورا هستید. لطف کنید برای ما در مورد این کتابخانه و نحوه بهره‌برداری از آن بگویید.

نسریندخت عماد: یکی از افتخارات زندگی من این است که از اعضای شورای کتاب کودک هستم و همیشه گفته‌ام که در مکتب شورا رشد کرده‌ام. کتابخانه تحقیقاتی از ابتدای تشکیل شورا وجود داشته ولی سیستم خاصی نداشته‌است. از سال ۱۳۵۳ که من افتخار عضویت در شورا را پیدا کردم، نظام‌بخشی کتابخانه تحقیقاتی شورا به من محول شد که تاکنون در خدمتتان هستم. در حال حاضر در این کتابخانه حدود ۲۳ هزار جلد کتاب داریم. البته در این مجموعه پایان‌نامه‌های تحصیلی، اسناد و مدارک در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان و مواد

نویسنده را نیز به این دفتر معرفی می‌کند تا کاندیدای جایزه جهانی آندرسن شود. گروهی نیز به نام «گروه دست نوشته‌ها» در شورا فعالیت می‌کند. افرادی که داستانی می‌نویسند یا ترجمه‌ای می‌کنند، قبل از چاپ به شورا ارائه می‌کنند تا بررسی شود و ما معمولاً برای بهبود کارشان به آنها توصیه‌هایی می‌کنیم.

● تعداد اعضای هیأت مدیره در شورا چند نفر است؟

توران میرهادی: ما هفت عضو اصلی داریم و سه عضو علی‌البدل، ولی در هیأت مدیره به دلیل تراکم فوق‌العاده کار و تعدد حوزه مسئولیتها، هر ده نفر شرکت می‌کنند.

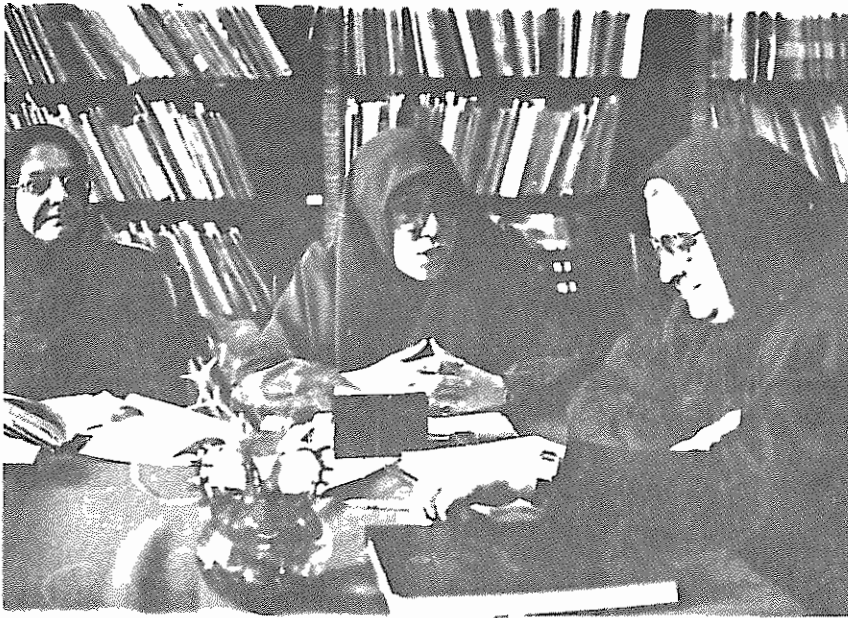
● خانمهای عضو هیأت مدیره چه کسانی هستند؟

توران میرهادی: خانمها نوش‌آفرین انصاری که الان در سفر مالزی هستند و جایشان در این جمع بسیار خالی است، دکتر مهدخت کشکولی که متأسفانه ایشان نیز به دلیل تراکم کار، امروز نتوانستند نزد ما باشند، معصومه مافی (سهراب)، منصوره راعی، نسریندخت عماد خراسانی و بنده.

● در شورای کتاب کودک فقط خانمها همکاری می‌کنند؟

توران میرهادی: خیر. در همه امور شورا، چه امور اداری و چه امور پژوهشی از همکاری آقایان نیز بهره می‌بریم. آقایان یحیی مافی، ناصر یوسفی، دکتر نصرت‌الله مجتبابی و دکتر عباس حژی هم از اعضای هیأت مدیره هستند.

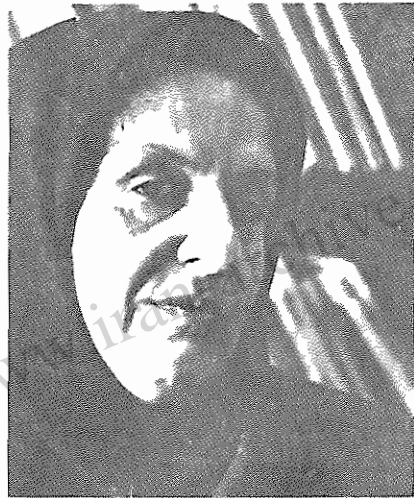




راهنمایی همکاران دیگر هیأت مدیره، همیشه در تلاش هستیم که در واقع به نوعی چرخش شورا را از نظر اقتصادی بگردانیم. در شورای کتاب کودک بیشتر امور براساس کار داوطلبانه انجام می‌شود: از هزینه‌های ابتدایی چون تأمین قند و شکر، هزینه آب، برق، و تلفن گرفته تا کتابها و حتی مکان شورا، همه اهدایی است از طرف کسانی که به کار و خط مشی شورا اعتقاد دارند. حق عضویت، بخش کوچکی از نیازهای ما را تأمین می‌کند. ما در واقع دو نوع حق عضویت داریم: از کسانی که اعضای ثابت ما هستند، سالانه ۶۰۰ تومان و از کسانی که فقط نشریات ما را می‌خواهند، سالانه ۳۰۰ تومان دریافت می‌کنیم. ما، کلاً ۷۰۰ عضو داریم که از این تعداد، فقط ۲۰۰ نفر عضو داریم شورا هستند.

● خانم راعی، بجز خزانه‌داری شورا آیا در امور دیگری هم با شورا همکاری دارید؟

منصوره راعی: بله. من مسئول کارگاههای آموزشی و در ضمن ویراستار ایرانی مجله «بوک برد» هستم. شورای کتاب کودک به منظور جذب همکاران جدید برای گروههای بررسی کتاب که در حال حاضر هفت گروه هستند، تصمیم گرفت افرادی را در کارگاهها آموزش دهد. این اعضا بعد از یک دوره یکساله به گروههای بررسی شورا می‌پیوندند. در هر جلسه کارگاه یکی از اساتید، طرح مبحث می‌کند و دوستان کارگاهی از زوایای مختلف با ویژگیهای کودکان، نیازهایشان، ادبیات کودکان، نقد و بررسی، تصویرسازی، بازنویسی و ترجمه



لازم را تدارک ببینیم. در انتخاب کتابها ما سطح را کمی بالاتر هم گرفتیم چون قرار نیست آنها در همین سطح بمانند. البته آرزوی ما این است که آنها به آغوش خانواده‌هایشان باز گردند. یعنی حرکت ما در جهت توسعه نخواهد بود ولی تا حدی که ما در ایران، مهمان‌دار این مجموعه هستیم، به هر حال باید برای آموزش صحیح آنان تلاش کنیم.

● خانم راعی شما در واقع خزانه‌دار شورا هستید. از آنجا که شورا بر اصل خودگردانی و کار داوطلبانه تکیه دارد، به نظر می‌رسد که باید با مسائل اقتصادی خاصی دست به گریبان باشد. برایمان بگویید شورا چگونه امور مالی خود را می‌گرداند؟

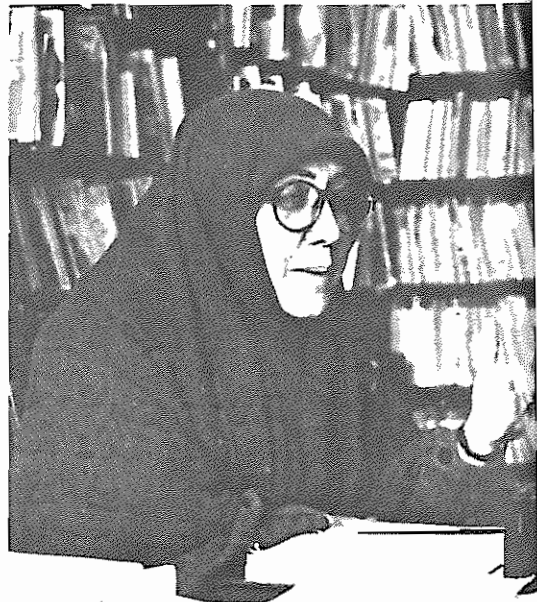
منصوره راعی: من به عنوان خزانه‌دار شه‌را بر مسائل مالی نظارت دارم و با

اردوگاههای پناهندگان عراقی و افغانی است. کار این پروژه به کجا رسیده‌است؟

نسریندخت عماد: کتابخانه‌های مهمان شهرهای ایران پروژه‌ای است که شورا با دعوت کمیساریای عالی پناهندگان و وزارت امور خارجه به طور مشترک در دست اجرا دارد. در پنج منطقه از کشور، اردوگاههایی هست که در آن کودکان و نوجوانان عراقی و افغانی نگهداری می‌شوند و از آنجا که به زبان فارسی درس می‌خوانند، بنسباً به صلاحدید مسئولان آموزشی کشور، مقرر شد برای آنها کتابخانه‌هایی در خور توانایشان ایجاد شود. این کتابخانه‌ها بزودی افتتاح می‌شود. شرکت در این کار، برای شورا تجربه خوبی بود و من افتخار این را پیدا کردم که به نمایندگی از سوی شورا بر این کار نظارت داشته باشم.

● معیار انتخاب کتابها برای این بچه‌ها چه بود؟

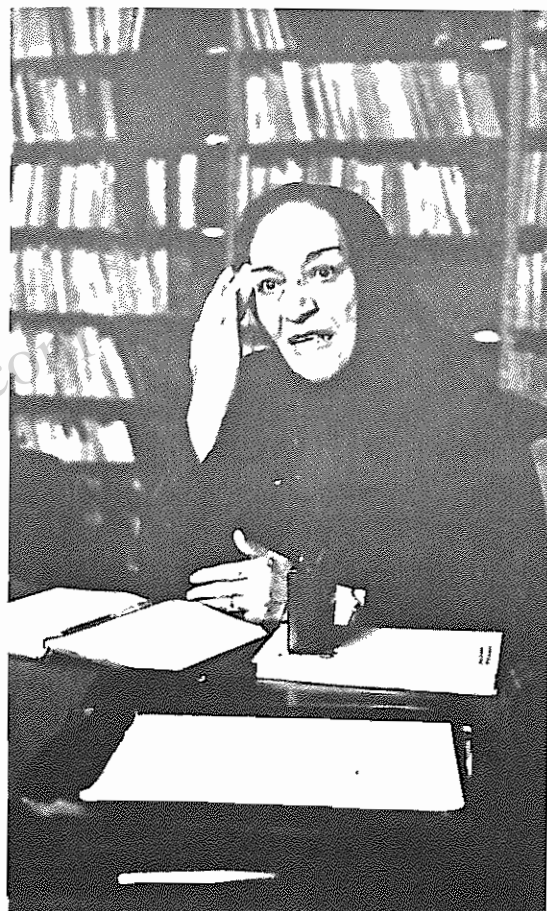
نسریندخت عماد: طی یک بررسی که با همکاری کمیساریای عالی انجام شد، میزان سواد، اطلاعات فارسی و سن کودکان را سنجیدیم. شورا شروع کرد به انتخاب کتابهای مورد نیاز. سپس با همکاری یکی از کتابفروشیهایی که در حوزه کتاب کودکان کار می‌کند و اتفاقاً از اعضای قدیمی شورا نیز بود، توانستیم تا حد امکان این کتابها را آماده کنیم. چون عنوان بیشتری انتخاب کرده بودیم، به راحتی توانستیم خلاءهای موجود را پر کنیم و برای هر پنج مهمان‌شهر کتابهای





## ● توران میرهادی: زنان شاغل برنامه‌ریزهای خیلی خوبی می‌شوند و یاد می‌گیرند کارهای تکراری و مداوم را خیلی سریع انجام دهند.

آشنا می‌شوند. شورای کتاب هر سال به مناسبت روز جهانی کتاب کودک که روز تولد «هانس کریستین آندرسن» است، اجرای برنامه‌ای را به عهده دارد. سالی را که گذشت، به ادبیات کودکان اختصاص دادیم و در حال حاضر هر دو ماه یکبار جلسه‌ای با شرکت کسانی که آخرین دستاوردها را در



حوزه ادبیات دارند برگزار می‌کنیم. برای سال جهانی خانواده در سال ۹۴، شورای کتاب تصمیم گرفت طرح‌های مختلفی را در جهت ارتقای خواندن و ایجاد عادت به مطالعه در خانواده‌ها اجرا کند. این طرح‌ها عبارتند از برپایی چندین کارگاه متشکل از پدر و مادرهای داوطلب، آموزش اعضای گروه‌های بررسی برای بردن این طرح به جمع خانواده‌ها و آموزش خانواده‌ها و اجرای طرح خواندن با خانواده در فرهنگسرای اندیشه. یکی دیگر از برنامه‌هایی

که شورا به همین مناسبت انجام می‌دهد، طرح خورجین خواندن با خانواده است. این طرح شامل ده خورجین و چیزی حدود ۱۵۰ کتاب است. طرح خورجین خانواده در واقع با این هدف شکل گرفت که خانواده‌ها، به وسیله کتاب، دور هم جمع شوند و در ظرف یکسال، عادت به مطالعه در جمع خانواده ایجاد شود. از میان داوطلبانی که ثبت نام کردند، براساس توزیع پرسشنامه، ده خانواده انتخاب شدند. در حال حاضر دو پدر و هشت مادر این طرح را اجرا می‌کنند. خانواده‌ها هر ماه در کتابخانه حسینیة ارشاد جمع می‌شوند، تجربه‌هایشان را بازگو و خورجین‌هایشان را با هم عوض می‌کنند. یعنی تا پایان طرح که خرداد ماه سال آینده است، هر خانواده، ۱۵۰ کتاب با هم خوانده‌اند. آنها در این کار تجربیات جالبی به دست آورده‌اند. مثلاً برای اینکه برنامه خورجین را به موقع انجام بدهند و سر وقت خورجین را برگردانند، صبح زودتر از خواب بیدار می‌شوند؛ یا شب، قبل از خواب، کتابهای خورجین را می‌خوانند؛ حتی بعضیها، خورجین را با خود به سفر می‌برند. حتی گاهی برای آنکه فلان کتاب خوانده شود، پدرها را با ترفندهای خاصی به خانه می‌کشند. ما هنوز یادداشتهای آنها را استخراج نکرده‌ایم ولی ظاهر امر حکایت از این دارد که هدفهای پیش‌بینی شده برای خورجین دارد به سرانجام می‌رسد.

مجله «بوک برد» نیز تنها نشریه فنی در حوزه ادبیات کودکان است که «دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان» منتشر می‌کند و در حال حاضر، من ویراستار ایرانی آن هستم و وظیفه‌ام منتقل کردن فعالیت‌های ایران در حوزه ادبیات کودکان در سطح بین‌المللی است.

● خانم میرهادی زمانی که شورا فعالیت خود را شروع کرد، در واقع تنها مرجع و مرکزی بود که برای هنر و ادبیات کودک و نوجوان تأسیس شده بود و سالهای متمادی را هم یک تنه در این مسیر گام برداشت. امروزه با گسترش علاقه به این حوزه‌ها، کسان دیگری هم وارد کار شده‌اند که قدری از بار مسئولیتهای شورا کم می‌کند. منتها

امروز یکی از نکاتی که می‌شود بر آن تأکید کرد، فعالیت‌هایی است که در حال حاضر شورا کماکان یک تنه پیش می‌برد. سال گذشته، شاهد انتشار اولین جلد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بودیم که به ابتکار شورا برای کودکان و نوجوانان انجام شده و اکنون نیز جلد دوم آن پایان یافته‌است. در مورد کم و کیف این کار برایمان توضیح بفرمایید:

توران میرهادی: از زمانی که شورا تأسیس شد، نیاز به یک فرهنگنامه را به شدت احساس می‌کردیم و بارها و بارها با کانون پرورش فکری و ناشران بزرگی که امکان و توان مالی این کار را داشتند وارد مذاکره شدیم. در این میان مؤسسه انتشارات فرانکلین اقدام به ترجمه یک فرهنگنامه ۱۸ جلدی کرد. آن ترجمه، داغ ما را تازه‌تر کرد چرا که اساساً برای بچه‌های دبستانی آمریکایی تدوین شده بود و مثلاً جانوران و گیاهان منطقه آمریکای شمالی را معرفی می‌کرد و یا تاریخ آمریکا را می‌گفت. البته این کار به عنوان تجربه در کار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان با ارزش بود ولی به درد بچه‌های مملکت ما نمی‌خورد. جرأت ما برای اقدام به تألیف فرهنگنامه کودکان و نوجوانان از سه عامل نشأت می‌گرفت: منابعی چون دایرةالمعارف فارسی مصاحب، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین، در واقع به ما می‌گفت که شروع کردن این کار به زحمتش می‌ارزد. عامل دیگر، انقلاب اسلامی بود که شور و هیجان عمومی به هر ایرانی تکلیف می‌کرد که اگر کاری از دستش برمی‌آید، انجام دهد؛ و عامل سوم در واقع جمع شدن یک گروه با تجربه در شورا بود که کودک و نوجوان ایرانی را می‌شناختند، می‌توانستند برای بچه‌ها بنویسند و از اصول و ضوابط کار با اطلاع بودند. به قول خانم نوش‌آفرین انصاری، کار فرهنگنامه مانند یک کوه سنگین است که بر دوش عنکبوتی گذاشته باشند.

اجازه دهید از آقایان ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و محمود محمودی یاد کنم که طی این ۱۵ سال کار، تا در قید حیات بودند؛ مستقیماً ما را هدایت می‌کردند و حالا هم که نیستند؛ ما هنوز از تعالیم آنان بهره می‌بریم. ما همه در محضرشان شاگردی کردیم

## ● سریندخت عماد: ما با الهام گرفتن از نظم آفرینش و ایجاد نظم در زندگی خود، نه تنها می‌توانیم امور مهم را به سرانجام برسانیم، بلکه حتی می‌توانیم امور جنبی زندگی را نیز سروسامان دهیم.

● در زمینه عکس برای مقاله‌ها چه می‌کنید؟

توران میرهادی: تدارک، انتخاب و سامان دادن تصویرها و نقشه‌ها در حوزه مسئولیت خانم نوشین موسوی است. تصویر برای دایرةالمعارف نقش اطلاع‌رسانی دارد و در نتیجه انتخاب و تنظیم آن کاری بسیار

طرح می‌کنند. خانم میرهادی مقاله‌ای درباره آموزش و پرورش نوشته بودند که آن را در شورای مشورتی بچه‌ها مطرح کردند. واکنش و سؤالهای بچه‌ها باعث شد که خانم میرهادی حدود دو سال با گروهی دیگر روی این مقاله کار کنند تا حاصل آن چیزی شود که اکنون در فرهنگنامه آمده‌است. در واقع سؤالات بچه‌ها، انقلابی در این مقاله به وجود آورد. این بچه‌ها را نباید دست‌کم گرفت. از مزایای بسیار مهم این فرهنگنامه همین است که برای تدوین آن از مشاوره خود بچه‌ها استفاده شده‌است.

● برای انتخاب این بچه‌ها معیار خاصی داشته‌اید یعنی سطح درسی یا سطح اجتماعی خاصی را در نظر گرفته‌اید؟

سریندخت عماد: ما هیچ معیار خاصی برای انتخاب این بچه‌ها در نظر نمی‌گیریم، جز عشق و علاقه‌شان به پیوستن به جمع شورای مشورتی. فقط مجموعاً می‌توانم بگویم که این بچه‌ها عموماً از نظر اقتصادی در سطح متوسطی قرار دارند و از نظر درسی هم همین‌طور. اینها بچه‌هایی هستند که والدینشان می‌توانند در مواقع لزوم آنها را بیاورند اینجا. مثلاً شنبه هفته گذشته، آنها را جمع کردیم تا درباره مقاله بت و بت‌پرستی با آنها مشورت کنیم.

● مشکل این مقاله چه بود؟

توران میرهادی: ما نمی‌توانستیم تعریف مناسب و جامعی برای «بت» انتخاب کنیم. مناسبی که ما در اختیار داشتیم، تعاریف پیچیده‌ای ارائه می‌داد. در جلسه مشورتی، بچه‌ها با سؤالهایشان، تعریف را کامل کردند. و از خلال سؤالات آنها برای ما روشن شد که در این مقاله باید دقیقاً چه نکاتی را توضیح دهیم. مثلاً فهمیدیم که حتماً باید بگویم بتها به چه شکلهایی بوده‌اند و چرا، یا بت‌پرستی چگونه شروع شده و چگونه از بین رفته‌است. بچه‌ها سؤالات بسیار ظریفی درباره مجسمه‌های معابد هند و کلیساهای می‌کردند. می‌خواستند بدانند فرق این نمادها با بت‌پرستی چیست. بنده از دو هفته پیش تا حالا دنبال منبع می‌گردم و چیزی که بتواند در این موارد، اطلاعات دقیقی بدهد پیدا نمی‌کنم!

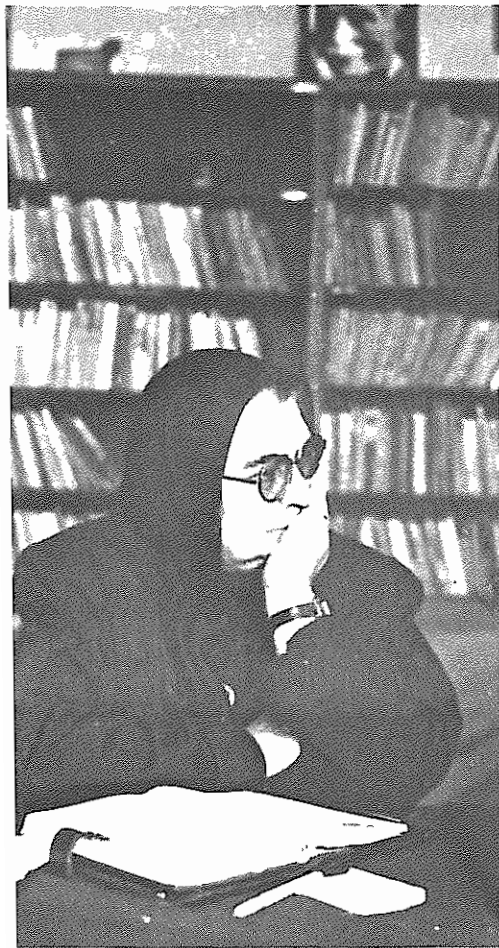
و کار یاد گرفتیم. همه به ما می‌گفتند نمی‌توانید، این کار سخت است، تجربه آن را ندارید. ولی خوب، دیوانه از آب به در شد. افتادیم در این کار و در طول سالها، تجارب بسیار اندوختیم. همه، دانشجو شدیم و همچنان دانشجو هستیم و تا آخر عمر دانشجو خواهیم بود.

کار فرهنگنامه در واقع یک کار دسته‌جمعی است. در این کار حدود ۲۰۰ نفر با ما همکاری می‌کنند؛ از استادان زبده دانشگاه گرفته تا دانشجویان و بچه‌هایی که در دوره دبستان و راهنمایی یا دبیرستان درس می‌خوانند. ۶۰ بچه به طور ثابت، مشاور ما در کارها هستند.

فرهنگنامه، ۲۰ گروه تخصصی دارد و بزودی دو گروه دیگر هم به آن افزوده خواهد شد. این ۲۰ گروه ماهی یکبار جلسه دارند که در مورد تک تک مقالات همکاری و در عین حال اظهار نظر می‌کنند. یعنی محتوا، تدوین و تنظیم هر مقاله باز حاصل یک کار گروهی است. وقتی مقاله خام از سوی گروه به ما داده شد، آن وقت وارد حوزه‌های ویرایش می‌شود، چندین بار زیر ذره‌بین می‌رود تا نهایتاً به صورت یک مقاله فرهنگنامه در بیاید، تصویر بگیرد و کار نهایی آن انجام شود. چاپ فرهنگنامه هم حاصل یک کار جمعی است. وقتی حدوداً هزار مقاله اولمان آماده شده بود، نگران آن بودیم که چه کسی می‌خواهد این کار خیلی دقیق و پر هزینه را چاپ کند. با پیشنهاد و همکاری تعداد بسیار خوبی از ناشران که من اسمشان را می‌گذارم ناشران فرهنگ‌ساز مملکت، شرکت سهامی عام تأسیس کردیم که اگر این شرکت سهامی عام به وجود نمی‌آمد؛ هیچ ناشری از عهده سرمایه‌گذاری برای این کار عظیم بر نمی‌آمد. هر حرف این دایرةالمعارف، عشق است؛ هر تصویرش، عشق است و هر لحظه کار برای آن در آن با عشق همراه بوده‌است.

● در دایرةالمعارف گاهی مطالبی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد از سطح آگاهی کودکان و نوجوانان بالاتر باشد.

سریندخت عماد: خیلی دلم می‌خواست یک روز به شورای مشورتی بچه‌ها تشریف می‌آوردید و ناظر بودید که بچه‌ها چه سؤالاتی



دقیق و جدی است. هر مقاله باید جداگانه از نظر تصویر بررسی شود تا تصویر آن، مقاله را کامل کند و اطلاعات جدید بدهد. ما حدود ۱۶ دوره دایرةالمعارفهای گوناگون بچه‌ها و بزرگسالان در شورا داریم که از آنها استفاده می‌کنیم، گاهی عکس می‌گیریم، از همکاری مشاوران متخصص، نویسنده‌ها و اساتید بهره می‌بریم، از سازمانها و مراکزی چون ارشاد، صدا و سیما و روزنامه‌ها هم کمک می‌گیریم.

● علاقه‌مندان چگونه می‌توانند از امکانات و برنامه‌های گوناگون شورا مثل

کتابخانه ویا شرکت در جلسات استفاده کنند؟

منصوره راعی: ما در شورا فرمهای عضویت داریم. البته سعی کرده‌ایم برای معیارهای ما، میزان علاقه و آشنایی افراد به ادبیات کودکان و فعالیت آنها در این حوزه است. در یکسال اول، این عزیزان به صورت آموزشی با ما کار می‌کنند تا ارزیابی کنیم که شورا تا چه حد توانسته برایشان بازدهی داشته باشد و آنها نیز تا چه حد با شورا همکاری کرده‌اند. این افراد در تمام بخشها می‌توانند حضور داشته باشند. حتی وقتی گروههای بررسی کار می‌کنند، این افراد می‌توانند به عنوان میهمان کناری بنشینند و از نحوه گفت‌وگوها و فعالیتهای گروه استفاده کنند.

که بناست در حوزه‌های بین‌المللی مطرح شود، به‌گزینی انجام می‌دهد. برای این به‌گزینی، چه ملاکها و مواردی از سوی شورا در نظر گرفته می‌شود؟

توران میرهادی: ما در حوزه بین‌المللی، تا کنون در چهار زمینه کار کرده‌ایم: یکی شرکت در کنگره‌های بین‌المللی که باعث می‌شود همیشه برای دنیا در زمینه فعالیت‌های حوزه کتاب کودک ایران گزارشی داشته باشیم. فعالیت دیگر ما، معرفی سه کتاب در زمینه ترجمه، تألیف و تصویر برای فهرست افتخار آندرسن است. گروههای بررسی به دقت کتابها را بررسی می‌کنند و فهرستها را می‌دهند. خود شورا به کتابهای ویژه هر سال و کتاب برگزیده سال جایزه می‌دهد. بنابراین از مجموعه کتابهایی که بررسی می‌شود،

آثار نویسندگان، نظر ما این بود که آثار آقای هوشنگ مرادی کرمانی شانس موفقیت دارد و می‌تواند در حوزه رقابت بین‌المللی وارد شود.

آثار آقای مرادی چه ویژگی‌ای داشت که مورد قبول شورا واقع شد؟

توران میرهادی: یکی از شرایط جایزه جهانی آندرسن این است که کار نویسنده باید در ادبیات کودکان جهان یک نقش متحول‌کننده داشته باشد. کار مرادی کرمانی ممکن است برای ما ایرانیها که در اینجا زندگی می‌کنیم، ویژگی خاصی نداشته باشد ولی کمتر کتابی در سطح جهان به این سادگی، مردم ساده یک کشور را مطرح می‌کند. آقای مرادی کرمانی دیپلم افتخار آندرسن را برای مجموعه آثارشان گرفتند. ترجمه آثار ایشان در اروپا به ما ثابت می‌کند که در انتخابمان اشتباه نکرده بودیم. این مجموعه آثار به آلمانی و هلندی ترجمه شده‌است و دارد به اسپانیولی نیز ترجمه می‌شود. در اتریش بهترین کتاب سال شناخته شد، سوئیسها به ترجمه آلمانی آن جایزه دادند و در کتابهای برگزیده آلمان به آن تیترو عنوانی تعلق گرفت.

زمینه دیگر فعالیت ما، اطلاعاتی است که خانم راعی به طور منظم برای مجله «بوک برد» می‌فرستند و بالاخره آخرین کاری که می‌کنیم هماهنگی و سازماندهی برای روز جهانی کتاب کودک است. دو سال پیش، انجام این مهم به عهده ما گذاشته شد که خانم دکتر کشکولی پیام آن را دادند و آقای دکتر زرین کلک هم پوستر آن را تهیه کردند که در مجامع بین‌المللی بسیار مورد استقبال قرار گرفت. امسال مسئول برنامه ژاپنیا بودند که البته علی‌رغم آنکه پوستر زیبایی تهیه کرده‌اند ولی در ایران غیر قابل توزیع است.

همیشه هر انتخاب و گزینشی، نظرات متفاوتی در پی دارد. طبیعتاً هر انتخاب به منزله یک نقد تلقی می‌شود و هر نقدی، مخالف و موافق خودش را دارد. انتخابهای شورای کتاب کودک، هم در کتابهای برگزیده و هم در کتابهای مناسبی که در فهرستهایشان می‌دهند، مسلماً از این نظرها و عکس‌العملهای جانبی مصون نبوده‌است. به طور مشخص در مورد انتخاب کتاب «آهوی بخت من گزل»، این موضوع مطرح شد که این کتاب با نیازهای کودکان و نوجوانان انطباق ندارد. گاهی اوقات هم در مورد

● ما هر سال با توجه به تجربیات به دست آمده و نیازهای موجود، شکل کارگاههای آموزشی را تا حدودی تغییر می‌دهیم.



تعدادی برای معرفی ویژه و احیاناً یکی - دو تا، به عنوان کتاب برگزیده سال معرفی می‌شوند. از آنجا که این کتابها از صافیهای مختلف رد شده‌اند، ما برای معرفی کتاب به فهرست افتخار آندرسن، از این مجموعه استفاده می‌کنیم. در آنجا رقابت بسیار فشرده است و جایزه، به مجموعه آثار نویسنده تعلق می‌گیرد. من، چهار دوره عضو هیأت داوران جایزه آندرسن بودم و در بررسی کتابهای بهترین نویسندگان کشورهای مختلف جهان شرکت داشتم. خانم ثریا قزل ایاغ هم یک دوره عضو هیأت داوران بودند. یادم می‌آید که در جلسات متعدد هیأت مدیره شورا، بحث دایمی ما این بود که باید کاندیدایی معرفی کنیم که شانس موفقیت داشته باشد و بتواند در حوزه رقابت بین‌المللی، حداقل با رقبای خودش همسطح باشد. پس از بررسی

آنها به تمام سمینارها و جلسات و سخنرانیها دعوت می‌شوند. بعد از یکسال اطلاعاتی‌ای می‌دهیم و بعد خودشان داوطلب عضویت رسمی می‌شوند. تنها تفاوت عضو رسمی با عضو آزمایشی این است که عضو رسمی حق رأی دارد، والا از بقیه امکانات و برنامه‌ها یکسان استفاده می‌کنند. گاهی هم افرادی با معرفی‌نامه برای مطالعه و پژوهش مراجعه می‌کنند. معمولاً کار کتابخانه تحقیقاتی از سه بعداً ظهر تا شب است. ما برای دوستان روز و ساعت تعیین می‌کنیم و آنها می‌توانند در آن اوقات از کلیه امکانات کتابخانه استفاده کنند.

● در حال حاضر جدیدترین مرکز معرف فعالیتهای هنر و ادبیات کودک ایران در عرصه بین‌المللی، شورای کتاب کودک است. شورا هر سال برای انتخاب کارهایی



آثاری که به عنوان کتاب برتر و برگزیده انتخاب شده‌اند، سؤالیهای مطرح می‌شود. مثلاً پاره‌ای از دست‌اندرکاران بر این عقیده بودند که کتاب آقای احمد رضا احمدی، به عنوان یک کار برتر در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان قابلیت طرح ندارد. شورا این‌گونه عکس‌العملهای عمومی را در قبال انتخابهای خودش چگونه تلقی می‌کند؟

منصوره راعی: کتاب «آهوی بخت من گزل»، همان‌طور که شما فرمودید، سر و صدای زیادی برانگیخت، حتی در هیأت مدیره شورا. در آن زمان، غنای ادبی کتاب «آهوی بخت من گزل» از سوی گروههای بررسی مورد توجه قرار گرفت. این کتاب پیامهای خلاق و تصویرگریهای ذهنی بسیار دقیق و ظریفی داشت. در ضمن موجز و مختصر بود. البته محتوای کتاب برای نوجوانان دشوار تشخیص داده شد ولی همان دست و پنجه‌ای که نوجوان برای خواندنش می‌زند و رضایتی که پس از مطالعه در او ایجاد می‌شود، می‌تواند برای او رشد ذهنی به بار آورد. مجموعه این عوامل باعث شد که این کتاب، به عنوان کتاب برگزیده مطرح شود.

● در جامعه ما نقد ادبیات کودک و نوجوان جای خودش را به درستی باز نکرده‌است، بخصوص در حوزه‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، هرگز کار پیگیری که نمود بیرونی داشته باشد انجام نشده است. آنجا که شورا از جدیترین نهادهایی است که به کار تخصصی در امور ادبیات کودکان و نوجوانان می‌پردازد، آیا طرحی برای ترویج و انعکاس بیرونی نقد ادبیات کودکان، به طور پیگیر و مستمر در دست ندارد؟

نسریندخت عماد: در واقع شورا از آغاز کار بر اساس آنچه در بازار نشر منتشر می‌شد، معیارهایی در زمینه نقد و بررسی داشت. در سال ۵۸ بر اساس شکوفایی‌ای که در حوزه ادبیات کودکان به وجود آمد، این ضرورت احساس شد که این معیارها بازنگری شوند. رشد سریع ادبیات کودکان در واقع مجدداً این نیاز را ایجاد کرده‌است که معیارها از نو دگرگون شود. جلسات نقد ادبیات هم به همین دلیل برپا شد تا شورای کتاب کودک با دستمایه‌ای که از این جلسات به دست می‌آورد، دوباره تجدید نظرهایی در زمینه نقد و بررسی ادبیات کودکان بکند. در خلال برگزاری این جلسات، ما سعی کردیم

مجموعه‌ای غنی در حوزه نقد و ادبیات کودکان و نوجوانان برای اعضای گروه بررسی تهیه کنیم.

توران میرهادی: ما داریم در زمینه نقد کارهایی انجام می‌دهیم تا زمینه‌ساز پرورش منتقدانی شود که صلاحیت، اطلاعات و مهارت لازم را برای نقد صحیح داشته باشند. روشن است که اگر نقد درست انجام نشود؛ منتقد به جای پیشبرد یک حرکت، به آن آسیب می‌زند. به همین دلیل هم وجود تعدادی منتقد زبده که به حوزه ادبیات کودکان کمک لازم را برسانند و تحلیلهای درست ارائه دهند؛ بسیار حیاتی است. ما برای کار بررسی، دو فهرست کتاب تهیه کردیم: یک فهرست از کتابهای ادبیات کودکان و نوجوانان و یک فهرست از خواندنیها. نشر

معصومه مافی: اتفاقاً من در طول سالهایی که با بچه‌ها و مدرسه سر و کار نزدیک داشتم و همین‌طور در تربیت معلم و دانشگاه، به رأی‌العین می‌دیدم که مادرهای تحصیلکرده و بخصوص آنها که به یک کار فرهنگی هم مشغولند و زندگی‌شان فقط به کارهای خانه و میهمانی و این قبیل چیزها خلاصه نمی‌شود، بسیار پربارتر از خانمهایی روزگار می‌گذرانند که فکر می‌کنند زندگی یعنی دو تا بچه و یک خانه. یک ساعتی که مادر فهمیده و فعال و اجتماعی با بچه‌اش می‌گذرانند خیلی بیشتر از ۲۴ ساعتی که یک مادر بی‌انگیزه و بی‌توجه و بی‌مطالعه با بچه‌اش می‌گذرانند، ارزش دارد. کار مادر و تحصیلات او، الزاماً نه تنها کمبودی در بچه‌ها و خانواده ایجاد نمی‌کند بلکه خیلی هم بارور

● شورا تصمیم دارد با دستمایه‌ای که از جلسات نقد ادبیات به دست می‌آورد، تجدید نظرهایی در زمینه نقد و بررسی ادبیات کودک داشته‌باشد.



است. مسأله مهم این است که حتماً پدر خانواده هم باید این مسأله را درک کند. او باید بفهمد که این مادر فقط پول به خانواده نمی‌آورد؛ شعور و برنامه‌ریزی و فرهنگ هم می‌آورد. به هر حال مغز متفکر پر باری است برای خانواده. سرمایه‌اش فقط از نظر اقتصادی به خانواده کمک نمی‌کند بلکه از هر جهت می‌تواند برای خانواده مفید باشد. وقتی این مسائل برای شوهر روشن باشد، مسلماً در همه امور همکاری خواهد کرد و اگر همکاری او باشد، اصلاً مشکلی پیش نمی‌آید. بالاخره بچه و خانه، هم متعلق به زن و هم به مرد است. اگر زن و مرد همدیگر را قبول داشته‌باشند و آقایان فکر نکنند که فقط کار خارج از خانه، برعهده آنهاست و امور خانه و بچه به آنها ربطی ندارد، مسأله‌ای به وجود نمی‌آید و زندگی، هم برای زن و شوهر و هم

کتاب کودک در ایران بیشتر گرایش به سمت خواندنیها یعنی پندآموزهای داستان‌وار دارد که اینها از حوزه ادبیات جدا هستند. ما ابتدا باید زمینه‌های رشد ادبیات کودکان را فراهم آوریم، بعد به مراحل دیگر کار هم می‌رسیم. به همین دلیل هم بود که «آهوی بخت من گزل»، کتاب برگزیده ما بود چون باید بپذیرید که این اثر واقعاً در حوزه ادبیات است و بی‌نهایت زیبا.

● اجازه دهید کمی از حوزه ادبیات کودک خارج شویم. معمولاً خانمها فکر می‌کنند که با مسئولیت داخل خانه و بخصوص اگر بچه هم داشته‌باشند، انجام مسئولیتهای بیرون خانه، کار دشوار و شاید حتی غیرممکنی است. شما به عنوان خانمهایی که کار داوطلبانه هم انجام می‌دهید، چگونه به امور زندگی خصوصیتان می‌پردازید؟

● خانم عماد شما بجز شورا، در جای دیگری هم مشغول به کار هستید؟  
 نسریندخت عماد: من در مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، به عنوان رئیس بخش اطلاعات و انتشارات در حال فعالیت هستم. لیسانس حقوق سیاسی و فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران دارم. دوره‌های تخصصی سیستم‌های اطلاع‌رسانی کشاورزی را در خارج از کشور، زیر نظر سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد، فائو (FAO)، در قسمتهای مختلف و همین‌طور ا.بی.او (APO) در ژاپن گذرانده‌ام. گرایش دیگر من غیر از سیستم‌های اطلاع‌رسانی کشاورزی، ادبیات کودکان و نوجوانان، پروژه مواد خواندنی کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان است که چون بسیار به آن علاقه‌مندم، وقت لازم را خودم برای ایجاد می‌کنم.

● خانم عماد نظر شما در مورد کار خارج از خانه چیست؟

نسریندخت عماد: مشغله داخل خانه من بسیار زیاد است. پرستار مادری هستم که متأسفانه قدرت حرکت ندارند و بیمار شدید قلبی هستند و من چندین و چند سال است که افتخار خدمت به ایشان را به صورت مستقیم دارم. حتی ظهرها، بین کار به خانه می‌روم و غذایشان را می‌دهم و دوباره برمی‌گردم و باز تا ساعت هشت - نه شب مشغول کار می‌شوم ولی برای اینکه فکر نکنید خانه ما خالی از اطعمه و اشربه است، همه شما را همین امشب دعوت می‌کنم برای افطار. من معتقدم که ما با الهام از نظمی که در آفرینش است باید بفهمیم که اگر در زندگی نظم وجود داشته‌باشد، انسان نه تنها می‌تواند تمام امور مهم را به سرانجام رساند بلکه حتی می‌تواند امور جنبی زندگی را نیز سرسامان دهد.

● خانم راعی، شما از خودتان بگویید.  
 منصوره راعی: من معلم، عضو شورای کتاب کودک و عضو انجمن پژوهشهای آموزشی پویا هستم. لیسانس ادبیات انگلیسی و فوق‌لیسانس علوم تربیتی با گرایش روش تدریس هستم. دوره‌هایی در ایران و خارج از ایران، در حوزه مدیریت آموزشی و روش تدریس تلقینی پشت سر گذاشته‌ام و درست در خدمت بچه‌ها هستم.

● با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید و به امید اینکه همچنان، موفق و پربربار، راه خود را ادامه دهید.■



● تأسیس کتابخانه برای مهمان‌شهرهای ایران، پروژه‌ای است که شورا با دعوت کمیساریای عالی پناهندگان و وزارت امور خارجه به طور مشترک در دست اجرا دارد. این کتابخانه‌ها بزودی افتتاح می‌شود.

● خانم میرهادی از خودتان بگویید:  
 توران میرهادی: من لیسانس رشته تعلیم و تربیت هستم، مدت ۲۵ سال در مدرسه «فرهاد» در زمینه تعلیم و تربیت کار کردم. یک معلم ساده بودم و معلم ساده هم هستم. سه فرزند و دو نوه دارم و نوه‌داری هم می‌کنم! من معتقدم خانم‌هایی که کار می‌کنند، برنامه‌ریزی‌های خیلی خوبی می‌شوند و یاد می‌گیرند که کارهای تکراری و مداوم را خیلی سریع انجام می‌دهند. ببینید شما می‌توانید فقط مسئول انجام یک کار باشید و در حاشیه‌اش هم خیلی آرام به کارهای دیگر برسید. آنهایی که کار می‌کنند، کارهای مقرر را خیلی سریع انجام می‌دهند و در نتیجه می‌توانند از عهده کارهای مختلف بریبایند. البته یکی از دلایلی که من الان می‌توانم برای کارهای شورا و فرهنگنامه وقت بیشتری صرف کنم، این است که دیگر بچه‌ها بزرگ شده‌اند و مسلط به زندگی خودشان هستند و بالاخره برای مادر بزرگ هم تا حدودی وظایف معین کرده‌اند؛ از یک حدودی بیشتر، دیگر کار خودشان است و من هم می‌توانم کمی به کارهای دیگرم برسم.

برای بچه‌ها شیرین و پربربار می‌شود.  
 ● خانم مافی به نظر می‌رسد شما در زندگی خودتان از چنین تفاهمی برخوردار بوده‌اید. آیا فرزند هم دارید؟

معصومه مافی: بله، من دو تا دختر دارم و چهار نوه. من و شوهرم در همه زمینه‌ها همکاری کرده‌ایم و با هم برنامه ریخته‌ایم، چه برای کارهای داخل خانه و چه خارج خانه. همیشه سخت کار کرده‌ایم؛ الان هم از زندگی و بچه‌هایمان راضی هستیم برای آنکه آنها هم در یک محیط فرهنگی و با تشریک مساعی رشد کرده‌اند.

● خانم مافی تحصیلات شما چیست؟  
 معصومه مافی: من فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی هستم.

توران میرهادی: معمولاً می‌گویند پشت هر مرد موفقی، یک زن خوب و فداکار ایستاده‌است. من فکر می‌کنم عکس این جمله هم صادق است یعنی پشت هر زن موفقی هم یک مرد فداکار ایستاده‌است. در واقع پشتیبانی و تشویق و دلگرمیهای شوهر در زندگی، موفقیت زن را تضمین می‌کند.

# صبحانه

برای خواهرم زاله

آمد  
با بوی نرینگی  
از مردمکان زن

در دم  
دما به صفر رسید  
و نگاهش به آینه

از چشم او  
چراغ، پیه‌سوزی بود از سفال  
تخت، سکونی از سنگ  
و زن، مادینه‌ئی از مفرغ

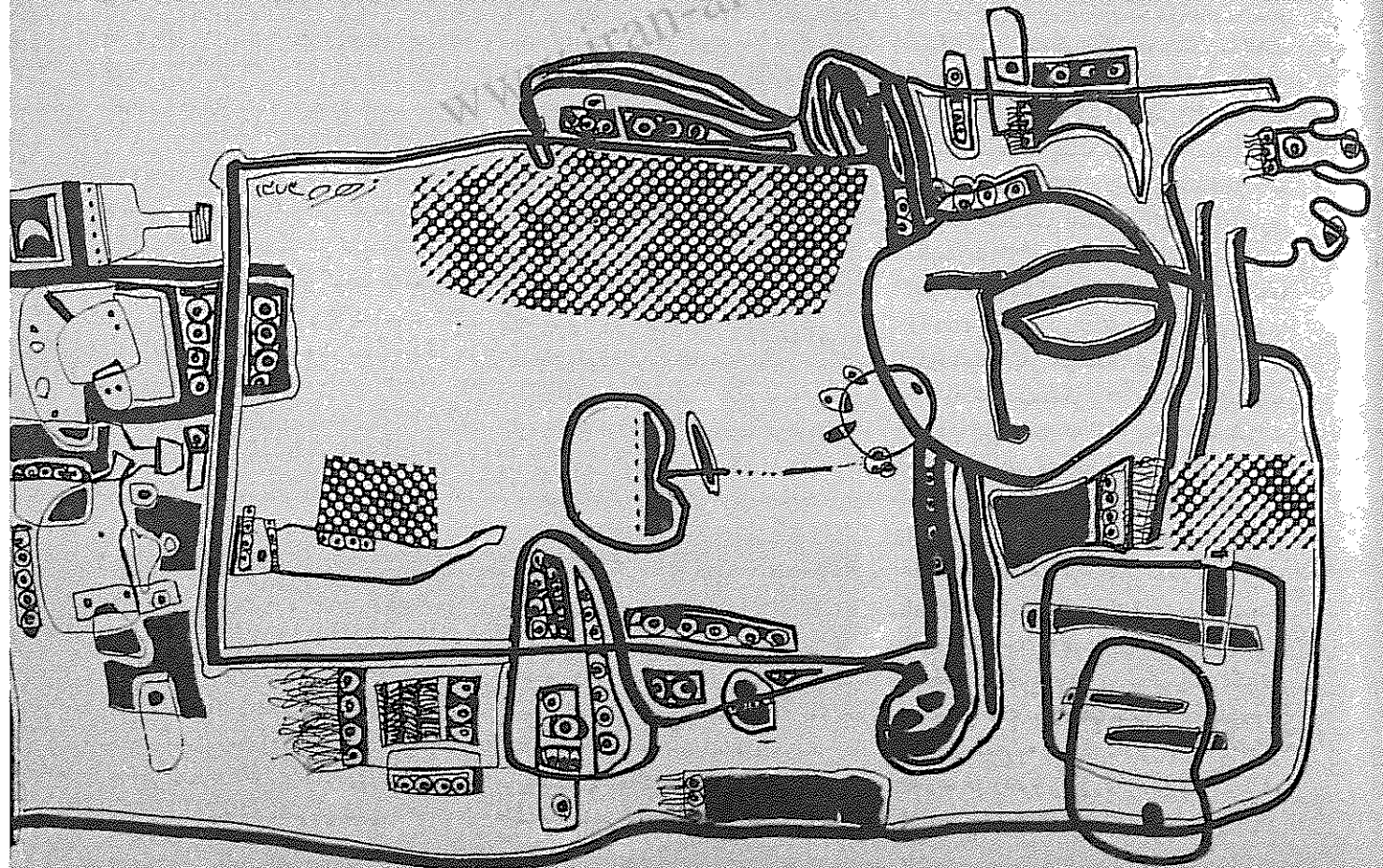
یکباره  
بر پاشنه چرخید  
نفس تازه کرد، خرناسه‌ئی کشید  
و نعره سرداد:  
«مرگ ما، به دست دستاموز!»

زن اما، امان نداد  
تا باز  
باز گردد به او  
از نگاه  
که به گاه برخاسته بود  
تا بدود از مویه به فریاد  
و از فریاد  
آینا مرگ مذکر

\*  
ساعت به کار افتاد

و زن رو به آینه  
به راه  
در نگاهش  
مردی دیگر  
که می‌آمد از پس سر  
با سیب  
و با سینی صبحانه

از آشپزخانه ■ مسعود احمدی



# مادر، چرا سر کار می روی؟!!

❏ صحت‌های شما در مورد شغل‌تان به فرزندتان کمک می‌کند که از داشتن یک مادر شاغل احساس غرور کند. روزی دختر چهار ساله‌ام با دوستش مشغول بازی بود. او در حالی که صبحانه خیالیش را تمام می‌کرد، با صدای بلند گفت: «حالا وقت رفتن به سرکار است.» وقتی آنها مشغول جمع کردن کاغذها و مدادها و گذاشتن آنها در کیفشان بودند، شنیدم که دوستش پرسید: «دلت نمی‌خواهد اینجا بمانی و مثل مادر من کارهای خانه را انجام دهی؟» و او در پاسخ گفت: «نه! اداره بهتر است.»

دخترم از زمان طفولیت شاهد کار کردن من در خارج از منزل بوده‌است. وی تمام مکالمات تلفنی مرا راجع به کارم می‌شنود و تمام یادداشتهای روزانه‌ام را مشاهده می‌کند. وقتی که بزرگتر شد اجازه داشت با ماشین تایپ و کامپیوتر بازی کند و زمانی هم که بیماری آبله‌مرغانش بهبود یافت تا یک هفته مشغول تزئین دفتر کار من با اشیای مورد علاقه‌اش بود. اما من تا زمانی که حرفهای او را ضمن بازی با دوستش نشنیده بودم؛ اطمینان نداشتم که کار کردن، از نظر او چیزی فراتر و ارزشمندتر از کسب درآمد است. از نظر او کار خارج از منزل «جالب» است. ❏

چنانکه مسلم است مشاغل گوناگون تأثیرات متفاوتی بر فرد می‌گذارد. مثلاً یک شغل می‌تواند بسیار روحبخش و انرژی‌زا و یا کاملاً کسل‌کننده و ملال‌آور باشد. البته جای تعجب نیست که در زندگی پر مشغله‌امروزی، نتوانیم بسیاری از مزایای نامحسوس اشتغال را حس کنیم. مزایایی از قبیل به کارگیری استعدادها و مهارت‌هایمان، ارائه ایده‌ها و نظرات جدید، دریافت پاداش به خاطر رسیدگی دقیق و کامل به حسابها و کارها و نیز برقراری روابط اجتماعی وسیعتر.

ایجاد فضایی پر نشاط در خانه، برای مادران شاغل بسیار حایز اهمیت است. ما می‌توانیم با شرکت دادن کودکانمان در تجارب مثبت کاری خود، آنان را در بخش مهمی از زندگی خویش شریک سازیم. به این ترتیب یک مادر شاغل می‌تواند به کودکش نمونه‌زنی را ارائه دهد که هم شغلش را دوست دارد و هم خانواده‌اش را، و چشم‌اندازی مناسب و سالم از دنیای کار و فعالیت به فرزندش ارائه دهد تا کودک نیز در این روند بیاموزد که شاغل بودن به فرد کمک می‌کند که احساس خوبی نسبت به خود داشته‌باشد.

البته صحبت با کودکان در مورد مزایای کار خارج از منزل، همیشه امری سهل و ساده نیست. در این گونه مسائل هیچ‌گاه انسان مطمئن نیست که باید تا چه حد پیش برود و یا حتی چه موقع صحبت کند. در اینجا چند نمونه از عمده‌ترین سؤالاتی که کودکان در مورد اشتغال مادرانشان مطرح می‌کنند و چگونگی پاسخگویی به آنها با توجه به سن کودک، آورده شده‌است:

## ◀ بیرون از خانه چه کار می‌کنی؟


اکثر کودکان می‌خواهند بدانند کار شما در بیرون از منزل چیست. شاید تا به حال در این مورد با کودک خود صحبت کرده باشید و یا خود او در این مورد چیزهایی از خلال صحبت‌های شما با دیگران شنیده باشد. اما سؤال او نشان‌دهنده این است که هنوز درباره‌ی چگونگی کار شما اطلاع کاملی ندارد.

برای روشن کردن موضوع، سعی کنید ساده و روشن، مسئولیتهایی را که به عهده دارید برایش توضیح دهید. مثلاً: «من سر کلاس به بچه‌ها خواندن و نوشتن یاد می‌دهم.» یا: «اگر کسی به پول احتیاج داشته‌باشد، می‌آید بانک پیش من تا پولش را

بگیرد.» و یا: «وقتی کسی حالش بد می‌شود، می‌آید بیمارستان و من فشار خونش را می‌گیرم و به او دارو می‌دهم تا خوب شود.» کودک نیاز دارد از والدینش در محل کار یک تصویر ذهنی داشته‌باشد. وقتی او بتواند شما را در محل کارتان مجسم کند، در مورد کار شما احساس بهتری خواهد داشت. برای آنکه شناخت بیشتری راجع به کار خود به فرزندتان بدهید، در صورت امکان یکبار او را با خود به محل کار ببرید و اجازه دهید شما را در حین انجام وظیفه ببیند ولی پیش از این کار، ذهن کودک را کاملاً آماده کنید. آنچه را خواهد دید، برایش توصیف کنید. به او سفارش کنید که مثلاً نباید به وسایل دیگران دست بزند و یا نام همکارانی را که ممکن است با آنها ملاقات کند، برایش بگوید. اطفال خردسال از گردشهای کوتاه و انجام برخی کارها، مانند نقاشی کردن در پشت میز شما، بسیار لذت می‌برند. بهترین توصیه در مورد بچه‌های پنج تا شش سال این است که آنها را به کاری بگمارید. از او بخواهید مدادها را بتراشد، چیزی برای یکی از همکاران برد و یا مجله‌ها را دسته کند. او از اینکه در دنیای کار شما وارد شود بسیار خوشحال خواهد شد.

راه مناسب دیگر برای معرفی شغل‌تان به کودک این است که از او بخواهید نظرات خود را در مورد موقعیتهای زندگی بگوید. می‌توانید برای کودکان پنج سال به بالا، برخی از اتفاقات محل کارتان را بگویید و در این باره از او نظرخواهی کنید. مثلاً: «آقای که امروز برای استخدام به دفتر آمده بود آن قدر هول شده بود که تمام ورقها را روی میز ریخت و فنجان چای را برگرداند. اگر تو جای من بودی به آن آقا چه می‌گفتی؟» و یا: «امروز صبح به طور تصادفی با خانم مدیر مدرسه در راهرو برخورد کردم و تمام دفترها از دستم ریخت روی زمین.» سپس از او





● یک مادر شاغل با شرکت دادن کودکانش در تجارب مثبت شغلی خود، نمونه زنی را ارائه می‌دهد که هم شغلش را دوست دارد و هم خانواده‌اش را.

پرسید اگر او در چنین موقعیتی قرار می‌گرفت چه کار می‌کرد. چنین سؤالی از جانب شما به او می‌فهماند که برای نظراتش ارزش قایلید و این خود موجب افزایش اعتماد به نفس او می‌شود. اگر سخنان کودکان را جدی بگیرید، او حس می‌کند که در خانواده عضو مهمی است.

### ◀ همه مادرها کار می‌کنند؟

دختر من وقتی سه ساله بود این سؤال را از من می‌کرد و جواب من هم بسیار ساده بود: «بله!» همچنان که او سؤالش را هر چند وقت یکبار تکرار می‌کرد، من نیز پاسخ منم را مفصلتر می‌کردم: «هر کس کاری دارد اما این کارها با هم متفاوتند. بعضی در خانه کار می‌کنند، بعضی دیگر بیرون از خانه، عده‌ای تمام وقت و عده‌ای نیمه‌وقت کار می‌کنند، بعضیها برای آنچه انجام می‌دهند پول دریافت می‌کنند و بعضیها نه، تو هم که مدرسه می‌روی داری کاری انجام می‌دهی.»

متخصصان معتقدند صحبت کردن با کودکان در مورد کار بسیار اهمیت دارد زیرا باعث می‌شود حتی در انجام کارهای ساده خودشان سعی و تلاش بیشتری کنند و در ضمن به آنها می‌آموزد برای کاری که خودشان یا دیگران انجام می‌دهند احترام قایل شوند.

از آنجایی که کار، بخش عادی و مهمی از زندگی شما را در برمی‌گیرد، از صحبت کردن درباره آن با کودکانتان در طول روز تردید نکنید. اگر آنها از کار شما مانند هر چیز عادی و ساده دیگر سخن بشنوند، حتی اگر خیلی هم کم سال باشند آن را به عنوان جنبه‌ای از زندگی، درست مانند خوردن، خوابیدن و سایر فعالیتهای روزانه می‌پذیرند. زمانی برای کودک این سؤال پیش می‌آید که آیا کسانی که کار می‌کنند بیشتر مورد توجه و احترامند یا افرادی که در خانه هستند؟



بنابراین تعجب نکنید اگر کودک از شما پرسید: «چرا تو نمی‌توانی مثل مادر رزتا در خانه بمانی؟» برای بچه‌ای که در سنین دوره ابتدایی است می‌توانید در مورد انتخابی که کرده‌اید صحبت کنید، بگویید کار کردن به شما کمک می‌کند مهارت‌هایتان را به کار گیرید و کارهایی را که دوست دارید انجام دهید. در نتیجه به او می‌آموزید که می‌تواند در آینده کاری داشته‌باشد و از آن لذت ببرد. در مورد کودکان خردسال طرح این سؤال تنها به دلیل آن است که بدانند آیا کار شما مهم و ارزشمند است یا نه. بهترین پاسخ این است که به طور صریح به او بگویید کار کردن اختیاری نیست. مثلاً بگویید: «می‌دانم گاهی اوقات دلت می‌خواهد من در خانه باشم، من هم دوست دارم در خانه، در کنار تو باشم و

سال بگویید: «دوست دارم چیزهای تازه یاد بگیرم و مشکلات را حل کنم.» یا: «دوست دارم با مردم کار کنم و با آنها دوست شوم، همان طور که تو در مهدکودک با بچه‌ها دوست می‌شوی.» و اگر کاری در زمینه پزشکی یا درمان دارید بگویید: «از اینکه می‌توانم به مردم کمک کنم خوشحال می‌شوم.»

می‌شود و این کسلی را به حساب دلخوری و عصبانیت شما از خودش می‌گذارد.

البته این سخن بدان معنی نیست که باید دلیل ناراضی بودن از ریستان یا مشکل بودن کار را برایش توضیح دهید، بلکه خیلی ساده بگویید: «یک روز کارم را عوض می‌کنم اما حالا که شغلم این است سعی می‌کنم آن را به خوبی انجام دهم.»

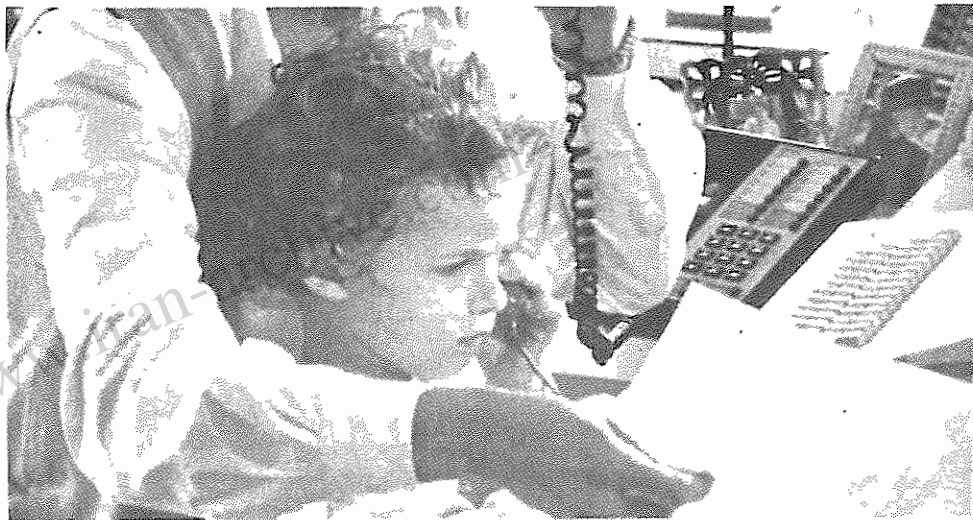
### ◀ حتماً باید بروی؟

وقتی فرزند خردسال‌تان هنگام خروج شما از منزل و رفتن به سر کار، به پاهایتان آویزان می‌شود و این سؤال را می‌پرسد، به طور حتم دل شما به درد می‌آید اما باید بدانید که این حالت بچه‌ها کاملاً عادی است. کودکان نوپا همیشه هنگام خداحافظی هیجانزده می‌شوند. برای اینکه خداحافظی را با اندوه کمتری به پایان برسانید، چه باید بکنید؟ در این حالت، توضیح اینکه چرا مجبورید او را ترک کنید کمک چندانی به وی نخواهد کرد. نوپایان کوچکتر از آن هستند که این دلایل را درک کنند و بدانند چرا کار شما برای شما و خانواده‌تان اهمیت دارد. بهترین کاری که می‌توانید بکنید این است که او را در آغوش بگیرید و با گفتن چند کلمه دلگرم کننده، آرامش کنید. نیز می‌توانید او را به انجام کارهایی که دوست دارد وعده دهید: مانند بردن او به پارک و خواندن کتاب قصه. به طور دقیق به او بگویید که چه وقت باز می‌گردید یا چه وقت به دنبالش خواهید رفت: «وقتی از خواب بعدازظهر بلند شوی، به خانه می‌آیم.» یا: «مادر بعد از عصرانه به خانه می‌آید.» در این صورت او احساس امنیت بیشتری می‌کند و راحت‌تر اجازه می‌دهد که از او جدا شوید. همچنین می‌توانید یک برنامه خداحافظی به صورت بازی ترتیب دهید. سالها برنامه مورد علاقه دختر من هنگام خداحافظی ده بار بوسیدن، ده بار در آغوش گرفتن و گفتن «زود برگرد!» بود.

سخن آخر اینکه به کودک بگویید کارتان تمام ذهن شما را مشغول نمی‌کند. وقتی صحبت‌های محل کار را به خانه می‌آورید، به او بگویید در محل کار چه وظایفی دارید و چگونه وقت خود را می‌گذرانید.

مشارکت با کودکان در این بخش مهم از زندگی، نه تنها رابطه شما و آنها را قویتر می‌کند بلکه باعث می‌شود که از داشتن یک مادر شاغل احساس غرور کنند ■

برخی از مادران بدون هیچ گونه مشکلی می‌توانند مسائل مربوط به شغلشان را با امور مربوط به خانواده تطبیق دهند. برخی دیگر با اینکه از موقعیت شغلی خود رضایت دارند ولی چون کارشان، آنها را برای مدتی طولانی، در طی روز از خانه و فرزندانشان دور نگه می‌دارد، احساس گناه می‌کنند. این



● برای آنکه شناخت بیشتری راجع به کار خود به فرزندتان بدهید، در صورت امکان یکبار او را با خود به محل کار ببرید و اجازه دهید شما را در حین انجام وظیفه ببیند.

احساس در زنانی که مادران خانه‌دار داشته‌اند شدیدتر است. در هر حال باید سعی کنید این احساس را کنار بگذارید، در غیر این صورت نمی‌توانید در خانه محیط شادی فراهم آورید و کودک را نیز در پذیرش مسئولیتهای آینده‌اش دچار مشکل خواهید کرد.

اگر شما از شغل‌تان چندان راضی و خشنود نیستید، با کودکان صادق باشید و احساس واقعیتان را بگویید زیرا خواه ناخواه روزهایی پیش می‌آید که خسته و کسل به خانه می‌آیید و او متوجه رفتار و حالات شما

به تو بیشتر برسم اما در طول روز زمانی که تو در مهدکودک هستی، مادر کارهای مهمی دارد که باید انجام دهد.»

پاسخ کودک را با لحنی آرام و مطمئن بدهید، در این صورت او اطمینان می‌یابد که داشتن یک مادر شاغل در خانواده شما، امری عادی و ضروری است.

### ◀ کار کردن را دوست داری؟

اگر پاسخ شما مثبت است، در جواب تنها یک «بله» ساده بگویید. سپس از موقعیت استفاده کرده و توضیح دهید که چرا کارتان را دوست دارید. در مورد کودکان زیر شش



# کوتاه، درباره کتابهای تازه



## دیوان پروین اعتصامی

مقدمه، تنظیم و شرح لغات از شهرام رجبزاده  
تهران  
قدیانی  
چاپ دوم  
۱۳۷۳  
ص ۶۶۰  
تومان ۵۰۰

در مقدمه کتاب می‌خوانیم: «این چاپ دیوان پروین اعتصامی، بسامان‌ترین، بشیوه‌ترین، روشمندترین و کاربردی‌ترین متنی است که تا



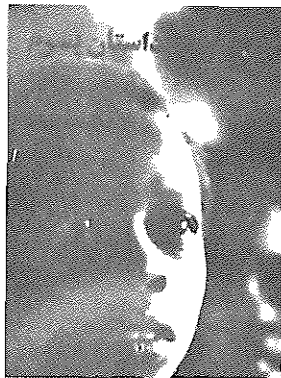
امروز از این دیوان انتشار یافته است.»

از جمله مزئیهای این چاپ، دسته‌بندی اشعار برحسب قالب، نظم الفبایی شعرهای هر بخش، رسم‌الخط امروزی، اعراب‌گذاری و نشانه‌گذاری شعرها و شرح لغات دشوار متن در زیر هر صفحه است. این امتیازات باعث شده که کتاب عامه خوانندگان و خواص آنها را در فصل مشترکی گردهم آورد. این چاپ دیوان پروین، در قطع پالتویی منتشر شده و مقدمه‌ای انتقادی ضمیمه آن است که با استفاده از معیارهای



## داستان پسر

نیدین گوردیمر  
ترجمه شیرین دخت دقیقیان  
تهران  
روشنگران  
چاپ اول  
۱۳۷۳  
ص ۳۴۶  
تومان ۶۰۰



نیدین گوردیمر پس از انتشار رمان داستان پسر در سال ۱۹۹۱، برنده جایزه ادبی نوبل شد. او زنی سفیدپوست از خانواده‌ای یهودی است که در آفریقای جنوبی متولد شده و در همان جا زندگی می‌کند. گوردیمر را به عنوان نویسنده‌ای سیاسی و ضد آپارتاید می‌شناسند. در داستان پسر همان قدر که از حیات اجتماعی سیاهپوستان و سفیدپوستان آفریقای جنوبی سخن به میان می‌آید، نگاهی دقیق به درون انسان و عواطف و انگیزه‌هایش نیز به چشم می‌خورد و با تسلطی ستودنی بر هنر نویسندگی و نظریه‌های ادبی قرن حاضر بر این مسائل جامه داستان پوشیده است.

مترجم کتاب سعی داشته سبک نگارش و شیوه نشانه‌گذاری نویسنده را عیناً در ترجمه حفظ کند. اما این وسواس، بیش از آنکه به انتقال روح اثر و شیوه نگارش نویسنده کمک کند، مانع برقراری ارتباط صحیح و بی‌مشکل خواننده با اثر شده و ترجمه را از رسایی و شیوایی درخور آن دور کرده است ■



## از این زمان، از آن مکان

ترجمه مریم خوزان  
تهران  
شرنی  
چاپ اول  
۱۳۷۳  
ص ۲۷۲  
تومان ۳۸۰

از این زمان، از آن مکان مجموعه داستانهای کوتاه و بلندی است از نویسندگان معاصر و پیشرو مغرب زمین. نام این کتاب برگرفته از داستان لاینل تریلینگ است.

مترجم در ابتدای هر داستان شرح کوتاهی از زندگی و نحوه فعالیتهای ادبی و آثار نویسنده ارائه داده است. در این مجموعه، داستانهای زیر ترجمه شده‌اند: از این زمان، از آن مکان (لاینل تریلینگ)، مهمانان ملت (فرانک آکانتر)، خمارشکن (جان کالیر)، دلنگیهای سانی (جیمز بالدوین)، چند تا جعبه (ریموند کارور)، درخت‌سبب (جان گلزورثی)، ملکه عروسکی (کارلوس فوننتس)، دسته گل آبی (اوکتاویو



پاز)، گل رس (جیمز جویس)، شام خانوادگی (کازوآی‌شی گور)، ایما و اشاره‌ها (ولادیمیر ناباکف) ترجمه شده‌اند.

## فرم اشتراک

(در صورت امکان تایپ شود یا کاملاً خوانا شود)



نام: .....  
نام خانوادگی: .....  
سن: .....  
تاریخ شروع اشتراک: .....  
نشانی: .....  
کد پستی: .....  
تلفن: .....

## حق اشتراک برای یکسال (۱۲)

- ◇ ایران ۲۱۶۰۰ ریال
- ◇ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۳۰
- ◇ اروپا معادل ۵۰ مارک
- ◇ خاورمیانه معادل ۲۸ دلار

## شرایط اشتراک

- ۱- فرم اشتراک را پر کنید.
- ۲- حق اشتراک را به حساب جاری ۱۹۷۰ نشان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت سراسر کشور)، واریز فرمایید.
- اصل فیش بانکی و کارت فرم اشتراک (یا نشانی ما پست کنید تا در اسرع وقت ترتیب اشتراک شود).

خوانندگان گرامی خارج از کشور، شما حق اشتراک خود را به نشانی زیر واریز نمایید. بانکی را همراه با فرم اشتراک کامل شده به نشانی:

5001419159  
300  
BANK  
GERMANY

نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵  
تلفن: ۸۳۶۴۹۸ - ۸۳۹۱۵۱  
فکس: ۸۸۳۹۶۷۳



آموزش طراحی و نقاشی و تجسمی  
ریر نظر استاد ما تحریر (خانم)  
با تحصیلات دانشگاهی در ایران و انگلیس  
برای خانمها و دخترخانمها و کودکان

**نگارخانه  
نقش**

قائم مقام فراهانی - ۸۸۴۵۹۶۵

**مانتو سرای تندیس**

انواع مانتو و روسری در رنگها  
و مدلهای متنوع

آدرس: نارمک خیابان آیت نرسیده به چهار راه  
تلفنخانه، پلاک ۳۹۲  
تلفن: ۶۹۵۴۰۲

موسسه زبانی  
**آرین**

خانمهای شیرستانی  
در وقت صرفه جویی کنید

آموزش بهداشت پوست - لاغری - اکتروویز و  
آرایش دائمی گریم و آرایش و کلیه موارد را با  
کوتاهترین زمان در سطح بین المللی بیاموزید  
مرکز فروش دستگاه و مواد آرایشی و بهداشتی  
فرانسوی و لاغری و چاقی و بهداشت پوست

تلفن: ۲۵۸۵۴۴۲

**مجموعه آموزشی نیکوکاری**

یکی از عوامل اساسی رشادتی انسان از زندگی و وجود خویشتن، احساس توانایی زیستن بدون اتکا به دیگران، و همچنین اعتقاد به نفس و احساس امنیت فرد در گرو انجام شغل و کاری شرافتمندانه می باشد.

با نگرش به اهمیت و نقش عظیمی که آموزش و اشتغال در بازسازی شخصیت و تأمین استقلال اجتماعی - اقتصادی معلولین و جانبازان ایفا می نماید، مجمع آموزشی - نیکوکار در بعد اقدام به تشکیل کلاسهای آموزشی فن و حرفه ای رایگان برای خواهران و برادران معلول و جانباز نموده و آماده پذیرش کارآموز برای دوره های آموزشی خود در رشته های: کامپیوتر - نقشه کشی - تایپ فارسی و لاتین و ... می باشد.

ردیف	عنوان دوره	شرایط مورد نیاز کارآموزان جهت شرکت در دوره
۱	سیم پیچی الکترو موتور و ترانسفورماتور	داشتن حداقل تحصیلات پایان دوره راهنمایی، دوره برادرانه
۲	تفسیر لوگو برقی خانگی	داشتن حداقل تحصیلات پایان دوره راهنمایی، دوره برادرانه
۳	نقشه کشی محاسباتی و ساختن	داشتن حداقل تحصیلات پایان دوره راهنمایی
۴	اپراتوری کامپیوتر	داشتن حداقل تحصیلات دپلم ویرستان و هوشمند در امتحان هوش
۵	ماشین نویسی فارسی (لاتین دستی و برقی)	داشتن حداقل تحصیلات پایان دوره راهنمایی
۶	مرامه نویسی کامپیوتر C	داشتن حداقل تحصیلات دپلم ویرستان و هوشمند در امتحان هوش
۷	تراشکاری و فلزکاری	داشتن حداقل تحصیلات دوره راهنمایی

X نوبت دوم، عدلیه محاسباتی در سه نوبت: برادر، برادره، دخترها، ۸ الی ۱۲ - بعدازظهرها، ۱۳ الی ۱۷ - ۱۷ الی ۱۹  
۱۶۳ سرویس رخت و آمار دیدار اطلاع به مکتوب آموزش معتقد است  
گالری کد ملی (غرب)، فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان پروژان، مقابل خیابان ششم، شماره ۷۳  
① ۸۰۸۲۴۴۴ - ۸۰۹۸۸۸۱، گدیشی: ۱۳۶۶۴، صندوق پستی: ۱۳۶۶۵/۱۴۴

**اسفخن گلو**

سازمان فیلم و تبلیغات

خیابان ستارخان،  
خیابان هخامنش،  
شماره ۲  
تلفن و فاکس: ۹۷۵۵۹۸ ۹۷۵۱۴۲

**فروش اقساطی محصولات میلیارن با مدیریت بخش خصوصی**

**آغاز شد**

شرایط فروش: ۳۰ درصد نقد، ۷۰ درصد ۱۲ ماهه

جهت استفاده از تسهیلات فوق به نمایشگاههای زیر مراجعه نمایید:

نمایشگاه شماره ۲:	خیابان طالقانی، روبروی بیمارستان ۵۰۲ ارتش
نمایشگاه شماره ۳:	خیابان میرداماد، نرسیده به میدان محسنی
نمایشگاه شماره ۴:	خیابان سهروردی، بالاتر از استاد مطهری

تلفن: ۸۳۳۴۱۹  
تلفن: ۲۲۲۶۴۶۶  
تلفن: ۸۴۵۷۵۱-۲

میلیارن بخر راحت باش

۳۰۱۰۲

## ● تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی زنان

به طور ژنتیکی نسبت به عفونتهای مجاری ادرار آسیب‌پذیرتر و مستعدترند.

## ● آمیزش جنسی یکی از عوامل اصلی ایجاد عفونت در دستگاه دفع

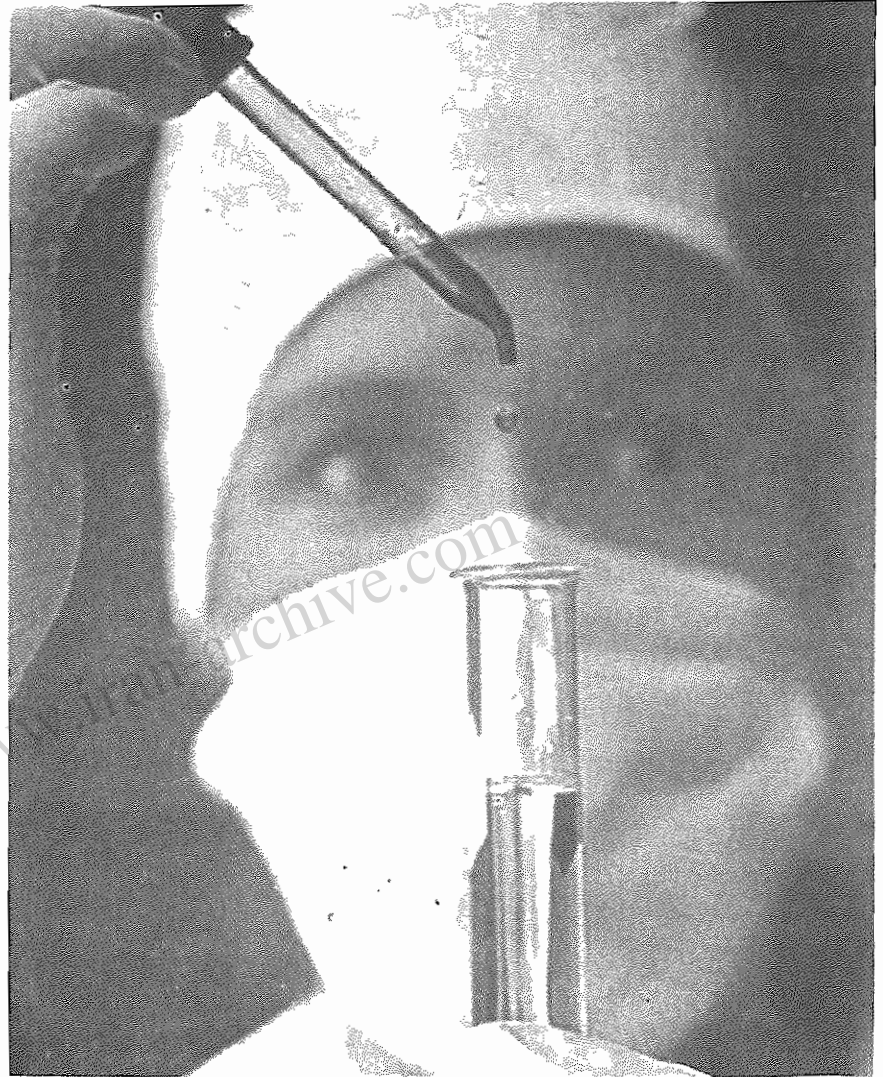
ادرار است و گاهی اوقات مرد عامل انتقال عفونت به همسر خویش است.

♣♣ او مثل همیشه صبح که از خواب برخاست، احساس کرد باید خیلی سریع خود را به دستشویی برساند. اما هنگام دفع ادرار سوزش و درد شدیدی احساس کرد و متوجه شد که نمی‌تواند مثانه را کاملاً تخلیه کند. ❏

شاید این حالت برای شما هم آشنا باشد. مشکل این خانم عفونت دستگاه ادراری بود. این بیماری، عفونتی است که باکتریها در مثانه و مجاری ادرار و حتی گاهی در کلیهها تولید می‌کنند. از هر پنج زن یک نفر به این بیماری مبتلا می‌شود و در ۲۵ درصد آنها احتمال بروز مجدد بیماری وجود دارد.

در گذشته علت و چگونگی عود عفونت ادراری در زنان مشخص نبود اما امروزه با پیشرفت علوم، دیگر لزومی ندارد که هر زنی بدون علت به این بیماری رنج‌آور تن در دهد. وجود باکتری بر روی پوست اطراف مجرای دفع ادرار طبیعی است. حتی میکروبیهای رودهای نظیر ای. کولای نیز اکثراً در این ناحیه تجمع می‌کنند اما معمولاً دفاع طبیعی بدن در برابر میکروبیها موجب می‌شود که این باکتریها آسیبی به شخص نرسانند و تولید بیماری نکنند. پس چرا بعضیها به راحتی دچار عفونت ادراری می‌شوند؟

تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی زنان به طور ژنتیکی نسبت به عفونتهای مجاری ادرار آسیب‌پذیرتر و مستعدترند. پزشکان دریافته‌اند که سلولهای پوشاننده داخل مجاری ادراری در زنانی که مدام دچار عفونت این مجاری می‌شوند، نوعی نقص بیولوژیکی دارد: این سلولها دارای نوعی پروتئین سطحی به نام «گلیکوپروتئینها» هستند که خصوصاً محیط رشد مناسبی برای رشد باکتری ای. کولای فراهم می‌آورند.



استفان رای‌هافمن ترجمه ندا سهیلی

# عفونت مجاری ادرار در زنان

## ◀ عوامل عفونت مجاری ادرار

آمیزش جنسی یکی از عوامل اصلی ایجاد عفونت در دستگاه دفع ادرار است. بررسی وضعیت ۱۶۸ زن که در حال معالجه این بیماری بوده‌اند، نشان داده است که ۹۵ درصد آنها ظرف ۴۸ ساعت گذشته، آمیزش جنسی داشته‌اند. در مورد این زنان هرچه دفعات آمیزش بیشتر بوده، احتمال و شدت ابتلا به بیماری نیز افزایش یافته است. اگر آمیزش با فشار و به سختی صورت گیرد،



مجرای ادرار زن آزرده و ملتهب می‌شود و برای عفونت مستعد می‌گردد و با ایجاد فشار بعدی باکتریهای موجود به داخل مثانه راه می‌یابند. پزشکان در این گونه موارد پیشنهاد می‌کنند که زوجها در آمیزش از روشهایی استفاده کنند که فشار به وجود نیاورد، بخصوص اگر زن دچار عفونت مکرر مثانه باشد.

استفاده از دیافراگم\* برای پیشگیری از بارداری، احتمال ابتلا به این بیماری را افزایش می‌دهد اما زنانی که قرص ضد بارداری مصرف می‌کنند از این خطر برحذرند. تحقیقات آماری در مورد ۱۵۰ زن در سنین فعال جنسی که از عفونت مثانه رنج می‌بردند، نشان داده است که ۷۴ درصد آنها از دیافراگمهایی استفاده کرده‌اند که اندازه آنها بسیار بزرگ بوده است. این گونه دیافراگمها به گردن مثانه، یعنی محل خروج ادرار فشار زیادی وارد می‌کند و باعث می‌شود که دهانه مثانه در حین دفع ادرار با فشار بسته شده و ادرار کاملاً تخلیه نشود. سپس با ماندن طولانی ادرار در مثانه، باکتریهای عفونت‌زا فرصت کافی برای تکثیر و رشد و نمو می‌یابند. برای تأیید این مطلب به زنانی که از دیافراگم بزرگ استفاده می‌کردند، توصیه شد که از دیافراگمهای کوچکتر و یا از دیگر وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کنند. در ضمن به همه آنها گفته شد که حتماً بعد از هر آمیزش، برای دفع ادرار به دستشویی بروند. یکسال بعد ۹۶ درصد این افراد کاملاً بهبود یافته بودند.

بعضی باکتریها به طور طبیعی در واژن وجود دارند که در حالت عادی ایجاد بیماری و عفونت نمی‌کنند. نتیجه دیگر تحقیقات حاکی از آن است که استفاده از دیافراگمهای ضد بارداری باعث می‌شود میکربهای بومی و طبیعی واژن تغییر کند و باکتریهایی که در واژن بیماری‌زا نیستند، در مثانه و مجاری ادرار عفونت ایجاد کنند. این باکتریها می‌توانند به راحتی از واژن به دستگاه دفع ادرار راه یابند چون فاصله این دو ناحیه از بدن بسیار کم است حتی گاهی مصرف بعضی پمادهای اسپرم‌کش برای پیشگیری از بارداری همزمان با استفاده از دیافراگم، باعث ایجاد عفونت می‌گردد.

گاهی اوقات مرد عامل انتقال عفونت به همسر خود است. مردان نیز گاهی دچار

عفونت مجاری ادرار می‌شوند اما علائم آن به قدری خفیف است که غالباً نادیده گرفته می‌شود. اما لازم است اگر زنی مدام دچار این عارضه می‌شود، به خصوص اگر همیشه عفونت یکسانی دارد، از همسرش بخواهد که او هم برای معاینه و آزمایش به پزشک مراجعه کند.

### انواع عفونتها

از آنجایی که میکربها می‌توانند در نقاط مختلف دستگاه دفع ادرار تجمع کنند و انواع آنها نیز در این دستگاه متعدد است، عفونتهایی که تولید می‌کنند نیز متفاوت است. زمانی که باکتریها فقط مجرای خروج ادرار را عفونی می‌کنند، بیماری حاصله را التهاب مجاری ادرار یا اورتیت می‌نامند و علامت آن احساس سوزش در حین دفع ادرار است. زمانی که باکتریها به سوی مثانه بالا می‌روند، عفونت حاصله را التهاب مثانه یا سیستیت می‌نامند که علامت آن تکرر ادرار و گاهی سوزش ادرار است و در بعضی مواقع خون نیز در ادرار مشاهده می‌شود. اگر باکتریها از طریق میزنا، از مثانه به کلیه بروند، التهاب کلیه و لگنچه آن یا پیلونفریت<sup>۱</sup> را به وجود می‌آورند که خطرناکترین نوع عفونت در دستگاه دفع ادرار است زیرا ممکن است به کلیه‌ها آسیب رساند و حتی عفونت وارد دستگاه گردش خون شود. علائم این بیماری تب، لرز، کمردرد، حالت تهوع و استفراغ است که در مراحل اولیه بیماری ممکن است بروز نکند و یا بسیار خفیف باشد.

التهاب نسج بینابینی مثانه یا اینترستیتیل سیستیت<sup>۲</sup>، التهاب مزمن مثانه است که علائمی مشابه با التهاب مثانه، مانند تکرر ادرار همراه با درد و سوزش دارد. به هر حال برخلاف التهاب مثانه، این بیماری در اثر عفونت باکتریایی نیست. در حقیقت متخصصان هنوز علت واقعی آن را نمی‌دانند و همین امر تشخیص بیماری را با دشواریهایی مواجه می‌سازد اما خوشبختانه راههای مؤثر و مختلفی برای درمان و معالجه آن وجود دارد. اگر از درد مثانه رنج می‌برید و آزمایش ادرار شما حاکی از عفونت مثانه نیست، ممکن است مبتلا به التهاب نسج بینابینی مثانه شده باشید و باید حتماً به یک متخصص اورولوژی<sup>۳</sup> مراجعه کنید. عفونت دستگاه

دفع ادرار، بیماری شناخته شده و نسبتاً شایعی است ولی ممکن است با بیماریهای دیگر اشتباه گرفته شود. نشانه‌های عفونت مجاری ادرار بسیار شبیه عفونت قارچی واژن یا تحلیل رفتن سلولهای جدار واژن و کم‌ترشح کردن و خشکی آنهاست که اغلب پس از یائسگی روی می‌دهد. در هر حال بهتر است اگر در ناحیه مثانه، کمر یا واژن احساس ناراحتی می‌کنید، حتماً با متخصص اورولوژی، داخلی یا زنان مشورت کنید.

### راههای درمان

امروزه دیگر مجبور نیستید ساعتها و روزها منتظر بمانید تا جواب آزمایش و کشت ادرار شما حاضر شود تا بدانید آیا عفونت مجاری ادرار و مثانه دارید یا نه. درحال حاضر «تست سریع تجزیه ادرار» وجود دارد که می‌تواند در عرض چند دقیقه حداقل وجود باکتریها را تأیید کند. اما این تست سریع قادر به شناسایی «کلامیدیا» که از طریق آمیزش جنسی ایجاد عفونت مثانه می‌کند، نیست و تشخیص آن احتیاج به کشت مخصوص دارد. لازم به تذکر است که انجام تست برای تشخیص این بیماری نیز ضروری است زیرا اگر درمان نشود، منجر به نازایی می‌شود، بنابراین ارزش صرف هزینه بیشتر برای تشخیص احتمالی آن را دارد. در واقع حدود یک سوم زنانی که دچار عفونت دستگاه دفع ادرار هستند، آمادگی ابتلا به عفونت کلیه را نیز پیدا می‌کنند و معمولاً پزشک برای اطمینان خاطر، از بیمار تست ادرار نیز می‌گیرد.

اخیراً برای کمک به این بیماران، پزشک به مدت سه روز، نوعی آنتی بیوتیک با دوز مشخص تجویز می‌کند که نتیجه‌اش برابر است با مصرف آنتی بیوتیکهای ضعیفتر که به مدت ۷، ۱۰ یا ۱۴ روز تجویز می‌شوند. این درمان جدید نه تنها ارزانتر است، بلکه عوارض جانبی از قبیل اسهال و ناراحتی معده را که با خوردن بعضی آنتی بیوتیکها به وجود می‌آید نیز کاهش می‌دهد. درمان سه روزه نباید برای زنان باردار و کسانی که ناراحتی کلیه دارند به کار گرفته شود. بر خلاف تصور عموم، نوشیدن برخی آبمیوه‌ها نمی‌تواند این بیماری را درمان کند و حتی گاهی باعث شدت درد و ناراحتی می‌شود. البته نوشیدن مایعات فراوان در کنار



عکس پر تیره همواره گریم عکاسی  
ویژه بانوان توسط متخصصین طاهر  
(در آلتیه و پادرمزول شنا)  
تلفن: ۸۸۰۳۵۷۱  
۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر



مانتو سرای  
خاتم

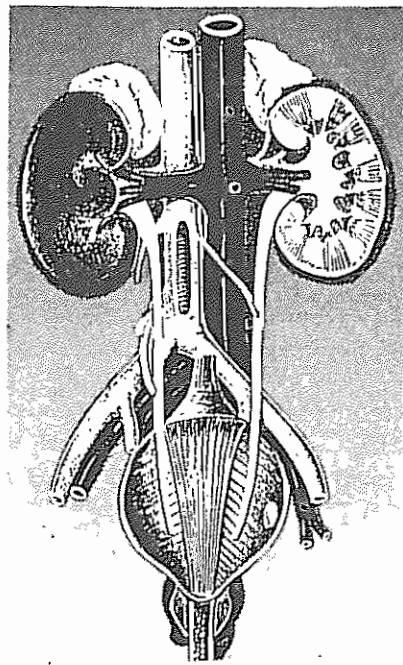
میدان مشهور  
جنب مسجد الجور  
تلفن: ۸۷۲۵۸۵



در بسته ماه  
بطور تقصیصی  
یا سوار شوید

گام به گام بنوسید

نورسای خاص و نواند بصورت مکانهای این کتابها و راهنمای اندر من آنها را دریافت



● **حدود یک سوم زنانی که دچار عفونت دستگاه ادراری هستند، آمادگی ابتلا به عفونت کلیه را نیز پیدا می کنند.**

مشارکت در زندگی زناشویی بسیار خوب است اما نه در مورد داشتن عفونتها! □ در صورت احساس ناراحتی در ناحیه مثانه یا هنگام دفع ادرار، حتماً به پزشک متخصص رجوع کنید تا علت آن دقیقاً مشخص شود. خودتان پزشک خود نشوید و از داروهای گوناگون استفاده نکنید. اگر به ناراحتی خود توجه نکنید، در ضمن طولانیتر کردن مدت بیماری، ریشه کن کردن آن را نیز دشوارتر می سازید ■

\* دیافراگم وسیله ای است که هنگام نزدیکی برای جلوگیری از بارداری، داخل واژن قرار می گیرد.  
\*\* متخصص اورولوژی به متخصص دستگاه ادراری اطلاق می گردد.

یادداشتها:

1. E.coli
2. Urethra
3. Cystitis
4. Pyelonephritis
5. Interstitial cystitis

مصرف آنتی بیوتیک باعث می شود که عوامل عفونتها هر چه سریعتر دفع شود و از صدمه بیشتر به مجاری جلوگیری به عمل آید.

برای درمان عفونتهای راجعه، روشهای متفاوتی اتخاذ می شود. برخی تحقیقات نشان می دهد که برای درمان عفونتهایی که مدام عود می کنند، می توان از آنتی بیوتیکهای مشخصی با دُز پایین - مصرف روزانه یا چند بار در هفته به مدت ۶ ماه - استفاده کرد تا از شروع دوباره بیماری جلوگیری شود. اما در این روش عوارض جانبی شایعتر است و حتی ممکن است باکتریها نسبت به آن آنتی بیوتیک مقاوم شوند و داروی مورد نظر دیگر اثر نداشته باشد.

برای اغلب زنانی که استعداد ابتلا به این بیماری را دارند، بهترین روش مصرف یک دُز آنتی بیوتیک به عنوان پیشگیری کننده در مواقع لزوم است. زنانی که مرتباً این نوع عفونت را پس از آمیزش تجربه می کنند، بهتر است پس از هر همبستری، یک دور آنتی بیوتیک با نظر پزشک مصرف کنند. در حال حاضر محققان درصدد هستند تا نوعی واکسن علیه این بیماری پیدا کنند تا افراد فوق را برای همیشه در برابر این بیماری مصون نماید.

### ◀ چند توصیه

□ زنانی که برای پیشگیری از بارداری از دیافراگم استفاده می کنند، باید با نظر پزشک اندازه آن را چک کنند.  
□ مصرف زیاد آب خصوصاً قبل از آمیزش جنسی مفید است و دستگاه دفع ادرار را شستشو می دهد و فعال می کند.  
□ هرگاه حس می کنید مثانه تان پُر شده است، ادرار را دفع کنید. هرگز ادرار را نگه ندارید، خصوصاً پس از آمیزش جنسی. البته اگر نیاز به دفع احساس نمی کنید، لزومی ندارد که به خودتان فشار آورید.

□ زنانی که مدام دچار عفونت مجاری ادرار می شوند و از تامپون استفاده می کنند، باید همیشه پیش از دفع ادرار، تامپون را خارج سازند. در غیر این صورت تامپون بر اثر ازدیاد حجم، گردن مثانه را تحت فشار قرار می دهد و مانع تخلیه کامل آن می شود. در نتیجه ادرار باقی مانده در مثانه زمینه مناسبی برای رشد باکتریها فراهم می کند.

□ اگر مدام دچار عفونت مجاری ادرار می شوید (عفونتهای راجعه)، از همسرتان بخواهید او هم به پزشک مراجعه کند.

# زنان از افتتاح حسابهای سپرده سرمایه گذاری پرا

● حسابهای سپرده سرمایه گذاری این امکان را برای مشتریان بانک فراهم می آورد تا از پولهای خود در یک محیط امن، حداکثر استفاده را ببرند. در این صورت آنها، هم در منافع بانک شریک و از آن منتفع می شوند، هم در امور تولیدی و توسعه اقتصادی کشور مشارکت می کنند.

پس انداز برای فرزندان صغیر خود دارند، محترم شمرده و بنا به خواست و مصلحت عمومی که عبارت است از جمع آوری نقدینگی در بانکهای کشور و افزایش حجم مبادلات بانکی، به آنان اجازه داده که اندوخته های خود را به نام فرزندانشان در سیستم بانکی تزریق کنند.

قانونگذار ایرانی بی گمان بر احکام ولایت بی چون و چرای پدر و جد پدری و قلمروی وسیع و نامحدود آن آگاه بوده است اما به ضرورت وقت، مصلحت را در آن دیده که از عطف، ایثار و محبت مادرانه در جهت اعتلای کشور و رشد و توسعه اقتصادی نیز بهره برداری کند. این اراده عقلایی قانونگذار که با خواست و مصلحت عمومی در یک راستا قرار دارد؛ مادران را از وسواس و دلهره برای افتتاح حساب پس انداز به نام فرزندانشان نجات داده است زیرا

تا پیش از آن، مادران چنانچه برای اطفال خود حساب پس انداز باز می کردند؛ همواره در این تشویش و نگرانی به سر می بردند که مبادا پدر، با استفاده از حق ولایت، از حسابهایی که آنها افتتاح کرده اند برداشت نموده و آنچه را آنها رسته اند، پنبه کند. بنابراین ماده واحده ای که در سالهای اخیر به زبان حقوق زن و مصلحت عمومی مورد تفسیر قرار گرفته؛ در واقع نقطه عزیمتی در جهت حفظ حقوق انسانی مادران و حفظ

محدودیهایی که برای مادران ایرانی در سیستم بانکی کشور ایجاد شده است می پردازیم. ■■

قانون اجازه افتتاح حساب پس انداز برای اطفال، مصوب ۱۳۵۷/۱/۲۱ مشتمل بر ماده واحده و تبصره ذیل آن چنین دستور می دهد: ماده واحده: اطفالی که به سن ۱۲ سال تمام رسیده باشند می توانند به نام خود در بانکها، حساب پس انداز باز نمایند. حق برداشت از این حسابها منحصر آبا دارنده حساب می باشد. دارندگان این حسابها می توانند پس از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام از حساب خود برداشت نمایند.

تبصره: مادر می تواند به نام فرزند صغیر خود، حساب پس انداز باز کند و حق برداشت از این حساب تا رسیدن صغیر به سن ۱۸ سال تمام فقط با مادر است.

قانونگذار ایرانی در جریان تصویب این ماده واحده، هشیارانه، حفظ مصالح عمومی را مبنای تصمیم گیری قرار داده و بر پایه مقتضیات اجتماعی قانونگذاری کرده است. تردید نیست که قانونگذار با تصویب تبصره ذیل ماده واحده، نظر بر ولایت مادر نداشته است بلکه با تدبیر و درایت، ضمن پرهیز از ورود به قلمروی پریچ و خم مباحث ولایت و حضانت، حقوق انسانی مادرانی را که توانایی کسب درآمد و افتتاح حساب

بانکهای کشور به مادران اجازه نمی دهند برای فرزندان صغیر خود غیر از حساب پس انداز قرض الحسنه، حسابهای دیگری افتتاح یا از آن حسابها برداشت نمایند.

نظام بانکی کشور در هر مرحله از تاریخ تحول خود، تحت تأثیر قانون مدنی که بر محرومیت زنان از حق ولایت بر فرزندان تأکید دارد؛ با صدور بخشنامه ها و اتخاذ روشها به تعیین حدود اختیارات مادران در زمینه افتتاح حسابهای بانکی و نحوه برداشت از آنها پرداخته است.

در دهه اخیر که نظام بانکی تحول یافته و افتتاح انواع جدید حسابهای پس انداز با عنوان حساب سپرده سرمایه گذاری رایج شده است؛ بحث و گفت و گو پیرامون موضوع بالا گرفت و سرانجام منجر به صدور آخرین دستورالعمل اجرایی شد که بر پایه مفاد آن، زنان از افتتاح حسابهای سپرده سرمایه گذاری برای فرزندان خود منع و محروم شدند.

نظر به اینکه مفاد آخرین بخشنامه ها و دستورالعملهای اجرایی از حیث نحوه برخورد با حقوق زن دارای اهمیت و حساسیت است؛ ابتدا قانونی را که ادعا می شود آقایان به تفسیر و توضیح آن پرداخته اند، از نظر می گذرانیم. سپس با نقل دستورالعمل اجرایی به نقد و بررسی

مهرانگیز کار

## فرزندان خود محرومند

# چرا؟!!

● اگر ارائه انواع آمارهای اشتغال و مشارکت و انکار نابرابریهای جنسیتی در قوانین درست است، چرا زنان از حق افتتاح حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری برای فرزندان محرومانده‌اند؟

سرمایه‌گذاری که مدت‌دار است، باید ماده واحده مجدداً مورد تفسیر قرار گیرد و حدود اختیارات مادران تعیین شود تا مبادا به قلمروی نامحدود حقوق و اختیارات پدران تجاوز شود. آنچه مسلم است تفاسیری که از ماده واحده در سالهای اخیر، همزمان با تحولات بانکی انتشار یافته‌است؛ به ایجاد محدودیت برای مادران ایرانی در زمینه افتتاح حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری و برداشت از

صغیرشان حساب پس‌انداز باز کنند و از آن برداشت نمایند.

خوشبختانه با وجود اعمال فشارهای گوناگون بر بانکها، موضوع در یک مسیر حقوقی قرار گرفت و این فرصت پیش آمد تا نهادهای حقوقی بتوانند با استفاده از دانش و تخصص خود از الغای مفاد ماده واحده جلوگیری کنند. از آن جمله اداره حقوقی دادگستری، ضمن اعلام نظر مشورتی خود (به شماره ۵۸/۱۲/۱۸-۷/۷۰۶۷) و با الهام از هدف قانونگذار، فلسفه وجودی تبصره ذیل ماده واحده را این گونه تأیید و تقویت نمود:

«... چون به موجب تبصره مذکور، حق برداشت از حسابهای مزبور تنها به مادر طفل که بازکننده حساب است تفویض گردیده و نظر به ولایت مشارالیها نداشته‌است بنابراین در این مورد پدر و جد پدری یا وصی منصوب از طرف آنان، حق برداشت از حساب پس‌انداز مزبور را ندارند...»

متأسفانه با وجود اعلام به موقع این گونه نظرهای مشورتی که سنجدیده و آگاهانه بود؛ بعدها در جریان تحولات و تغییرات در نظام بانکی کشور، یکبار دیگر مفاد ماده واحده زیر سؤال قرار گرفت و کسانی که همواره در این جامعه مترصد بوده و هستند تا اندک حقوق مکنتیه زنان را به بهانه‌ای واهی از آنها باز پس گیرند؛ به تکاپو افتادند و اعلام کردند که با توجه به انواع جدید حسابهای سپرده

مصالح عمومی جامعه بوده‌است. به سخن دیگر هدف قانونگذار از تصویب آن، دور شدن از مفاهیم و مبانی جنسیتی، حداقل در امور عمومی بوده‌است. زیرا او، روشن بینانه دریافته‌است که نمی‌توان در قلمروی تنگ مبانی جنسیتی برای جهان آینده که افقهای وسیع را پیش‌رو می‌گذارد، قانونگذاری کرد و مرزهای جنسیتی را که هنوز بخش عمده‌ای از اذهان واپسگرا در تسخیر آن است، به امور بانکی و پولی نیز تسری داد.

ضرورت تفسیر و توضیح ماده واحده هنگامی احساس شد که قانون الغای مقررات مخالف با قانون مدنی، راجع به ولایت و قیمومت در ۱۳۵۸/۷/۲۶ از تصویب گذشت. با تصویب این قانون، افراد و گروههایی توانستند کلیه قوانین پیشین را از حیث مخالفت با قانون مدنی مورد بررسی قرار دهند و به بهانه اجرای دقیق قانون اخیرالذکر هر آنچه را که نشانه‌ای از تضعیف نظام حقوقی مردسالار داشت، زیر سؤال بردند. بدیهی است که ماده واحده مصوب ۱۳۵۷/۱/۲۱ از دیده آنها دور نماند و پی‌درپی پرسشهایی راجع به آن طرح شد. هدف از طرح پرسشها این بود که ماده واحده را زیر سلطه «قانون الغای مقررات مخالف با قانون مدنی» از درجه اعتبار ساقط کنند و اجازه ندهند مادران ایرانی، حتی با درآمد حاصل از دسترنج خود، برای فرزندان







● تأکید بر بندهای دستورالعمل اجرایی راجع به حقوق شناخته شده مادران برای افتتاح حساب پس انداز قرض الحسنه - بدون هیچ سودی - و برداشت از آن بدین معناست که مادران می‌توانند اندوخته‌های خود را به جای گذاشتن لای تشک و لحاف به بانک بسپارند.

«حسابهای دیگر» روشن می‌شود. حساب سپرده سرمایه‌گذاری که مدت دار است؛ برای صاحبان حساب، درصد سود قابل توجهی در نظر گرفته است. علی‌الحساب سود پرداختی به حسابهای سرمایه‌گذاری کوتاه مدت ۸ درصد، سپرده سرمایه‌گذاری یکساله ۱۱ درصد، دوساله ۱۳ درصد، سه‌ساله ۱۴ درصد و پنجساله ۱۵/۵ درصد می‌باشد. در حالی که به پس‌اندازهای قرض الحسنه اصلاً سودی تعلق نمی‌گیرد. بنابراین حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری این امکان را برای مشتریان بانک فراهم می‌آورد تا از پولهای خود، در یک محیط امن، حداکثر استفاده را ببرند و وجوهی که مورد نیاز آنها نباشد، به هر مبلغ و هر مدت زمانی که دلخواهشان است، به صورت سپرده‌های مدت‌دار و کوتاه مدت نزد بانک بسپارند. در این صورت آنها، هم در منافع بانک شریک و از آن منتفع می‌شوند و هم در امور تولیدی و توسعه اقتصادی کشور مشارکت می‌کنند زیرا بانکها به وکالت از طرف مشتریان با سرمایه‌گذاری سپرده‌ها به طور غیرمستقیم، زمینه سرمایه‌گذاری مشتریان خود را در فعالیتهای تولیدی مختلف فراهم می‌سازند. به کارگیری وجوه حاصل در سپرده‌های سرمایه‌گذاری توسط بانک، پس از بررسی لازم در بخشهای مختلف اقتصادی و تولیدی و با پیش‌بینی سوددهی این قبیل امور میسر می‌شود. منافع حاصل از عملیات مذکور با توجه به نوع سپرده (کوتاه مدت - بلند مدت) و متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منافع بانک به نسبت مدت و مبلغ کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.

حال با توجه به مشخصات حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری که حسب نظر مفسران ماده واحده، مادران از افتتاح آن برای

قرض الحسنه افتتاح شده توسط مادران برای فرزندان صغیر، منحصرأ تا رسیدن به سن ۱۸ سال تمام با مادر می‌باشد. لذا شعب به هیچ وجه نمی‌توانند پس از رسیدن صاحب حساب به سن ۱۵ سالگی، وجوه این حسابها را به صاحب حساب پرداخت نمایند.

۲/۲) چنانچه افتتاح کننده حساب (مادر) در حسابهای موضوع بند «۲»، قبل از رسیدن صاحب حساب به سن ۱۸ سال تمام، فوت نماید؛ موجودی این گونه حسابها قابل پرداخت به ولی قهری (پدر یا جد پدری) نمی‌باشد؛ لذا باید پس از رسیدن صاحب حساب به سن ۱۸ سال تمام این وجوه به وی پرداخت شود و یا چنانچه صاحب حساب قصد داشته باشد قبل از ۱۸ سالگی از وجوه مذکور استفاده نماید؛ باید از حاکم صالحه، مبادرت به دریافت حکم و ارائه آن به بانک نماید.

۲/۳) مادران به هیچ وجه نمی‌توانند برای فرزندان صغیر خود غیر از حساب پس انداز قرض الحسنه حسابهای دیگری افتتاح نمایند، مگر اینکه دارای قیّم‌نامه و اجازه سرپرستی مربوطه باشند.

بدین ترتیب مفسران ماده واحده مصوب فروردین ۱۳۵۷، در بند «۲/۳» دستورالعمل اجرایی خود، در واقع حرف آخر را زده‌اند و بسیار خلاصه و مبهم و بدون اعلام مستند قانونی، مادران را از حقوق خاصی که با شئون انسانی آنها ملازم است محروم ساخته‌اند. درجه محرومیت مادران با توجه به الفاظ خاصی که مفسران در بند «۲/۳» به کار برده‌اند نگران کننده است. در این بند تأکید شده که «مادران به هیچ وجه نمی‌توانند برای فرزندان صغیر خود غیر از حساب پس انداز قرض الحسنه حسابهای دیگری افتتاح نمایند...» با بررسی امکاناتی که بانکها برای افتتاح حساب در اختیار می‌گذارند؛ منظور از

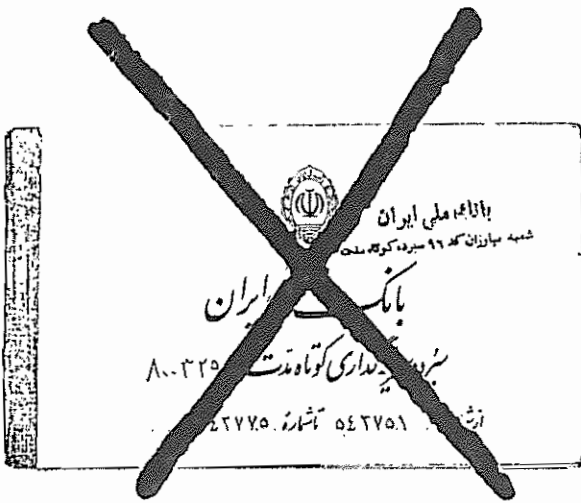
آنها منجر شده است که با هدف قانونگذار سازگار نیست. بررسی و نقد این تفاسیر در شرایطی که حقوق زن و اوضاع پولی کشور، هر دو بحرانی است؛ از زاویه مراعات مصلحت عمومی که همانا منظور قانونگذار بوده است، ضروری به نظر می‌رسد. لذا متن آخرین دستورالعمل اجرایی بانکها که با شماره ۷۲/۳۳/۷ - ۱ در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۶ مشخص شده و لازم‌الاجراست، عیناً نقل می‌شود:

«نظر به اینکه اغلب به وسیله نامه و تلفن و یا در سمینارهای حقوقی در مورد نوع و نحوه افتتاح حسابهای بانکی برای اطفال، توضیح و تفسیر ماده واحده مصوب فروردین ماه ۱۳۵۷ که به موجب نامه شماره ۱/۳۵۹۰۵، مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۶ شورای عالی قضایی تنفیذ و تأیید گردیده و احکام رشد صادره، سوالاتی مطرح می‌شود لذا یکبار دیگر به طور مشروح شرایط افتتاح و نوع حسابهای یاد شده، ذیلاً درج می‌گردد تا واحدهای بانک نسبت به اجرای دقیق هر یک، اقدام لازم به عمل آورند:

۱) اطفالی که دارای ۱۲ سال تمام باشند، می‌توانند به نام خود فقط حساب پس انداز قرض الحسنه افتتاح نمایند و حق برداشت از حساب قرض الحسنه افتتاح شده منحصرأ با صاحب حساب می‌باشد و صاحب حساب می‌تواند پس از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام از حساب خود برداشت نماید.

۲) مادران می‌توانند به نام فرزند صغیر خود فقط حساب پس انداز قرض الحسنه افتتاح نمایند. اعم از اینکه پدر یا جد پدری طفل در قید حیات باشد یا نباشد و حق برداشت از این گونه حسابها تا رسیدن صغیر به سن ۱۸ سال تمام فقط با مادر می‌باشد.

۲/۱) همان طوری که در بند «۲» توضیح داده شد؛ حق برداشت از حسابهای پس انداز



## ● بر پایه کدام بینش اجتماعی و ملی، زنان که در تولید درآمد ملی سهم مؤثری دارند؛ از حق سرمایه‌گذاری مدت‌دار در بانکها برای فرزندانشان محروم و اदार می‌شوند تا به خیل فزاینده دلالتان و خریداران و فروشندگان سکه و دلار بپیوندند؟

حسابها تا رسیدن صغیر به سن ۱۸ سال تمام فقط با مادر است.

افسوس که قانون سیر تکاملی نپیموده و بلکه با تفسیر سلیقه‌ای رو به قهقرا رفته‌است و زنان را نیز با خود به قهقرا برده‌است.

۶ - وقتی مفاد یک مصوبه قانونی و الفاظ آن، با وجود صراحت پی‌درپی، حسب سلیقه‌های فردی، مورد تفسیر قرار می‌گیرد؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا ما قانون را با حربه‌ای برای اعمال سلیقه‌های فردی (در اینجا اعمال سلیقه‌های زن‌ستیز) اشتباه نگرفته‌ایم؟ آیا منطقی است که قانون را به بهانه تفسیر، از ریشه‌ای که بر آن استوار شده‌است جدا کنند و فلسفه وجودی‌اش را مخدوش سازند؟ آیا این گونه تفسیر از قوانین به الفا و نسخ قوانین منجر نمی‌شود؟

۷ - بدون شک در جریان ارائه و انتشار تفاسیری از ماده واحده مورد بحث، یکبار دیگر در جدال و مقابله دایمی سنت‌گرایی با تجددگرایی، سنت‌گرایی پیروز شده‌است اما این پیروزی به چه قیمتی به دست آمده‌است: به قیمت سلب امکانات و موقعیتها از بانکهای کشور و سلب حقوق انسانی از مادران کشور؟

۸ - و آخرین پرسش این است: مقام والای مادری را چگونه ارج می‌نهیم: در مجموعه‌های شعاری یا در مجموعه‌های حقوقی؟

بند «۲/۳» دستورالعمل اجرایی بانکها به وضوح اخطار می‌کند که مقام والای مادری همچنان در انحصار شعارهایی است که آن را احاطه کرده‌اند. هنوز که هنوز است از آثار حقوقی این مقام در مجموعه‌های قوانین خبری نیست و قوانین در سیر تکاملی حرکت نمی‌کنند. ■

برداشت از آن بدین معناست که مادران می‌توانند اندوخته‌ای را که می‌خواهند برای فرزندانشان حفظ کنند، به جای آنکه لای

تشک و لحاف بگذارند، به بانک سپارند. می‌دانیم به این حسابها، هیچ نوع سودی تعلق نمی‌گیرد و در روند رو به افزایش تورم، مادران آگاه هرگز راضی نمی‌شوند اندوخته خود را به نام فرزندانشان به حسابهای پس‌انداز قرض‌الحسنه سپارند. از طرف دیگر قانونگذار در جریان تصویب ماده واحده، کلمات «افتتاح حساب پس‌انداز» را به کار برده و این گونه استنباط می‌شود که مادران را مجاز دانسته تا با اندوخته شخصی خود با افتتاح هر نوع حساب بانکی، راجع به مصالح مالی فرزندانشان تصمیم‌گیری کنند. قانونگذار بدین ترتیب نه تنها آزادی عمل مادران را برای تصمیم‌گیری محترم شمرده‌است، بلکه برای بانکهای کشور نیز یک فرصت طلایی ایجاد کرده تا بتوانند از مقدرات مالی مادران ایرانی و عوطف ایثارگرانه آنها نسبت به فرزندانشان به نفع عموم بهره‌برداری کنند. حال چه کسانی و با کدام بینش بازدارنده و زن‌ستیز، این فرصتهای مغتنم را بر باد داده‌اند؟

انتظار این بوده و هست که ماده واحده بر پایه مقتضیات اجتماعی جدید یعنی بر پایه نظام بانکی کنونی، سیر تکاملی بیاماید و مثلاً «مادر می‌تواند به نام فرزند صغیر خود حساب پس‌انداز باز کند و حق برداشت از این حساب تا رسیدن صغیر به سن ۱۸ سال تمام فقط با مادر است» بدین نحو اصلاح شود که:

«مادر می‌تواند به نام فرزند صغیر خود حساب پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار باز کند و حق برداشت از این

فرزندان خود محروم شده‌اند؛ پرسشهایی قابل طرح است که انتظار می‌رود مدیران جامعه پاسخگوی آن باشند:

۱ - نیمه‌ای از جمعیت ایران را زنان یعنی مادران بالقوه و بالفعل کشور تشکیل می‌دهند. کدام یک از تئوریهای پولی و اقتصادی به مدیران جوامع امروزی جهان اجازه می‌دهد تا بانکها را از امکانات نیمه‌ای از جمعیت محروم سازند؟

۲ - آیا انتشار تفاسیری از قوانین که منجر به افت نقدینگی در بانکها می‌شود، آن هم به صورت دستورالعملهای اجرایی، نقض غرض در عملیات بانکی نیست؟

۳ - زنان درصد عمده‌ای از جمعیت شاغل و فعال کشور را تشکیل می‌دهند و در تولید درآمد ملی نیز سهم مؤثری دارند. بر پایه کدام بینش اجتماعی و ملی، آنها را که می‌توانند برای فرزندانشان حساب سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار افتتاح کنند از این حق محروم می‌سازند و آنها را اदार می‌کنند تا به خیل فزاینده دلالتان و خریداران و فروشندگان سکه و دلار بپیوندند؟ آیا این قبیل تفاسیر با مصلحت عمومی سازگار است؟

۴ - ما به کرات شاهد بوده‌ایم که وقتی راجع به اشتغال زنان پرسشی مطرح می‌شود، انواع آمارهای اشتغال و مشارکت را ارائه می‌دهند و منکر نابرابریهای جنسیتی در قوانین می‌شوند. اگر آن آمارها و اظهارات درست است، چرا این همه زن شاغل از حق افتتاح حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری برای فرزندانشان محروم شده‌اند؟ آمار اشتغال زنان یک تابلوی تزئینی نیست بلکه یک واقعیت اجتماعی است که باید مبنای قانونگذاری و تفسیر و توضیح قوانین قرار گیرد.

۵ - تأکید بر بندهای دستورالعمل اجرایی راجع به حقوق شناخته شده مادران برای افتتاح حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه و

● یک روان‌شناس می‌گوید: «اختلاف در ساختار مغزی افراد همجنس با یکدیگر، خیلی بیشتر از اختلاف در ساختار مغزی یک جنس با جنس دیگر است.»

● تواناییهای نهفته در مغز زنان اصولاً در حجم کمتری تعبیه شده و به این دلیل است که ضربه‌های مغزی در زنان عوارض کمتری به دنبال دارد.

● در جوامع مدرن امروز، زن‌ها به سوی برابری شخصیتی و رفع تبعیضهای جنسیتی پیش می‌روند ولی این امر بدان معنا نیست که اختلافات بیولوژیکی بین دو جنس مورد توجه محققان قرار نگیرد. صد سال پیش بود که برای اولین بار مسألهٔ اختلاف در ساختار مغزی زن و مرد مطرح شد. محققان، ابعاد مغز انسان را اندازه گرفتند و پی بردند که مغز مردان، بزرگتر و سنگینتر از مغز زنان، و نیز در قسمت جلو (ناحیهٔ پیشانی) محکمتر است. نتایج حاصل با پیش‌فرض رایج آن موقع در مورد اینکه مغز زنان ضعیفتر از مغز مردان است، مطابقت می‌کرد.

نتایج تحقیقات دو محقق هلندی نیز که در دههٔ ۸۰ میلادی، در مورد خصوصیات مغز زن و مرد کار می‌کردند، مؤید آن بود که مغز مردان حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد سنگینتر از مغز زنان است. محققان همچنان در پی آن بودند که علت این اختلاف وزن را بیابند زیرا معلوم نیست که علت، اختلاف در سلولهای مغزی (نورونها) است، از عضوهای گیرنده و حساس این سلولها (دندریتها) است، از سلولهای محافظ (آستروزیتها) است، از رگهای خونی است، یا از فاصلهٔ بین سلولها؟ نظریه‌ای هم مبتنی بر آن است که این اختلاف فقط به دلیل وجود مقداری مادهٔ بی‌جان اضافی در مغز مردان است. با این حال هنوز هیچ مدرکی، اختلاف بین زن و مرد را در زمینه فعالیتهای مغزی، هوش و سایر تواناییهای ذهنی و روانی تأیید نکرده است. ■

با وجودی که جنسیت در مراحل تکاملی دوران جنینی تعیین می‌شود ولی هنگام تولد، حجم مرکز سیستم عصبی (مغز) در هر دو جنس مساوی است و در سالهای بعد است که این مرکز در پسران سخت‌تر و از نظر حجم بزرگتر می‌شود. در لایهٔ پرچین بیرونی هر یک از دو نیمکرهٔ مغز انسان، تواناییهای زیادی از قبیل قدرت تفکر و بیان نهاده شده است. روان‌شناسان تأیید می‌کنند که در مردان توانایی درک ریاضیات قویتر است در حالی که زنان، استعداد خطاب و بیان بیشتری دارند. تحقیقات دههٔ ۷۰ مشخص کرد که استعداد بیان در زنان در هر دو نیمکرهٔ مغز وجود دارد زیرا ضربه‌های مغزی وارده بر نیمکرهٔ چپ، قدرت بیان را در مردان، بیشتر از زنان دچار اختلال می‌کرد. تحقیقات دقیقتر روان‌شناس کانادایی، دکتر دورین کیمورا، نشان داد که صدمات وارده بر لایهٔ بیرونی نیمکرهٔ چپ مغز، در مردان بیش از زنان باعث اختلال در بیان و مهارت انگشتان می‌شود. به عبارت دیگر



ترجمهٔ علی اندیشه

# کشفهای تازه در بارهٔ مغز زن و مرد

اختلالات گفتاری در زنان فقط در صورت صدمه دیدن قسمت کوچکی از ناحیه جلوی نیمکره چپ مغز پیش می‌آید در حالی که این‌گونه اختلالات در مردان، در صورت صدمه دیدن هر قسمتی از نیمکره چپ حادث می‌شود. این روان‌شناس نتیجه می‌گیرد که توانایی‌های نهفته در مغز زنان اصولاً در حجم کمتری تعبیه شده و به این دلیل است که ضربه‌های مغزی در زنان عوارض کمتری به دنبال دارد. طبیعی است که وقتی استعدادی در سطح وسیعتری از مغز توسعه یافته باشد (در مردان)، بیشتر در معرض صدمه و اختلال است تا استعدادی که در منطقه محدودتر و کوچکتری متمرکز شده است.

جرج آچمان و اتو کراتزفلد، دانشمندان آمریکایی و آلمانی، در تحقیقی که سال ۹۱ انجام شد، نیمکره چپ مغز تعدادی از بیماران را تحت تأثیر شوک الکتریکی قرار دادند. نتایج این آزمایش معلوم کرد که منطقه تکلم در مغز زنان در نقطه کوچکی متمرکز است ولی در مردان، این منطقه وسیعتر است. عضو دیگری در مغز وجود دارد که در زنان و مردان ساختمان متفاوتی دارد و به دلیل شکل ظاهریش، اسب آبی (Hypokampus) نامیده می‌شود. این عضو، مسئول ضبط و حافظه، درک مفاهیم فضایی، مکانی و هدایت تحریکات الکتریکی در جریان زندگی روزمره است. دانشمند آمریکایی، به نام استیون گالین ضمن آزمایش روی موشهای صحرائی متوجه شد که حجم این عضو در موشهای نر، ۱۱ درصد بیشتر از موشهای ماده است. وی معتقد است که این اولین اختلاف مغزی در دو جنس نر و ماده پستانداران است که به روشنی با کارکرد بیولوژیکی و تکاملی موجود در ارتباط بوده و در آزمایشها نشان داده شده است.

در مسأله جنس نیز اختلافات بیولوژیکی آشکاری بین زن و مرد وجود دارد. حوزه این اختلافات در بخش مشخصی از غده هیپوتالاموس (عضوی به اندازه یک گردو در زیر قسمت میانی مغز که مرکز فرماندهی است)، واقع است. این غده مرکز اعلام نیازهای حیوانی انسان مثل گرسنگی، تشنگی، درجه حرارت بدن، حمله و فرار است. مطالعه در مورد موشهای صحرائی نشان داده است که مرکز فرماندهی جنسی در طرف راست این غده قرار دارد که حجم آن در موشهای نر، پنج برابر است و سلولهای عصبی بیشتری هم دارد. شوک الکتریکی یا ایجاد زخم در این ناحیه، اثرات مثبت و منفی مهمی بر نیروی جنسی دارد.

جستجوی مرکز فرماندهی جنسی در موشهای خرمایی و میمونها ادامه یافت تا

اینکه دانشمند هلندی، دیک سواب، محل دقیق آن را در انسان پیدا کرد و معلوم شد که این مرکز در مردها دو و نیم برابر بزرگتر و دو برابر پر سلولتر از زنهاست.

مراکز جنسی در هیپوتالاموس به طور آشکار، تحت فرمان هورمونهای جنسی که در مراحل اولیه رشد مغز به وجود می‌آیند، قرار دارند. در این رابطه به تعدادی موش نر، ماده و عقیم، بلافاصله پس از تولد، هورمون تستوسترون تلقیح شد. مرکز فرماندهی جنسی در موشهای عقیم به صورت بسیار کوچکی ظاهر شد ولی در موشهای ماده، حجم غیرعادی و بزرگی پیدا کرد. موشهای تحت آزمایش، بعداً رفتارهای جنسی مغایر با جنس خود را بروز دادند.

با تکیه بر این تحقیقات و نتایج آنها، دانشمند آلمانی، گونتر دورنر، فرضیه جنجال‌برانگیز خود را ارائه داد. وی اعتقاد



داشت که پسر یا دختر بودن جنین در رحم مادر تعیین می‌شود و کمبود هورمون تستوسترون در بدن مادر، باعث اختلال و یا انحراف جنسی می‌گردد. این نظریه با انتقادات فراوانی مواجه شد. منتقدین می‌گویند مسأله جنسیت در انسان بسیار پیچیده‌تر از آن است که به یک عامل ابتدایی نسبت داده شود. علاوه بر این، دیدگاه بیولوژیکی که جنسیت جنین را مربوط به کم یا زیاد بودن هورمون تستوسترون در بدن مادر نسبت می‌دهد، به نفع پیشداوریهای ناشایست و غیرانسانی است و نظریه نابرابری جنسیتی را مورد تأیید قرار می‌دهد. وقتی دورنر در سال ۱۹۹۱ فرضیه خود را مبنی بر ترشح هورمون زنانه در غده هیپوفیز همجنس بازان مرد در مجله سلینس اعلام کرد، همکارانش با سردی با او برخورد کردند و کسی نظر او را تأیید نکرد ولی یک دانشمند عصب‌شناس به نام سیمون لووای با مطالعه روی مغز ۴۱ مرد و زن مرده، بار دیگر فرضیه دورنر را مطرح کرد و گفت که از بین ۳۵ مغز مرده، ۱۹ مغز به مردان فوت شده بر اثر بیماری ایدز (با انحراف جنسی)،

۱۶ مغز به مردان سالم و پنج مغز نیز متعلق به زنان بود. نتیجه مطالعات نشان داد که حجم سلولها در مرکز عضو مربوطه در مغز مردان سالم دو برابر بقیه است و به این ترتیب جنس، ریشه بیولوژیکی دارد. ولی همین مجله در حاشیه خاطر نشان می‌سازد که شاید عوامل خارجی مثل تربیت نیز در اختلالات جنسی مؤثر باشد. دورنر اعلام کرده است که در آینده نزدیک، نفوذ به مغز جنین برای اصلاح ساختار غده هیپوتالاموس ممکن می‌شود. به هر حال، نتیجه کلی این است که اختلاف در ساختار مغزی مرد و زن می‌تواند وسیعتر از تصور کنونی باشد. ساندر ویتل سون، عصب‌شناس کانادایی، معتقد است که مغز انسان همچون یک موزاییک، ترکیبی از اجزا بسیار متفاوت است که در زمانهای مختلف، می‌تواند هورمونهای جنسی مختلفی را پذیرا شود.

مطالعات در مورد مغز انسان، هر روز باب مسائل جدیدی را می‌گشاید. مثلاً روانکاو آلمانی به نام هینز هافنر عقیده دارد که هورمون جنسی در موشهای ماده به طور قطع می‌تواند آنها را در مقابل بروز عوامل شبه بیماری «شیزوفرنی» که پس از تزریق ماده محرک و هیجان‌آور به وجود می‌آید، محافظت کند. یا مردها از نظر ابتلا به اختلالات روانی مثل درون‌گرایی مرضی و یا ناتوانی در یادگیری، چند برابر بیشتر از زنان در معرض خطر قرار دارند.

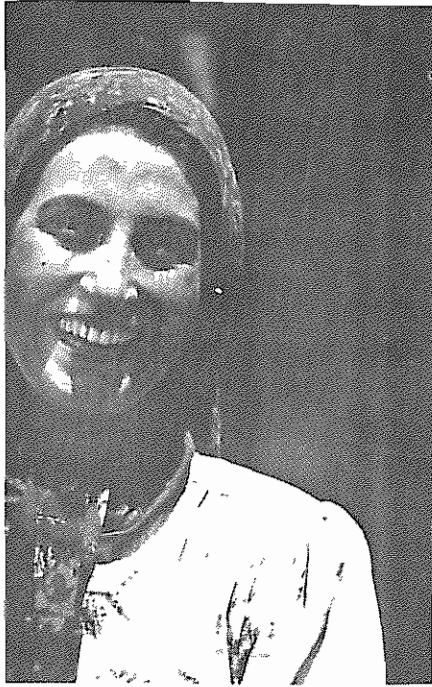
ولی به نظر جری جانوسکی، روان‌شناس آمریکایی، با وجودی که درباره شکل ساختاری سلولهای جنسی تحقیقات و کشفیات زیادی صورت گرفته، اهمیت آنها هنوز کاملاً آشکار نشده است. او می‌گوید: «آمار و ارقام به دست آمده از بررسیها، که مربوط به اختلافات روحی و روانی ناشی از اختلاف جنسیتی است، هنوز بسیار ابتدایی است و در حدی نیست که بتوان ارتباط مستقیم عصبی - بیولوژیکی را از آن استنباط کرد.»

بعضی از روان‌شناسان مدعیند که در سالهای اخیر، اختلافات ادعایی بین دو جنس به شدت کمرنگ شده و بعضی دیگر به عکس، معتقدند که هر کدام از دو جنس، آنچنان خصوصیات ویژه‌ای دارد که کاملاً از خصوصیات جنس دیگر متمایز است. جانوسکی می‌گوید: «اختلاف در ساختار مغزی افراد همجنس با یکدیگر، خیلی بیشتر از اختلاف در ساختار مغزی یک جنس با جنس دیگر است.»

منبع:

مجله آلمانی تصویر

# زنان جشنواره سیزدهم



قصه داریم چراغ و ذره بین برداریم و روی پرده سینماهای نمایش دهنده فیلمهای سیزدهمین جشنواره فجر، به دنبال تصویر زنان بگردیم و در چگونگی انعکاس آن بر پرده نقره‌ای چند و چون کنیم. این جستجوی موضوعی، در پی یک عنصر، در بیش از ۵۰ فیلم ایرانی و حدود ۲۰۰ فیلم خارجی، راه پر سنگلاخ، طولانی و دشواری است. فیلمهای خارجی - از آثار سینمای صامت گرفته تا محصولات ۱۹۹۴، از فیلمهای آمریکایی و اروپایی تا روسی و آسیایی و آفریقایی، از مستند و داستانی تا کوتاه و بلند - مجموعه‌ای ناهمگون بودند که دسته‌دسته، زیر عنوانهای مختلف گرد آمده بودند. تماشای همه فیلمهای جشنواره حتی در یک موقعیت فرضی، اگر امکانپذیر بود، جستجو در پی یک عنصر در چنین مجموعه ناهمگون و وسیعی قاعدتاً منطقی نیست. پس این جستجو را به فیلمهای جدید ایرانی محدود می‌کنیم که در بخش «سینمای ایران در سال ۱۳۷۴» گرد آمدند. این بخش، هر سال بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین بخش جشنواره است، زیرا نمایشگاه تولیدات سالانه سینمای ایران محسوب می‌شود. در بخش خارجی ناگزیر به طرح اجمالی و اشاره‌وار فیلمها هستیم. █

بنی‌اعتماد نیاز انسانها به عشق و همدم را فارغ از سن و سال و جایگاه اجتماعی و طبقاتی به تصویر می‌کشد و جسورانه، بدون تظاهر و مبالغه و تصنع، به نقد قراردادهای اجتماعی می‌پردازد و بی‌آنکه با کسانی که این باورهای سنتی و اجتماعی را در ذهن دارند از سر ستیز درآید، بر ناخودآگاه آنان تلنگر می‌زند و تماشاگر را به تفکر درباره این‌گونه اندیشه‌های خود وامی‌دارد. با این حال وی به

در «روسی آبی»، بنی‌اعتماد با نمایش پیوند میان یک دختر جوان و مردی مسن، نیاز انسانها به همدم را فارغ از سن و سال و جایگاه طبقاتی به تصویر می‌کشد.

شرعی رضایت می‌دهد اما پس از مواجهه با دختر رسول، خطاب به مرد می‌گوید: «نمی‌دانستم که نوشته شدن اسم من در شناسنامه‌ات به چه درد می‌خورد، حالا می‌فهمم.» که اشاره‌ای به متزلزل بودن حقوق اجتماعی زنان، در پاره‌ای موارد است.

█ کاکادو (تهمینه میلانی):

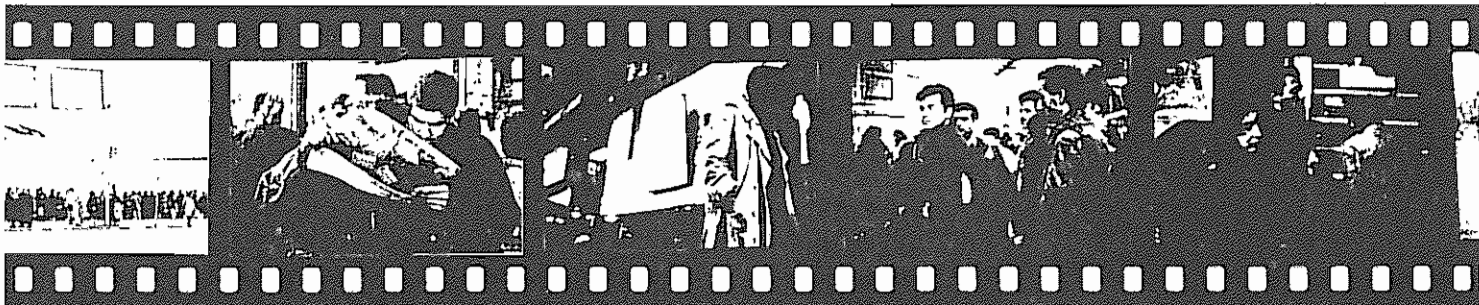
تهمینه میلانی در کاکادو، چند مسأله اجتماعی - آموزشی را در قالبی فانتزی ریخته‌است. مسائلی که میلانی در فیلمش به آنها پرداخته، معضلاتی است که عموماً همه ما به طور عینی و روزمره با آنها مواجهیم و این مهمترین ویژگی کاکادو است. در حالی که بسیاری از روشنفکران فیلمساز، چنان

رغم نمایش پیوند نوبر و رسول در پایان فیلم، واقع‌بینانه این موضوع را از نظر دور نمی‌دارد که موانع موجود بر سر راه این پیوندها و همدلیها، همچنان پابرجاست. عبور ناتمام و طولانی قطار از میان نوبر و رسول، قطاری که بی‌انتهای به نظر می‌رسد، بدون تأکید و شعار، تداوم حضور این موانع را نمایش می‌دهد. همچنان که نوبر در ابتدا، اصراری بر عقد قانونی ندارد و تنها به عقد

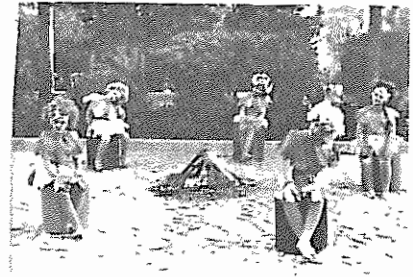
## زنان در عرصه کارگردانی

█ روسی آبی (رخشان بنی‌اعتماد):

اگر در نرگس، بنی‌اعتماد با نگاهی غمخوارانه به زندگی یک زن سقوط کرده نگون‌بخت، همه را حیرت‌زده کرد؛ این بار در روسی آبی، با نمایش نجیبانه عشق و پیوند میان یک دختر جوان و مردی مسن، همچنان خود را همدل و دوستدار حاشیه‌نشینان و آدمهای تنها و نیازمند محبت نشان می‌دهد.



# مروری بر سیزدهمین جشنواره فیلم فجر



گرایشها و باورهای میلانی را در زمینه تواناییهای بالقوه زنان یادآوری می‌کند. گویانکه فیلمساز پارتی‌بازی نمی‌کند. او، هم دختر لوس و تنگ نظر خانم ناظم را در فیلم می‌گنجاند (که خبر از پارتی‌بازیهای بزرگتر اجتماعی می‌دهد) و هم یک پسر مهربان و با استعداد را نمایش می‌دهد که خودش همیشه از بزرگترها تنگ می‌خورد اما از دخترک در مقابل غریبه‌ها دفاع می‌کند و همیشه یار و یاور اوست.

■ درد مشترک (یاسمین ملک نصر):

با درد مشترک، خود را آماده کرده بودیم که ورود یک کارگردان زن دیگر را به جمع زنان فیلمساز حرفه‌ای سینمای ایران خوشامد بگویم، اما...

به نظر می‌رسد که فیلم و دو شخصیت اصلی زن آن، بسیار به دنیای ذهنی فیلمسازش - که نقش یکی از این دو زن را نیز بازی می‌کند - نزدیک باشند و یقین در این فرض، تأسف آور است. درد مشترک، یک فیلم تیبیک روشنفکرانه، درباره روشنفکران تیبیک، آن هم متأسفانه از نوع سطحی آن است. توجه دارید که در اینجا مراد از روشنفکر، معنای کنایی آن است، نه روشنفکر اصیل. اگر تا پیش از سال ۵۷، گروهی از زنان در خودنماییهای عروسک‌وار مبالغه می‌کردند، متأسفانه هم‌اکنون تظاهرات روشنفکرانه برخی زنان با جلوه‌های اغراق‌آمیز همراه است. اگر زنان معمول فیلمهای مرسوم، پای سماور و سفره می‌نشینند و برای شوهر و میهمانان چای و میوه می‌آورند، زنان روشنفکر فیلم درد مشترک مدام قهوه می‌آورند، کیک سرو می‌کنند، بستنی در طالبی به میهمانان می‌خورانند و یا مثلاً خرمهره به خودشان می‌آویزند. تأکید فراوان روی فنجانها و ظرفهای جورواجور هم لابد

خود را فیلسوف و برج عاج‌نشین و کاشف رازهای کائنات می‌پندارند که گویی شرمشان می‌آید موضوع اثرشان مثلاً آلودگی محیط زیست باشد، امتیاز میلانی این است که چنین روحیه‌ای ندارد و موضوعهایی ملموس و آشنا را انتخاب می‌کند. اشکال کاکادو شاید در تراکم و تعدد مسائل انتخاب‌شده، است رنج فرزندان تنهای خانواده‌های تک فرزندی، عدم ارتباط والدین با بچه‌ها و روابط دانش‌آموزان در مدارس، آلودگی زبان، آلودگی آب و هوا و محیط زیست، و از سوی دیگر جنبه‌های فانتزی فیلم و رویدادهای خیالی - واقعی هم که نیاز به امکانات فنی گسترده و پیچیده دارد، مشکل‌آفرین می‌شود و ترکیب همه اینها دشوار. امتیاز دیگر میلانی این است که به رغم از پیش روشن بودن دشواری چنین طرحی، به دلیل روحیه مقاوم و جستجوگرش، از چنین مواجهه‌ای نمی‌هراسد و به قول معروف، دل خطر کردن دارد.

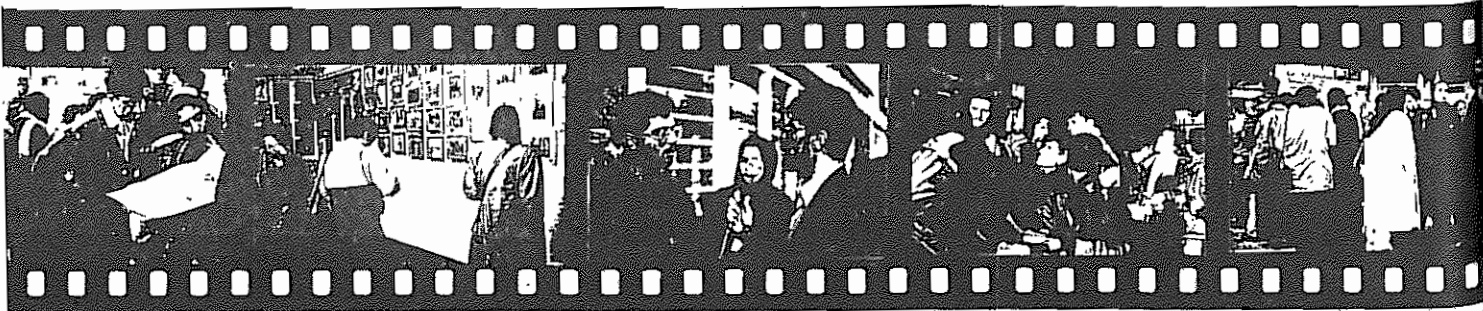
در سه فیلم قبلی میلانی، زنان محور اصلی موضوعات بودند و به نظر می‌رسید که فضای فانتزی کاکادو، راه را برای ورود آنان تنگ کند با این حال، حضور دخترکانی با لباسهای رنگارنگ، که فیلمساز به قابلیت‌های آنها برای حل مسائل اعتماد دارد، همچنان

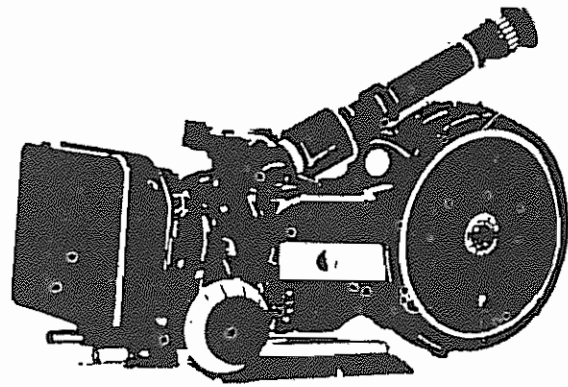
از نشانه‌های علائق زنانه کارگردان است. یاسمین ملک نصر با درد مشترک، خاطره بازی خویش در سارا را مخدوش کرد. امیدواریم گام دوم او سنجیده‌تر و بری از پیرایه‌های فیلم اولش باشد.

## زنان در عرصه فیلمنامه نویسی

■ روزهای خوب زندگی:

فیلمنامه: منیرو روانی‌پور  
کارگردان: مهدی صباغ‌زاده  
آمدن نام روانی‌پور، به عنوان نویسنده، در مقام فیلمنامه‌نویس، خواه‌ناخواه سطح انتظار تماشاگر آشنا به ادبیات را بالا می‌برد و ناخواسته در ذهن توقع ایجاد می‌کند. روانی‌پور در فیلمنامه‌اش نیز خصلت داستانهایش را حفظ کرده است: غمخوار زنان است و سخت، مدافع. هر چند در روزهای خوب زندگی، تشخیص برتری فیلمنامه نسبت به کارگردانی، کار چندان دشواری نیست اما عمده‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین ویژگی روزهای خوب





● آنچه در «حسرت» مهم است، نگاه تیز و واقع بینانه فیلمنامه نویس، نسبت به مسائل اجتماعی و تواناییش در رسوخ به دنیای نوجوانان پسر است.

القائات خود، طبیعتاً نیاز به نمایش مقابله‌های فیزیکی (اکشن) دارد و این دو مقوله، لازم و ملزوم همدیگرند. همان گونه که اخلاق، شعور و مذهب نیز همیشه در بطن خود و در طی تاریخ، محمل مبارزه پایان‌ناپذیر نیک و بد بوده و هست اما آنچه در جشنواره سیزدهم، فیلمسازان و یا فیلمنامه‌نویسان، کمتر به آن توجه داشتند، بهادادن و عنایت به ذات (شعور) و اخلاق در سیمای توصیف شده از جنگ بود. بسیاری از فیلمهای جنگی برای نشان دادن رشادتهای رزمندگان، دشمن را موجودی زبون و ضعیف و احمق جلوه دادند که این به خودی خود، هم از جهت عدم انطباق با واقعیات موجود در جنگ، ضداخلاق است و هم از جهت رقیق و غیرملموس جلوه دادن رشادتهای ملت ایران، ضدارزش.

به نظر می‌رسد تنها فیلمسازانی چون حاتمی‌کیا یا احمدرضا درویش (کیما) و یا دیگرانی که خود در طول جنگ در جبهه حضور داشته‌اند، از این دام به سلامت رهیده‌اند.

در منطقه ممنوعه، مشکل اساسی خانم فیلمنامه‌نویس، بازگویی لحظاتی است که نه خود مستقیماً در آن حضور داشته (رویاریبی نیروهای ایرانی با دشمن)؛ و نه در پیرامون آن، موفق به شناخت و مطالعه دقیق شده است. بنابراین برای ایجاد کشش و تعلیق، که لازمه این نوع سینماست، به سادگی خیالپردازی می‌کند و البته توأمان این خیالپردازیها که در لحظاتی به هذیان شبیه است، با سردستی‌ترین و راحت‌طلبانه‌ترین شکل پرداخت، معجون می‌شود که حاصلش منطقه ممنوعه است.

۲ - دقیقاً همین دسته از فیلمها که جنگ را تنها در نمایش ادوات جنگی و دود و آتش و افسانه‌سازیهایی کودکانه خلاصه دیده‌اند؛ از زن نیز به سطحی‌ترین شکل، همچون ابزار، تنها به منظور برخورداری از مشروعیت فرهنگی استفاده کرده‌اند. نمایش همسران

خاصی از جامعه است. دزدیده شدن دوچرخه و جستجو برای بازیافتش، یادآور دزد دوچرخه معروف دسیکا، و تأکید بر برخی از الگوهای رفتاری و گویش در پسران نوجوان طبقه زیر متوسط، یادآور لباسی بومی عروسی به کارگردانی کیارستمی است. در هر دو فیلم، پسران لوازمی را که اصلاً متعلق به خودشان نیست، به اتکای رفاقت، به دوستشان قرض می‌دهند و ناتوانی در بازگرداندن آنچه به عاریت گرفته شده، به خیانت در امانت تعبیر می‌شود. ویژگیهای مثبت فیلم، روانی و یکدستی در فرم، بار غنی محتوا، بازی درخشان بازیگر نوجوان و همچنین اشاراتی به موضوع زنان است. به رغم اینکه حسرت در مورد نوجوانانی است که رفته‌رفته آزمون مرد بودن را تجربه می‌کنند اما فیلم یکسره به مردان و پسران واگذاشته نمی‌شود: دختر بچه باهوشی که در جریان گرفتاری برادر نوجوان قرار می‌گیرد اما موضوع را به بزرگترها لو نمی‌دهد؛ مادر سخت کوشی که از صبح تا شب کار می‌کند تا دستش جلوی دیگران دراز نباشد و بخصوص دختر جوان فیلم، با آن مشخصات فیزیکی غیرعادی و نشانه‌هایی از بلاهت، که موضوع ازدواجش به شدت مورد توجه بینندگان قرار گرفت؛ همه از نقاط مثبت فیلم بودند. افسوس که فیلم به سرعت از شخصیت دختر و موضوع ازدواجش با مرد مسن که جای پرداخت بیشتری داشت، گذشت و با تأنی بیش از انتظار، به شرح مبسوط دلبستگیهای نوجوانان پرداخت.

■ منطقه ممنوعه:

فیلمنامه: مهستی بدیعی  
کارگردان: رضا جعفری

در منطقه ممنوعه دو مشکل اساسی وجود دارد که ضعف نه تنها این فیلم، که به طور کلی ریشه ناتوانی بسیاری از فیلمهای جنگی در جشنواره سیزدهم بود:

۱ - این را دیگر همه می‌دانیم که سینمای جنگ برای تأثیرگذاری و مطرح کردن

زندگی، شخصیت اصلی زن فیلم است که شباهتی با زنان فیلمهای متداول اخیر ندارد (شاید از میان فیلمهای گذشته، دو نیمه سیب و یا مثلاً دیگه چه خبر را با زنان متمایزشان بتوان برشمرد و مستثنی کرد).

شکوه کریمی حرفهایی می‌زند، و این حرفها را جویری می‌زند که از زنان فیلمهای دیگر نشنیده‌ایم. زمختی و برون‌گرایی و درشت‌گویی یک دختر جوان که از راه کیف‌زنی امرار معاش می‌کند و مدتی را در زندان گذرانده و حالا در پی یک توافق، و باز هم به خاطر پول، در موقعیت تازه‌ای قرار می‌گیرد، جسارت این شخصیت را در ذهن حک می‌کند. این امر البته معلول جسارت فیلمساز هم هست که زنی متفاوت را به عنوان شخصیت اصلی فیلمش برگزیده که ادعاهای اخلاق‌گرایانه کلیشه‌ای بعضی فیلمهای این سالها را ندارد. شکوه کریمی، البته متحول می‌شود اما در جریان تحول نیز خصوصیات اکتسابی سالهای بحرانی زندگیش را فراموش نمی‌کند و حتی در آخر، به طور مصنوعی و ناگهانی، از یک لمپن مؤنث به یک زن پارسا تبدیل نمی‌شود.

روزهای خوب زندگی، البته زن کلیشه‌ای هم دارد: مادر غمگینی که برای دلپذیر کردن آخرین روزهای عمر پسر جوانش تلاش می‌کند و پس از مرگ فرزند و در حال و هوایی سوزناک، با زن جوان به همدلی می‌رسد.

■ حسرت:

فیلمنامه: فروغ کاخساز

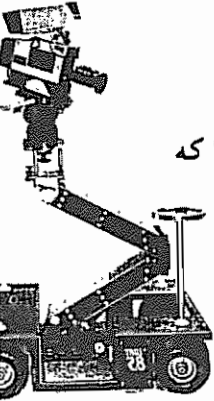
کارگردان: محمدحسن زاده

حسرت با نقب زدن به دنیای سه نوجوان پسر، به تأمل در ماجرای می‌پردازد که طی آن، پسران با اتحادی مبتنی بر دوستی و همکاری، به حل معضلات یکدیگر می‌پردازند.

آنچه در حسرت درخور توجه به نظر می‌رسد، نگاه تیز و واقع‌بینانه فیلمنامه‌نویس نسبت به مسائل اجتماعی و تواناییش در رسوخ به دنیای پسران نوجوان در قشر



## ● کارگردان «مرضیه» با درهم آمیختن قتل و زندان واکنش، امکان استفاده از عنصر ذی قیمت اثرش را که دفاع از زنان در پاره‌ای از موارد حقوقی و قانونی است، از دست می‌دهد.



ساده اما پخته و غنی، حاصل شده و این برجسته‌ترین مشخصه سفر است. در سفر، مردان در اصطکاک با رویدادهای بیرونی، به کسوت دیکتاتورهای بالقوه درآمده‌اند اما زنان در پناه طبیعت و غرایز طبیعی، در عین هوشمندی، دارای ابعاد لطیف و انسانی‌اند.

■ مرضیه (اسفندیار شهیدی):

مرضیه از این نظر خوب و درخور توجه است که از اولین خشت، بنا را بر این می‌گذارد که به تمامی، حقانیت و مظلومیت زن را به تصویر درآورد و از این نظر ضعیف و الکن است که به هیچ روی، توانایی و بضاعت پرداختن به چنین موضوعی را ندارد. در مرضیه، ظرف و مظروف تناسبی با هم ندارند. هر چند که فیلمساز می‌گوید: «شکل فعلی مرضیه، ۳۰ درصد از خواست اولیه من است» و ضعفهای فیلم را معلول دکوپاژ و عوامل دیگری از جمله روابط پشت صحنه می‌داند اما به نظر می‌رسد که اشکال فیلم، نه تنها در دکوپاژ و میزانشن، که از اساس در نگاه مطلق گرایانه گیشه‌پسندی است که همه چیز را سیاه یا سفید می‌بیند و با رنگ خاکستری بیگانه است.

خانم دکتر فیلم، براساس خلاصه داستانی که در نشریات سینمایی به چاپ رسیده، قرار است «زنی با استقامت و پایداری همه زنان ایرانی، به مقاومت و مبارزه علیه بدبها برخیزد» اما نمایش بدبها به قدری نامأنوس و استقامت و پایداری زن فیلم، به اندازه‌ای زیاد و غریب و غیرقابل باور است که تماشاگر از اساس به همه چیز مشکوک می‌شود و البته بروز چنین واکنشی از سوی بیننده، در فیلمی که هیچ تلاشی در جهت شخصیت‌پردازی تنها زن محوری فیلم نشده، کاملاً طبیعی است. این را دیگر همه می‌دانیم که اطراف ما پر است از زنانی که نه تنها همواره و در طول زندگی شخصی، زخم خورده تفکرات مردسالارانه‌اند که حتی در مواجهه قانونی با پاره‌ای از موارد حقوقی نیز گرفتار

ستیزه‌جویی و خونخواهی مردان. از ثبات شخصیت و اعتماد به نفس در زن هم مطلقاً خبری نیست و سور و ساط عروسها به ناگاه با منقلب شدنهای لحظه‌ای عروسها درهم می‌ریزد و به سوگ تبدیل می‌شود. تنها شخصیت زن آگاه فیلم، (مرجان گلچین) نیز که قبلاً نامزد باوفای پهلوان جوانمرد معرفی شده بود، بر سر سفره عقد در کنار خصم قسم خورده شوهرش می‌نشیند! و تکاپوی ذهن توجیه‌تراش فیلمساز هم برای تبرئه کردن عروس و بی‌وفایی‌اش به جایی نمی‌رسد.

■ سفر (علیرضا رئیسیان):

رئیسیان، پنج سال پس از ساختن نخستین فیلم امید برانگیزش، ریحانه، فیلم دومش یعنی سفر را با فیلمنامه عباس کیارستمی ساخته است. فیلمنامه‌های کیارستمی که معمولاً به شکل مکتوب نیست و بیشتر در حد یک طرح در ذهن فیلمساز وجود دارد، این بار مکتوب شده و پس از کلید (فروزش) و بادکنک سفید (پناهی)، این سومین بار است که فیلمنامه کیارستمی برای کارگردانی، به فیلمساز دیگری سپرده می‌شود. رئیسیان سعی کرده در زیر سایه سنگین یک نام مشهور، هویت و استقلال خود را حفظ کند؛ کمابیش هم موفق بوده اما سایه همچنان پیداست و چاره‌ای هم نیست.

فرار یک خانواده کوچک از بمباران تهران، بستر مناسبی برای بروز تنشهای روانی در روابط آدمهاست. مرد، یک قدرت‌طلب مردم‌گریز مرد سالار است که بسیار دقیق و قابل قبول، پرداخت شده و همسرش زنی مطیع و آرام است که سعی می‌کند به هر طریق ممکن و تحت هر شرایطی، حتی به قیمت کتک خوردن بی‌دلیل از شوهر، آرامش خانواده را حفظ کند. اما بی‌بی، (فرخ‌لقا هوشمند)، پیرزن روستایی، زنی است با آگاهیهای عمیق شهودی که رودرویی او با شخصیتهای شهری فیلم، از او جگانه‌های اندیشمندانه فیلم است. فیلم شخصیت‌پردازی کامل و مبسوطی دارد که با کمک دیالوگهای

صبور رزمندگان در سکانس اول منطقه ممنوعه، در هیأت همیشگی زن سینی به دست ایستاده در آستانه در آشینخانه، مستعمل‌ترین توصیف از حضور زن در پشت جبهه است. در مقابل زن خانه‌نشین پشت جبهه، فیلمساز تصمیم می‌گیرد که از نمایش زن پویا و حاضر در جنگ نیز غافل نماند. بخش دوم فیلم در بیان حضور زن در جنگ، حکایت از آن سوی بام افتادن است. زنانی که به ناگاه، در خطوط مقدم و مناطق استراتژیک، سر برمی‌آورند و لباس کماندویی می‌پوشند و مسلسل به دست می‌گیرند و...

به راستی فیلمی که در نگاه مخاطب ایرانی زخم خورده از خشونت دشمن، چنین تصنعی و کاذب رخ می‌نماید، قرار است چه کسی را مجذوب کند؟

### ◀ زنان از نگاه مردان

■ عروسی خون (مجید جوانمرد):

کارگردان برای سرپا نگه‌داشتن اثرش، با ساده‌انگاری، به تمام جاذبه‌های سطحی متوسل شده است: از دم‌دست‌ترین ترفندها - زدوخوردها، چاقوکشوها و تیراندازیهای پایان‌ناپذیر (که به نوعی اپیدمی فیلمهای جشنواره بود) گرفته تا نوستالژی و غم غربت و دست آخر هم بهانه قرار دادن مظلومیت زن روستایی. به نظر می‌رسد که تأکید فیلمساز، بر مهجور بودن انسانهایی است که در پیله شرایط به آستانه خفگی رسیده‌اند و بر سر انتخابهای اساسی زندگی، مُردد و بلا تکلیفند اما فیلمساز از ریشه و علت این نابسامانها و یا راههای مقابله منطقی با آن هیچ نمی‌گوید و گویا هنوز دلبسته مضامینی چون پهلوانیهای مردانه از مصرف افتاده و نظایر آن، برای حل و فصل مشکلات انسان معاصر است. او تماشاگران را با شخصیتهای متزلزلی که ناگاه بایکوت می‌شوند و به سادگی رنگ عوض می‌کنند رودرو می‌کند. در این فیلم، زنان بومی روستایی، به شدت نیازمند قاطعیت و حمایت مردانند و البته موجه‌ترین بهانه برای





جایی دخترک به برادرش می‌گوید قیمت ماهی صدتومان است و پسرک، ملامت‌بار سرزنش می‌کند که پول کرایه دو تا فیلم (صد تومان) را می‌خواهد برای خرید ماهی بدهد! تفاوت نگاه شفاف و معصوم دخترک با دید پسرک، که در اثر ممارست در برخورد‌های اجتماعی، روزآمد شده؛ در این جملات به خوبی نمایان می‌شود.

آیا پناهی در بادکنک سفید، با ایجاز و مهارتی که همه را بهت‌زده کرد و در قالب داستانی به ظاهر کودکانه، به سوی طرح موضوعات مهم اجتماعی گام برداشته‌است؟ پاسخ به این پرسش، تأملی می‌طلبد که در آن، فرصت پرداختن به جزئیات فیلم میسر باشد.

■ روز واقعه (شهرام اسدی):

روز واقعه بر چهارچوبهای مرسوم فیلمهای مذهبی تاریخ سینما استوار است و این قالبها را با تسلط حرفه‌ای ساخته و پرداخته کرده‌است. دو جبهه «خیر و شر»، تکلیفشان معلوم است و عبدالله، جوان نصرانی تازه مسلمان که مراسم ازدواجش را برای پاسخگویی به ندای یاری طلبانه امام حسین ع ترک کرده، همچون موجودی غیرزمینی و یک قدیس جلوه‌گر می‌شود. فیلم با کارگردانی سنجیده فیلمساز، با تکیه بر مختصات یادشده، از طریق کادرپسندی و انتخاب زاویه‌های مناسب دوربین و هدایت درست بازیگرش، هر چند که گاهی با نمایش بروز احساسهای انسانی او، زاویه نگاه فیلمساز اندکی تغییر می‌کند.

راحلله، محبوب عبدالله نیز، تصویری منطبق با قالبهای سنتی رایج مذهبی از زن مؤمن و معتقد، در جبهه خیر است که برخلاف برادرانش، با خویشتن‌داری و وفای

به محبوب، هنگامی که در کنار برکه آب از علت ترک مجلس عروسی توسط عبدالله مطلع می‌شود؛ شجاعانه و مصمم، مردش را برای سفر به سوی مأموریت الهی‌اش تجهیز، و او را به سوی مبدأ آن ندای آسمانی، روانه می‌کند.

■ سلام سینما (محسن مخملباف):

مثل همیشه، فیلم مخملباف با ازدحام و هجوم انبوه مشتاقان و کنجکاوان او روبه‌رو شد. در سلام سینما، مخملباف به تبع ذهن بیقرار و جستجوگرش، حرفهای شنیدنی بسیار دارد که لازم است بیننده با این دغدغه‌های ذهنی

سرخوردگی مجدد می‌شوند. در حالی که جان مایه فیلم یعنی قانون قیومیت و حضانت فرزندان پس از مرگ پدر، در عرصه سینمای ایران سوژه‌ای بکر، ناب و درخور تأمل به نظر می‌رسید اما فیلمساز با در هم آمیختن قتل و زندان و مواد مخدر و اکشن، امکان استفاده از تنها عنصر ذی‌قیمت اثرش را نیز از دست داده است. در فیلمی که از اساس قرار بود مبلغ و مروج دلاوریها و حقوق زنان باشد؛ گهگاه فیلمساز، خود به قدری از نمایش برخوردهای فیزیکی لابه‌لای فیلم هیچ‌آنزده می‌شود که فراموش می‌کند زن دومی را وارد تپانی سیاه و پلید مردان، علیه مرضیه نکند و این یعنی نقض غرض.

■ بادکنک سفید (جعفر پناهی)

این فیلم که به جرأت می‌توان گفت از زیباترین و ستایش برانگیزترین فیلمهای جشنواره بود، از سوی تماشاگران و میهمانان خارجی به عنوان محبوبترین فیلم شناخته شد و کارگردان توانست به عنوان فیلمساز خوش آتیه مطرح شود. بادکنک سفید علاوه بر فرم محکم و سنجیده، از غنایی محتوایی برخوردار بود که به عنوان اولین تجربه پناهی، امیدهای بسیاری را برانگیخت.

شخصیت اصلی فیلم، دختر هفت ساله‌ای است که در روز عید، ماهی فریبده‌ای را در تنگ ماهی فروشی می‌بیند و در یک نگاه به ماهی دل می‌بندد. بقیه فیلم بازگویی تلاش کودک برای به دست آوردن ماهی است اما از اساس، ماهیت وجودی دخترک، با تمام تنگناهایی که در مسیر دستیابی به خواسته‌اش به او تحمیل می‌شود و تمام مسیر ماجرا می‌تواند حدیث مفصل جبر زن بودن باشد. بی‌دلیل نیست که قهرمان فیلم، تلفیقی از

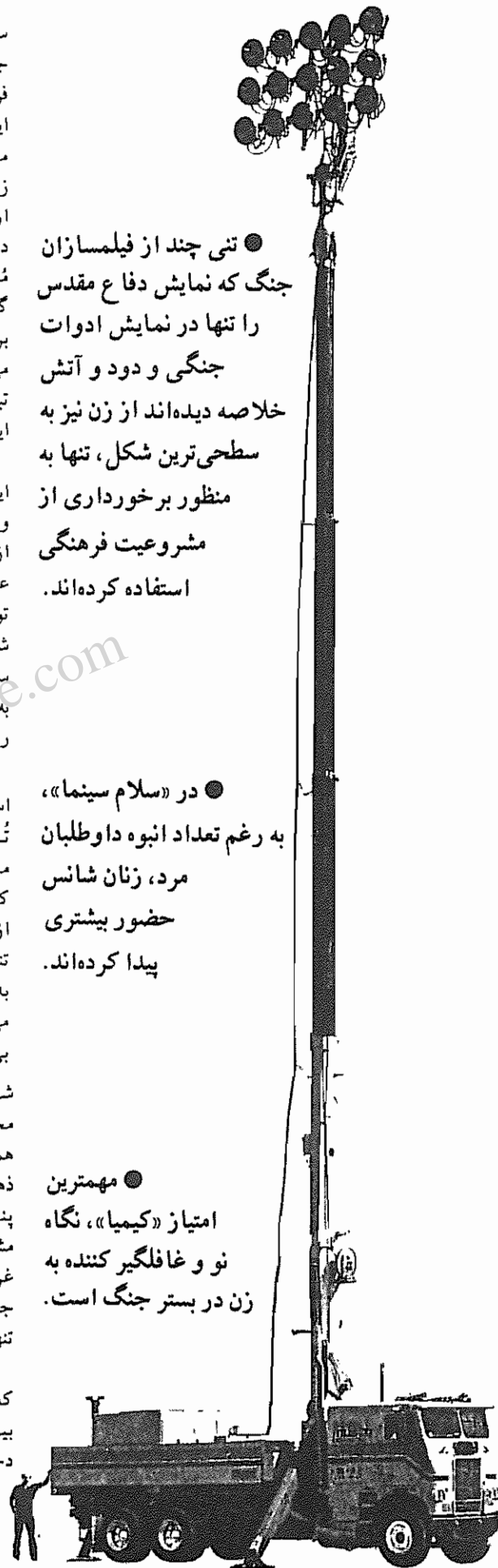
شکندگی، درایت، پشتکار و در عین حال محدود به دنیای مرزبندی‌شده، است و این همه معلول بنمایه‌های اساسی فیلم و ماحصل ذهن چالاک کارگردان است که حتی از پنجره‌ای کوچک و به چشم نیامدنی (پنجره مشبک خانه راضیه) نیز استفاده می‌کند و پدر غرغروی متوقعی را در حال استحمام در آن جای می‌دهد؛ پدری را که اصلاً نمی‌بینیم و تنها صدایش را می‌شنویم.

بادکنک سفید افشاکننده پروسه‌ای است که دختر در آن برای ورود به دنیای نابرابر بیرون - دنیایی که مناطقی از آن برای ورود دختران ممنوع است - به تجربه می‌پردازد. در

● تنی چند از فیلمسازان جنگ که نمایش دفاع مقدس را تنها در نمایش ادوات جنگی و دود و آتش خلاصه دیده‌اند از زن نیز به سطحی‌ترین شکل، تنها به منظور برخورداری از مشروعیت فرهنگی استفاده کرده‌اند.

● در «سلام سینما»، به رغم تعداد انبوه داوطلبان مرد، زنان شانسی حضور بیشتری پیدا کرده‌اند.

● مهمترین امتیاز «کیمیا»، نگاه نو و غافلگیرکننده به زن در بستر جنگ است.



درگیر شود و دست کم به دقت به گفت و گو و مضامین گوش بسپارد. این حرفها، قالب سینمایی جذابی هم برای تأثیرگذاری می‌طلبد.

سلام سینما با آنکه مطرحترین فیلم ایرانی جشنواره تا پایان روز پنجم بود اما فیلمساز قالب سینمایی مناسبی برای ارائه مواد جذابش فراهم نیاورده بود. فیلم تا نزدیکهای نیمه‌اش ریتم خوبی دارد و درست پیش می‌رود اما از هنگامی که عنان اختیار را به دست دو دختر نوجوان کرجی و فیض‌الله (هم بند مخملباف در زندانهای سیاسی پیش از انقلاب) و دو پسرش می‌سپارد، افت می‌کند. باز هم مانند همیشه، یکی از دغدغه‌های ذهنی مخملباف، کاوش در زوایای پنهان روح انسانها و بخصوص زنان و موقعیت انسانی و اجتماعی آنهاست؛ به طوری که بیشتر داوطلبانی که در فیلم حضور یافته‌اند، زنان و دختران هستند در حالی که از نظر آماری تعداد مراجعه‌کنندگان مرد بیش از زنان است. این حضور با توقف طولانی که صرف آن دو دختر نوجوان شده، پررنگتر هم شده است. همچنین مخملباف در لابه‌لای حرفهای زنان و دختران داوطلب بازیگری، برخی از دیدگاههایش را درباره موقعیت زن بازگو می‌کند. از جمله آنجا که می‌گوید: «با گریه پا به این دنیا می‌گذاریم و با گریه هم از دنیا می‌رویم، در این میان و در طول زندگی هم باید آن قدر گریه کنیم تا تصفیه شویم. اگر زن باشید که نیمی از موفقیتان منوط به این است که بجا و بموقع گریه کنید و این‌گونه موقعیت خود را تثبیت کنید.» (نقل به مضمون).

به نظر می‌رسد کسانی شانس حضور در فیلم را یافته‌اند که دیرتر از سایر داوطلبان، تسلیم نظرهای فیلمساز شده‌اند و اهل مجادله و مباحثه بوده‌اند. آنهایی که با نخستین اشاره‌های فیلمساز جاخالی کرده‌اند، از فیلم هم حذف شده‌اند. می‌بینیم که حتی انتخاب مخملباف در مورد بازیگران به منظور حضور مستقیم در فیلم، تلویحاً حاوی دیدگاههای اجتماعی - فرهنگی او نیز هست.

■ کیمیا (احمد رضا درویش):

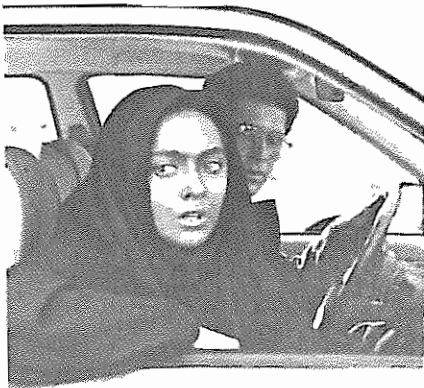
مهمترین امتیاز کیمیا، نگاه نو و غافلگیرکننده به زن بر بستر جنگ است. بستری که همواره عرصه کارزار مردان بوده است، سینمای جنگ ایران، عموماً زنان را در نقش همسران منتظر،

مادران داغ‌دیده، خواهران چشم به راه و در یک کلام، متداولترین ابزار برای تلنگر زدن به احساسات تماشاگر به کار برده است. موجودیت زن در سینمای جنگ تا پیش از جشنواره سیزدهم، در الصاق به مردان جبهه معنا می‌شده است. اما کیمیا چه از نظر توجه به حضور پویای زن در جبهه، و چه در میزانسن و دکوپاژ و صحنه‌پردازی و پرداخت سینمایی قابل تحسین می‌نمود. صرف‌نظر از پایان کمابیش کشدار فیلم، کیمیا در مجموع فیلمی آبرومند بود که در برخی فصول با فیلم برادر فخته (ویکتور فلمینگ) شباهتهایی داشت: صحنه‌های انبوه مجروحان نیازمند مداوا در فضای بیرونی بیمارستان و تکاپوی قهرمان فیلم برای یافتن پزشک برای کمک به زایمان زن.

اما نکته جالب در کیمیا، طرح معضلی است که در آن زن ناگزیر از انتخابی تناقض‌آمیز و دوپهلوی می‌شود. به نظر می‌رسد قرار گرفتن بر سر این دو راهی و گزینش هر کدام از راههای ممکن می‌تواند زن را بدل به موجودی کند که سزاوار نکوهش است. صرف‌نظر کردن از دخترک، (انتخاب اول) را به نوعی نادیده گرفتن آینده کودک و نبود علاقه‌مندی لازم مادرانه، و پافشاری در حفظ کودک، (انتخاب دوم) را می‌توان بی‌توجهی به احساسات انسانی مرد رنج کشیده تفسیر کرد اما انتخاب تدارک دیده شده در فیلم، بهترین انتخاب متصور برای چنین اثری - هم از جهت حفظ اعتبار زن و هم از جهت ساختمان دراماتیک فیلم - بود. گذشت پدر از دخترک و واگذارش به شکوه، انتخابی بود آگاهانه و عامدانه که البته فیلمساز، این انتخاب درست و واقع‌بینانه را به عهده مرد گذاشته و زن از این انتخاب معاف شده است. فیلمساز با هوشیاری، اثرش را از غلتیدن به ورطه احساسات رقیق در امان نگه داشته؛ در حالی که موضوع و عناصرش، قابلیت فراوان برای سوزناکتر شدن را داشته است. یک کارگردان کمتر هوشیار، با اتکا به چرتکه گیشه، شاید با به‌راه‌انداختن بساط عروسی مرد و زن، تمام این ساختمان خوش ساخت را ویران می‌کرد یا با گذاشتن یک موسیقی سوزناک در بیش از نیمی از صحنه‌های فیلم، سوهان به روح تماشاگر می‌کشید. فیلمساز از این هر دو پرهیز کرده است.

■ پری (داریوش مهرجویی):

در حالی که ویروس عرفان و فلسفه گریبانگیر بسیاری از فیلمسازان تازه‌کار تا کارگردانان معتبر صاحب‌نام بود و هر کدام سعی در القای از خودبیگانگی و عوالم فلسفی و



● «پری» به رغم کارگردانی

استادانه، در مجموع بیشتر به یک مقاله و مناظره عرفانی پهلو می‌زند تا یک فیلم

عرفانی داشتند؛ پری استادانه‌ترین فیلم از نظر صحنه‌آرایی، ضرباهنگ، ریتم و تدوین، در چنین نوعی به نظر می‌رسید. این فیلم چهارمین اثر پی‌دربی مهرجویی است که همچون سه فیلم گذشته، شخصیت اصلیش زنی جوان است. البته در هامون، نخستین فیلم این مجموعه، شخصیت اصلی مرد بود و زن از نگاه او تصویر می‌شد. اما فیلمهای بعدی یعنی بانو، سارا و پری بر زنان متمرکز شده است. در کارنامه مهرجویی، از جهت گرایشهای فلسفی، سارا، البته خارج از این دایره قرار می‌گیرد و پری نمایشگر اوج این گرایش است. فیلم سراسر گفت‌وگوی پری، گرچه از نظر کارگردانی، استادانه و از نظر فرم کاملاً متناسب با محتواست اما در مجموع بیشتر به یک مقاله و مناظره عرفانی پهلو می‌زند تا یک فیلم؛ که این اشکال، البته معلول ذهن فلسفه‌زده مهرجویی است. اگر در هامون، تنها اشاره‌هایی به کتاب توس و لوز نوشته کی‌یر که‌گور می‌شود، اساس داستان فیلم پری بر چند قصه کوتاه از ج.د. سالیانجر، نویسنده آمریکایی، استوار شده است که این به‌خودی‌خود ایرادی به فیلمساز نیست بلکه



ایراد عمده فیلم، سخنرانیهای مشتع آتشین آدمها و در واقع خود فیلمساز است که بازیگران را وامی دارد از ابتدا تا انتهای فیلم، عقایدشان را زمزمه کنند و روشفکریشان را فریاد بزنند.

اگر در هامون، بانو و سارا، زنان دارای ابعاد و ویژگیها و رفتارهای زنانه بودند؛ پری، بجز پاره‌ای اختلاف نظرها در مورد گزینش پیر و سالک، به قدری به سه برادر عارف خود شبیه است که انگار همگی محصولات قالبی یک کارخانه‌اند. نیکی کریمی در پری، سواى درفشانیهای حکیمانه در باب افکار خیام و مولانا و کتاب «سلوک»، هیچ جایى برای اظهار وجود، ندارد و تنها پوشش زنانه و گریه‌های گاه‌وبیگاهش نشانه‌های جنسیت اوست. او در برخورد با نامزدش هم تنها از سیر و سلوک و طق طریق و دانای کل حرف می‌زند، تا آنجا که تماشاگر به درستی قادر به درک رابطه آن دو نمی‌شود و به نظر می‌رسد خود فیلمساز هم این عدم ارتباط از سوی تماشاگر را پیش‌بینی کرده که برای تفهیم رابطه پری با پسرعمویش، صحنه گفتگوی داداشی سوار بر دوچرخه را با مادر (توران مهرزاد) در فیلم می‌گنجانند. در جلسه مولودی‌خوانی، بجز پری، با گروهی از زنان مرفه که به زیورآلات خود دلخوش کرده‌اند نیز برمی‌خوریم که به قول خود فیلم، به گنجهای مادی دنیا حریصند. زنان ذکرگوی جلسه مولودی‌خوانی اتفاقاً ملموس‌تر از خود پری از آب درآمده‌اند. هلتا، همسر اسد نیز که در جایی از فیلم عامل خودکشی شوهر معرفی می‌شود و معلوم نیست چگونه در ملغمه ماهیهای عشق‌نور، با پدر و مادری سانتی‌مانتال، و تعهد هنری در قبال «کوزه به سرها» موفق شده همسر فاضل و عابدی چون اسد را به چنگ آورد، وصله ناجوری است که سردر آوردنش به عنوان عروس در چنین خانواده‌ای اصلاً توجیه نمی‌شود.

### تجارت (مسعود کیمیایی):

کیمیایی، یکبار دیگر، سخت ناامیدکننده می‌نمود: منهای ضعف در ساخت و پرداخت که منتقدان سینمایی با دقت به آن خواهند پرداخت، آنچه در تجارت مکرر گوشزد می‌شد، رفاقتی مردانه و غیورانه، به سبک آشنای فیلمهای کیمیایی و این بار مابین پدران و پسران بود و صد البته اینکه در این میان، زن ملهم از دنیای درونی فیلمساز نیز طبق معمول، زنی بود نانجیب و کجرو که در

### ● در تجارت، کیمیایی

#### تبعیض نژادی را نیز با

#### نامهربانی همیشگی اش

#### نسبت به زن درمی‌آمیزد و یک

#### زن سیاهپوست را به

#### عنوان سمبل زن بی‌بند و بار غربی

#### معرفی می‌کند.

کارنامه اخلاقی، مستدل‌ترین مواد را برای خشمناک کردن و به غیرت آوردن آقایان، حاضر و آماده داشت. پدر متشخص بزن بهادر که در آلمان (کلن) خریدار چاقوی خوش دست است، زنی بی‌وفا دارد و پسر نیز صاحب همسری است که در بطن خود فرزندی از مردی ناشناس می‌پروراند. چاشنی غیرت و مردانگی مرد ایرانی نیز که اصلاً جانمایه فیلمهای کیمیایی است، اگر در اثر سالها سکونت در آلمان، در پسر رقیق شده، پدر انگلیسی‌دان پرزور، با تمام کینه‌ها و حساسیتهای متداول، به موقع سر می‌رسد تا کمال همیشینی با پدر در پسر اثر کند و... در این میان تنها می‌ماند موضوع سیاهپوست بودن عروس خطاکار غربی!

با سیاه‌نمایی همیشگی که از کیمیایی نسبت به زنان سراغ داشتیم (در مهربانانه‌ترین شکل، زنان ساخته و پرداخته آقای فیلمساز، موانع و مزاجمینی در راه چاقوکشی و انتقامجویی بودند).

در تجارت، کیمیایی تبعیض نژادی را نیز با نامهربانی همیشگی اش با زن درمی‌آمیزد و یک زن سیاهپوست را به عنوان سمبل زن بی‌بند و بار غربی معرفی می‌کند. در حقیقت او در ستیز با نژادپرستی، خود تبدیل به یک نژادپرست می‌شود؛ هرچند با حضور دختر همکلاسی رضا، که طلاهایش را همچون زنان کلیشه‌ای تکراری در فیلمهای ایرانی به رضا تقدیم می‌کند و معلم آلمانی با آن پرداخت رقیق و بی‌رمق فیلمساز به ظاهر می‌کوشد اهانت مستقیمی را که بر زن روا داشته شده، اعاده و در نهایت موجودی بی‌چهره از زن توصیف کند، اما چکش پرکوب فیلمساز بر موجودیت زن، آنقدر پرضرب است که ترمیم جراحات به این سادگیها میسر نیست.

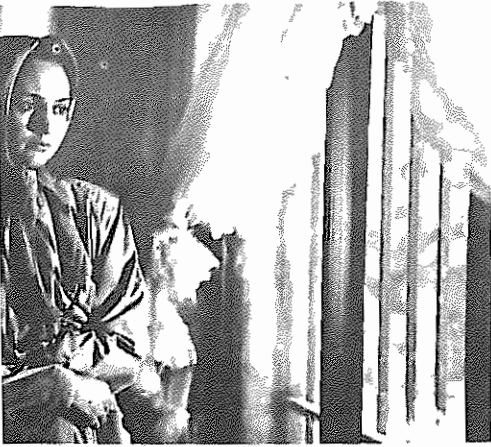
### ● دل و دشته (مسعود جعفری جوزانی):

فیلم پنجم جعفری جوزانی مثل دو فیلم معروف دیگرش، شیو سنگی و دد مسیو

تبدیل، یک وسترن ایرانی است که می‌کوشد با تأکید بر عناصر ملی و بومی، هر چه بیشتر شباهتهایش را با ژانر وسترن انکار کند. با این حال همچون سرچشمه اصلیش، فیلم با حادثه و زدو خورد و خشونت اغراق شده و مفرط، روایتش را به پیش می‌برد. شخصیت اصلی فیلم یک شیرزن (heroin) و البته از نوع تصنعی است که همچون موجودی روین‌تن در برابر خشونت، مقابله به مثلی بیرحمانه می‌کند. او نه تنها در سوارکاری، که در تیراندازی و گردن‌زنی و فرو کردن ابزار و ادوات بزنه در بدن قربانیان نیز کاملاً مسلط و کارآزموده است. فیلم ظاهراً قرار است سحربانو را به عنوان زنی با توانمندیهای فیزیکی فوق تصور تصویر کند اما آنچه عملاً از او در ذهن تثبیت می‌شود، چهره‌ای خشن و تلخ است که بدون هیچ مابه‌ازای عینی در جامعه معاصر امروزی تنها ملعبه‌ای در دست فیلمساز به نظر می‌آید تا مثله کردنها و حمام خون راه‌انداختنها، این بار به دست زن، شکلی متفاوت و مهیج پیدا کند. به تصویر کشیدن زن در چنین قالبی طبعاً زائیده ذهنی خیالباف است و حاصل دورافتادگی و عدم شناخت فیلمساز از دنیای زنان. فیلم جوزانی، احتمالاً نه تنها هیچ تحسینی را به لحاظ عملکرد قهرمانش، در زنان برنمی‌انگیزد، که با منسوب کردن مثنی اکاذیب خشن به زن، نوعی سفسطه تلقی می‌شود. حتی توضیحات و توجیهاات فیلمساز مبنی بر انتساب سحربانو به اسطوره ایرانی گردآفرید قابل قبول به نظر نمی‌رسد زیرا فیلم سطحیتر و تجاریتر از آن است که بتوان آن را به شاهنامه فردوسی سنجاق کرد. سحربانو نه ربطی به گردآفرید دارد، نه به زن معاصری که قرار است تماشاگر دل و دشته باشد.

### ■ خلع سلاح (علیرضا داوودنژاد):

این فیلم، تجربه متفاوتی در کارنامه سینمایی داوودنژاد است که موقعیت زن ایرانی (موضوع کشف حجاب) در یک دوره حساس تاریخی را با یک رویداد سیاسی (اشغال شمال ایران توسط قوای شوروی) درهم آمیخته است. فیلم دو شخصیت اصلی زن دارد که یکی از آنها تن به «تحولات تجدیدطلبانه» رضاشاه داده و پوشش سنتی زن ایرانی را به کناری نهاده و رئیس «نهضت آزادی زنان» شده و دیگری زنی که با مقاومت در برابر کشف حجاب، شوهر و شهرش را رها کرده و در روستایی منزوی شده تا بر



اصول و ارزشهای اعتقادی خود پایند بماند. اما صدابرداری فیلم (و شاید سیستم پخش صدا در سینما قدس) چنان عذاب‌آور بود که با آن صداهای گوشخراش، دنبال کردن خط قصه و دیالوگهای فیلم که بسیاری از آنها با گویش غلیظ شمالی ادا می‌شد، بخصوص در فیلمی که بیان تصویری گویایی نداشت، امکان‌ناپذیر می‌نمود. جالب آنجا بود که وقتی روسها حرف می‌زدند، تماشاگر بیشتر قادر به ایجاد ارتباط با اثر بود زیرا فیلم زیرنویس داشت و یا یک دیلماج، آنها را شمرده و مفهوم به فارسی ترجمه می‌کرد. اما صدای بخشهای عمده‌ای از فیلم، مانع برقراری ارتباط با آن می‌شد. تماشاگران هنگام برخورد با این مشکل، گروه‌گروه از سالن بیرون رفتند و در اواسط فیلم، کارگردان هم، با اعصاب درهم ریخته، سالن سینما را ترک کرد.

### ■ ساز و ستاره (محرم زینال‌زاده):

سومین فیلم محرم زینال‌زاده، با پرداختی نه چندان پخته اما نگاهی شاعرانه به جنگ، اثر متفاوتی در میان فیلمهای جشنواره سیزدهم و سینمای جنگ ایران است و بیشترین امتیاز و مشخصه مثبت فیلم در همین تلمطیف کردن خشونت جنگ است. فیلم از طریق خاطرات یک رزمنده که در نامه‌هایی به همسرش، نه حادثه‌ها را، بلکه حالتها و حسها و لحظه‌ها را بازگو می‌کند، پیش می‌رود. ساز و ستاره گرچه یک فیلم جنگی است و جنگ نیز عموماً

### ● فیلم پر تکلف «زمین آسمانی»، تنها به لحاظ حضور شخصیت زن اصلی فیلم قابل تحمل می‌شود.

است نقش هاجر، (همسر حضرت ابراهیم) را بازی کند. زمین آسمانی، صحنه و پشت صحنه فیلم را به تصویر می‌کشد و نکته جذاب این است که لیلا، در جریان حضور در آن فیلم، در زندگی خصوصیش نیز دغدغه‌های فلسفی و عرفانی هاجر را پیدا می‌کند. البته ادا و اطوارهای فیلمساز که حضورش در فیلم آزاردهنده است، مانع از آن می‌شود که این شخصیت جلوه‌گر و متکامل شود که این موضوع هم به فیلم لطمه زده، هم به شخصیت زن فیلم و هم به فیلمساز.

### ■ دیدار (محمدرضا هنرمند):

فیلم درباره دختری مسیحی است که به رغم

می‌خواهم زنده بمانم (ایرج قادری):

ایرج قادری پس از ده سال، با می‌خواهم زنده بمانم توانایی خود را - بیش از گذشته - در خلق یک ملودرام احساس برانگیز و پرکشش نشان می‌دهد. فیلمسازی که ده سال از کار منع شده بود، حالا اجازه فیلمسازی - منهای بازیگری - گرفته و در یک ژانر پرطرفدار سینمای ایران خود را هم‌تراز با ملودرام‌سازان موفق این سالها به رخ می‌کشد. می‌خواهم زنده بمانم با الهام از پرونده معروف قتل پدرام تجریشی ساخته شده اما فیلمساز بنا به ملاحظاتی، زمان رویداد را به قبل از انقلاب منتقل کرده و در ابتدای فیلم نیز نوشته است که «این داستان واقعی نیست».

### ■ زمین آسمانی (محمدعلی نجفی):

فیلم پر تکلف محمدعلی نجفی، تنها به لحاظ حضور شخصیت زن اصلی فیلم، قابل تحمل می‌شود. لیلا، دانشجوی ادبیات و فلسفه، قرار

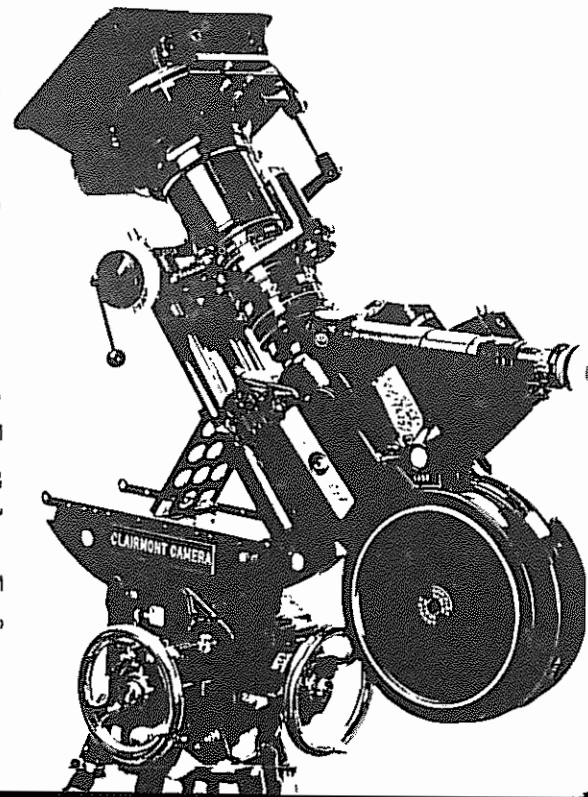
فیلم، جدا از تمرکز بر تحریک احساسات و ایجاد دلهره و تعلیق، تصویر تازه‌ای از مادر و نامادری ارائه می‌دهد. مادر پسرک مقتول، زنی عصبی و بی‌توجه به فرزندش است، به طوری که تا زمان مرگ او متوجه ناشنوا بودن گوش راستش نمی‌شود. پدر نیز خود را بابت بی‌توجهی‌هایش ملامت می‌کند (پسرک، آنها را با نام کوچکشان خطاب می‌کند، نه پدر و مادر). در عوض نامادری زنی خونگرم و مهربان است که محبتش را نثار فرزند خوانده‌اش می‌کند. با این حال هنگامی که به نظر می‌رسد تحولی مثبت در زندگی پسرک رخ داده، او خودکشی می‌کند. قادری با توجه به شناختش از سلیقه مخاطب عام، سرانجام مادر بی‌عاطفه و داغ‌دیده را نیز متحول می‌کند



میل خانواده به شدت متعصبش، به جوان مسلمان گل فروشی دل می‌بندد. فیلم شرح مصایب و تقلاي ژانت، از همان ابتدای دلبستگی به جوان، تا ازدواج با او و سپس انزوی آنها بر اثر این ازدواج نامتعارف است و بهانه‌ای برای طرح موضوع اقلیت‌های مذهبی (هر چند اقلیتها در این فیلم چندان جذاب تصویر نشده‌اند) و بخصوص پررنگ کردن لیاقتها و قابلیت‌های زن ایرانی.

اما در حالی که نحوه برخورد ژانت با پدر و رویکردهای منتج از این تعارض می‌توانست حاوی مهمترین دیدگاههای فیلمساز در مورد ضدیت سنت با استقلال فردی زن باشد، در کلیدی‌ترین فصل فیلم، آنجا که ژانت در پی آشنایی با جوان مسلمان دچار سرگشتگی است و پدر نیز همچون مانعی نفوذناپذیر، سد راه وصلت آن دو است؛ پدر و مادر ژانت در بمباران کشته می‌شوند و به این ترتیب مشکل حاد انتخاب ژانت (تسلیم شدن به سنتها یا احترام به استقلال فردی) به‌خودی‌خود از میان برداشته می‌شود.

ادامه داستان، جنون برادر (ماتیوس) و رویگرداندن خواهر و مابقی قضایا و بخصوص فرم و بیان تصویری فیلم، باعث می‌شود که ژانت به نسخه‌ای دیگر از اوشین بدل شود: زنی ستمکش که اشتباه نمی‌کند و برای بقا مجبور به مبارزه است و همیشه موفق.



دیدار، فیلم متوسطی بود که در آن شوهر (امیر) هر چند از نظر زمانی حضور کمتری داشت اما در نهایت انگیزه و هدف اصلی مبارزات زن بود.

### ◀ نگاهی گذرا به فیلمهای خارجی

در بخشهای مختلف فیلمهای خارجی جشنواره سیزدهم، چند فیلم از فیلمسازان زن نیز به نمایش درآمد:

#### ■ سکوت طولانی (مارگارت فن تروتا):

از خانم مارگارت فن تروتا، فیلمساز برجسته، فیلم سکوت طولانی (۱۹۹۳) در جشنواره امسال به نمایش درآمد. تم اصلی این فیلم قرار است از آبخشور مبارزه سیاسی اندیشمندان بر ضد فساد جامعه نشأت گیرد، که می‌گیرد. اما خانم کارگردان در این زمینه‌چینی، بستری خلق کرده که به سوژه مورد علاقه‌اش یعنی کاوش در روحیه زنان روشنفکر پردازد.

کارلا پزشک متخصص زنان است و شوهرش که یک قاضی غیر قابل تطمیع است، مسئول رسیدگی به پرونده‌های قاچاقچی اسلحه می‌شود و زمانی که مرد در همین راه جان خود را از دست می‌دهد؛ همسرش در موضع یک طغیانگر اجتماعی، زنان دیگر را به شورش می‌خواند. هر چند که در پایان، ثمره این درگیری با مافیا، گلوله‌ای است که توسط یک دشمن ناپیدا در زیر باران شدید و در اتاقک تلفن حواله این زن مبارز می‌شود اما مبارزه ادامه دارد.

شخصیت‌پردازهای قرص و محکم این‌گونه زنان، در ساخته‌های مارگارت فن تروتا، نشان از شناخت او از زیر و بم شخصیت زن روشنفکر غربی دارد. شاید در این پختگی، ثمره چندین سال همکاری با فیلمساز توانایی چون فولکر شلوندورف هم دخیل باشد.

#### ■ گره مینده (هایدی گنه):

خانم هایدی گنه، فیلمسازی آلمانی است که این فیلم، نخستین تجربه کارگردانی حرفه‌ای اوست. او که سابقه تدوینگری دارد، ده سال پیش از ساختن فیلم اخیرش، فیلمی کوتاه ساخت.

فیلم گره مینده (۱۹۷۶) که یک اقتباس ادبی است، هر چند از سوی برخی منتقدان «فاقد شور و خشم» و «عاری از تشخیص» و

«فاقد صراحتی که مشخصه اولین فیلم یک کارگردان است» خوانده شد اما برای هایدی گنه جایزه ملی سینمای آلمان را به ارمغان آورد.

فیلم در مورد دختر جوانی به نام گرت مینده، ساکن یکی از شهرهای شمال آلمان در قرن هفدهم است که همشهریهایش، پروتستانهایی متعصبند. دختر از موهبت وجود مادر کاتولیک اسپانیایی‌اش بی‌بهره است و مادر خوانده و برادر و خواهر ناتنی‌اش با او رفتار خصمانه‌ای دارند. پس از مرگ پدر با پسر همسایه (والتین) می‌گریزد و پس از چشیدن طعم فقر، هر دو به یک گروه خیمه‌شب‌بازی می‌پیوندند. پسر در آستانه مرگ قرار می‌گیرد...

هایدی گنه گفته است: «ما این داستان را در سال آخر مدرسه خواندیم. من سخت تحت تأثیرش قرار گرفتم چون کسی، دست تنها، جنگی را شروع می‌کرد. سالهای مدرسه و مظلومیت، مرا از همه چیز سیر کرده بود. برای همین بود که آدمی مثل گرت مینده به نظرم مهم و بزرگ می‌نمود.»

■ سقوط خاندان رومانف (استر شوب):  
خانم استر شوب (متولد ۱۸۹۴ و متوفی به سال ۱۹۴۹) که در دهه ۱۹۲۰ از مهمترین فیلمسازان روسی زن محسوب می‌شد، ابتدا از طریق آیزنشتاین و مایاکوفسکی به عنوان تدوینگر پا به عرصه سینما گذاشت. استر شوب با تأثیر از سبک تدوین آیزنشتاین، سالها تدوینگری را ادامه داد و پس از پشت سرگذاشتن تجربه تدوین ۲۰۰ فیلم خارجی و ۱۰ فیلم روسی، سرانجام دست به آفرینش سقوط خاندان رومانف زد. فیلم خانم استر شوب، از تدوین راشهای قدیمی حاصل شده و در بردارنده بخشهای مهمی از زندگی خاندان سلطنتی روسیه و سقوط آنان در انقلاب اکتبر است. او خود درباره فیلمش می‌گوید: «مدتها طول کشید تا مقامات را راضی کردم که اجازه ساختن چنین فیلمی را صادر کنند. برای ساختن این فیلم و دو فیلم بعدی، سه سال با لذت و سرخوشی، همه جا را زیر و رو کردم و دست آخر فیلمهای مورد نظرم را در جعبه‌های درسته در آرشیو موزه انقلاب یافتم.»

\*

بجز این سه فیلم، از فیلمهای دیگری نیز

## گفت و گو با دو میهمان جشنواره فیلم فجر

این سومین بار است که آلیسایمون برای انتخاب فیلمهای ایرانی جهت نمایش در جشنواره‌ای که از پنج سال پیش در شیکاگو برگزار می‌کند، به تهران می‌آید.

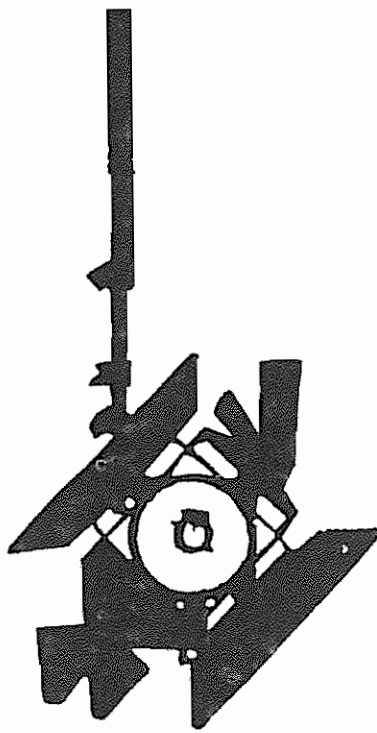
جشنواره فیلمهای ایرانی از سال ۱۳۶۸، (۱۹۸۹ میلادی)، همراه هر سال در مدرسه «مؤسسه هنر شیکاگو» برگزار می‌شود و خانم سایمون مدیر مرکز فیلم این مؤسسه و برنامه‌ریز جشنواره‌هایی است که در این مرکز برگزار می‌شود. وی نخستین جشنواره را با فیلمهای ایرانی پیش از انقلاب و دو فیلم ساخته ایرانیان مقیم آمریکا برگزار کرد. تنها فیلم ایرانی پس از انقلاب در جشنواره اول، دستفروش ساخته محسن مخملباف بود که فیلم محبوب اوست و آن را در جشنواره دومش نیز به نمایش گذاشت. از جشنواره دوم به بعد، همه فیلمها از محصولات پس از انقلاب و تولیدات سالهای اخیر هستند.

موفقیت جشنواره خانم سایمون باعث شد که فیلمهای انتخابی او به همراه فیلمهای دیگر، در سایر شهرهای آمریکا نیز به نمایش درآید. از جشنواره چهارم به بعد، او از سینماگران ایرانی که فیلمهایشان در آنجا به نمایش درمی‌آید، چند نفر را به شیکاگو دعوت کرد تا به جشنواره‌اش گرما و رونق بخشند.

در انتخاب فیلمها و برنامه‌ریزی جشنواره، مهرناز سعیدوفا، مدرس ایرانی سینما، که مقیم شیکاگو است نیز با سایمون همکاری دارد. امسال، او نیز میهمان جشنواره فجر بود.

این گفتگوی کوتاه، در فرصتی اندک در لابه‌لای برنامه‌های فشرده آنان در آخرین روز اقامتشان، انجام شده است که از نظرتان می‌گذرد: ■

● خانم سایمون، گفته‌اید که خیلی اتفاقی با سینمای ایران آشنا شده‌اید. گویا در جشنواره‌ای می‌خواستید به تماشای فیلمی بروید اما سالن پر بوده و شما به سالن کناری رفته‌اید که فیلم دستفروش را نشان می‌داده و بعد هم مجذوب آن شده‌اید، و از آن پس نیز در جشنواره‌تان، فیلمهای ایرانی را به نمایش می‌گذارید. در فیلمهای ایرانی چه دیده‌اید که



چشمگیر بود. در ۱۷ سالگی، در پی مرگ مادر، خانه و زندگی را به قصد یافتن خواهر از دست رفته و زندگی با او ترک کرد و در سال ۱۹۲۱، هنگامی که به عنوان دستیار کارگردان، پا به عرصه سینما نهاد؛ به سرعت، فنون این صنعت را آموخت و در زمانی نزدیک به ۳۲ سال، موفق به خلق بیش از ۱۰۰ فیلم ارزشمند هنری شد. امروزه از این تعداد، چیزی نزدیک به ۳۰ فیلم برجای مانده که تماماً مزبوط به سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۶ است و این مرحله از زندگی هنری میزوگوچی، تماماً به زن - خاصه در حمایت از شأن و منزلت لگدمال شده او و بویژه در اجتماع سنتی ژاپن، معطوف است.

زنان کمابیش در تمام آثار استاد ژاپنی، وجوهی آشنا و مشترک دارند: گاهی در سبک‌پردازی حیرت‌انگیز استاد، در کسوت موجودات نگون‌بخت و اندوهناک که به بره‌های ساکت قربانی تعبیر شده‌اند، مرکز ثقل فجایع قلمداد می‌شوند؛ و گاهی در آمیزه خیره‌کننده تصاویر، مذمت صریح و گزنده و تلخ میزوگوچی، معطوف به جبری تحمیلی است که جامعه حتی به منظور سعادت و بهبود زندگی، از زنان، بیشتر از مردان طلب می‌کند.

میزوگوچی را همدرد و مدافع حقوق زنان و پاسدار حرمت زن خوانده‌اند. از این سینماگر صاحب سبک شرقی، در جشنواره سیزدهم، فیلمهای مرثیه اوزاکا، شعله محبت، خانم اوپو، زندگی اوهایو، اوگستو مونوگاتاری، جشنواره موسیقی گیون و سانسوی مباشر به نمایش درآمد ■

می‌توان سراغ گرفت که زنان، محور اصلی یا از موضوعهای عمده آنها بودند. از جمله:

مغرب (کانهی محمد)، دنبال توضیح نباش (جلیل سودانیک)، صدف و مرد روحانی (ژرمن دولاک)، همه چیز در مشتمان است (بی‌یه ور)، فقط یک بار زندگی می‌کنی (فرتیس لانگ)، روز خشم (کارل تنودور درایر)، دروازه‌های لی (لارنه کلر)، خانم بوده خندان (ژرمن دولاک)، خانه‌بی حفاظ (رایسرفلفهارت)، ناموس (اولدجان کولدووا)، بریگیتا (داگمار نایفل)، میزوری (راب راینر)، در ساحل (آلبرتو کاولکانتی)، جاده (فلسینی)، اسکله (کریس مارکر)، کویاندان (ماساکا کویایاناشی)، خواست (فریدریش ویلهلم مودنا)، اخی بریست (راینر ورنر فاسبیندر)، داغ ننگ (ویمر وندرس)، سلسلت (پرسی آدلون)، شور غیو منتظره (شیاکانگ)، نصف‌النهار جنگ (فنگ زیائو نینگ)، طلاق (وانگ هانوی)، زنان دریانچه عطر آگین (شی فای)، و...

اما شاید زنانه‌ترین بخش جشنواره را بتوان بخش مهجور‌پرز گذاشت کُنجی میزوگوچی، خواند که به بزرگداشت این استاد بزرگ سینمای ژاپن اختصاص داشت. سینماگری که قطعاً به دلیل نوع زندگی، زنان نگون‌بخت را موضوع اصلی بیشتر آثارش قرار داد. به رغم اهمیت زندگی و آثار پرشمار این فیلمساز بزرگ، تنها به مروری گذرا به زندگی بسنده می‌کنیم و به دلیل حجم این مطالب، نگاه دقیق به آثار او را به آینده وامی‌گذاریم:

کُنجی میزوگوچی در ۱۶ مه ۱۸۹۸ در توکیو متولد شد و در ۲۴ اوت ۱۹۵۶ در کیوتو درگذشت. وضعیت مالی اسفبار خانواده، در فضای بحران اقتصادی ناشی از جنگ روسیه و ژاپن، برای او که پدرش نجاری فقیر بود، وضعیت رقت‌آوری را ایجاد کرد. دوران کودکی میزوگوچی، با سخت‌ترین شرایط محتمل در چنین زندگی فرودستانه‌ای از سر گذشت. زمانی که در مقابل چشمان این نابغه سینما در خردسالی، خواهر بزرگتر فروخته شد تا برای گذران زندگی، تن به گیشایی دهد؛ عطوفت کودکانه میزوگوچی برای یاری و همدردی دایمی با زنان بدسرنوشت برانگیخته شد.

او گرچه در پی تحصیل ناموفقش، در ۱۳ سالگی مدرسه را رها کرد اما بارقه‌های نبوغ درخشانش در زمینه‌های هنری، از همان ابتدا

این فیلمها برای فروش بیشتر، زنان را به عنوان کالا نمایش می‌دهند اما فیلمهای غیر تجاری از فیلمسازان مستقل هم هستند که تصویر درست‌تری از زنان نشان می‌دهند.

● آیا این فیلمهای مستقل و غیر تجاری توان مقابله برای خنثی کردن آن تصویر زنان در فیلمهای تجاری را دارند؟

○ طبعاً نه. در سینمای تجاری، پخش کنندگان فیلم با تبلیغاتشان، حرف اول را می‌زنند و آنها هستند که با قدرت مالی و تبلیغات خود، کالاهایشان را به عامه تماشاگران دنیا می‌قبولانند و قطعاً آنچه آنها ارائه می‌دهند، بیشتر در ذهنها باقی می‌ماند.

● خانم سعیدوفا، شما به عنوان یک زن ایرانی، تا چه حد تصویری را که از زنان در



فیلمهای ایرانی وجود دارد، منطبق با واقعیت می‌دانید؟

○ تصورم این است که مسائل مربوط به زنان، موضوعاتی تخت و یک‌بعدی نیست. به نوعی شاید بتوان گفت این مسائل لایه لایه‌اند. برخی فیلمسازان در لایه‌های سطحی متوقف مانده‌اند و بعضی به لایه‌های عمیق‌تر نفوذ کرده‌اند و عمق و کثرت موضوع مورد نظرشان را مطرح کرده‌اند. به طور کلی زنان بعضی از فیلمها بیشتر برایم آشنا و ملموس و قابل درک هستند و بعضی دیگر هم، کمتر.

● مثلاً مصداقهای آنها از میان فیلمهای جشنواره‌امسال، کدام فیلمها هستند؟

○ مثلاً زنان فیلم روسری آبی برایم آشناتر و نزدیکتر بودند، تا مثلاً زنان فیلم درد مشترک. هر چند زنان فیلم درد مشترک، آن طور که از حرفهای کارگردان آن شنیدم از اساس هم قرار نبوده شبیه زنهای معمولی باشند.

● آیا خود شما به عنوان یک زن ایرانی در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی‌تان در جامعه آمریکا، مشکل خاصی داشته‌اید؟

○ به عنوان یک زن، نه اما به عنوان یک ایرانی، بله. ■

تکنیک و ساخت خوبی هم داشته باشند. ● آیا تم فیلمها و مثلاً مسائل اجتماعی مطرح شده در این فیلمها برایتان اهمیت ندارد؟

○ نه. لااقل می‌توانم بگویم که در مواردی، موضوع فیلمها یکی از عوامل است و نه تنها دلیل انتخاب فیلمها.

● به کار کدام فیلمسازان ایرانی علاقه دارید؟

○ بهرام بیضایی، محسن مخملباف، عباس کیارستمی،...

● و فیلمهای مورد علاقه‌تان؟

○ دستفروش (مخملباف)، رگبار و باشو (بیضایی)، دونه (امیر نادری)، کلوز آپ (کیارستمی)، افسانه‌آه (تهمینه میلانی)، نرگس (رخشان بنی‌اعتماد).

● نظرتان در مورد تصویری که از زنان در فیلمهای ایرانی ارائه می‌شود چیست و وضعیت آنان تا چه حد برای شما قابل درک است؟

○ من در فیلمها بیشتر به دنبال جلوه‌هایی از فرهنگ ایرانی می‌گردم تا یک موضوع خاص، مثل مسأله زنان. اما به هر حال این را می‌دانم که قوانین ایران محدودیتهایی در زمینه حضور و نمایش زن در سینما دارد که شاید تصویر را از واقعیت آن دور کند. ولی بعضی از فیلمسازان با استعداد توانسته‌اند به مقتضای موضوع و صحنه، راه‌حلهایی برای این مسأله پیدا کنند. من البته با زنان این فیلمها همذات پنداری نمی‌کنم اما مسائل آنان را درک می‌کنم.

● چهره زنان در فیلمهای ایرانی تا چه حد با آنچه که در واقعیت طی این چند سفرتان به ایران دیده‌اید، شباهت دارد؟

○ تصویری که از خانواده در فیلمهای ایرانی دیده‌ام، شبیه چیزهایی است که در خانواده‌های ایرانی تجربه کرده‌ام، اما در نمایش زنان، به هر حال ملاحظاتی در فیلمها رعایت می‌شود که تا حدودی آن را از واقعیت دور می‌کند. البته من زیاد در ایران زندگی نکرده‌ام و نمی‌توانم در این مورد نظر قاطعی بدهم.

● نظرتان درباره حضور زنان در فیلمهای آمریکایی چیست؟

○ سینمای هالیوود، طبعاً عامه تماشاگران در آمریکا و سراسر دنیا را در نظر دارد و در نتیجه چهره‌ای که از زنان تصویر می‌کند، مطلوب و قابل دفاع نیست.



آنها را تحسین می‌کنید؟

○ من به دنبال سینماهای ناشناخته می‌گردم تا در شیکاگو، آنها را به تماشاگران معرفی کنم. فیلم مخملباف را بسیار اصیل و خوش ساخت یافته و برایم باور نکردنی بود. این فیلم در سطح استاندادهای جهانی است. بعد که جستجو کردم و چند فیلم دیگر ایرانی را دیدم، فرهنگ یگانه‌ای را در آنها مشاهده کردم که تصمیم گرفتم آن را به تماشاگران دیگر هم معرفی کنم. مرکز فیلم مدرسه هنر شیکاگو، مانند یک «سینماتک»، فیلمها و فیلمسازان آشنا و ناشناخته قدیمی و جدید را از سراسر جهان نمایش می‌دهد و جشنواره فیلمهای ایرانی هم حالا تبدیل به یکی از برنامه‌های دائمی سالانه آن شده است.

● معیار شما برای انتخاب فیلمهای ایرانی برای جشنواره چیست؟

○ تماشاگران چنین جشنواره‌هایی در جستجوی چیزهای نو هستند و برنامه‌ریزان آنها هم طبعاً باید پاسخگوی نیاز آنها باشند اما من شخصاً در پی فیلمهای ناب هستم که از نظر احساس و اندیشه، تکامل بدهند و البته



# چهره‌ها (۲)

# سیمایی

# از

# نقاشان

# معاصر

# ایران

عکسهای مریم زندی

تهران

صاحب اثر

چاپ اول

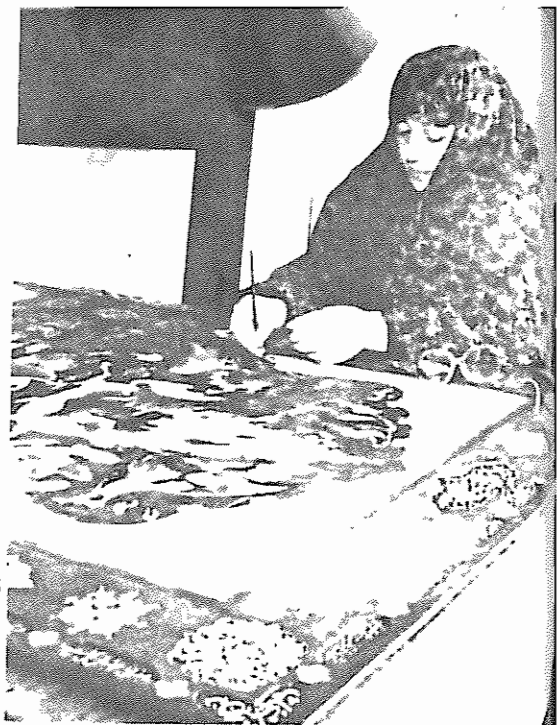
۱۳۷۳

۵۷۰۰ تومان

در بخشی از این پیشگفتار می‌خوانیم:

«به نظر می‌آید خانم زندی در مقابل مدل، شناختها و آشناییهای قبلی با او را فراموش کرده است و مثل عکاسی مسلط کوشیده است ضمن کار، ذهنیت عکاسی خود را حفظ کند.

وقتی بخواهیم از مدل آشنایی، عکاسی یا نقاشی کنیم؛ سابقه آشنایی مزاحم کار می‌شود. آشنایی نمی‌گذارد عکاس یا نقاش در چهارچوب



زینت‌سادات اعلمی

مریم زندی پس از انتشار مجموعه عکسهایی از چهره‌های ادبی معاصر در سال ۱۳۷۲، مجموعه جدیدی عکس از ۱۱۴ نقاش معاصر ایران ارائه داده است؛ با این هدف که به دور از هر گونه تقسیم‌بندی، سندی از چهره هنرمندان نقاش این مرز و بوم را به یادگار گذارد. شیوه تنظیم عکسها همانند مجموعه قبل، براساس سن هنرمندان است و کتاب از نقاشان مسن آغاز می‌شود و به جوانترها می‌رسد. عکاسی از نقاشان ایران در این مجموعه از مرداد ۷۱ آغاز می‌شود و تا نیمه آذر ۷۳ ادامه می‌یابد. مجموعه با پیشگفتاری از مرتضی ممیز آغاز شده است.

ایران دزدی



بهجت صدر

ذهنیت حرفه‌ای خود باقی بماند. خاطره‌های عاطفی، دوستی و آشنایی مثل توری ظریفی میان عکاس و مدل قرار می‌گیرد و عکس مبتدل به اثر نمی‌شود. بنابراین عکاس باید تلاش زیادی کند که تمام خاطراتش را دور بریزد و مدل را به عنوان یک موضوع جدید، بار دیگر کشف کند و مترصد لحظه‌ای شود که حالت، روحیه، نور، فرم، رنگ و فضای ویژه و گویایی از او را شکار و ثبت کند. به همین سبب به نظر می‌آید این بار عکسهای خانم زندی عکس‌تر شده‌اند، ماندنی‌تر شده‌اند، اثر شده‌اند. این مجموعه به احمد عالی تقدیم شده است.







☀ «او»

- نمایشگاه نقاشی آریا اقبال

- گالری آریا

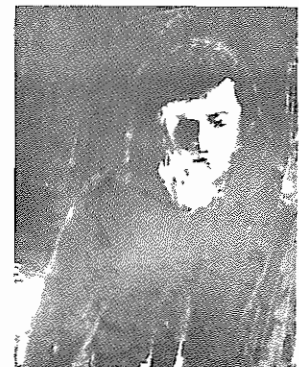
- پنجم تا ۱۱ دی ۷۳

● سیده خانبلوکی

به نقاشیهای آریا اقبال که می‌نگری، فراموش می‌کنی که اصلاً تابلویی در کار است. چنین می‌پنداری که به سرای نقاش آمده‌ای: آدمهایی پیر و جوان، آشنا و ناآشنا، با تن پوشهای تیره‌شان، مغموم و پریده رنگ، گاه به تو می‌نگرند و گاه، نگاه به دیگر سو دارند. غمی مشترک به یکدیگر پیوندشان داده و آنکه، گویی همه غمها از نبود اوست، با پراهنی سپید و گلی در دست، با آرامش و سکوتی ازلی و ابدی، در صدر نشسته و نظاره‌گر این همه است.

از دور دستها - از کنیسه‌ای شاید - آوایی به گوش می‌رسد: غمگین، سنگین و با شکوه...

آریا اقبال در گالری آریا پرتره‌هایش را به تماشا گذاشته بود. وی با آکریلیک بر روی بوم، نقاشی کرده است. اقبال در کارهایش، به جزئیات و ساخت و ساز نپرداخته و بسیار ساده و راحت نقاشی کرده‌است. وی عنصر خط را چندان مورد توجه قرار نداده و با استفاده از



تاشهای بزرگ رنگ، و با کنار هم نشاندن سایه‌ها و سپیدها در تضادی مشخص، فضایی غم‌انگیز را به وجود آورده است.

با اینکه آریا اقبال، با تکیه بر احساسات و تجربیات خود، نقاشی کرده، شناخت سبکهای مختلف نقاشی و گرایش ناخودآگاه وی به برخی از آنها، سبب شده است که در تابلوهایش، رده‌پایی از چند نوع سبک وجود داشته باشد که از جمله می‌توان به اکسپرسیونیسم اشاره کرد.

### ☀ از باغ سرسبز تا «زمین سوخته»

- نمایشگاه نقاشی تمیلا

امیرابراهیمی

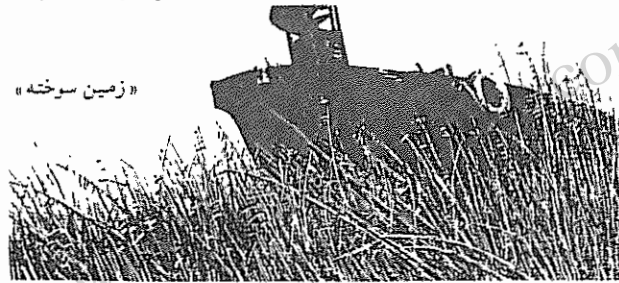
- گالری آریا

- ۱۳ تا ۱۹ دی ۷۳

شکسته می‌شود... اینجا دیگر خبری از باغچه و گل نیست. چرا که در «زمین سوخته» هیچ دانه‌ای جوانه نمی‌زند، هیچ جوانه‌ای به سبزی نمی‌گراید و درختی چون نیست، باغی هم نیست.

اما نه... نخلهای مقاوم جنوب، هنوز هستند و گند مزارع‌هایش و خاک حاصلخیزش؛ و این همه، به سادگی به تابلوهای نقاش راه یافته‌اند.

امیرابراهیمی، این بار تحت تأثیر فضا و حال و هوای جنوب نقاشی کرده است. پرداخت دقیق به جزئیات، نور و سایه‌ها و جنسیتها، به همراه تکنیک خوب وی، کارهایش را واقع‌گرایانه صرف جلوه می‌دهند. اما واقعیت این است که وی، آن طور که خود نیز می‌گوید، در طبیعت دخل و تصرف کرده‌است. به گونه‌ای که ابتدا از موضوع، عکس گرفته؛ سپس با تغییر کمپوزیسیون، رنگ و نور و سایه‌ها، و گاهی نیز با تلفیق دو



موضوع یا دو مکان در یکدیگر، تابلوهایی خود را به وجود آورده‌است.

### ☀ از تیرگیها تا روشنیها

- نمایشگاه نقاشی بهجت صدر

- فرهنگسرای نیاوران

- دوم تا ۲۸ بهمن ۷۳

در فرهنگسرای نیاوران، شاهد برگزاری نمایشگاهی بودیم که مروری داشت بر آثار نقاشی بهجت صدر، از گذشته تاکنون. آثار صدر، در این نمایشگاه شامل دو بخش متفاوت بود: تابلوهایی بازمانده از آن سالیان که سراسر نوآوری بود. آثار آستره با پهنه وسیع رنگها یا رنگبرده‌های سیاه و سفالی که به شیوه رنگ‌گذاری سنگین و با کاردک نقاشی یا قلم وی بزرگ، بر روی بوم منتقل

شده‌اند. در این کارها، فرم، رنگ و کمپوزیسیون بیشترین اهمیت را دارد و نوعی حرکت و ریتم خاص در آنها به چشم می‌خورد. این آثار را نمی‌توان انتزاعی صرف نامید. چرا که به هر حال، بازتابی هستند از دنیای خارج و تقلیدی از ریتمها و حرکات موجود در طبیعت. چنانکه او خود می‌گوید: «این ریتم و حرکت را هنگام کنار هم قرار گرفتن درختان در قلمستان و یا در جریان ملایم آب در رودخانه، مشاهده کرده و تحت تأثیر آن، نقاشی کرده‌ام». بخش دوم، عکس - کولازها، که نسبتاً جدیدترین و تلفیقی هستند از عکس و نقاشی. در این کارها، عکسی بر روی بوم چسبانده شده و قسمتهای دیگر تابلو، نقاشی شده‌اند. بر اکثر این کارها، فضاها و رنگهایی روشن حاکم است. به طور کلی از لحاظ به کار بردن رنگهای تیره و روشن، کارهای صدر، سیری دیگرگونه دارند. چرا که از آثار قدیم او که به تابلوهای جدیدش می‌رسیم، گویی دریچه‌ای از نور، به رویمان گشوده می‌شود و آن همه سیاهی، جای خود را به فضاهای باز و روشنی می‌دهند که خود، نشان از تولدی دوباره دارند.

صدر می‌گوید: «باید ایستاد، باید کار کرد، باید صمیمی بود و مقاوم». این حرف اوست. زنی که مشکلات و



ناملایمات زندگی، هرگز نتوانسته‌اند از کار، بازش دارند. زنی هنرمند، با وجودی سرشار از عشق به کار و دیار و فرزند. پس از ۴۰ سال کار و تلاش، هنوز شور بودن و حرکت را در چشمانش می‌بینی، آن هم در ۷۰ سالگی، سن شکوه و شکایت.

وی تابلوهایش را با تأثیر گرفتن از مسائل پیرامون خود به وجود می‌آورد و زندگی در نظر او، کولازی است که از کنار هم قرار گرفتن رویدادها و مسائل مختلف (هر تکه از یک جا) شکل می‌گیرد ■

# چی مہ

ق: آذراین



چی مہ! تو دفتر گاراژ وثوق منتظر نشسته بود تا مینی بوس لالی تکمیل شود. عمو اسمش را نوشته بود. دو تا صندلی پشت سر راننده را - که آشنا بود - برایش گرفته بود و کتتش را پهن کرده بو روی صندلیها.

- اولین مسافرت دوتایی یادت می آید؟ انگار همین دیروز بود. روی صندلی پشت سر راننده نشسته بودیم و سنگینی نگاه تمام مسافران را حس می کردیم. مثل این بود که همه داشتند ما را با انگشت به هم نشان می دادند. صدایی گفت: خدا پای هم پیرشون کنه. - چه دردی دارد این بچه، گرسنه که نیست. همین چند دقیقه پیش بود که چی مہ رو برگردانده بود طرف دیوار؛ عمو خودش را سرانده بود لبه صندلی ارج و بین چی مہ و باقی مسافرها حایل شده بود، چی مہ پستان به دهان بچه گذاشته بود. بچه، سیر شیر خورده بود و پستان را پس زده بود. پس حالا چرا زبان به دهان نمی گیری؟

عمو گفت: «خیس نکرده، جاییش درد نمی کنه؟» چی مہ بچه را واریسی کرد. خشک بود. گفت: «چه می دانم؟ درد من که یکی - دو - تا نیست.»

- باشد، بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند. نشخوار آدمیزاد خرف است. بگذار بگویند چی مہ مثل بیوهها می رود خانه شوهر. نه سری، نه صدایی. اصل کار این است که آنها دوتایی کنار هم روی صندلی جلوی مینی بوس نشسته اند، زنها پشت سرشان کیل می زنند و آهای گل می خوانند. خانه غریبه که نمی رود؛ چه خانه عمو، چه خانه پدر.

عمو، بچه را از بغل چی مہ گرفت. بلند شد و از دفتر رفت بیرون. ماشینها را به بچه نشان داد. بچه گریه ای از زور سرما زیر چرخ یک مینی بوس کز کرده بود. عمو با بچه رفت طرفش و صدای گریه درآورد. بچه گریه، ترس خورده از زیر چرخ بیرون آمد و گریخت. عمو، بچه به بغل دوید دنبالش. بچه با چشههای خیس اشک خندید.

- این پنبه را از گوشت بیرون بیاور. زن اول و آخرت، چی مہ است تا رگ سر سینه من می زند. گمانم شنذرغاز شرکت نفت مست کرده. چیزهایی شنیده ام. نه اینکه فکر کنی حالیم نیست. گذاشته ام تا خودت سر عقل بیایی.

- خوب، آدم قابل به ترقی است. آن وقتها پسر یک کارمند ساده بود حالا رتبه گرفته و رئیس شده. کور دستکش بشوم اگر من در کارشان دخالت کرده باشم. اصلاً به من چه؟ من پیرزن علیل و دردمند این گوشه افتاده ام. خدا هم که جانم را نمی گیرد، راحت کند. این حرفها، حرف خودش است. بچه که نیست. می گوید چی مہ معاشرتی نیست، آداب دان نیست. تو مهمانها، بگو و بخند نیست. اینها را من نمی گویم که الهی به دردم گرفتار بشود کسی که می گذارد گردن من. مردم چرا تابوت خودشان را سنگین می کنند؟ مگر فردا نباید همه مان تو یک وجب خاک خدا بخوابیم؟

- توی راه، خودم را زدم به خواب و سر گذاشتم روی شانه تو،

انگار که دنیا مال من بود. انگار ماشین پرواز می کرد. بکهو پرنده راه گم کرده ای، محکم خورد به شیشه جلوی ماشین و افتاد تو جاده. جیغ کشیدم. گفتم: «داشتی خواب می دیدی؟» گفتم: «بگو ماشین بایستد. می خواهم بدانم چه به سر پرنده زبان بسته آمد.»

سرم را روی شانهات فشردی و گفتم: «بخواب عزیزم، بخواب!» بچه خواب رفته و سنگین شده بود. مسافرها داشتند سوار می شدند. عمو دوباره سفارش چی مہ را به راننده کرد: «جان تو، جان عروسم.» راننده به نشانه قبول و اطاعت، چهار انگشت دست راستش را گذاشت روی چشمش و گفت: «دختر خودمه.» عمو بچه را گذاشت تو بغل چی مہ. چی مہ سوار شد. عمو از پشت شیشه با اشاره به چی مہ چیزی گفت. بچه بیدار شده بود. عمو روی پنجه پا، قد کشید. بینی اش را به شیشه فشرد. بچه دماغ پخ کرده عمو را که دید خندید. عمو دندان بر لب فشرد. سرش را رو به آسمان گرفت و قطره اشکی را که خیال سرازیر شدن داشت خشکاند. ■

یادداشت:

۱ - چی مہ: چون ماه، مانند ماه



رختخواب فرستادن آنهاست، طی می‌شود.  
دکتر دونالد هایل، روان‌شناس بالینی و متخصص مسائل روانی کودکان، با این روش زندگی سخت مخالف است. او می‌گوید: «باز کردن سر صحبت با کودکان چندان آسان نیست ولی برقراری یک گفت‌وگوی خوب هم غیر ممکن نیست. مسأله مهم این است که از کودکان درک و شناخت درستی داشته‌باشید و بدانید چگونه گفت‌وگو را آغاز کنید.»

توجه داشته‌باشید که نباید از پسران هم به اندازه دختران توقع صحبت داشته‌باشید. تحقیقات نشان می‌دهد که قدرت دختران در ابراز احساسات و بیان کلمات عاطفی به والدین بیشتر است. دکتر هایل معتقد است که اکثر پسران فقط شادی، ناراحتی و عصبانیت را حس می‌کنند در حالی که دختران با طیف وسیعی از احساسات گوناگون آشنا هستند. به همین دلیل است که معمولاً والدین با دخترشان بیشتر گپ دوستانه می‌زنند.

آمار نشان داده که یک پسر در طی روز، ۱۲ هزار لغت به زبان می‌آورد، حال آنکه یک دختر در حدود ۲۵ هزار لغت به کار می‌برد. با این حال اگر توصیه‌های مشاورین خانواده را جدی بگیرید، می‌توانید حتی کم حرفترین کودک را نیز به گفت‌وگو وادارید.

### ◀ کودکان قبل از دبستان به ترغیب بیشتری نیاز دارند

بچه‌های کوچک مشتاق برقراری ارتباط با بزرگترها هستند ولی نمی‌دانند صحبت را چگونه آغاز کنند. ممکن است کودک برای یک مکالمه دو جمله‌ای مدت زیادی فکر کند که همین خود بسیار با ارزش است. راههای بسیاری وجود دارد که بتوان کودک را وارد یک گفت‌وگوی صمیمانه کرد:

- وقتی امروز آدم مهدکودک دنبالت، دیدم که...

دکتر کریستین دال، روان‌کاو کودک، معتقد است که مشاهده یک رویداد یا اتفاق و منتظر عکس‌العمل طفل شدن، کاری عملی و طبیعی است. وی می‌گوید: «کودکان دو تا پنج ساله معمولاً به سؤالات مستقیم و متوالی پاسخ نمی‌دهند اما اگر راجع به رویدادی صحبت به میان آورید و منتظر بمانید، معمولاً تمام داستان را برای شما تعریف می‌کنند. فقط کافی است که آنها را به ادامه صحبت تشویق کنید.»

» شروع یک گفت‌وگو در صبح آن روزی که دوستم با پسر پنج ساله‌اش به خانه ما آمده بود، تنها چیزی بود که به ذهنم خطور نمی‌کرد.

بعد از یک شب کامل بیداری و مرور خاطرات گذشته با دوستم، داشتم توی آشپزخانه صبحانه را آماده می‌کردم. همان موقع متوجه شدم که پسرک روی صندلی آشپزخانه نشسته و دارد به من نگاه می‌کند. نگاهش را با یک لبخند پاسخ دادم. او با لبخندی که تمام صورتش را پر کرده بود، از من پرسید: «کارتان چه طور است؟»

ناخودآگاه با او درباره کارهای اداره و طرح جدیدی که در دست داشتم، صحبت کردم. بعد ناگهان به خود آمدم. به راستی او چقدر از این مسائل سر در می‌آورد؟

واقعاً چه تعداد از بچه‌ها در باره کارهای بزرگترها اشتیاق نشان می‌دهند؟ متخصصان معتقدند که تعداد این بچه‌ها زیاد نیست. ممکن است دوست من با فرزندش از این گفت‌وگوها زیاد داشته‌باشد ولی برای اکثر مادران، صحبت با فرزندانشان کاری بسیار دشوار است. مثلاً گفت‌وگوی من در طول روز با فرزندم از این قرار است:

من: (بعد از اینکه با عجله لباسم را عوض می‌کنم، به آشپزخانه می‌روم تا شام را آماده کنم) عزیزم، امروز چطور گذشت؟  
کودک: خوب.

من: در مدرسه چه کار کردی؟  
کودک: هیچی.

من: خوب، خوش گذشت؟  
کودک: بد نبود.

معمولاً حرفهای ما در همین حد است، مگر آنکه راجع به شام سؤالی پیش بیاید. بعد هم روال عادی هر روز که شامل شستن ظرفها، کنترل درس و مشق بچه‌ها و به

# چگونه بچه‌ها را به حرف بیاوریم؟

سندی شلتون ترجمه افسون زمردیان

● اگر به کودک اندرز دهید، نشان می‌دهید که مشکلش چندان مهم نبوده و ارزش اندکی تأمل و تفکر را هم ندارد.

● بهترین راه برای صحبت با بچه‌های نش تا ۱۰ ساله این است که نظرشان را در مورد چیزی بپرسید؛ آنها نظرات و ایده‌های فراوانی دارند.





بچه‌های کوچک به علاقه و توجه والدینشان برای گفت‌وگو، پاسخ مثبت می‌دهند. اگر شما لبخند بزنید و خود را مشتاق و علاقه‌مند نشان دهید، کودک هم تشویق می‌شود که بیشتر و بیشتر حرف بزند.

- مثل اینکه ناراحت هستی!

در صحبت با کودکان خردسال، استفاده از واژه‌های متناسب با حالات درونی آنها می‌تواند خیلی کارساز باشد. دکتر دال می‌گوید: «می‌توان برای حالات درونی کودک نامی انتخاب کرد. مثلاً به او بگویید که از ابروهای درهم یا لبهای آویزانش پیداست که از چیزی دلخور است یا از ورجه‌ورجه کردن او پیداست که خوشحال است و می‌خواهد علتش را به شما بگوید.»

- یادت هست وقتی که تو...؟

کودکان، حتی آنها که خیلی کوچک هستند، دوست دارند به داستانهایی که در مورد خودشان گفته می‌شود، بارها و بارها گوش دهند. یک داستان زیبا می‌تواند زمینه خوبی برای آغاز گفت‌وگو و کسب تجربه‌ای جدید برای کودک باشد.

### ◀ بچه‌ها در سنین مدرسه، عاشق تفکر هستند

در واقع بهترین راه برای صحبت با یک بچه شش تا ۱۰ ساله این است که نظرش را در مورد چیزی پرسید. بچه‌ها در این سن، نظرات و ایده‌های فراوانی دارند و نظرخواهی از آنها می‌تواند بهترین راه برای آغاز یک گفت‌وگو باشد:

- راستی، نظر تو چیست؟

واقعاً مهم نیست که نظر او را درباره چه چیزی می‌پرسید: چرا پنج روز است که باران بند نمی‌آید، یا اینکه چرا او می‌خواهد فقط لباس بنفش بپوشد و یا بهترین برنامه برای تعطیلات آخر هفته چیست؟ بچه‌ها ترجیح می‌دهند از آنها در مورد راه حل سؤال شود تا اینکه به آنها دستورالعملی ارائه گردد. این سؤال، راه را برای یک بحث داغ و جالب باز می‌کند.

دکتر دال می‌گوید: «نظر کودک را پرسید و نظر خود را نیز ارائه دهید. یادتان باشد حرفهای بچه‌ها را همیشه مورد دآوری و انتقاد قرار ندهید.»

- مثل اینکه به چیزی فکر می‌کنی؟

وقتی احساس می‌کنید کودک نگران و ناراحت است، با این جمله سر صحبت را باز کنید، شاید این سؤال باعث شود تا او مشکلش را با شما در میان گذارد. اگر

گفت‌وگو میان شما آغاز شد، سعی کنید به حرفهایش گوش دهید و تا آنجا که ممکن است از دادن پند و اندرز خودداری کنید.

دکتر هایل معتقد است: «اگر به او اندرز دهید، نشان می‌دهید که مشکلش چندان مهم نبوده و ارزش اندکی تأمل و تفکر را هم ندارد. سعی کنید هنگام نصیحت، احساسات او را نیز در نظر بگیرید، در این صورت اندرزتان مؤثر خواهد افتاد. به بیان دیگر، به جای اینکه بگویید: خوب، اگر با بچه‌ها رفتار دوستانه داشته باشی، خیلی زود به مدرسه جدیدت عادت می‌کنی؛ بهتر است با او کمی همدردی کنید. مثلاً به او بگویید: راست می‌گویی! اولین روز مدرسه جدید با آن همه چیز تازه که باید به آنها عادت کنی، کمی عذاب‌آور است.»

- به نظر تو امشب برای شام چه پزم؟

ممکن است تعجب کنید اگر بدانید بچه‌ها می‌توانند دائماً راجع به غذا صحبت کنند: چه دوست دارند بخورند، دیشب شام چه خوردند، دلشان می‌خواست چه بخورند، کدام غذا را بیشتر دوست دارند یا غذاهایی که برای جشن تولد آینده‌شان در نظر دارند چیست. بچه‌ها اصولاً می‌توانند راجع به غذا و خوراکیهای مختلف آن قدر حرف بزنند که دیگر خسته شوید.

- بهترین اتفاقی که امروز برایت افتاد، چه بود؟

مزیت این گونه پرسشها این است که به کودک کمک می‌کند روی صحبت کردنش کنترل بیشتری داشته‌باشد. البته نباید کودک را وادار به صحبت کردن کنید، گاهی ایجاد یک فضای دوستانه، بهترین زمینه را برای گفت‌وگو مهیا می‌کند.

بهتر است این شیوه را قبل از اینکه کودک بخوابد امتحان کنید، زمانی که اتاق تقریباً تاریک و سکوت بر خانه حاکم است. این گفت‌وگو به کودک آرامش می‌دهد و کمک می‌کند که او با احساسی خوب به خواب برود.

### ● شوخی و مزاح بهترین

محرك برای بچه‌هاست و حتی گاهی اوقات همه اعضای خانواده را دورهم جمع می‌کند. این محیط شاد خانوادگی زمینه ایجاد گفت‌وگویی صمیمانه را به وجود می‌آورد.

- تق تق تق

- کیه؟

- منم بزیز قندی، اومدم بیستم امروز چه کار کردی؟

بله! این کار به نظر کمی مسخره می‌آید

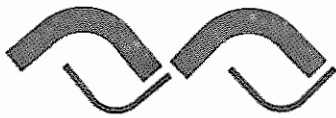
ولی از این راه می‌توانید با بچه‌ها، بهترین ارتباط را برقرار کنید. در حین این بازی، آنها می‌خندند و خیلی زود تمام ماقع روز را برایتان تعریف می‌کنند.

شوخی و مزاح بهترین محرك برای بچه‌هاست و حتی گاهی اوقات همه اعضای خانواده را دورهم جمع می‌کند. این محیط شاد خانوادگی، زمینه ایجاد گفت‌وگویی صمیمانه را به وجود می‌آورد و کودک با اعتماد به نفس بیشتری با شما حرف می‌زند.

به یاد داشته‌باشید که هر چیز، راه‌حلی دارد وقتی کودک حس می‌کند که شما علاقه دارید در جریان مسائل او قرار بگیرید و او را درک کنید، عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. ■

# انتظار به پایان رسید...!

چاپ دوم کتاب «آرایش سبزیجات و میوه آرایی» نوشته ساناز مینایی (مدیر آموزشگاه ساناز و سانیا) از ۱۳۷۳/۱۲/۱ در سراسر ایران پخش می‌شود.



۲۰۰ صفحه - کاغذ و جلد مرغوب - تصاویر ۵ رنگ  
همراه با توضیحات جامع به دو زبان فارسی و انگلیسی  
قیمت ۳۸۰۰۰ ریال (سه هزار و هشتصد تومان)

جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد خرید پستی (هزینه پست یک جلد کتاب برای تهران ۱۰۰۰ ریال، برای شهرستان ۱۵۰۰ ریال که به قیمت کتاب اضافه می‌گردد) یا حضوری «آرایش سبزیجات و میوه آرایی» با موسسه مطبوعاتی ۷ قصه - تماس حاصل نمایید.

## مرکز پخش انحصاری

موسسه مطبوعاتی ۷ قصه (شماره ثبت ۴۰۷۴)  
تهران - صندوق پستی ۴۷۳۴-۱۴۱۵۵ (مسعود سلیمی)  
۶۴۰۹۸۱۹ (۵)



## فرم پیش فروش

علاقتمندان به دریافت کتاب «آرایش سبزیجات و میوه آرایی» می‌توانند مبلغ مورد نظر را به بانک تجارت شعبه قرنی کد ۱۷۱ (قابل پرداخت در سراسر کشور) حساب جاری ۱۷۰/۲۰۸۰۸ بنام مسعود سلیمی واریز و اصل سند بانک و فرم پیش فروش را به تهران صندوق پستی ۴۷۳۴-۱۴۱۵۵ (مسعود سلیمی) ارسال نمایند.

نام.....  
تعداد.....مبلغ.....  
آدرس و تلفن.....  
.....  
.....

چاپ اول کتاب «آرایش سبزیجات و میوه آرایی» در کمتر از ۶ ماه نایاب شد. به همین خاطر، در چاپ دوم مجبور به پیش فروش هستیم

با آرزوی بالی خوش  
برای شما

سررسید ۱۳۷۴

روزشماری که در تمام لحظات همراه شماست

روزشماری متفاوت

برای خانمها بخصوص

و نیز برای همهی افراد خانواده

تلفن : ۲۲۶۳۲۵۸



یکی از آن شبها بود. بچه از ساعت یک و نیم تا سه صبح پشت سر هم بیدار می شد و گریه می کرد. دختر چهار ساله ام نیز دوبار کابوس دیده و از ترس به اتاق ما پناه آورده بود. در ضمن مجبور بودم ساعت شش صبح خود را از رختخواب بیرون بکشم، صبحانه و لباس بچه ها را آماده کنم و برای گذراندن یک روز کاری و پر مشغله راهی اداره شوم. ❧

این وضع حتماً برای هر مادر شاغلی آشناست. آمارهای کلی نشان می دهد که روزانه تعداد زیادی از مادران بویژه آنان که شاغلند، به دلیل بیخوابی عملاً معلول هستند. برخی از آنها از اختلالات ویژه خواب مانند «حمله خواب» رنج می برند. بسیاری از این

افراد، مادرانی هستند که برای داشتن استراحت و خواب کافی در شب با دو مشکل عمده رو به رویند:

اول آنکه مادران شاغل اغلب از وقت خواب خود می زنند تا کارهای دیگری انجام دهند. آنان هر شب به طور متوسط ۲۰ دقیقه کمتر از مردان می خوابند و زمانی هم که طفل خردسالی در خانه داشته باشند، این تفاوت به بیش از ۴۰ دقیقه می رسد. البته هیچ دلیل بیولوژیکی وجود ندارد که نشان دهد زنان نسبت به مردان به خواب کمتری نیاز دارند.

دوم اینکه خواب مادران با وجود کودکان بیمار، مضطرب و ناآرام، همواره در معرض اختلال و بی نظمی است. مادری که چهار فرزند دارد و دوتای آنها دوقلو هستند می گویند: «حدود یک ماه و نیم است که نتوانستم راحت بخوابم. صبحها اغلب

احساس سنگینی می کنم، چشمانم تنگ می شود و احساس می کنم خونم منجمد شده است. گاهی اوقات واقعاً از خستگی گیج می شوم.»

مشکل کم خوابی زمانی حادتر می شود که افرادی که با حداقل خواب کنار می آیند و ظاهراً مشکلی ندارند، مورد تحسین قرار می گیرند. از زمانی که نیروی برق، کار تمام وقت و بی وقفه را ممکن ساخته، مردم ساعات کمتری را در خواب می گذرانند. به گزارش کمیسیون ملی اختلالات خواب، در طی ۱۰۰ سال گذشته، میزان خواب کامل شبانه حدود ۲۰ درصد کاهش یافته در حالی که هیچ یک از شواهد موجود نشان نمی دهد که نیاز ما به خواب تقلیل یافته است. در واقع بیشتر تحقیقات نشان می دهد که اکثر مردم اگر خواب و استراحت بیشتری داشته

# دریغ از یک خواب راحت!

کارولین جابز  
ترجمه تریا طالب زاده

● بیخوابی، شما را عصبی، تندخو و افسرده می کند و این امر نه تنها باعث می شود شما در برابر خویش خجل شوید بلکه تأثیر اجتماعی بدی بر اعضای خانواده، همکاران و همه اطرافیان می گذارید.

● زنان شاغل هر شب به طور عادی ۲۰ دقیقه کمتر از مردان می خوابند و با وجود اطفال خردسال، این تفاوت به ۴۰ دقیقه می رسد در حالی که هیچ دلیل بیولوژیکی نداریم که زنان کمتر از مردان به خواب نیاز داشته باشند.



## ● مشکل کم خوابی

زمانی حادث می شود که

افرادی با حداقل

خواب مورد تحسین

قرار می گیرند.

مورد مصرف کافئین باید گفت بی دلیل نیست که بسیاری از شربتهای خواب آور دارای این ماده هستند. اما با اینکه کافئین به داشتن خواص همچنانزا و ضدخواب معروف است با استفاده مدام بدن به سرعت در مقابل آثار محرک آن مصون می شود. طبق بررسیهای آزمایشگاهی، دادن دو فنجان قهوه به افراد، قبل از آزمایش موجب هوشیاری انسان می شود اما اگر همین مقدار قهوه سه روز متوالی به آنها داده شود، تاثیر خود را از دست خواهد داد.

### ◀ تحرک داشته باشید:

اصولاً تمرین و ورزش، تحرک بدن را افزایش می دهد. به همین دلیل افراد پس از کمی ورزش احساس می کنند انرژی بیشتری دارند حتی اگر به حد کافی استراحت نکرده باشند. خانم کارمندی می گویند: «شبی که کم خوابی دارم، بعد از ظهر روز بعدش بهتر از صبح آن است چون در وقت ناهار ۲۵ دقیقه ورزش می کنم.» او می گویند: «اگر شب قبل تا دیروقت بیدار مانده باشم، انجام تمرینات ورزشی برایم کمی مشکل است اما این کار مرا هوشیارتر می کند. در غیر این صورت تمام روز را گیج خواهم بود.»

اما نهایتاً انرژی ناشی از استراحت کافی، چیز دیگری است.

### ◀ کمی چرت بزنید:

واضح است که نمی توانید در محل کار بخواهید. ولی واقعیت این است که چرت زدن، نیروی کار را پس از یک شب بد خوابی، به انسان باز می گرداند. برخی از محققان میان «خواب در هنگام کار» و «خواب سرکار» تمایز قایلند. آنها می گویند خواب در حین انجام کار می تواند مشکل آفرین باشد اما خواب در سر کار این حالت را ندارد. اگر در محل کار خود اتاق یا دفتر مخصوص ندارید، در یک اتاق خلوت و ساکت استراحت کنید. نیازی نیست که حتماً دراز بکشید، اگر خیلی خسته هستید در

مقرر بیدار شوید. حتی در تعطیلات آخر هفته، هر شب سر وقت مقرر خوابیدن، بدن را وادار می کند که در یک زمان معین به خود استراحت دهد؛ بنابراین خیلی زودتر به خواب می روید.

شاید از اینکه صبح روز جمعه ساعت هفت، صدای بچه از خواب بیدارتان کند، دلخور شوید اما آنچه او انجام می دهد در واقع کمک به ساعت درونی شما برای بیدار شدن شروقت است. بهترین الگو این است: سر وقت به رختخواب بروید، هر روز سر وقت بیدار شوید و در این بین هشت ساعت را بی وقفه بخواهید. اگر نتوانستید چنین الگویی را پیاده کنید، سعی کنید روزهای آخر هفته کمبود خواب را جبران کنید. کسانی که از روش دوم استفاده می کنند در ابتدای هفته نسبتاً سر حالند و روزهای سه شنبه و چهارشنبه کاملاً خسته و کسل به نظر می رسند و این خستگی را ناشی از کار زیاد می دانند در حالی که خستگی بیش از حد به بی نظمی ساعات خوابشان مربوط است. راه خروج از این چرخه ناموزون این است که کارهایی را که در شبهای وسط هفته شما را تا دیروقت بیدار نگه می دارند، به صبح روزهای تعطیل موکول کنید.

حتی زمانی هم که برنامه خواب خود را کامل و تنظیم کردید؛ شبهایی پیش می آید که بچه ها مانع خواب شما شوند. البته می توانید آنها را دوباره با آرامش بخواهید اما این کار بسیار وقت گیر است پس بهتر است راه حلهای سریعتری بیابید.

### ◀ خود را بشناسید:

بهتر است اوقات هوشیاری و خستگی خود را بدانید. تمام افراد کم و بیش از ته صبح تا ۱۲ ظهر، حال مساعدتری دارند. پس از فرصت استفاده کنید و کارهای مورد علاقه یا کارهایی را که به توجه و تمرکز خاصی نیاز دارند در این فاصله انجام دهید. تقریباً هشت ساعت پس از خواب، توان و انرژی فرد کاهش می یابد و در صورت وجود کم خوابی، طول این زمان در روزهای بعد کمتر می شود.

مادری می گویند: «وقتی به اندازه کافی نخواستید باشم، ساعات بعد از ظهر برایم کشنده است، اغلب سعی می کنم با یک فنجان چای یا قهوه خود را سرپا نگه دارم.» در

باشند، کارآیی بهتر و نشاط بیشتری خواهند داشت. افرادی که مدعی اند با پنج ساعت خواب، کارآیی خوبی دارند؛ در عمل آن چنان که تصور می کنند از عهده کارها بر نمی آیند. اگر افراد کم خواب را در گروهی جداگانه قرار دهیم که آنان نیز بتوانند مانند سایرین تقریباً هشت ساعت بخوابند، پس از رفع کم خوابی حتماً می گویند: «نمی دانستم هوشیاری کامل چقدر خوب است.»

### ◀ چقدر خواب کافی است؟

میزان نیاز به خواب بین هفت تا نه ساعت است. اگر قبل از آنکه ساعت زنگ بزند از خواب بیدار شوید، معلوم است که به اندازه کافی خوابیده اید. برای امتحان می توانید در یک اتاق تاریک روی تخت دراز بکشید و از کسی بخواهید مدت زمان به خواب رفتن شما را اندازه گیری کند. افرادی که واقعاً دچار کم خوابی هستند، در کمتر از پنج دقیقه به خواب می روید. برای تأیید کم خوابی اکثر مادران شاغل، نیاز به انجام هیچ تستی نیست. آنچه این مادران از آن غافلند، عواقب کم خوابی مزمن است. این افراد بایستی مسأله خواب را جدی بگیرند؛ اگر خواب کافی نداشته باشند مانند آن است که در خوردن غذای کافی و مناسب اعمال کنند. این کار در ابتدا ضروری ندارد ولی با گذشت زمان نتایج زیانبار آن آشکار خواهد شد.

افرادی که کمتر از شش ساعت در شب می خوابند، از سلامت کمتری برخوردارند. محققان می گویند به احتمال زیاد کیفیت خوب خواب به مقاومت بدن در برابر عفونتها کمک می کند. در ضمن بی خوابی موجب تشویش سطح کارآیی می شود. این نارسایی، حافظه، استدلال، محاسبه، یادگیری، گفتگوهای جدی و تصمیم گیری را مختل می سازد. پنداست که بی خوابی احتمال وقوع حادثه را نیز بالا می برد چون فرد خواب الوده دقت کمتری دارد.

### ◀ چرخه را تغییر دهید:

تها راه جلوگیری از تأثیرات مخرب کم خوابی، خواب خوب و کافی است؛ پس باید عواملی را که مانع خواب کافی می شوند از میان برداریم. خواب را در اولویت قرار دهید. شب هنگام، هر گاه نتوانستید، به رختخواب بروید هر روز صبح سر ساعت



# دومین دوره «زنان» (شماره‌های ۱۰ تا ۱۵) با جلد زرکوب منتشر شد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای هر یک از دوره‌های اول و دوم زنان (شماره‌های ۱ تا ۱۵) مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۱۹۷۰ بانک ملی ایران شعبه سمیه به نام مجله «زنان» (قابل پرداخت در شعب بانک ملی در سراسر کشور) واریز و کپی رسید را همراه با آدرس دقیق و کدپستی خود، به آدرس تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵ - ۵۵۶۳ ارسال فرمایند.

۱۵  
۷۲

هزینه ارسال به  
پست سفارشی به  
عده «زنان» است

● تقریباً هشت ساعت پس از خواب، توان و انرژی فرد کاهش می‌یابد و در صورت وجود کم‌خوابی، طول این زمان در روزهای بعد کمتر می‌شود.

● کمبود خواب بر روی حافظه، قدرت فراگیری و تصمیم‌گیری شما تأثیر می‌گذارد و پس از مدتی به کلی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهید.

عدم ابتکار، بی‌استعدادی و یا کم‌حافظگی نیست بلکه فقط خسته هستید و نمی‌توانید به خوبی کار کنید. به جای تحت فشار قرار دادن خود، آرام باشید و سعی کنید هر چه زودتر بیخوابی خود را جبران کنید، توجه داشته باشید که بیخوابی می‌تواند شما را عصبی، تندخو و افسرده سازد و کل شخصیت شما را دگرگون کند و این امر نه تنها شما را در برابر خودتان خجل می‌کند بلکه تأثیر اجتماعی بسیار بدی بر تک تک اعضای خانواده، همکاران و به طور کلی همه اطرافیان شما می‌گذارد.

به خودتان اهمیت دهید. سلامتی و نشاط شما مستقیماً بر افراد خانواده اثر می‌گذارد و باعث پیشرفت در کارتان می‌شود. از انجام کارهایی که می‌توانید آنها را تا مدتی از برنامه روزمره‌تان حذف کنید، پرهیز کنید. اول به اندازه کافی استراحت کنید، بعد برنامه‌ای برای کارهای روزمره‌تان ترتیب دهید تا با توان و انرژی کافی بتوانید از عهده وظایف اصلی خود برآید. یادتان باشد هر جسمی ظرفیتی خاص دارد. وقتی با شتاب، انرژی بدن را مصرف می‌کنید دیگر توانی برای لحظات بحرانی زندگی باقی نمی‌گذارید.

کمی تأمل کنید. بیندیشید که باید چه کنید و راههای مختلف را بیازمایید. همین امروز، فردا ممکن است دیگر دیر باشد ■  
یادداشتها:

1 - narcolepsy



ساعت ناهار کمی در صندلی خود لم داده و استراحت کنید. چه بسا که خوابیدن مهمتر از غذا خوردن باشد. بیشتر افراد با ۱۵ دقیقه استراحت، کاملاً سرحال می‌شوند اگر چه از نظر علمی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه خواب برای تجدید هوشیاری و نشاط کامل، ضروری است. اصولاً اگر بتوانید یک سوم خواب از دست رفته را به خواب شب بعد اضافه کنید، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود. مثلاً اگر شب قبل به دلیل سرفه‌های شدید بچه، سه ساعت بیدار مانده‌اید؛ امشب یک ساعت زودتر به رختخواب بروید. تا آنجا که می‌توانید از همسران برای رفع بیخوابی کمک بگیرید. اگر پدر و مادر هر دو احساس مسئولیت کنند؛ بیخوابی، هیچ کس را چندان عذاب نخواهد داد. بعضی از والدین در طول شب، نوبتی از بچه مراقبت می‌کنند. مادری که از این روش پیروی می‌کند، می‌گوید: «شبی که قرار است فرمایش برنامه یا جلسه مهمی داشته باشم، شوهرم مراقبت از کودک را در طول شب بر عهده می‌گیرد و من می‌توانم آن شب را به راحتی بخوابم.»

## ◀ به خودتان اهمیت دهید:

کمبود خواب بر روی حافظه، قدرت فراگیری و تصمیم‌گیری فرد تأثیر می‌گذارد. در صورت کم‌خوابی پس از مدتی به کلی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهید. در این حالت به خود بگویید مشکلات شما به دلیل





۸۷۱۰۳۷۷  
۸۷۱۹۳۷۱

راهنمای زبان



✳ تدریس خصوصی انگلیسی ✳  
توسط خانم مسیحی با تلفظ صحیح انگلیسی  
فقط برای خانمها  
تلفن: ۶۷۱۷۶۶


آگاه  
کنکور سراسری و آزاد  
با همکاری کادر منتخب دبیران  
و کلیه  
کلاسهای نظام قدیم و جدید  
تلفن ۹۷۲۲۷۱

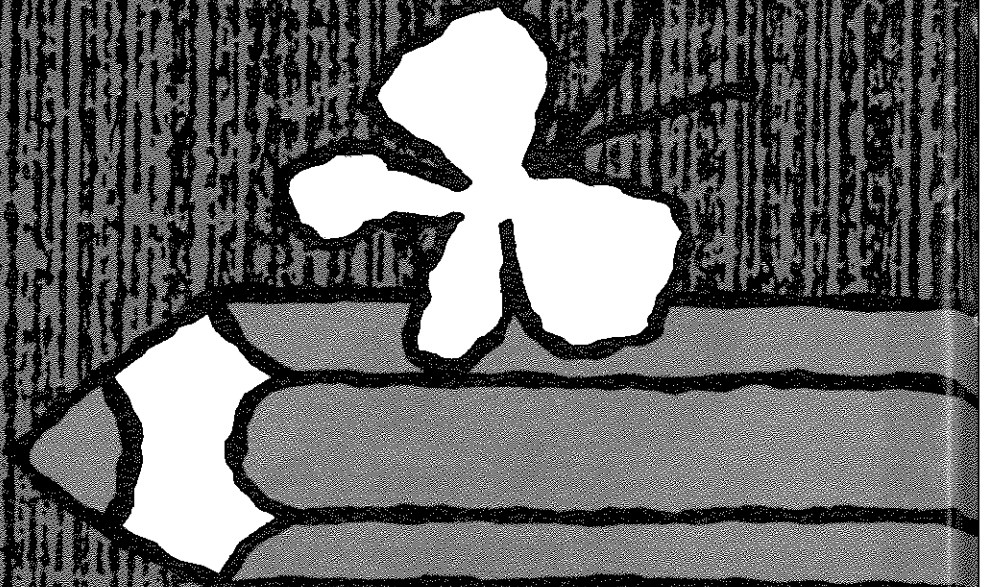
تدریس خصوصی  
پیانو - ارگ - گیتار  
کوک پیانو  
ژرژ تامازیان  
تلفن: ۶۷۱۷۶۶

تورک  
اعتیاد  
۹۷۶۶۳۳

ارتباط با دنیای زیبایی و پاکیزگی  
شهر بزرگ  
خشکشویی و سفیدشویی  
کلیه البسه  
با سرویس رایگان  
خشکشویی موکت، مبلمان  
واکس، پارکت و کفپوش  
شما نیز می توانید یکی از مشترکین  
ما باشید.  
تلفن: ۷۵۴۲۱۰۳  
شعبه ظفر: ۲۶۰۰۰۹  
شرق تهران: ۷۸۰۸۱۳۷

جدید جدید  
خانمهای ایران  
(دوبیگ و اشل سابق) اولین مزسه نرمیم مو در ایران  
خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود  
را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و  
اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را  
رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در  
اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش پیگیر  
متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون  
عمل جراحی از یکصد تار مو تا ده ها هزار تار مو روی سر  
شما نصب می گردد با این متد کاملا جدید و استثنایی  
شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست  
روئیده و هیچگونه نثارتی با موهای طبیعی تان ندارد و با  
لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که  
موهایتان ریخته است با خیال راحت استحمام کرده و  
موهایتان را به فرم دلخواه شانه کنید بعد از نصب مو  
چنانچه مورد پسندتان واقع گردید وجه اسرا بپردازید  
ضمن فراموش نکسید متدهای فوق احتیاج به مراجعه  
بعدی ندارد. تلفن: ۸۹۸۴۳۳  
تهران خیابان ولی عصر حسب سینما آریفا (آتلانتیک سابق)





# خدمات فرهنگی کیان

## ● حروفچینی

حروفچینی کامپیوتری، ویرایش متون، تصحیح و صفحه آرایی مجله و کتاب

## ● آتلیه گرافیک

طراحی و اجرای: نشانه - سر کاغذ، کارت ویزیت و پاکت، کانالوگ، بروشور، اعلان (پوستر)، روی جلد کتاب و مجله - صفحه آرایی کتاب و مجله، تصویرسازی، آگهی تبلیغاتی و صنعتی

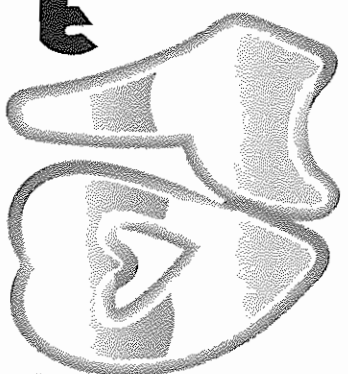
## ● خدمات لیتوگرافی

پذیرش کلیه خدمات لیتوگرافی سیاه و سفید و اسکنر

## ● خدمات چاپ و صحافی

پذیرش کلیه خدمات چاپ و صحافی تا مرحله نهائی

تلفن: ۸۳۹۱۵۱



# طی سال تولد پر اعتبارترین محصولات را ساخته ایم

- بهترین پلوی استاندارد شده ایران - برنده لوح افتخار
- تنها جاروبرقی استاندارد شده ایران
- زیباترین و پر قدرت ترین بکجه
- بی صداترین هواکش
- ایمن ترین جرخ کواش
- کارآترین آب میوه گیری



پارسا دگر

این پرسشنامه به منظور ارزیابی تلاش ما در ۲۰ شماره «زنان» طراحی شده است. صرف وقتی حدود ۱۰ دقیقه و پاسخ دقیق شما به پرسشها، ما را در ادامه بهتر راهنما یاری خواهد کرد. تا آخر اسفندماه از دریافت پاسخهای شما استقبال خواهیم کرد. ❁❁

۱- سال تولد: ۱۳	۲- جنس: زن <input type="checkbox"/> مرد <input type="checkbox"/>	۳- وضع تأهل: متأهل <input type="checkbox"/> مجرد <input type="checkbox"/> بیوه <input type="checkbox"/> مطلقه <input type="checkbox"/>
۴- آخرین مدرک تحصیلی:	۵- رشته تحصیلی:	۶- نام دانشگاه محل تحصیل:
۷- شغل:	۸- شهر محل سکونت:	۹- دین:

۱۰- از چه زمانی خواننده نشریه «زنان» شده‌اید؟

۱۱- از چه طریق با نشریه «زنان» آشنا شدید؟

دوستان  همکاران  اقوام  کتابخانه  استادان و معلمان  با رؤیت در کتابفروشی‌ها   
 با رؤیت در روزنامه‌فروشی‌ها  سایر طرق ، نام ببرید:

۱۲- نشریه را از چه طریق تهیه می‌کنید؟ اشتراک  روزنامه‌فروشی  کتابفروشی  سایر طرق ، نام ببرید:

۱۳- اگر نشریه را از کیوسک تهیه می‌کنید، بفرمایید با چه مشکلاتی رو به رو هستید؟

۱۴- اگر تا به حال کسی را تشویق به خواندن نشریه زنان کرده‌اید، آن فرد زن بوده‌است یا مرد؟

زن  مرد  کسی را تشویق به خواندن نکرده‌ام

۱۵- شما معمولاً نشریه را به «چند نفر» دیگر می‌دهید تا آن را مطالعه کنند؟  نفر

۱۶- چه کسان دیگری نشریه‌ای را که شما تهیه می‌کنید، می‌خوانند؟

دوستان  اعضای خانواده  همکاران  همکلاسی‌ها  سایر افراد ، نام ببرید:

۱۷- حجم کدام بخش از مطالب نشریه «زن‌آدم» از انتظار شماست؟

سرمقاله  گزارش و خبر  علم  ادبیات  حقوق  اندیشه  هنر  هیچکدام  نظری ندارم

۱۸- حجم کدام بخش از مطالب نشریه «کمتر» از انتظار شماست؟

سرمقاله  گزارش و خبر  ادبیات  اندیشه  هنر  حقوق  علم  هیچکدام  نظری ندارم

۱۹- زبان و بیان بخشهای زیر از نظر شما چگونه است؟

سرمقاله:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>	اندیشه:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>
علم:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>	ادبیات:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>
هنر:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>	حقوق:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>
گزارش:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>	خبر:	پیچیده <input type="checkbox"/> مناسب <input type="checkbox"/> پیش‌پا افتاده <input type="checkbox"/>

۲۰- کدامیک از قالبهای ارائه مطالب در نشریه، برای شما جذابیت بیشتری دارد:

مقالات تخصصی  مقالات عمومی  مصاحبه‌ها  میزگردها  گزارشها  خبرها

۲۱- به نظر شما جای خالی چه نوع مطالبی در نشریه احساس می‌شود؟

خیاطی، کاردستی  آشپزی، خانه‌داری  طنز و سرگرمی  جدول  نام‌خوانندگان  سایر مطالب ، نام ببرید:

۲۲- مثبت‌ترین و منفی‌ترین مطلبی که تا کنون در «زنان» خوانده‌اید، چه بوده‌است؟

مثبت‌ترین: \_\_\_\_\_  
منفی‌ترین: \_\_\_\_\_

۲۳- «زنان» تا به حال چه سوژه‌هایی را مورد توجه قرار نداده که به نظر شما لازم است به آن پردازد؟

# پرسشنامه نظرخواهی از خوانندگان «زنان»

۲۴ - اگر بخواهید به طور کلی و با در نظر گرفتن معیارهای یک نشریه خوب در زمینه مسائل زنان، نمره‌ای بین صفر تا ۲۰ به «زنان» بدهید، نمره ما چند است؟

۲۵ - به کدام نشریه خاص زنان در ایران، نمره‌ای بیشتر از نشریه «زنان» می‌دهید؟

۲۶ - به نظر شما روند کلی حرکت نشریه تا به حال چگونه بوده است؟

رو به پیشرفت بوده  در جازده  پسروی کرده  روند ثابتی نداشته

۲۷ - اگر شما به طور کلی بخواهید دیدگاه‌های نشریه زنان را توصیف کنید، کدامیک از موارد زیر را انتخاب می‌کنید:

دیدگاه‌های نشریه زنان تلخ و نومیدکننده است  دیدگاه‌های نشریه زنان واقع‌بینانه است

دیدگاه‌های نشریه زنان مثبت و امیدوارکننده است  نظری ندارم

۲۸ - به نظر شما دیدگاه‌های نشریه زنان نظام خانواده را:

تحکیم می‌کند  تضعیف می‌کند  تحت تأثیر قرار نمی‌دهد  در این زمینه نظری ندارم

۲۹ - همسر شما در این مورد چه نظری دارد؟

به نظر او نشریه زنان، نظام خانواده را:

تحکیم می‌کند  تضعیف می‌کند  تحت تأثیر قرار نمی‌دهد  در این زمینه نظری ندارد  نمی‌دانم

۳۰ - شما با کدامیک از جمله‌های زیر موافقت می‌کنید:

نشریه زنان، نشریه‌ای ضد مرد است  نشریه زنان، به زن و مرد به دیده مساوات می‌نگرد

نشریه زنان، برای زنان حق بیشتری نسبت به مردان می‌طلبد  نظری ندارم

۳۱ - به نظر شما «فمینیسم»، جنبشی اجتماعی است:

با هدف کسب حقوق و فرصت‌های مساوی برای زنان در قبال مردان  برای مبارزه جهت رفع ستم مردان بر زنان

به نظر من هیچکدام از این عبارات درست نیست  جهت تحقق برتری زنان بر مردان

در این زمینه اطلاعی ندارم

۳۲ - به نظر شما نشریه زنان، نشریه‌ای فمینیستی است؟

بله  تا حدی  خیر  نمی‌دانم

۳۳ - به نظر شما کدامیک از این دو نظر درست است؟

زنانی که گرایش‌های فمینیستی دارند به سراغ نشریه زنان می‌آیند  هر دو

زنانی که نشریه زنان را می‌خوانند، گرایش‌های فمینیستی پیدا می‌کنند  نظری ندارم

۳۴ - به نظر شما نشریه زنان، نشریه‌ای است:

شدیداً مذهبی  مذهبی  نه چندان مذهبی  کاملاً غیرمذهبی  نظری ندارم

۳۵ - اگر بخواهید رابطه خود را با دین و مذهب توصیف کنید، کدام یک از جمله‌های زیر بیشتر وصف حال شماست؟

من گرایش شدید مذهبی دارم  من گرایش مذهبی دارم

من چندان گرایش مذهبی ندارم  من اصلاً گرایش مذهبی ندارم

۳۶ - به نظر شما نقاط قوت و ضعف نشریه زنان چیست؟ لطفاً پیشنهادتان را برای بهبود کار نشریه بنویسید:

\* آدرس ما: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵، نشریه زنان

لطفاً روی پاکت حتماً عبارت «مربوط به نظر خواهی» قید شود.

\* کپی پرسشنامه نیز می‌تواند برای پاسخگویی دیگران مورد استفاده قرار گیرد.